

گزارش فعالیت‌های انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

یک‌هزار و سیصد و
نود و چهار

www.unstudies.ir



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد
Iranian Association for UN Studies

گزارش فعالیت‌های

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

۱۳۹۴

تهیه و تنظیم:

اعظم پازدار

با همکاری

علیرضا رنجبر

معرفی انجمن

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوجود آمد. امروزه فعالیتهای نظام ملل متحد تقریباً تمام زمینه‌های مربوط به حیات بشری را در بر گرفته است. سازمان ملل متحد انعکاسی از علاقمندی و خواست مردم جهان برای رهایی از جنگ و دست‌یابی به صلح می‌باشد. این سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین‌المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته‌های خود بوده است.

گسترده و میزان فعالیت‌های امروز سازمان بیش از هر نهاد دیگر بین‌المللی مورد انتظار مردم جهان برای تحقق خواسته‌های خود بوده است. گستره و میزان فعالیت‌های امروز سازمان احتمالاً در ذهن مؤسسان آن نمی‌گنجیده است. زیرا در حالیکه در طول موجودیت خود پای بند به منشور ملل متحد بوده، اما در عمل به طور مستمر تشکیلات جدیدی را برای انواع فعالیت‌های مورد نیاز به وجود آورده است. هم‌اکنون به موازات گسترش فعالیت‌های سازمان ملل متحد یک ذخیره عظیم اطلاعاتی و پژوهشی حاصل کوشش هزاران متخصص در زمینه‌های مختلف پدید آمده است و صدها تشکل در زمینه‌های فعالیت ملل متحد در همه نقاط دنیا بوجود آمده‌اند که با اعتقاد به منشور سازمان ملل متحد در جهت شناسایی، طرفداری و آموزش و پژوهش پیرامون موضوعات مربوط به سازمان به طور مستمر کار می‌کنند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، سازمانی مردم‌نهاد و غیر دولتی است که با همت جمعی از استادان صاحب‌نظر در رشته‌های حقوق بین‌الملل، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی «به منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مربوط» به خصوص نظام ملل متحد، آغاز به فعالیت نمود.

انجمن در سال ۱۳۸۰ با اخذ مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و تحت پوشش مقررات کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، فعالیت‌های خود را آغاز نمود و در حال حاضر به عنوان نهادی معتبر و موثر از طریق فعالیت‌های خود در جامعه علمی و دانشگاهی شناخته می‌شود. «ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی» و «برگزاری گردهمایی‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» دو اصل اساسی در تحقق اهداف انجمن هستند که همواره از سوی انجمن مورد عنایت ویژه قرار گرفته‌اند. یکی از نتایج توجه به این دو اصل، برگزاری

کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تخصصی مرتبط با نظام ملل متحد با هدف کمک به آموزش عالی در دانشگاه‌ها است که همواره از سوی شرکت کنندگان با استقبال همراه شده است. برگزاری همایش‌ها و نشست‌های تخصصی، انتشار کتاب و خبرنامه و تقدیر از استادان و بزرگان عرصه علم و اخلاق از جمله دیگر فعالیت‌های انجمن است که در اساسنامه انجمن مورد توجه قرار گرفته و انجمن همواره به آنها توجه خاص دارد.

در سال ۱۳۹۴ نیز همچون سال‌های پیش از آن برنامه‌های متنوع و مختلفی از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد برای شیفتگان و علاقمندان به ملل متحد تدارک دیده شده بود که گزارش آن را در این مجموعه می‌توانید مطالعه بفرمایید.

هیأت مدیره انجمن در سال ۱۳۹۴

دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی (بازرس)

دکتر نسرين مصفا (رئيس)

دکتر حسن سواری (خزانه‌دار)

دکتر سيد قاسم زمانی (دبیرکل)

دکتر محسن عبداللهی (عضو اصلی)

دکتر ستار عزیزی (عضو اصلی)

دکتر حسين شریفی طرازکوهی (عضو علی‌البدل)

دکتر آرامش شهبازی (عضو علی‌البدل)

دکتر مهدی زاهدی (بازرس علی‌البدل)

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

سخن آغازین

بخش اول: رویدادهای عمومی

نشست تخصصی «شناسایی حقوق بین الملل عرفی از دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد».....	۹
نشست تخصصی «تحولات حقوق بین الملل پناهندگی»	۱۰
نشست تخصصی «تحولات جاری در خصوص حقوق دریاها در چارچوب سازمان ملل متحد»	۲۸
نشست تخصصی « ابعاد حقوقی برجام هسته ای»	۳۰
نشست تخصصی «صلح؛ از آرمان تا واقعیت»	۵۴
نشست تخصصی «نقش کارگزاری های تخصصی ملل متحد در تولید و ترویج علم»	۵۸
میزگرد علمی «سازمان ملل متحد و جنگهای داخلی: کامیابی ها و ناکامی ها»	۶۲
نشست تخصصی «سازمان ملل متحد و حمایت از زنان؛ از آرمان منشور تا واقعیت جهانی»	۶۴
سخنرانی ویژه هفتادمین سالگرد سازمان ملل متحد: «شورای امنیت در برزخ میان ضرورت اقدام موثر و لزوم تعریف و رعایت حکومت قانون»	۶۷
همایش بین المللی هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد	۷۷
نشست تخصصی «حمایت از حقوق معلولان»	۸۷
نشست تخصصی «کارایی سازمان ملل متحد در پرتو نظریه های روابط بین الملل»	۹۱
نشست تخصصی «مسیر آینده نظام کپی رایت»	۹۳
نشست «تحول در مفهوم اصل عدم مداخله»	۹۴
نشست تخصصی «توافق نامه پاریس ۲۰۱۵ تغییرات اقلیم»	۱۰۲
نشست تخصصی «پیرامون توافق نامه پاریس ۲۰۱۵ در خصوص تغییرات اقلیم؛ محیط زیست و توسعه پایدار».....	۱۱۹
جلسه معرفی و دوباره خوانی کتاب حقوق بین الملل عمومی تألیف شادروان دکتر هوشنگ مقتدر	۱۲۰

بخش دوم: کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی ۱۲۵

الف. کارگاه‌های آموزشی

- سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد. ۱۲۶
- کارگاه آموزشی - آشنایی با اهداف توسعه پایدار ۱۲۷
- کارگاه آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و فعالیت‌های آن ۱۳۱
- کارگاه آموزشی آشنایی با سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان جهانی تجارت ۱۳۷
- کارگاه آموزشی ورزش و سازمان ملل متحد ۱۳۸
- کارگاه آموزشی سازمانهای غیر دولتی و صلح جهانی ۱۴۲

ب. دوره‌های آموزشی

- دوره آموزشی مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با مؤسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی ۱۴۴
- دوره آموزشی روش تحقیق ۱۴۷
- دوره آموزشی حقوق معاهدات؛ موضوعات منتخب ۱۴۸
- دوره آموزشی اقتصاد توسعه پایدار ۱۴۸

بخش سوم: بازدیدها ۱۵۲

- بازدید علمی از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه ۱۵۲

بخش چهارم: مشارک‌ها

- مشارکت در برگزاری مرحله مقدماتی مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۵ ۱۵۷
- مشارکت در هفته ترویج علم ۱۶۰

بخش پنجم: انتشارات ۱۶۱

- انتشار دوهفته‌نامه تازه‌های ملل متحد ۱۶۲

بخش ششم: بزرگداشت‌ها و یادبودها ۱۶۴

- بزرگداشت یاد و خاطره استاد مسعود طارم‌سری ۱۶۵
- بزرگداشت یاد و خاطره استاد صور اسرافیل ۱۶۶

بزرگداشت یاد و خاطره استاد دکتر هوشنگ مقتدر ۱۶۷

بخش هفتم: تقدیر و تشکر

نهادهای همکار در سال ۱۳۹۴ ۱۷۰

مراسم تقدیر از نهاد ها و همیاران انجمن به مناسبت بزرگداشت هفته معلم ۱۷۱

یاوران انجمن ۱۷۲

سخن آفاژین

برای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد باعث افتخار است که گزارش فعالیت‌های سال ۱۳۹۴ را که با همکاری و هم‌یاری صمیمانه اعضای هیئت مدیره، نهادهای دولتی و غیردولتی و مسئولین و همکاران بزرگوار آنها، اعضای گرامی و علاقمندان به ملل متحد به سرانجام رسیده است را در دسترس قرار دهد.

نگاهی گذرا بر این فعالیت‌ها حاکی از توجه انجمن به انجام مستمر وظایف مندرج در اساسنامه خود در زمینه‌های ترویجی، آموزشی و پژوهشی است.

در پیروی از الگوی رفتار و عمل ایرانی - اسلامی و در راستای روح حاکم بر منشور ملل متحد بر ترویج مودت، دوستی، انس و همکاری در انجام فعالیت‌ها، علاوه بر تأکید بر ماهیت علمی معتبر آنها، همواره تحکیم روابط انسانی میان اعضای جامعه علمی و دانشگاهی، افزایش همبستگی و هم‌افزایی، گسترش همکاری و همیاری میان نهادهای مرتبط را یکی از وظایف خود قلمداد کرده و وظیفه خود می‌داند که الگویی قابل اعتناء از روابط مطلوب بین استادان، دانش‌پژوهان و دانشجویان را از همه نهادهای علمی و اجرایی ارائه دهد.

انجمن می‌کوشد که از یک طرف نهادی برای احترام و تکریم اصالت، اخلاق و علم بزرگان و اندیشمندان پیشکسوت حال و گذشته جامعه علمی کشور باشد و از سوی دیگر زمینه‌ساز رشد و بالندگی نسل جوانی باشد که با فراگیری مهارت‌های علمی و عملی بتواند در ساختن آینده جامعه ما قدم بردارد. در راستای تحقق هر دو هدف، انجمن در سال ۱۳۹۴ گام‌هایی را برداشته است که در گزارش سالانه بازتاب یافته‌اند.

ماهیت فعالیت‌های انجمن در طول سال‌های متمادی و بازخورد آن در جامعه، آن را به نهاد معتبر و مرجع علمی در ترویج، آموزش و پژوهش موضوعات ملل متحد تبدیل کرده و عرصه‌ای برای حضور دانش‌پژوهان، تعالی افکار و مبنایی برای یادگیری فراهم کرده است.

هدایت انجمن بر اساس فلسفه و وظایف یاد شده تنها از رأی ادواری و مقررات اداری بر نمی‌آید بلکه اعتقاد راسخ و احترام و پاسداشت همه شیفتگان حقوق و روابط بین‌الملل عضو انجمن که معتقد به نشر علم و خرج زکات خود از طریق خدمت در این نهاد هستند، واجب و با همه توان بهره‌مندی از توانایی‌های آنان استمرار دارد.

وظیفه می‌دانیم از تک تک همکاران بزرگوار، همیاران حقیقی و حقوقی انجمن بویژه از زحمات فرزندان ارجمند آقای علیرضا رنجبر و خانم اعظم پازدار، همچنین خانم سارا میری که تا مرداد ماه ۱۳۹۴ با انجمن همکاری داشتند و گزارشگران افتخاری انجمن که تهیه و تنظیم گزارش پیش‌رو را بر عهده داشتند، صمیمانه تشکر نماییم و با اتکال به خداوند متعال به امید تحقق صلح و عدالت در جهان، به کار خود ادامه دهیم.

نشست تخصصی «شناسائی حقوق بین الملل عرفی از دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد»

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، نشست تخصصی شناسائی حقوق بین الملل عرفی از دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد را همراه با مراسم سپاس از نهادهای و همیاران انجمن در هفته بزرگداشت مقام معلم، در روز چهارشنبه ۰۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ برگزار کرد. در ابتدای برنامه دکتر نسرين مصفا ضمن عرض سلام و ادب خدمت استادان، دانشجویان و پژوهشگران، از سخنرانان محترم برای شرکت در این نشست تخصصی و ارایه نقطه نظرات خود تشکر کردند و هفته معلم را خدمت تمامی استادان و معلمان ارجمند تبریک گفتند و اشاره کردند که بخش دوم برنامه به سپاس از همراهان و همیاران انجمن و کسانی که در طول این سال ها با مناعت انجمن را همراهی کردند، مربوط است. ایشان با یادآوری این نکته که امسال هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و پانزدهمین سالگرد تأسیس انجمن می باشد، به گوشه ای از برنامه های انجمن که به مناسبت این دو سالگرد برگزار می گردد، اشاره مختصری داشتند که برگزاری همایش سالانه انجمن که موضوع آن به ماده ۲ منشور اختصاص دارد و همچنین سلسه برنامه ها و کارگاه های آموزشی پیرامون نظام ملل متحد، گوشه ای از این فعالیت ها خواهد بود. در ادامه نشست، سخنرانان محترم به ارائه مطالب خود پرداختند.

دکتر ضیایی بیگدلی، استاد دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی(ره) که ریاست پانل را به عهده داشتند بحث را اینگونه آغاز کردند که گاهی صحبت از حقوق بین الملل عرفی، گاهی صحبت از قواعد عرفی و گاهی صحبت از عرف می شود، در موارد بسیاری دیده شده که اینها با معنای یکسان به کار می روند اما به نظر می رسد که تفاوتی بین اینها وجود دارد. «وقتی صحبت از «حقوق بین الملل عرفی» می کنیم، مجموعه قواعد عرفی مد نظر است که بر موضوعات مختلف حاکم می باشد اما وقتی می گوئیم «قواعد عرفی» منظور هر قاعده عرفی است که ماهیت عرفی داشته باشد. در جایی که صحبت از عرف می شود بر اساس ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، همان مفهوم تکرار اعمال مشابه از سوی تابعان در مناسبات متقابلشان در مدت زمان معقول در نظر می آید. اهمیت عرف صرفاً به این نیست که بستر مناسبی برای تدوین باشد. بسیاری از قواعدی که از طریق کمیسیون حقوق بین الملل تدوین شده برگرفته از قواعد عرفی است. در مرحله اجرای معاهدات با شکل گیری قواعد عرفی ناشی از معاهداتی که در حین اجرا هستند نسبت به دولت های غیر عضو کنوانسیون مواجه هستیم. طبق ماده ۱۳ منشور ملل متحد اصولاً وظیفه ای که به کمیسیون حقوق بین الملل در اجرای ماده ۱۳ محول شده با نحوه ایجاد عرف و شکل گیری آن ارتباط دارد و این مسئله همواره مورد بحث کمیسیون قرار می گیرد.

سوالی که مطرح می‌شود اینکه در تعریفی که از عرف ارائه می‌شود مبنا و بستر حقوقی چیست؟ به نظر می‌رسد تعریفی که از عرف ارائه می‌شود تعریف به نفس است. اهمیت کار کمیسیون در حوزه عرف و نحوه شکل‌گیری آن بسیار نمایان است و کمیسیون همواره سعی در ارائه اصول راهنما دارد.»



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

دکتر قاسم زمانی، دبیر کل انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد و دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، در سخنان خود اشاره داشتند که عرف از جایگاه مهمی در نظام حقوق بین الملل برخوردار است. حقوق بین الملل اساساً حقوق عرفی بوده و عرف روابط دولت‌ها را در صحنه بین المللی به نظم می‌کشد. خود رسته بودن عرف، همگام بودن با واقعیت‌های اجتماعی بین المللی و مستقل بودن آن باعث می‌شود که در مقایسه با معاهدات حق تقدم را به عرف بدهیم، هنوز هم با اینکه نهضت تدوین پیشرفت کرده اما عرف جایگاه ویژه دارد. «در نظام حقوق بین الملل در بسیاری از حوزه‌های حقوق بین الملل مثل حوزه مسئولیت بین المللی، مصونیت و جانشینی دولت‌ها هنوز معاهده‌ای تصویب نشده یا معاهدات مصوب، لازم‌الاجرا نشده‌اند. کمیسیون حقوق بین الملل که مأموریت تدوین را بر عهده دارد، به خوبی در این حوزه کار کرده است. کمیسیون قرار بود تا به حوزه‌های موضوع حقوق بین الملل مثل مسئولیت دولت‌ها، جانشینی و مصونیت بپردازد اما این رویکرد بعدها تغییر یافت و کمیسیون با تصویب کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد معاهدات بین دولت‌ها و کنوانسیون ۱۹۸۶ وین به این سمت و سو رفت که قاعده حقوق بین الملل عرفی قاعده‌ای نامکتوب است و نیاز به احراز دارد، شناسایی قاعده به عنوان عامل مهمی در استناد به آن قاعده مهم است

و مراجع بین المللی نقش مهمی در شناسایی قواعد عرفی ایفا می کنند. اگر در گذشته این تصور وجود داشت که در حقوق بین الملل با وحدت تابع و واضح مواجه هستیم اما امروزه این تصور دگرگون شده، با تنوع بازیگران بین المللی مواجه هستیم. از سوی دیگر، در مورد دولت ها هم کارکردهای دولت تغییر یافته است. در مقایسه با گذشته که دولت عمدتاً کارکردهای حاکمیتی داشت، اگر شاهد تعدیل حاکمیت دولت هستیم از مصونیت مطلق به مصونیت نسبی و اگر قائل به این هستیم که دولت ها بخشی از اختیارات خود را به بخش خصوصی واگذار کرده اند. این بخش خصوصی هم باید به حساب بیاید. نکته دیگر اینکه در عصر کنونی شاهد پیرنگ شدن حوزه هایی از حقوق بین الملل هستیم که سابقاً کم رنگ تر بوده اند. حوزه هایی مثل حقوق بشر، حقوق بین الملل محیط زیست، حقوق بین الملل بشردوستانه، حقوق بین الملل کیفری. آیا عرف سنتی می تواند با همان ساختار این حوزه ها را به نظم بکشد؟ آیا نیازمند تغییر در روند شکل گیری قواعد عرفی به ویـــــــــــــــــــــژه در ایـــــــــــــــــــــن حـــــــــــــــــــــوزه هـــــــــــــــــــــا نیـــــــــــــــــــــستیم.»

دکتر زمانی در ادامه بحث اشاره کردند که امروزه بیش از پیش سخن بر سر قواعد آمره حقوق بین الملل عام و جنایی شدن نقض حقوق بین الملل هست، امروزه ارزش های مشترک بیشتر از گذشته محلی از اعراب دارد. پیشرفت های تکنولوژیکی به سرعت چهره روابط بین المللی را دگرگون می کند. سپس ایشان این سوال را مطرح کردند که آیا حقوق بین الملل عرفی سنتی که «زمان» در شکل گیری آن مهم است، می تواند با توجه به این پیشرفت های تکنولوژیک مطرح باشد. تکرر معاهدات بین المللی که به خاطر وجود نهاد های بین المللی مانند شورای حقوق بشر و ... ایجاد شده، در برخی از حوزه ها ادعای تورم هنجاری مطرح شده است. این تکرر بر عرفی شدن قواعد این معاهدات اثر خواهد داشت، این مسئله قابل بحث و بررسی بسیار است. دکتر زمانی به پدیده حقوق نرم یا «soft law» یا حقوق در شرف پیدایش نیز اشاره مختصری کردند و بیان داشتند که در این چارچوب قطعنامه های مجمع عمومی ابزارهایی بسیار مناسب برای کشورهای در حال توسعه جهت ایجاد قواعد حقوق بین الملل عرفی به شمار می روند.»

دکتر شهرام زرنشان، استادیار دانشگاه بوعلی همدان، در سخنرانی خود به این موضوعات اشاره کردند که کمیسیون حقوق بین الملل تا کنون دو گزارش صادر کرده است و بر آن است تا دو گزارش دیگر نیز در سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ صادر نماید. در سال ۱۹۸۰ کمیسیون بیانیه ای صادر می کند و مطرح می سازد که چـــــــــــــــــــــه موضـــــــــــــــــــــوعاتی نیـــــــــــــــــــــد در دســـــــــــــــــــــتور کـــــــــــــــــــــار کـــــــــــــــــــــمیسیون قـــــــــــــــــــــرار گـــــــــــــــــــــیرد؟» اگر یک ساختار شکلی برای عرف تعریف کنیم، قابلیت انعطاف پذیری عرف را از بین می برد. قابلیت انعطاف پذیری عرف و تطبیق با شرایط و واقعیات اجتماعی امر مهمی است، حال با ایجاد یک ساختار شکلی این انعطاف دستخوش تغییر می شود. کاری که کمیسیون در حال حاضر تصمیم گرفته انجام دهد، چیزی بیشتر از آنچه دیوان بین المللی دادگستری در قضیه لوتوس و فلات قاره دریای شمال در آراء خود بیان داشته است. تا

به حال آنچه کمیسیون اعلام کرده مانند نظرات دیوان در آراء نامبرده نکات کلی است و طوری نیست که قابلیت انعطاف پذیری عرف را از بین ببرد. در سال ۱۹۵۰ وقتی آقای هاستون گزارش خود را ارائه نمود، این گزارش مجموعه ای از نتایج است نه به نحوی پیش نویس مواد. در بحث ترمینولوژی، گزارشگر می گوید صرف نظر از تفاوت های موجود بین عبارت هایی نظیر قاعده حقوق بین الملل عرفی، عرف بین المللی، حقوق عرفی و حقوق بین الملل عرفی عام، منظور گزارشگر از به کار بردن این عبارات همواره حقوق بین الملل عرفی عام است، البته گزارشگر در گزارش سوم به عرف های منطقه ای می پردازد. در توصیف اینکه مفهوم حقوق بین الملل عرفی عام چیست، گفته شد که اگر عرف عام شکل بگیرد صرف نظر از اینکه کدام دولت در شکل گیری آن نقش داشته برای همه لازم الاجراست، اما قواعد معاهداتی قواعد خاص هستند که لازم الاجرا بودن آنها به این خاطر است که دولت ها آن سند را امضا کرده اند.»

در ادامه دکتر زرنشان اشاره ای به قواعد آمره در گزارش های کمیسیون حقوق بین الملل داشتند و بیان کردند که کمیسیون در گزارش اول خود به قواعد آمره نمی پردازد.

«عناصر سازنده مشترک بین قواعد عرفی و قواعد عام وجود دارد به نحوی که می توان گفت قواعد آمره بین المللی قطعاً قواعد عرفی است، در واقع صرف نظر از اینکه منشاء قاعده معاهده باشد یا عرف، قاعده آمره باید قاعده عرفی باشد و باید از کانال عرف عبور کنند تا در زمره قواعد آمره یا «Erga Omnes» قرار گیرد.

یافته های کمیسیون با یافته های دیوان بین المللی دادگستری تقارن نسبتاً صد در صدی دارد. وقتی نظرات دیوان در رأی نیکاراگوئه ۱۹۸۶ و رأی صادره در قضیه لوتوس در مورد عرف بررسی می شود، به این نتیجه می رسیم که نظرات گزارشگر کمیسیون تقارن بسیاری دارد. رویکرد اساسی دیوان در این رابطه عرف و قاعده عرفی یک نظام دو عنصری هست؛ عنصر مادی و روانی. دیوان در تمام آراء خود وجود این دو عنصر را لازم می داند. قاعده عرفی متشکل از نظام دو عنصری است، رویه عام و پذیرفته شدن به عنوان قاعده الزام آور رویکرد کمیسیون در رویه دولت ها هم مورد توجه بوده است. البته برخی از حقوق دانان عرف را تک عنصری می دانند و عامل تأثیر گذار را نیز رویه دولت ها معرفی می کنند. انجمن حقوق بین الملل در بیانیه لندن و پروفیسور مندلسون از این نظر حمایت می کنند که خلاء هر کدام از این عناصر با اثبات محکم تری از عنصر مقابل پر می شود. البته می توان گفت که وقتی یک عنصر مثل رویه پررنگ و قوی تر است همین قوت نشانگر وجود اعتقاد حقوقی یا همان «*opinio juris*» دولت هاست. هم چنین در جایی که رویه متشتت وجود دارد، اگر اعتقاد حقوقی محکم باشد آن تشتت را از بین می برد.»

دکتر زرنشان هم چنین به یافته های موجود در گزارش های کمیسیون در مورد عرف نیز اشاراتی نمودند از جمله این موارد که سازندگان رویه هم چنان دولت ها هستند. افراد و سازمان ها نقشی در ایجاد عنصر مادی عرف ندارند. اشکال رویه دولت ها متعدد است، اعمال فیزیکی دولت ها، آراء دادگاه های داخلی، پیوستن به

معاهدات از اشکال مهم رویه دولت‌ها هستند. سلسله مراتبی نیز بین اشکال رویه دولت‌ها وجود دارد. دکتر زر نشان در مورد نهاد هایی که می‌توانند به شناسایی قواعد عرفی بپردازند بیان کردند که به نظر می‌رسد تمام نهادها می‌توانند قواعد عرفی را شناسایی کنند اما ارزش و اعتبار این شناسایی‌ها متفاوت است. فقط دیوان بین‌المللی دادگستری به واسطه صلاحیت‌ها و اختیاراتش می‌تواند قواعد عام را شناسایی کند. در بین مراجع قضایی بین‌المللی دیوان اقتدار بیشتری دارد. بقیه نهادها اگر شناسایی کنند ارزش شناسایی آنها در حد ایجاد قاعده حقوق بین‌الملل عرف عام نیست.

در نتیجه گیری بحث دکتر زمانی نتیجه گیری مباحث را با این مسئله آغاز کردند که چرا کمیسیون حاضر شد پس از چند دهه تردید وارد حوزه حقوق بین‌الملل عرفی شود؟ در پاسخ، ایشان به این نکته اشاره کردند که بخشی از ماجرا به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ باز می‌گردد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مجلداتی را در مورد رویه دولت‌ها منتشر کرد، کمیته به لحاظ مأموریتی که دارد عرفی شدن تمام این قواعد را مفروض دانست. ادعای عرفی شدن قواعدی را مطرح کرد که شماری از آنها به عنوان قواعد عرفی محسوب می‌شوند، به نظر می‌رسد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ کمیسیون را به سمت پرداختن به این قواعد سوق داد. دکتر زمانی هم چنین بیان داشتند که در سیستم قانون گذاری ایران نیز در اسفند ۹۲ وقتی قانون مجازات به تصویب رسید اصل صلاحیت جهانی به صورت تلویحی، حقوق بین‌الملل عرفی را وارد قانون کیفری ایران نمود. نکته دیگری که حائز اهمیت می‌نماید این که استعمارزدایی و افزایش تعداد اعضای سازمان ملل متحد از ۵۱ عضو مؤسس به ۱۹۳ عضو نشانگر این امر است که حقوق بین‌الملل دموکراتیزه شده است. معاهده یک پروژه و دارای تشریفات است اما عرف یک پروسه و مبرای از تشریفات است. اگر از حقوق عام عرفی صحبت می‌کنیم به معنای فقدان عرف‌های منطقه ای نخواهد بود. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد عرف عمدتاً مدون خواهد بود و به هیچ وجه به پویایی عرف خدشه وارد نمی‌کند کمیسیون حقوق بین‌الملل درصدد است تا قواعد را مشخص کند و هر زمان کار کمیسیون در مورد عرف به پایان برسد بعید به نظر می‌رسد که به معاهده بین‌المللی مبدل شود .


www.iauns.org


انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در ادامه نشست، دکتر جمشید ممتاز، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و رئیس اسبق کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، نکاتی را در تکمیل بحث بیان کردند. «لازم است به این نکته توجه کنیم که چرا در یک مدت زمان نسبتاً طولانی کمیسیون به مسئله عرف بی توجه بود و سرانجام در سال ۲۰۱۲ به آن پرداخت. در ماده ۱۳ منشور ملل متحد آمده است که یکی از وظایف مجمع عمومی توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل است. مجمع عمومی نیز این وظیفه را به کمیسیون حقوق بین‌الملل ارجاع داد. در مدت زمان بسیار طولانی عملاً کمیسیون تدوین می‌کرد اما نقشی در توسعه نداشت و عملاً کمیسیون به زمانی رسید که تدوین چندان آسان نبود، در این مدت به توسعه پرداخت و پررنگ تر شد. در نتیجه از آغاز دهه ۹۰ می‌بینیم که نقش توسعه قوی تر و پررنگ تر می‌شود و کمیسیون در پی آن است که در توسعه نقشی پررنگ تر داشته باشد. به همین دلیل کمیسیون هیچ اصراری ندارد که طرح‌هایش به تصویب دولت‌ها برسد و نتیجه آن معاهده باشد. نمونه آن طرح مسئولیت دولت‌هاست که خودش تصویب کرد و برای تصویب در اختیار دولت‌ها قرار نداد تا بحث حذف قسمتی از این طرح پیش نیاید. توسعه تدریجی به معنای حقوق حاکم نیست، حقوقی است که عده‌ای انتظار دارند در آینده مورد توجه قرار گیرد. کمیسیون حقوق بین‌الملل خودش مصرف‌کننده عرف شد و در نتیجه علاقمند به عرف شد. ماده ۴۱، بند ۲ طرح مسئولیت دولت‌ها باید از شناسایی وضعیت‌هایی که ناشی از نقض قواعد آمره است خودداری کنند و مساعدتی در تحکیم نقض قواعد آمره انجام ندهند. در مقام بیان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ در رأی ۲۰۱۲ آلمان و ایتالیا، دیوان بین‌المللی دادگستری برای توضیح

اینکه نقض قواعد آمره برای آلمان یک مسئله است و مصونیت به معنای دیگر و دیوان با این سوال را مطرح کرد که اگر به دولت آلمان مصونیت داده شد به معنای شناسایی اعمال آلمان در زمان جنگ نیست. در این زمان این بحث مطرح گردید که ماده ۴۱ با استقبال مواجه شده و عرفی شدن آن مطرح است. ماده ۴۸ طرح کمیسیون در مورد مسئولیت دولت‌هایی که از عمل خلاف حقوق بین الملل متضرر نشوند حق طرح مسئولیت علیه دولت خاطی را دارند.»

دکتر ممتاز در ادامه بیانات خویش خاطر نشان ساختند برخی بر این باور هستند که اگر ترتیبی از یک کنوانسیون نقض شود همه دولت‌های متضرر با فرض وجود صلاحیت دیوان حق طرح دعوا را دارند، در قضیه حسین هابره در پاسخ به این سوال که آیا بلژیک صلاحیت طرح دعوا دارد یا خیر، دیوان پاسخ مثبت می‌دهد. در قضیه جزایر مارشال علیه ۹ کشور هسته‌ای، مارشال معتقد است که این دولت‌ها معاهده منع سلاح هسته‌ای را نقض کرده‌اند. حال آیا مارشال مستقیماً متضرر بوده است یا خیر؟ این مسئله محل بحث است. دولت‌هایی که عضو NPT نیستند اگر دولت مارشال علیه آنها طرح دعوا کند. به این معنا که مفاد معاهده را رعایت نکرده‌اند و باعث ضرر به دولت جزایر مارشال شده‌اند. در پایان دکتر ممتاز به این مسئله اشاره کرده‌اند که شناسایی عرف به زبان‌های رسمی دنیا شکل می‌گیرد، بنابراین تولید مقالات باید به این زبان‌های رسمی شکل بگیرد و در این راستا لازم می‌نماید تا دکتربین به زبان‌های رسمی در هر جامعه تولید شود بنابراین ایشان استادان و دانشجویان ایرانی را تشویق کردند تا مقاله‌ها و پژوهش‌های خود را به زبان‌های رسمی بین‌المللی از جمله انگلیسی و فرانسوی منتشر کنند تا از این طریق نقشی در آرایه دیدگاه‌های ایرانی موجود نسبت به حقوق بین‌الملل داشته باشند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در پایان مراسم دکتر مصفا ضمن تشکر از مشارکت سخنرانان محترم و دانشجویان و پژوهشگران در این مراسم، بیان داشتند که انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد تقدیر و سپاس از همیاران و بزرگداشت اساتید و بزرگان علم و اندیشه را همواره از وظایف خود می‌داند. در سال گذشته در روز بزرگداشت مقام زن از سه تن از همکاران خانم انجمن که در سال‌های متمادی با صبر، دقت و پشتکار فراوان انجمن را هدایت کرده و در برنامه‌های مختلف همراهی کرده‌اند، تقدیر به عمل آمد. سرکاران خانم‌ها فریده شایگان، نازنین قائم مقامی و سارا میری به پاس فعالیت‌ها و همکاری‌های مختلف با انجمن همواره شایسته تقدیر و سپاس فراوان هستند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

*** همیاران همیشگی انجمن:**

جناب آقای دکتر محسن مجبی

ریاست محترم مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری

جناب آقای دکتر علیرضا دیهیم

عضو مرجع ملی مبارزه با فساد وزارت دادگستری

جناب آقای دکتر سعید منصوری

رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه

جناب آقای صفت الله طاهری شمیرانی

هماهنگ کننده پیشین زیر برنامه مقابله با جرم و عدالت کیفری دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با جرم و

مواد مخدر در جمهوری اسلامی

جناب آقای محمد رجائی مقدم

معاون مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران

جناب آقای دکتر امیر حسین رنجبریان

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

جناب آقای دکتر پوریا عسکری

مشاور حقوقی دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران

جناب آقای دکتر محمد جلالی

رئیس کارگروه حقوق خانه اندیشمندان علوم انسانی



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

*همیاران انجمن در رویدادهای خاص:

جناب آقای دکتر علیرضا کاظمی

معاون وزیر دادگستری در امور بین الملل

جناب آقای دکتر امیر ساعد وکیل

مشاور حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری

جناب آقای حسن قمری

مدیر اجرایی مجله پژوهش‌های حقوقی بین‌المللی



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

*همیاران انجمن در شعبه غرب کشور:

جناب آقای دکتر شهاب تجری

رئیس کانون وکلای دادگستری استان‌های کرمانشاه و ایلام

جناب آقای دکتر جواد پور کرمی

مدیر گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

* همیاران انجمن در نهادها و سازمان‌ها:

سرکار خانم ارمغان محمودی (مدیر پیشین دفتر انجمن)
سرکار خانم تیوا کامران (دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ)
سرکار خانم پونه تهرانی (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران)
سرکار خانم ستاره ساعدی (دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ)
جناب آقای میثم جاوید نیا (دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه)
جناب آقای محسن روزبهان (دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه)
جناب آقای علی نورایی (دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ)
جناب آقای محمد صادق اصفهانی (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران)



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

گزارش نشست تخصصی «تحولات حقوق بین الملل پناهندگی»

تهیه و تنظیم: فاطمه یاوری

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی نشست تخصصی «تحولات حقوق بین الملل پناهندگی» را روز چهارشنبه مورخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ با حضور جمعی از دانشجویان و پژوهشگران از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد. در ابتدا دکتر فاطمه کیهانلو، استادیار دانشگاه آزاد واحد کرج، با موضوع «آزار مبتنی بر جنسیت: نقطه تلاقی حقوق بین الملل پناهندگی و حقوق بین الملل کیفری»، به ایراد سخنرانی پرداختند. دکتر کیهانلو مطالبی را در سه مبحث تحت عنوان آزار مبتنی بر جنسیت و جایگاه آن در حقوق بین الملل پناهندگی، آزار مبتنی بر جنسیت و جایگاه آن در حقوق بین الملل کیفری، آزار و جنسیت: نقاط تلاقی حقوق بین الملل پناهندگی و حقوق بین الملل کیفری مطرح نمودند.

"مطابق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگی، پناهنده کسی است که در نتیجه حوادثی که پیش از اول ژانویه ۱۹۵۱ روی داده و به علت ترس موجه از این که به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت،

عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقیده سیاسی مورد آزار قرار گیرد، در خارج از کشور خود بسر می برد و قادر یا، به علت ترس مذکور، مایل به قرار گرفتن تحت حمایت کشور محل سکونت خود است. کنوانسیون ژنو در تعریف شرایط مندرج در تعریف پناهنده ساکت است، هر چند در طول زمان، کمیته اجرایی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان دستورالعمل‌هایی تدوین کرده که به روشن شدن هرچه بیشتر این شرایط کمک شایانی کرده اند. مراجع اداری و قضایی صالح کشورهای پناهنده پذیر در رسیدگی به دعاوی پناهندگی ناگزیر از تنویر و تفسیر شرایط مورد اشاره در تعریف پناهنده بوده اند. تفاسیری که گاه متأثر از رویکردهای اعلام شده کمیساریای پناهندگان و گاه تأثیرگذار بر آن رویکردها بوده اند.

واژه «آزار» (Persecution) «برای اولین بار در سال ۱۹۴۵ طی دستورالعمل اداری شماره ۳۹ سرفرماندهی کل قوای اعزامی ملل متحد مورد استفاده قرار گرفت. دو سال بعد مجمع عمومی واژه «آزار» را به عنوان امری متفاوت از تعقیب‌های کیفری مربوط به جنایات غیرسیاسی یا اعمال مغایر اهداف و اصول ملل متحد در ماده ۱۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) وارد کرد بدین شرح که «هر کس حق دارد در برابر آزار، در کشورهای دیگر پناهگاهی جسّـتجو و از آن برخـوردار شود.»

طی سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ این واژه به ترتیب در اساسنامه کمیساریای عالی پناهندگان و سپس کنوانسیون ژنو در مورد وضعیت پناهندگی وارد شد تا در کنار سایر شرایط مبنای اعطای وضعیت پناهندگی به پناهجویان قرار گیرد. در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه میلادی که کنوانسیون ۱۹۵۱ در دست طراحی بود، مسایل مربوط به جنسیت در کانون توجه قرار نداشت. از این رو کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگی در یک پارادایم مردسالار که منعکس کننده شرایط واقعی پناهجویان مرد بود تدوین شد و از کنار نیازهای حمایتی خاص زنان بی توجه گذشت. بدین ترتیب، اگرچه تا دهه هشتاد میلادی زنان پناهجو همانند سالخوردگان و کودکان از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر و شایسته توجه ویژه تلقی می‌شدند اما آزار و اذیتی که زنان پناهجو را مشخصاً به علت ویژگی‌های مربوط به جنسیت آنها هدف قرار می‌داد با دیدگاهی متفاوت مورد ارزیابی قرار نمی‌گرفت.

به تدریج که مسایل مربوط به زنان در سطح بین‌المللی ظهور بیشتری یافت، وضعیت خاص زنان پناهجو نیز مورد توجه ویژه کمیته اجرایی کمیساریای عالی پناهندگان قرار گرفت. قطعنامه شماره ۳۹ کمیته اجرایی (مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۸۵) را می‌توان نقطه شروع این جریان دانست. کمیته اجرایی در قطعنامه‌های بعدی از کمیساریای عالی پناهندگان درخواست کرد تضمین نماید «توجه خاص به مسأله زنان پناهنده به جزء لاینفک حمایت از پناهندگان تبدیل خواهد شد» و با قاطعیت، آزار از طریق خشونت جنسی که نه فقط نقض فاحش حقوق بشر و نیز در صورت ارتکاب در دوران مخاصمات مسلحانه، نقض فاحش حقوق بشردوستانه است که جرم بسیار جدی

علیه شأن بشری است را محکوم کرد. کمیته اجرایی در سال ۱۹۹۵ طی قطعنامه شماره ۷۷ خود ضمن درخواست از کمیساریا برای حمایت از تلاش‌های دولت‌ها برای توسعه و اجرای موازین و دستورالعمل‌های مربوط به پاسخ به آزارهایی که بطور مشخص متوجه زنان می‌شوند، اعلام کرد که مطابق این اصل که حقوق زنان حقوق بشر است، این دستورالعمل‌ها باید زنانی که دعوی آنها بر وضعیت پناهندگی مبتنی بر ترس موجه از آزار بنا به دلایل مذکور در کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷، از جمله آزار از طریق خشونت جنسی یا سایر [اشکال] آزار مرتبط با جنسیت است را به عنوان پناهنده مورد شناسایی قرار دهند. «کمیساریای پناهندگان نیز در سال ۲۰۰۲ طی دستورالعملی ویژه با عنوان «آزار مرتبط با جنسیت» (Gend related Persecution) این نوع آزار را تعریف و تبیین کرد و بدین ترتیب به تدریج «آزار مرتبط با جنسیت» به ادبیات حقوق پناهندگی وارد شده و قوت گرفت.»



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در ادامه بحث خانم دکتر کیهانلو به بررسی موضوع آزار مبتنی بر جنسیت و جایگاه آن در حقوق بین الملل کیفری پرداخته و در این مورد بیان کردند که در میان اسناد موجود در حوزه حقوق بین الملل کیفری، اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (۱۹۹۸) اولین سند بین المللی است که به صراحت آزار مبتنی بر جنسیت را (Gender-based Persecution) از مصادیق جنایت علیه بشریت می‌داند؛ و نیز واژه‌های «آزار» و «جنسیت» را تعریف می‌کنند.

«سند عناصر جرایم (۲۰۱۰) برای اثبات جرم آزار مبتنی بر جنسیت به عنوان جنایت علیه بشریت تحقق برخی

عناصر شامل اینکه مرتکب بطور جدی و در نقض حقوق بین الملل یک یا چند شخص را از حقوق بنیادین محروم کند، مرتکب، این شخص یا اشخاص را به دلیل هویت گروه یا مجموعه ای که به آن تعلق دارند هدف قرار دهد، این محرومیت بنا به دلایل جنسیتی باشد، آن رفتار در ارتباط با اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه ارتکاب یابد، آن رفتار به عنوان بخشی از حمله گسترده یا نظام مند علیه جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابد و مرتکب بداند آن رفتار بخشی از حمله گسترده یا نظام مند علیه جمعیت غیرنظامی بوده یا قرار است باشد را ضروری دانست.

دکتر کیهانلو در ادامه در خصوص مبحث آزار و جنسیت: نقاط تلاقی حقوق بین الملل پناهندگی و حقوق بین الملل کیفری، مطالبی را خدمت حضار ارائه نمودند.

در بحث از مصادیق آزار مبتنی بر جنسیت در حقوق بین الملل پناهندگی، کمیساریای عالی پناهندگان طی دستورالعمل مربوط به آزار مبتنی بر جنسیت (۲۰۰۲) و دستورالعمل مربوط به گرایش‌های جنسی (۲۰۱۲) اعمالی شامل تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی، حملات فیزیکی، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، قاچاق، فحشای قهری، وضع مجازات به دلیل تخلف از هنجارهای اجتماعی مرتبط با زنانگی یا مردانگی، اعمال تبعیض به دلیل گرایش‌های جنسی یا هویت جنسیتی و دیگر اعمالی که به قربانیان خود صدمه و درد شدید روحی وارد کنند اعم از آن که توسط دولت یا بازیگران غیردولتی ارتکاب یابند را از جمله مصادیق آزار مبتنی بر جنسیت برشمرده است. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به جنسیت به عنوان یکی از دلایل آزار تصریح کرده و می‌گوید که در این اساسنامه واژه جنسیت به دو جنس مونث و مذکر در بستر جامعه اشاره دارد و اصطلاح جنسیت به هیچ معنای دیگری غیر از معنای فوق دلالیت نخواهد کرد. در عمل دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های سلف آن در تفسیر واژه جنسیت رویکردی مشابه رویکرد متداول در حقوق بین الملل پناهندگی داشته‌اند. بدین معنا که جنسیت را در مفهومی مضیق و صرفاً مشتمل بر زنان در نظر گرفته‌اند.

دادستان دیوان بین‌المللی کیفری طی سند سیاست‌گذاری در حوزه جنسیت (۲۰۱۴) اعلام کرد جنایات مبتنی بر جنسیت را به عنوان اعمالی در نظر می‌گیرد که به دلیل زن یا مرد بودن یا نقش‌های تعریف شده اجتماعی، علیه اشخاص مذکر یا مونث ارتکاب می‌یابند. حملات غیرجنسی به زنان و دختران، و نیز مردان و پسران به دلیل جنسیت‌شان نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرند.

دکتر کیهانلو هم چنین تأکید کردند که در عمل دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های سلف آن در تفسیر واژه جنسیت رویکردی مشابه رویکرد متداول در حقوق بین الملل پناهندگی داشته‌اند، بدین معنا که جنسیت را در مفهومی مضیق و صرفاً مشتمل بر زنان در نظر گرفته‌اند و این نکته حائز اهمیت است که دادستان دیوان بین

المللی کیفری طی سند سیاستگزاری در حوزه جنسیت (۲۰۱۴) اعلام کرده جنایات مبتنی بر جنسیت را به عنوان اعمالی در نظر می‌گیرد که به دلیل زن یا مرد بودن یا نقش‌های تعریف شده اجتماعی، علیه اشخاص مذکر یا مونث ارتکاب می‌یابند. حملات غیرجنسی به زنان و دختران، و نیز مردان و پسران به دلیل جنسیت شان نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرند.

«نقطه تلاقی حقوق بین الملل پناهندگی و حقوق بین الملل کیفری در تعریف جنسیت را می‌توان در مواردی نظیر توجه به رویه‌های ملی و بین المللی شکل گرفته در حوزه حقوق بین الملل پناهندگی برای تفسیر مفهوم آزار مبتنی بر جنسیت در حوزه حقوق بین الملل کیفری، مبنا قرار دادن استانداردهای بین المللی برای شناسایی و اطلاق عنوان آزار مرتبط با جنسیت در حقوق بین الملل کیفری به گونه رایج در حقوق بین الملل پناهندگی و اصلاح نگاه حقوق بین الملل پناهندگی به واژه جنسیت و منفک ندانستن مردان از تعاریف و مصادیق آزارهای مبتنی بر جنسیت با تأثیرپذیری از حقوق بین الملل کیفری خلاصه نمود.»

پس از بیانات دکتر کیهانلو و طرح چند پرسش از سوی شرکت کنندگان در نشست، آقای مهدی قاسمی، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران، سخنرانی خود را با موضوع موضوع تفسیر و اجرای تعهدات بین المللی ناشی از ورود و حضور غیرقانونی پناهندگان خدمت حضار محترم ارائه کردند.

آقای قاسمی با اشاره به عضویت دولت ایران در کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ تعیین وضع پناهندگان، به بیان منابع و اسناد حقوقی داخلی حوزه حقوق پناهندگان در ایران پرداختند. ایشان بحث خود را با پرداختن به مصوبات داخلی ایران شامل قانون ورود و اقامت اتباع خارجه سال ۱۳۱۰، آیین نامه پناهندگان ۱۳۴۲ مصوب هیأت وزیران، و قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ مربوط به وضع پناهندگان در کنار ماده ۱۸۰ برنامه سوم توسعه در خصوص تعریف دارنده گذرنامه، پناهنده، آواره و مهاجر و پس از آن ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب مجلس شورای اسلامی به سال ۱۳۸۵ منابع داخلی حقوق پناهندگان آغاز کردند. آقای قاسمی در ادامه به چالش اصلی ناشی از تفسیر ماده ۳۱ کنوانسیون پرداختند و اشاره داشتند که ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضع پناهندگان مقرر می‌دارد، در خصوص پناهندگانی که بر خلاف قانون در کشور پناه دهنده به سر می‌برند، دولت‌های متعاقد پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی و آزادیشان به مفهوم ماده ۱ در معرض تهدید بوده و بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در آنجا به سر می‌برند به خاطر اینکه بر خلاف قانون وارد سرزمین آنها شده‌اند یا در آن به سر می‌برند مجازات نخواهند کرد مشروط به اینکه سریعاً خود را به مقامات مربوط معرفی کرده،

دلایل قانع کننده ای برای ورود یا حضور غیر قانونی خود ارائه دهند. هم چنین دولت متعاهد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیت هایی غیر از آنچه لازم باشد قائل نخواهند شد و محدودیت های مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این پناهندگان در کشور پناه دهنده تعیین نشده یا اجازه ورود به کشور دیگری تحصیل نکرده اند. دول متعاهد به این قبیل پناهندگان فرصت مناسب داده و تسهیلات لازم را برای آنان فراهم خواهند ساخت تا اجازه ورود به سرزمین دولت دیگر را تحصیل نمایند. به بیان دیگر این تکالیف را بر عهده دولت های عضو قرار می دهد .


www.iauns.org


انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

«ماده ۳۱ در حقوق بین الملل پناهندگان به قاعده منع مجازات پناه جویانی که به صورت غیر قانونی وارد قلمرو هر یک از اعضا شده اند مشهور است. ضمناً این ماده تقریباً اغلب امور اصلی و کلیدی مربوط به پناه جویانی را که به صورت غیرقانونی وارد قلمرو هر یک از اعضا شده اند را پوشش می دهد. هر چند دولت ایران به کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضع پناهندگان پیوسته است اما نهاد ورود و حضور غیرقانونی پناهندگان در مفهوم حقوق بین الملل بشر پناهندگان به رسمیت شناخته نشده است و از همین رو، کلیه پناه جویانی که به صورت غیرقانونی وارد قلمرو ایران می شوند مجرم تلقی می شوند. آیین نامه پناهندگی ۱۳۴۲ نیز ورود و حضور غیرقانونی را به رسمیت نشناخته است. دلیل اصلی این امر این است که میان تلقی دولت ایران از ماهیت مجرمانه ورود و حضور غیرقانونی پناهندگان و طرز تلقی ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ مبنی بر ماهیت غیرمجرمانه عمل ورود و حضور غیرقانونی تفاوت اساسی وجود دارد، به همین علت پناه جویانی که به صورت غیرقانونی وارد ایران می شوند مجرم تلقی شده و به علت نقض قانون ورود و اقامت اتباع خارجه ۱۳۱۰ و اصلاحیه های بعدی آن مجازات می شوند. علیرغم پذیرایی دولت ایران از میلیون ها پناهنده طی ۵۰ سال اخیر نهاد تشخیص وضعیت پناهندگی فردی پناه جویانی که به صورت غیرقانونی به ایران وارد می

شوند در حقوق موضوعه پناهندگی ایران پیشرفت چندانی ننموده است. دولت‌هایی مانند استرالیا، بریتانیا و همچنین اغلب کشورهای اروپایی با مشکلات زیادی در حوزه اجرای تعهدات ناشی از ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ مواجه می‌باشند. اما بیشتر این مشکلات مربوط به نحوه اجرای مجازات‌های مجاز یا غیرممنوعه در ماده ۳۱ می‌باشد. رایج‌ترین مجازاتی که در حال حاضر نسبت به پناه جویان غیرقانونی اعمال می‌گردد مجازات حبس می‌باشد. مسایل و استانداردهای حقوق بشری اعمال مجازات حبس از جمله طول دوره، کیفیت بازداشتگاه‌ها از جمله مهمترین مباحث روز حقوق بین‌الملل بشر پناهندگان در قلمرو ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ می‌باشد.»

آقای قاسمی در ادامه بیانات خودشان به این مبحث نیز اشاره ای داشتند که امروزه تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون و پروتکل مربوط به وضع پناهندگان در مواد ۳۱ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ به ورای مرزهای آن‌ها نیز توسعه یافته است. به این ترتیب که در حالی که هنوز پناه جو به صورت قانونی یا غیرقانونی وارد قلمرو آن‌ها نشده است اما ذمه دولت عضو نسبت به پناه جو مشغول می‌شود و به همین دلیل است که در گزارش‌های حقوق بشر پناهندگان در مراجع رسمی بین‌المللی ایجاد و راه‌اندازی کمپ در آن سوی مرز و در قلمرو سرزمینی که پناه جو در حال گریز از آن است مورد انتقاد شدید واقع می‌شود. همچنین تیراندازی در مرز و آتش گشودن بر روی پناه جویانی که تلاش می‌کنند به صورت غیر قانونی وارد قلمرو دولت‌های عضو کنوانسیون شوند حکم مشابهی دارد؛ چرا که تیراندازی به سوی پناه جو باعث می‌شود او نتواند از خطر بگریزد؛ از این رو همچنان در دامن خطر باقی خواهد ماند در نتیجه عمل گشودن آتش در مرزها عملاً منجر به اعاده پناه جو به وضعیت خطرناک می‌شود و این امر نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است که همان نقض اصل منع اعاده مندرج در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضع پناهندگان می‌باشد .

پس از اتمام سخنرانی‌ها، حضار ارجمند به طرح سوالات و بیان نظرات خود در مورد مطالب ارائه شده در نشست پرداختند و سخنرانان محترم نیز به پرسش‌های مطرح شده پاسخ دادند.

در پایان، دکتر نسرين مصفا، رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، ضمن تشکر از مشارکت سخنرانان محترم در نشست تخصصی «تحولات حقوق بین‌الملل پناهندگی» یادآور شدند که خانم دکتر کیهانلو در موضوع حقوق بین‌الملل پناهندگی سابقه فعالیت علمی و تحقیقاتی بسیار داشته‌اند و آقای قاسمی نیز همواره در انجام و ارائه تحقیق در موضوعات مختلف با انجمن همکاری شایسته‌ای به عمل آورده‌اند. ایشان همچنین ضمن تشکر از مشارکت پژوهشگران، دانشجویان و علاقمندان به مباحث حقوق بین‌الملل به بیان نکاتی در ارتباط با فعالیت کمیته دانشجویی در برگزاری نشست‌ها و برنامه‌ها پرداختند.

میزگرد تخصصی «تحولات جاری در خصوص حقوق دریاها در چارچوب سازمان ملل متحد»

تهیه و تنظیم: مهدی قاسمی

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در روز چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ میزگرد تخصصی «تحولات جاری در خصوص حقوق دریاها در چارچوب سازمان ملل متحد» را با سخنرانی سرکار خانم گابریل گوتسه وانلی (رئیس بخش امور اقیانوس ها و حقوق دریاها در سازمان ملل متحد) و آقای ولادیمیر ژاریس (معاون بخش امور اقیانوس ها و حقوق دریاها) در محل شورای انجمن های علمی ایران برگزار نمود. بخش امور اقیانوس ها و حقوق دریاها در سازمان ملل متحد از ادارات زیر مجموعه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است.

در ابتدا دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن) ضمن خوشامدگویی به سخنرانان و شرکت کنندگان در میزگرد، گزارش مختصری درباره فعالیت های انجمن به ویژه در زمینه حقوق دریاها ارائه نمودند. سپس سرکار خانم گوتسه وانلی و آقای ژاریس به طرح مباحث خود پرداختند.

آقای ژاریس طی سخنان خود به برخی مسایل مهم حقوقی ناشی از اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ در اقیانوس ها و دریاها اشاره کرد. ایشان بخش اصلی سخنان خود را به اختلافات ارجاع شده به کمیسیون تعیین حدود فلات قاره موضوع ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها اختصاص دادند و در این رابطه به نحوه فعالیت این کمیسیون، ضمیمه دوم کنوانسیون ۱۹۸۲ مربوط به حدود فلات قاره، پاسخ به ابهامات در خصوص میزان الزام آوری توصیه های این کمیسیون برای طرفین اختلاف و همچنین دولت های ثالث اشاره نمودند.

سرکار خانم وانلی نیز به طور مشروح به معرفی اداره امور اقیانوس ها و حقوق دریاها در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مهمترین فعالیت های این اداره طی سال های اخیر پرداختند. سپس ایشان درباره برخی از مهمترین موضوعات در دستور کار بخش امور اقیانوس ها و حقوق دریاها و مجمع عمومی سازمان ملل متحد به ویژه مسایل مرتبط با ماهی گیری و صید غیرمجاز و تخلفات برخی دولت ها نسبت به تعهدات خود در این حوزه توضیحاتی مطرح نمودند.


www.iauns.org


انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

فعالیت‌های کارگروه ویژه گزارش جهانی و برآورد دولت‌ها از محیط زیست دریایی، کارگروه غیررسمی ویژه مطالعه مسایل مرتبط با ذخیره سازی و استفاده با دوام از گونه‌های متنوع زنده دریایی در مناطق فراتر از صلاحیت دولت‌ها، گروه مشورتی غیر رسمی سازمان ملل متحد راجع به اقیانوس‌ها و حقوق دریاهای، قطعنامه ۶۹/۱۰۹ تاریخ ۹ دسامبر ۲۰۱۴ درباره ماهیگیری‌های با دوام، فعالیت‌های انجام شده در خصوص اجرای کنوانسیون حقوق دریاهای در بخش دوم راجع به حفاظت و مدیریت منابع زنده دریاهای آزاد و همچنین ذخایر ماهیان مهاجر در اقیانوس‌ها، قطعنامه ۶۵/۳۷ راجع به اقیانوس‌ها و حقوق دریاهای مجمع عمومی ۷ دسامبر ۲۰۱۰، ۴ آوریل ۲۰۱۱، قطعنامه ۶۶/۲۳۱ مجمع عمومی راجع به اقیانوس‌ها و حقوق دریاهای مصوب ۲۴ دسامبر ۲۰۱۱، قطعنامه ۶۸/۷۰ مصوب ۹ دسامبر ۲۰۱۳ مجمع عمومی راجع به اقیانوس‌ها و حقوق دریاهای از دیگر مباحثی بودند که ایشان به آنها پرداختند.

در پایان سولاتی راجع به خطوط مبدا دریای سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس، توصیه‌های کمیسیون حدود فلات قاره کنوانسیون حقوق دریاهای، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، وظایف و فعالیت‌های اداره اقیانوس‌ها و حقوق دریاهای در خصوص احقاق حقوق دولت‌های غیر عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ در عرصه اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد، وضعیت غیر الزام آور مقررات رفتاری یا کردارنامه سازمان جهانی خوار و بار ملل متحد (فائو) راجع به مسئولیت ماهیگیران مصوب سال ۱۹۸۴ و عملکرد دولت‌های پیشرفته در ماهی‌گیری بر خلاف ضوابط در اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد، مواضع برخی دولت‌ها در انتقاد از مدیریت بخشی، منطقه‌ای و چند پاره اقیانوس‌ها و فقدان وجود یک نظام متمرکز جهانی در مدیریت اقیانوس‌ها و دریاهای آزاد مطرح گردید که سخنرانان به این سولات پاسخ دادند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

نشست تخصصی « ابعاد حقوقی برجام هسته ای »

تهیه و تنظیم: خدایار سعید وزیری

به میزبانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، برنامه جامع مشترک میان ایران و پنج عضو دائم شورای امنیت ملل متحد به علاوه آلمان و قطعه نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منتج از آن، در محل خانه اندیشمندان علوم انسانی در روز ۱۲ مرداد مورد بحث و بررسی استادان و کارشناسان خبره حقوق بین الملل قرار گرفت.

مشخصه نشست «ابعاد حقوقی برجام هسته ای»، رویکرد علمی و جدی آن در قبال ویژگی های توافق و سؤالات پیامد آن بود که در میان استقبال شایان توجه علاقمندان و دانش پژوهان برگزار گردید. پس از آغاز جلسه با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران، دکتر قاسم زمانی، دبیرکل انجمن، ضمن تبیین اهمیت فرآیند تاریخی پرونده هسته ای و ابعاد گسترده حقوقی، سیاسی و اقتصادی آن، گفت: «این نشست جزء اولین جلساتی است که پس از به نتیجه رسیدن برجام برگزار می شود».

وی افزود «تصور نمی کردیم در این ایام تعطیل، این نشست علمی با چنین استقبالی مواجه شود، جای بسی خوشحالی و

خرسندی است. در مورد ابعاد حقوقی برجام هسته ای و سایر ابعاد آن، همچون ابعاد سیاسی و اقتصادی حداقل یک دهه باید گفت و نوشت. برجام هسته ای ابعاد مختلف و زوایای گوناگون دارد که در ظرف زمان مشخص خواهد شد. به خصوص زمانیکه فرآیند اجرایی برجام آغاز شود، قطعاً در فرآیند اجرا مسایل پیچیده تری طرح خواهد شد. تشکر می‌کنم از همه دوستانی که در این جلسه حضور پیدا کردند. از استادانی که دعوت انجمن را برای ایراد سخنرانی اجابت کردند، جناب آقای دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی استاد دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت مدیره انجمن، جناب آقای دکتر محسن عبدالهی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیئت مدیره انجمن و از جناب آقای دکتر سعید محمودی استاد دانشگاه استکهلم سوئد نیز سپاسگزارم.» همچنین ایشان بر علمی بودن جلسه بدون هرگونه موضع گیری سیاسی تأکید ورزیدند و اظهار داشتند مدیریت جلسه را جناب آقای دکتر ضیایی بیگدلی بر عهده دارند و از سخنرانان برای حضور در جایگاه دعوت نمودند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

دکتر محمد رضا ضیایی بیگدلی پس از تشکر و خوش آمد به حضار، سخنرانی خود را این گونه آغاز کردند: «من ابتدا لازم می‌دانم به عنوان پیش درآمد، در رابطه با اهمیت چنین توافقی نکاتی را خدمتتان عرض کنم و بعد محور بحث من راجع به ماهیت حقوقی برجام هسته ای است و سخنران بعد آقای دکتر محسن عبدالهی راجع به رابطه قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام سخنرانی خواهند کرد و نهایتاً جناب آقای دکتر سعید محمودی راجع به نقش برجام و قطعنامه در تحول حقوق بین الملل به ایراد سخنرانی خواهند پرداخت.»

ایشان سپس وارد بحث خود شدند و بیان داشتند: «در واقع همانطور که همگان استحضار دارید تلاش تیم مذاکره کننده خاتمه دادن به یک بحران بین المللی بود. ایران حداقل دوازده سال در مظان اتهام بود. دوازده سال درگیر بزرگترین تحریم های یک جانبه و چند جانبه. دوازده سال تنش در سطح جهانی. دوازده سال بی اعتمادی و عدم پایداری. حال نزدیک به دو سال تلاش برای حل بحران و رفع اتهامات و تلاش برای تنش زدایی، تلاش برای اعتبارسازی و راستی آزمایی، تلاش برای بی اثر کردن ادبیات نامتعارف بین المللی همچون کاغذ پاره دانستن قطعنامه های فصل هفتمی منشور یا کاربرد عبارات ناپسندی چون آنقدر قطعنامه صادر کنید تا قطعنامه دانتان پاره شود. از این رو، کار تیم مذاکره کننده هسته ای هر دو طرف مخصوصاً طرف ایرانی در طول ۲۲ ماه بویژه در ماه ها و روزهای اخیر به قدری سترگ، آموزنده، عالمانه و مدبرانه بود که می توان تا سال های متمادی برای دولت مردان و به طور خاص برای دیپلمات های کشورهای مختلف، دانشجویان و حتی اساتیدی که به نوعی با مسایل مربوط به دیپلماسی، مطالعات صلح، مطالعات بین المللی و به طور کلی روابط و حقوق بین الملل سر و کار دارند، آموزنده، مفید و اثرگذار باشد. موفقیت تیم مذاکره کننده در نیل به اهداف مشترک ثابت کرد که دیپلماسی به عنوان هنر، فن و علم می تواند نه تنها مانع تنش و درگیری و حتی جنگ گردد بلکه قادر است به خدمت صلح درآید و دولت های بسیاری را از ورطه هولناک و هراسان مخاصمه، حتی جنگ سرد رهایی بخشد. علاوه بر بی بدیل بودن مذاکرات هسته ای که تا حدود زیادی همگان بر آن آگاهی دارند، نتیجه مذاکرات نیز که به توافق وین یا برجام و متعاقب آن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منجر شد در نوع خود و از جهات مختلف بی نظیر است، از جمله ادبیات حقوقی و سیاسی به کار رفته در این متون و ضامم آنها، نحوه اعلام نهایی شدن مذاکرات بدون امضای طرفین، مطول بودن هر دو متن، فرآیند اجرای متناظر تعهدات طرفین، گره خوردن یک توافق با یک قطعنامه شورای امنیت بدون اختلاط آنها، سازکار حل اختلافات فیمابین، تایید یک توافق در یک قطعنامه شورای امنیت و منضم شدن آن توافق به قطعنامه، لغو شش قطعنامه فصل هفتمی علیه یک کشور با صدور یک قطعنامه به نفع آن کشور، گستردگی دامنه تعهدات موجد طرف های توافق از ۹۰ روز تا ۲۵ سال، اعلام این نکته در مقدمه برجام که مقررات برجام در زمره عوامل موجد سابقه عرفی محسوب نمی شود و تأثیری در شکل گیری اصول بنیادین حقوق بین الملل ندارد. صدور یک قطعنامه توسط شورای امنیت براساس ماده ۲۵، ظاهراً نه فصل شش و نه فصل هفت، استناد به ماده ۴۱ فصل هفتم در ۱۰ بند از ۳۰ بند قطعنامه، سازکار و شرایط خاص برگشت پذیری قطعنامه های پیشین شورای امنیت تحت شرایط خاص و جهات دیگر، تاکنون در این رابطه نشست ها و گفتگوهای زیادی از ابعاد مختلف برگزار شده است و اینک همانطور که خدمتان عرض کردم، در سه محور ابعاد مختلف برجام را از نظر حقوقی مورد بررسی قرار خواهیم داد. اما ماهیت برجام چیست؟ در واقع فرضیه من بر این است که برجام یک توافق حقوقی بین المللی است. ابتدا باید بگویم برای زمینه بحث، گفته ها و شنیده هایی که حداقل از زمان

انجام توافق تا به امروز چه از سوی طرف‌ها یعنی ۵+۱ به خصوص طرف‌های امریکایی و چه از سوی مقامات و افراد ایرانی در محافل مختلف مورد بحث قرار گرفته است که من تحت عنوان گفته‌ها و شنیده‌ها و پاسخ به آنها ذکر می‌کنم.

۱- برخی می‌گویند اگر مجلس وارد موضوع نشود و سکوت کند خود به خود در پایان ۹۰ روز برجام برای ایران قابلیت اجرایی پیدا می‌کند و می‌گویند این به مصلحت و نفع نظام است، چرا که اگر فردا به مشکلی در رابطه با اجرا مواجه شدیم می‌توانیم مدعی باشیم که مجلس به عنوان نماد ملت بر آن صحنه نگذاشته، پس مورد پذیرش ملت نیست. در واقع به نظر آنان تعهد یا تعهداتی که ایران بر عهده گرفته تعهدات قوه مجریه است و نه مجموعه دولت ایران. اما پاسخ: اولاً پس از ۹۰ روز برجام خود به خود قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کند، قابلیت اجرایی در روز اجرا و نه در روز پذیرش، با اقدامات ایران و راستی آزمایی آژانس و در مقابل لغو برخی تحریم‌ها آغاز می‌شود. یکی از اقداماتی که باید ظرف ۹۰ روز صورت گیرد تمهید مقدمات اجرا است، از جمله این مقدمات و تمهیدات به نظر من طی مراحل تصویب برجام است. ثانیاً اگر برجام را معاهده بدانیم که مجلس نیز آن را معاهده می‌داند، طبق تبصره ۱ بند ۳ قانون الزام، ورود مجلس ضروری است. ثالثاً سکوت مجلس در مقابل توافقی که وزارت امور خارجه به عمل آورده و آنرا به مجلس ارایه داده است، حتی اگر آنرا معاهده ندانیم، وهن مجلس است. رابعاً تفکیک بین قوه مجریه و مقننه در سطح بین‌المللی فاقد وجهت حقوقی است، دولت مجموعه به هم پیوسته است. حتی موافقتنامه‌های ساده یا اجرایی هم کل دولت را ملتزم می‌کند.

۲- برخی می‌گویند چون قصد و نیت طرفین، ظاهراً بیشتر ایران و امریکا، این بوده که برجام معاهده یا به طور کلی توافق حقوقی نباشد، پس توافق حقوقی نیست. پاسخ: اولاً رجوع به قصد و نیت به هنگام بروز اختلاف و تفسیر معاهدات مطرح می‌شود، روش ذهنی تفسیر یا مکتب اصالت قصد، کنوانسیون وین صریحاً اشاره نکرده و صرفاً به اشاره به این نکته بسنده کرده که در کاربرد معنای خاص هر اصطلاح قصد طرفین تعیین‌کننده است، آن هم به عنوان وسایل مکمل تفسیر، ولی اگر متن صراحت داشته باشد، رجوع به قصد و نیت فاقد وجهت است، ثانیاً در حقوق معاهدات آنچه تعیین‌کننده است رضایت و نه صرفاً قصد و نیت، هرچند مبنای هر تصمیم میل و رضاست. ثالثاً متن برجام مبتنی بر یک سلسله حقوق طرفین است و چون متن در این مورد صراحت دارد، رجوع به قصد و نیت معنی ندارد.

۳- برخی می‌گویند چون برجام امضا نشده است، پس معاهده نیست. در پاسخ: اولاً اگر معاهده نیست پس ظاهراً باید موافقتنامه نزاکتی باشد، که آن نیز مستلزم امضاست. ثانیاً امضا لزوماً به سندی ماهیت حقوقی نمی‌دهد. امضا یکی از اشکال اعلام رضایت دولت‌ها به التزام در قبال معاهدات است، ماده ۱۱ کنوانسیون وین

اشکال دیگر تصویب، تصدیق، مبادله اسناد تصویب و بالاخره پذیرش است که در پیوست شماره ۵ برنامه اجرایی آمده است. ثالثاً سابقه تاریخی در حقوق معاهدات هم داریم از جمله بیانیه های الجزایر که هیچگاه به امضای دولت های ایران و امریکا نرسید اما در معاهده بودن آن جای تردید نمی باشد.

۳- برخی می گویند نقض برجام ایجاد مسئولیت بین المللی نمی کند. در پاسخ: چون نظام ضمانت اجرا در برجام برگشت پذیر است یعنی اقدام مقابله به مثل و در واقع در برجام یک سیستم خودبسنده وجود دارد و به نوعی ماده ۶۰ کنوانسیون وین حاکم است، اعلام اختتام یا تعلیق در مقابل نقض اساسی یک معاهده به حساب می آید.

۵- برخی می گویند ترتیبات حل و فصل اختلافات در برجام متفاوت از روش های سیاسی و حقوقی معمول حل اختلاف است، پس معاهده نیست. در پاسخ: اتفاقاً پیش بینی سازکار حل و فصل اختلاف در برجام خود حاکی از معاهده بودن آن است هرچند بسیاری از معاهدات فاقد سازکار حل اختلافات می باشند. اینکه سازکار متفاوت است، بستگی به توافق طرف ها دارد.



۶- برخی می‌گویند چون در متن برجام بیشتر از فعل will استفاده شده و نه shall لذا تعهدآور نیست. در پاسخ: اولاً صرف کاربرد فعل will در یک متن کل آن متن را تبدیل به یک توافق تشریفاتی نمی‌کند. ثانیاً در مواردی فعل will به کاربرده نشده و از واژه‌هایی چون agree، implementation، undertaken که دلالت بر الزام حقوقی دارند استفاده می‌شود، از این رو، در یک توافق حقوقی بین المللی می‌تواند مقرراتی وجود داشته باشد که حداقل مستقیماً تعهد از آن برنخیزد، مانند قواعد اختیاری و تکمیلی در حقوق داخلی اما بر عکس نمی‌شود در یک موافقتنامه نزاکتی یا اخلاقی مقررات تعهدآور باشد.

۷- برخی می‌گویند چون در برجام تصویب پیش‌بینی نشده لذا لازم نیست مجلس آنرا تصویب کند. در پاسخ: شیوه‌های اعلام رضایت و التزام در قبال معاهده طبق کنوانسیون حقوق معاهدات، قانون داخلی و مخصوصاً قانون اساسی هر کشور اسرار است که مشخص می‌کند.

۸- برخی می‌گویند چون برجام امین ندارد پس معاهده نیست. در پاسخ: اولاً امین معاهده برای معاهدات چندجانبه است، حال آیا می‌توان برجام را به فرض معاهده بودن، دوجانبه تلقی کرد یا چندجانبه؟ از یک سو دو جانبه چون یک طرف دولت ایران است و طرف مقابل شش کشور و تعهدات دوجانبه متقابل است. ایران در مقابل هریک از طرف‌های مقابل و طرف‌های مقابل در برابر ایران متعهدند. از سوی دیگر چندجانبه، زیرا برجام هفت یا به بیانی هشت طرف دارد. البته دوجانبه یا چندجانبه بودن یک معاهده تأثیری بر ماهیت و آثار حقوقی آن ندارد. من معتقدم که برجام یک معاهده دوجانبه است. طبق آیین عام مشترک در کلیه معاهدات، اعم از دوجانبه یا چندجانبه، اسناد تصویب باید مبادله گردد. افزایش تعداد معاهدات چندجانبه موجب گردیده که عمل مبادله در معاهدات چندجانبه تبدیل به تودیع اسناد نزد امین گردد. اما کماکان معاهدات دو جانبه تابع مبادله اسناد تصویب است. حال حتی اگر برجام را معاهده چندجانبه هم بدانیم طبق ماده ۷۶ کنوانسیون وین کشورهای شرکت کننده در مذاکرات می‌توانند در خود معاهده یا به صورت دیگری امین معاهده را انتخاب کنند، بنابراین تعیین امین جزو عناصر تشکیل دهنده معاهده نیست یعنی با مبادله هم می‌توان کار تودیع را انجام داد.

۹- برخی می‌گویند چون کشورهای آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین برجام را برای تصویب به مجالس خود نبرده اند پس معاهده نیست. در پاسخ: اولاً موضوع ورود مجلس به معاهدات یک مسئله داخلی است که قانون اساسی هر کشور تکلیف را مشخص می‌کند، ثانیاً این که از ۵ کشور، سه کشور آن عضو اتحادیه اروپا هستند و نماینده اتحادیه گرداننده اصلی تهیه و تنظیم برجام بوده و محور اصلی برجام لغو تحریم‌های ایران بوده که مورد تصویب شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا قرار گرفته و حتی قطعنامه شورای امنیت نیز

مورد عنایت شورای مذکور قرار گرفته، دیگر حداقل برای این سه کشور موجبی برای تصویب مجلس قانونگذاری داخلی نیست. ثالثاً روسیه و چین طبق قانون اساسی خود تصویب اینگونه معاهدات را به عهده رئیس‌جمهور گذاشته‌اند و نه پارلمان.

۱۰- برخی می‌گویند چون طرف اصلی یعنی امریکا برجام را معاهده نمی‌داند، چرا ما آنرا معاهده بدانیم. در پاسخ: با توجه به تعریف معاهده در کنوانسیون وین برجام یک معاهده بین‌المللی است، چه ایران و چه امریکا اعلام کنند که برجام معاهده نیست، به معاهده بودن برجام خدشه‌ای وارد نمی‌کند. پس اظهارات و بیانات طرفین مخصوصاً یک طرف چون با نص در تعارض است پس فاقد وجهت قانونی است، به علاوه به نفع و مصلحت ماست که برجام را معاهده بدانیم چون طرف امریکایی با معاهده ندانستن آن شاید بخواهد زمینه را برای عدم اجرای آن فراهم کند.

۱۱- برخی می‌گویند برجام معاهده نیست بلکه یک موافقتنامه نزاکتی است. در پاسخ: موافقتنامه نزاکتی در ماهیت و خصوصیات دارای آثار سیاسی است که اگر یک طرف نقض کرد باید در انتظار واکنش سیاسی طرف دیگر باشد. آیا با توجه به تعهداتی که طرف‌ها در قبال یکدیگر بر عهده گرفته‌اند می‌توان برجام را یک توافق نزاکتی دانست؟ بنابراین با رد این گفته‌ها و شنیده‌ها می‌توان برجام را یک معاهده بین‌المللی دانست.

پس از دکتر ضیایی بیگدلی، دکتر محسن عبدالهی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی) پشت‌تربون قرار گرفتند و به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان پس از عرض سلام و خیر مقدم اظهار داشتند: «موضوع و عنوانی که بنده برای این دقایق انتخاب کردم، «قطعه‌نامه ۲۲۳۱ و ارتباط آن با برجام» است. بنده سعی خواهم کرد در سه محور مطالبی را به طور خلاصه عرض کنم تا بیش‌تر از جریان پرسش و پاسخ استفاده کنیم. محور اول: ماهیت و اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱. محور دوم: قطعنامه به مثابه سازکار اجرایی برجام. محور سوم: قطعنامه به مثابه سازکار تضمین اجرای برجام و مکانیسم حل و فصل اختلافات

محور اول: ماهیت و اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱

این محور را در هفت نکته مورد بررسی قرار می‌دهم. نکته نخست وضعیت قطعنامه در منشور ملل متحد است. باید بپذیریم که شاهد اسناد کم سابقه و حتی بی سابقه‌ای در حقوق بین‌الملل هستیم، با وجود آنکه هشت قطعنامه سابق ذیل

فصل هفت صادر شده است (قطعنامه های تحریمی که علیه ایران وضع شده) این قطعنامه که به دنبال خاتمه بخشیدن به قطعنامه های سابق هست به طرز عجیبی ذیل هیچ فصلی تصویب نشده و فقط به ماده 25 منشور اشاره شده است. سروران عزیز مستحضر هستید که این ماده به قدرت اجرایی و لازم الاجرا بودن تصمیمات شورای امنیت اشاره می کند. در واقع به موجب این ماده دولت های عضو منشور ملل متحد، متعهد شده اند که تصمیمات شورای امنیت را پذیرفته و اجرا کنند. بلافاصله سوال مطرح می شود که چرا چنین تغییری ایجاد شده است، به نظر می رسد که عدم استناد به فصل ۷ به نوعی پاسخی بوده به خواسته های دولت ایران، از طرف دیگر قرارداد ذیل ماده ۲۵ نشان از آن دارد که این قطعنامه لازم الاجراست. شنیدم که برخی از حقوقدانان اشاره کرده اند که این قطعنامه الزام آور نیست. این صحیح نیست، اگر قطعنامه ای ذیل فصل هفت آورده نشود به این معنا نیست که الزام آور نیست، کلیه تصمیمات شورای امنیت که ذیل ماده ۲۵ به تصویب می رسند الزام آورند. بحثی هم وجود دارد که شاید تدبیری بوده که از سوی دولت امریکا پیش بینی شده برای اینکه فشار بر کنگره را تشدید کند. جالب است در قطعنامه، ۱۰ بند ذیل ماده ۴۱ آمده، یعنی به طرز عجیبی بندها تفکیک شده و بندهایی با اشاره به ماده ۴۱ تدوین شده است، استاد عزیز جناب آقای دکتر ممتاز در بحثی که با ایشان داشتم به این نکته اشاره داشتند که در رویه ملل متحد عموماً برای الزام دولت ها و یا تنظیم سازکار تنبیهی علیه دولت خاطی به ماده ۴۱ استناد می شود. باز شاهد یک رویه بی سابقه هستیم، برای اولین بار در تاریخ ملل متحد به ماده ۴۱ منشور برای الزام بعضاً شورا و اعضای آن استناد شده است. تا حالا سابقه نداشته شورای امنیت برای ملزم کردن اعضای خود و به نفع دولت ————— خاطی ————— ماده ۴۱ را ————— اس ————— تناد ق ————— رار ده —————.

اینجا لازم است به این عبارتی که هم در برجام و هم در بند ۲۷ قطعنامه اشاره شده، اشاره کنم: ترتیبات برجام و قطعنامه هیچ سابقه یا رویه‌ای در اصول حقوق بین الملل، رویه های رایج بین المللی یا در مورد سایر کشورها در حوزه عدم اشاعه ایجاد نمی کند. در تفسیر این بند شبهه ایجاد می شود که آیا امتیازات فوق العاده ای به ایران داده شده که مایل نیستند برای مثال به کشورهای دیگری تسری پیدا کند یا اینکه نگران آن هستند که دولت های دیگر در برخی از حقوق به خصوص در حوزه عدم اشاعه تحت شمول مقررات سختگیرانه به مانند آنچه در مورد ایران آمده قرار گیرند. به هر حال از هر دو منظر می توان به قضیه نگاه کرد. واقعیت آن است که در هیچ سندی، سراغ نداریم که به صراحت به حق غنی سازی به عنوان یکی از حقوق اولیه اصل حق فعالیت مسالمت آمیز اشاره شده باشد، در حالیکه در برجام کسی نمی تواند انکار کند که حداقل به طور ضمنی حق بر غنی سازی برای دولت ایران به رسمیت شناخته شده است. شاید یکی از دلایل نگرانی برای این است که دولت های دیگر در حال توسعه یا در منطقه یا در خارج از آن به دنبال مطالبه چنین حقی باشند. لذا اشاره می شود که این قطعنامه یا برجام احتمالاً هیچ رویه ای را درباره اصول یا رویه های بین المللی ایجاد نمی کند.

نکته دوم این هست که در ارتباط قطعنامه و برجام، قطعنامه سندی است که برجام را تایید می کند و علاوه بر این قطعنامه، برجام را به عنوان ضمیمه خود منتشر می کند. این سند شاید طولانی ترین قطعنامه ای باشد که به لحاظ تعداد صفحات

توسط شورای امنیتی به تصویب رسیده است.

نکته سوم قطعنامه در واقع سازکاری برای تصویب برجام هم هست. یعنی یکی از تعهدات ۵+۱ تدوین و ارایه پیش نویس به شورای امنیت برای نهایی شدن این سند است.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

نکته چهارم اینکه مبنای محاسبه روز تصویب برجام، ۹۰ روز پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت است، به نوعی می‌خواهم ارتباطی که بین قطعنامه و برجام هست را نشان بدهم. ارتباط پیچیده‌ای که در بادی امر به چشم نمی‌آید. از یک طرف قطعنامه برجام را تصدیق می‌کند، از طرف دیگر تصویب قطعنامه مبنای محاسبه Adoption day یا روز تصویب برجام محسوب می‌شود. تا ۹۰ روز قطعنامه هیچ تکلیفی را بر دوش دولت‌ها بار نمی‌کند. اما پس از آن به همراه برجام قدرت اجرایی پیدا می‌کند. این نکته‌ای بود که استاد محترم آقای دکتر بیگدلی هم فرمودند. واقعیت آن است که ما تا ۹۰ روز که الان شده ۶۹ روز کاری نباید انجام دهیم. درست به همین دلیل یک استراتژی قانونگذاری برای دولت ایران فراهم می‌شود. اگر ما نگران تصویب یا عدم تصویب در مجلس هستیم، می‌توانیم سکوت کنیم. با سپری شدن ۹۰ روز از تصویب قطعنامه طبیعتاً ما خود به خود وارد فاز پس از تصویب خواهیم شد و بحث اجرا پیش خواهد آمد. سپس، از این روز هست که ایران و ۵+۱ هر کدام اقداماتی را انجام می‌دهند تا روز اجرایی برجام فرا برسد.

نکته پنجم پاسخ به این سؤال هست که آیا قطعنامه برجام را عیناً تکرار می‌کند؟ واقعیت این است که قطعنامه را باید با ضمایم در نظر گرفت. ضمیمه نخست قطعنامه، برجام است. اما ضمیمه B یا دوم، بیانیه دولتهای ۵+۱ است. در قسمت نخست تقریباً قطعنامه با برجام تلاقی پیدا می‌کند ولی در ضمیمه B ما شاهد مطالبی از جمله یک سلسله تعهدات و تجویزهایی هستیم که فراتر از برجام بوده و آن اشاره به تحریم تسلیحاتی ایران، یعنی فعالیت‌های موشکی ایران است که به هیچ وجه در برجام مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. بنابراین اگر قطعنامه به همراه برجام وارد فاز عملیاتی بشود قطعنامه مطالبی فراتر از برجام دارد و به حیات مستقل خود از برجام ادامه خواهد داد.

نکته ششم اهمیت قطعنامه است. واقعیت این است که به نظر بنده تدبیر زیرکانه‌ای اتخاذ شده و این نشانگر نوع رویکرد جامعه بین‌المللی به پرونده هسته‌ای ایران است. بسیار دشوار است که شورای امنیت به عنوان رکن اجرایی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کند که از برجام حمایت کند، دولت‌های دیگر را فرا بخواند به تهیه سازکار اجرای برجام ولی بعد در مجالس قانونگذاری کشورها از جمله ایران و آمریکا ما شاهد مقاومت در برابر برجام باشیم؛ نکته‌ای که به کرات در سلسله نشست‌ها و نشست‌ها اشاره قرار گرفته است.

نکته آخر به آثار نقض قطعنامه ۲۲۳۱ مربوط می‌شود. باید تکرار کنم که وقتی قطعنامه‌ای ذیل ماده ۲۵ به تصویب می‌رسد، لازم الاجرا است. نکته مهم در واکنش به نقض قطعنامه است که ارزش این بحث را مشخص می‌کند که چرا قطعنامه ذیل فصل هفت نیامده است. همه حضرات داستان کوزوو را به خاطر دارید. قطعنامه‌ها بعد از فجایی که در کوزوو اتفاق افتاد ذیل فصل هفت صادر شد. جالب است وقتی قطعنامه توسط به زور در کوزوو به رای گذاشته شد با تهدید و توی روسیه مواجه شد. بعد از این وتو دولت‌های غربی به ویژه اعضای ناتو با این استدلال که قطعنامه سابق فصل هفت صادر شده و شورا وضعیت کوزوو را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته است، اقدام به حمله به کوزوو کردند. شاید نگرانی هیئت ایرانی و تلاش آنها برای خروج از فصل هفتم همین بوده که اگر روزی به هر دلیلی ایران متهم به نقض قطعنامه ۲۲۳۱ شد، مستمسکی برای رفتاری مشابه کوزوو در مورد ایران به دست نیاید. نتیجه این خواهد بود که قطعنامه ۲۲۳۱ قطعنامه لازم الاجراست ولی نقض آن با واکنش مثل نقض قطعنامه فصل هفت مواجه نخواهد شد.

محور دوم: قطعنامه به مثابه سازکار اجرایی برجام.

این محور را در چهار نکته توضیح می‌دهم:

نکته اول اینکه دولت‌های ۵+۱ متعهد به ارایه پیش نویس قطعنامه و تصویب آن در شورای امنیت به عنوان یکی از شرط‌های روز نهایی شدن برجام و در نهایت نیل به تصویب برجام شده‌اند. این موضوع بحث‌هایی را به وجود آورده است.

سازمان ملل متحد یک سازمان دارای شخصیت حقوقی عینی بین‌المللی است. چطور می‌توانند تعدادی از دولت‌ها خارج از سازمان به صرف اینکه تعدادی از آنها عضو دائم شورای امنیت هستند تعهداتی را از بیرون به یک سازمان بین‌المللی دارای شخصیت تحمیل کنند یا تعهداتی را در راستای ایفای وظایف یکی از ارکان بر عهده بگیرند. من سابقه‌ای را در این مورد نمی‌بینم. در واقع این دولت‌ها قبول کرده‌اند در شورای امنیت قطعنامه‌ای را به تصویب بگذارند. یادم هست عده‌ای استدلال می‌کردند از کجا معلوم چنین قطعنامه‌ای رای بیاورد، همه حضرات به ماده ۲۷ منشور اشراف دارند که رای ۹ عضو شورای امنیت شامل ۵ عضو دائم را برای تصویب قطعنامه‌ها لازم می‌داند. طبیعی است که این سناریو به لحاظ حقوقی قابل تصور بود که چنین قطعنامه‌ای از طرف ۵+۱ در شورا پیش نویس و مطرح شود و با عدم اقبال اعضای غیردائم روبرو شود. این از لحاظ حقوقی محتمل بود اما دیدید که قطعنامه با اتفاق آراء به تصویب رسید. حتی دولتی مثل اردن هم که با سیاست‌های منطقه‌ای ایران همراه نیست، رای منفی نداد.

نکته دوم خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی است که علیه ایران به تصویب رسیده است. در واقع دولت‌های ۵+۱ از طریق پیش‌نویس و ارایه و تصویب این قطعنامه تعهد خود را به خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی سابق به موجب بند هفت این قطعنامه عملیاتی کردند، لذا از این منظر قطعنامه سازکاری برای اجرای تعهدات مندرج در برجام که بر دوش دولت‌های ۵+۱ هست، مثبت است، مبنی بر این است.

نکته سوم خروج پرونده ایران از دستور کار شورا است. بند ۸ به دقت فرآیند خاتمه قطعنامه ۲۲۳۱ را تنظیم کرده و این بند در جای خودش شامل خاتمه بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی قبلی هست. تکنیک خیلی جالبی پیش‌بینی شده است: درحالی‌که در زیربند (الف) بند ۷، خاتمه قطعنامه‌های سابق اعلام گردیده در بند ۸ به خاتمه مقررات و مواد قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره شده است. البته برای این منظور مدت زمانی ۱۰ ساله پس از روز تصویب برجام یا روز صدور قطعنامه ملاک قرار گرفته است. در این روز به شرطی که در این دوره ۱۰ ساله تحریم‌ها بازنگردد، وضعیت ایران و پرونده آن از دستور کار شورای امنیت به‌راستی همیشه خارج خواهد شد.

و نکته آخر نظارت شورا بر برخی از فعالیت‌هایی است که در داخل برجام پیش‌بینی شده است. در این پنج بند تلاش کردم بگویم این قطعنامه چطور تعهدات طرف‌ها در برجام را عملیاتی می‌کند. یکی از این کارکردها نظارت است. بند ۱۶ قطعنامه وظیفه بررسی توصیه‌های کمیسیون مشترک (مندرج در برجام) را در مورد طرح‌های دولت‌ها برای مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران از جمله راکتور اراک و یا برنامه‌های تحقیق و توسعه و برنامه‌هایی که به موجب برجام اجازه داده شده در عهده شورای امنیت قرار می‌دهد.

محور سوم: سازکار تضمین اجرای برجام یا نظام حل و فصل اختلافات.

در این موضوع نیز باز شاهد بدعتی در حقوق بین الملل هستیم. برای اولین بار به نظر بنده در رویه شورای امنیت یک سازکار پیچیده چند لایه دیده می شود که البته شورای امنیت آخرین لایه این سازکار است. در یک کلمه این سازکار قدر محور است چون به شورای امنیت و بازگشت پذیری قطعنامه های سابق شورا منتهی می شود. اما با لایه های حقوقی به نوعی محدود شده است. یعنی تلاش شده قدرت با سازکارهای حقوقی قبل از آن محدود شود، اگر دولتی ادعا داشته باشد که دولت ایران اقدام به نقض مهم یا قابل توجهی از تعهدات خودش در برجام کرده، می تواند به این سازکار متوسل شود. ابتدا می تواند موضوع را به کمیسیون ارجاع بدهد، اگر در کمیسیون تعیین تکلیف نشود یعنی به نتیجه نرسد، موضوع در سطح وزارتی و هم زمان در یک هیئت مشورتی سه نفره مطرح خواهد شد. توجه بفرمایید که هم در کمیسیون و هم در هیئت مشورتی و هم به نحوی در شورای امنیت دولت ایران اجازه مشارکت دارد. یعنی اگر شما موارد مشابه را مثل عراق که به عنوان دولت خاطی تحت تحریم قرار گرفته است، ملاحظه کنید، هیچگاه به دولت تحت تحریم اجازه مشارکت در این پرونده داده نشده است در حالی که در قطعنامه پیش رو و همینطور در مواد ۳۶ و ۳۷ برجام در مرحله اول به دولت ایران این حق داده شده است که در کمیسیون، در سطح وزارتی و هیئت مشورتی حضور داشته باشد و در نهایت شاید به عنوان یک اهرم فشار به دولت ایران در شورای امنیت اجازه داده شده است که البته با عبارت خاصی که قابل تفسیر حقوقی است اعلام کند که بازگشت قطعنامه ها زمینه حقوقی لازم را در اختیار ایران قرار خواهد داد که آن هم از اجرای تعهدات خود به موجب برجام خودداری کند و خود را معاف بداند. چنین چیزی نیز تاکنون سابقه ندارد. در تبیین این سازکار همکار عزیزم جناب آقای دکتر شافع نکته ای در جلسه ای دیگر گفتند که ذکر آن جالب است: اصولاً ما در نظام حقوق بین الملل سازکار حل و فصل اجباری اختلافات نداریم، در حقوق بین الملل خیلی از تعهدات در قدیم با selfhelp و الان توسط اقدام متقابل یا countermeasure تضمین می شود. نظام موجود می تواند بر اساس همین نظام اقدام متقابل بنا شود، یعنی یکی از دولت های طرف ایران، می تواند به مجرد ادعای اینکه ایران برجام را نقض کرده برجام را نادیده بگیرد و اقدام به اعمال دوباره تحریم ها نماید، شاهد این هستیم که چون در این فرآیند دولت خود قاضی است، این دولت طرف هست که احراز می کند دولت ایران تخلف کرده است و خودش هم دست به تدابیر متقابل می زند که قواعد آن را در چارچوب مسئولیت دولت ها آگاه هستید. در چارچوب شورای امنیت که کاملاً قدرت محور است این مسئله کاملاً روشن است. به نوعی تلاش شده است که این فرآیند در حقوق بین الملل قاعده مند شود و جلوی خودسری دولت ها حتی المقدور گرفته شود. بدون سازکار پیش بینی شده در برجام، یک دولت می تواند به سادگی با ادعای نقض فاحش یا نقض مهمی از سوی ایران با متقابل، اقدام به از سرگیری اعمال تحریم ها بکند، حال آنکه با سازکار طراحی شده به نوعی تلاش گردیده که جلوی خودسری گرفته شود. قبول بفرمایید که سیستم یا نظام باعث کاهش خودسری خواهد شد، حتی اگر این سیستم قدرت محور ناعادلانه به نظر برسد. به نظر بنده در قالب این سازکار دولت های طرف مقابل دست بالاتر را دارند، آنها در این سازکار با لجاجت می توانند قطعنامه های تحریمی سابق را برگردانند اما افراد آشنا با فضای دیپلماتیک می دانند که به

راحتی از این سازکارها نمی شود عبور کرد. به نوعی دولت باید لابی کند، صحبت کند تا بتواند دولت های دیگر را در کمیسیون، هیئت مشورتی و نشست وزرا قانع کند.

علاوه بر مطالبی که عرض کردم به دو نکته هم می توان اشاره کرد که این بحث بازگشت پذیری قطعنامه ها را تا حدودی خنثی می کند. یکی قیود حفاظتی است که در قطعنامه شورای امنیت آمده است. اشاره مستقیم من به بند ۱۴ است، این بند یک بند واقع گرایانه است، پیش بینی شده که احتمالاً پس از اجرای برجام دولت ایران یک سلسله قراردادهایی چه دولت، چه اشخاص خصوصی با دولت های خارجی، اشخاص خارجی، شرکت های خارجی منعقد می کنند. نمونه اش حضور هیئت آلمانی در ایران با ۲۰۰ پیش نویس قرارداد است. پیش بینی شده که به مجردی که برجام اجرایی شود. اگر روزی این مکانیسم بازگشت پذیری اتفاق افتاد، اعمال دوباره تحریم ها به قراردادهایی که در این دوره منعقد شده خدشه ای وارد نخواهد کرد. به عبارت دیگر به اصل عطف به ماسبق نشدن اعمال تحریم های سابق به قراردادهای موجود اشاره می کند. قبول بفرمایید که دولت ایران می تواند خودش را در برابر بازگشت پذیری تحریم ها تا حدود زیادی تضمین و بیمه کند. تصور کنید دولت ایران موفق شود چند هزار قرارداد دو جانبه را با طول عمر طولانی (مثلاً در حوزه نفت برخی قراردادهای ۲۰ سال است، همینطور در حوزه تسلیحات، انرژی و ...) منعقد بکند. حال اگر در طول این دوره ۱۰ ساله دولتی بخواهد با لجajt و عناد قطعنامه های تحریمی سابق را برگرداند، حجم عظیمی از اقتصاد ایران از گزند بازگشت تحریم ها مصون خواهد بود.

نکته دوم همراهی اتحادیه اروپا است، در صورتی که یک دولت با خودسری و بدون دلایل قابل قبول باعث بازگشت تحریم ها شود، هرچند تحریم های شورای امنیت باز می گردد اما تحریم های یک جانبه ای که اتحادیه وضع کرده را به راحتی باز نخواهد گرداند. این نکته مهمی است. اتحادیه اروپا تحت فضایی که در دولت سابق ایران وجود داشت به طرز بی سابقه ای با ایالات متحده آمریکا همراه شد و به این دولت در اعمال فراسرزمینی قوانین تحریمی یک جانبه اش کمک کرد. سوال این است که آیا واقعا تضمینی وجود دارد در صورتی که ایران واقعاً نقض جدی و قابل ملاحظه ای انجام نداده باشد و قربانی خودسری یک یا چند عضو این جمع باشد، اتحادیه دوباره اقدام به وضع این تحریم های کشنده یک جانبه کند. نظراتان را جلب می کنم که ما بیشترین آسیب را نه از تحریم های شورای امنیت که از تحریم های یک جانبه اتحادیه اروپا دیدیم، چرا که در طول تاریخ انقلاب اگر ملاحظه بفرمایید ما توانسته بودیم علی رغم تحریم های یک جانبه آمریکا با اتحادیه اروپا و شرکای آسیایی کار کنیم و دوام بیاوریم. بنابراین این تحریم های یک جانبه اتحادیه اروپا بود که اقتصاد ما را آسیب پذیر کرد. البته مشروعیتش را از تحریم های شورای امنیت می گرفت. یعنی تحریم های شورای امنیت به آمریکا کمک کرد که دنیا را علیه ایران متحد کند و این بزرگترین ضربه ای بود که ما از سیاست های گذشته مان خوردیم.

آخرین نکته ای که در این محور عرض می کنم و به صحبت من خاتمه می دهد طول عمر نظام حل اختلاف است. این یک

بحث چالشی است که من ندیدم در بین حقوقدانان ایرانی و حتی خارجی مطرح بشود. اول بحث طول عمر برجام. به تعبیر وزیر انرژی امریکا برجام سندی است که در آن sunset یا غروب پیش بینی نشده است. یعنی شما هیچ ماده ای را نمی بینید که راجع به خاتمه خود برجام باشد. این هم عجیب است هرچند که چرایی آن را می توان بحث کرد. ولی حداقل می توان گفت اگر ما بخواهیم در مورد آن تحلیل کنیم، شاهد این هستیم که برجام فواصل زمانی را پیش بینی می کند ۱۵، ۲۵ و ۱۰ سال. اگر برگردیم به این فواصل زمانی و به قطعنامه هم اشاره کنیم، قطعنامه هم عدد ۸ و ۱۰ را آورده است. لذا به این نتیجه می رسیم که مهمترین تعهدات طرفین چه به موجب برجام و چه به موجب قطعنامه، در عدد ۱۰ سال خلاصه می شود. به عبارت دیگر هرچند برجام ماده ای در خصوص خاتمه خودش ندارد ولی عملاً پس از سپری شدن ۱۰ سال مهمترین تعهدات طرفین خاتمه پیدا می کند. بنابراین با اندک مسامحه ای می توان برجام را سندی ۱۰ ساله دانست با این توضیح که تعهدات مختصری برای ایران به خصوص در حوزه نظارت طی ۱۵ و ۲۵ سال باقی مانده.

در همین راستا، طول عمر نظام حل و فصل اختلافات برجام نیز مناقشه برانگیز است. از یک طرف قطعنامه اعلام می کند که پس از ۱۰ سال به شرط اینکه در این ۱۰ سال از سازکار بازگشت پذیری استفاده نشود، کلیه تحریم ها و قطعنامه های تحریمی و خود قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه پیدا می کند، و وضعیت ایران از شورای امنیت خارج خواهد شد. اما از طرف دیگر به موجب مواد ۳۶ و ۳۷ برجام نظام حل و فصل اختلافات به ۲۵ سال تسری پیدا کرده، مشکل اینجاست! یعنی ممکن است یک دولت مثلاً پس از ۲۲ سال، اختلافی را در مورد فعالیت های معدنی ایران مطرح کند، آیا می توان به مکانیسم بازگشت پذیری مندرج در ماده ۳۷ برجام و بند ۱۲ قطعنامه استناد کرد؟ این مبهم است؛ یعنی شما مقرر کرده ای که اینخصوص در برجام پیدا نمی کنید و در نتیجه نیاز به تفسیر دارد. آیا با خارج شدن ایران از شورای امنیت همچنان می توان استدلال کرد که این سازکار تا ۲۵ سال ادامه پیدا می کند؟ به نظر بنده بخشی از پاسخ در بند ۸ قطعنامه گنجانده شده است. در این بند اعلام شده است که با سپری شدن ۱۰ سال از زمان تصویب برجام مقررات این قطعنامه ۲۲۳۱ خاتمه یافته و هیچکدام از مقررات قطعنامه های مندرج در بند ۷ قطعنامه های تحریمی خاتمه یافته، اعمال نخواهد شد. بنابراین می توان بر این نظر بود که فرض تدوین کنندگان این بند از قطعنامه و همینطور بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام آن بوده است که لایه سوم مکانیسم حل اختلاف را محدود به ۱۰ سال کنند وگرنه کاملاً غیر منطقی خواهد بود که از سویی اعلام شود که ایران ۱۰ سال پس از ایفای تعهدات مقرر شده به موجب برجام از شورای امنیت خارج خواهد شد اما از سوی دیگر، همچنان مکانیسم حل اختلاف برجام شامل امکان بازگشت پذیری قطعنامه های تحریمی شورای امنیت را به بعد از ۱۰ سال تسلی می دهیم.»

پس از دکتر عبدالهی نوبت به دکتر سعید محمودی از دانشگاه استکهلم رسید که به ایراد سخنرانی خود پرداخت. ایشان سخنان خویش را اینگونه آغاز کردند: «من از زمانی که پرونده هسته ای ایران تبدیل به یک مشکل بین المللی شد بنا به علاقه شخصی تحولات موضوع را دنبال می کردم، نه تنها به عنوان اینکه این برنامه مربوط به ایران است، بلکه به عنوان برنامه کشور الف و نحوه تعامل شورای امنیت، آژانس و نهادهای بین المللی با کشور الف به عنوان عضو یک پیمان بین المللی که یک سری حقوق و وظایف دارد، یک سری خلاف هایی از آن دیده شده و اقداماتی کرده برای جبران خلاف ها، کوتاهی هایی کرده و بنابراین تمام این ماجرا، ده دوازده سال طول کشیده و الان در انتهای این دوازده سال سندی صادر شده که به این مشکل پایان دهد و این کشور را نهایتاً بعد از یک فاصله زمانی خاص به صورت یک عضو عادی در چهارچوب پیمان NPT دریاورد و به همین دلیل هم صحبت امروز را بیشتر متوجه این مسئله میکنم که آیا این راه حلی که پیدا شده یک راه حل عادلانه است که با یک کشوری که عضو این پیمان است به این صورت رفتار شود. یک کشور در شرایطی قرار بگیرد یا به خاطر اعمال خودش یا بخاطر فشارهایی که از طرف جامعه بین المللی به آن وارد شده، مجبور شود این مذاکرات را انجام دهد و چنین سندی صادر شود و البته ایجاد سابقه ای شود برای موارد دیگر».



این پرونده اولین پرونده ای است که بعد از ۴۵ سال که از عمر پیمان NPT می‌گذرد به این صورت حل می‌شود، جدی‌ترین و مهمترین پرونده ای بوده که آژانس بین‌المللی داشته و به صورت مسالمت آمیز حل شده، به همین دلیل می‌شود انتظار داشت که در آینده مواردی پیش بیاید که لازم شود از تجربه ای که کسب شده در مورد کشورهای دیگر هم استفاده شود، ضمن اینکه در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که برای تأیید برجام صادر شده به طرق مختلف ذکر شده که نباید این توافق به عنوان سابقه برای موارد مشابه آینده فرض شود و با هر موردی باید به صورت اخص برخورد شود. شورای امنیت، برعکس دادگاه کشورهای مشترک المنافع هیچ الزامی ندارد که در مورد پرونده‌های مشابه به صورت مشابه عمل کند، هر مسئله ای را به صورت خاص خودش و با توجه به شرایطی که ناظر به آن مسئله است در زمان خودش مورد بررسی قرار می‌دهد و ممکن است عیناً همان شرایط در دو سال دیگر در مورد کشور دیگری هم پیش بیاید و به صورت دیگری تصمیم بگیرد. بنابراین طبعاً قرار بر این بوده که این سند هم به صورت سابقه در نیاید. به هر حال به نظر من به جهات مختلف مسائلی در این سند مطرح شده که در آینده حقوق بین‌الملل تاثیر خواهد گذاشت و مورد بحث قرار خواهد گرفت. خیلی بحث بر سر این بوده که این توافق خوب است یا بد. خوب یا بد بودن یک توافق مسئله حقوقی نیست. اما عملکرد هر دو سوی مذاکرات در آن بخشی از توافق که مربوط به بحث حل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی یعنی مذاکره برای حل یک معضل بین‌المللی به صورت مسالمت آمیز می‌شود، به نظر من بسیار قابل تقدیر است و با توجه به شرایط و امکانات، به نظر من دیپلمات‌هایی که این کار را به نتیجه رساندند شایسته تحسین زیاد هستند، البته نباید فراموش کرد خیلی چیزها را شاید انسان احساس کند که حقش هست اما با توجه به شرایط و امکانات مصلحت را در این ببیند که بر روی آنها اصرار نکند.

اما از این جنبه که بگذریم و بخواهیم درباره ماهیت این موضوع صحبت کنیم، من چند موضوع را در نظر گرفتم که صحبت کنم. احتمالاً من کمی با دوستان محترم اختلاف نظر دارم، به نظر من نتیجه این مذاکرات معاهده حقوقی نیست بلکه یک توافق سیاسی است، بیانات دقیق استاد بیگدلی را شنیدیم، لازم نیست من با این دقت وارد شوم اما از نام توافق (برنامه اقدام)، نیت مذاکره کنندگان، نحوه نگارش توافق و قطعنامه شورای امنیت و بسیاری جزئیات دیگر از جمله اینکه از بکار بردن لغت obligation که بار حقوقی دقیقی دارد اجتناب شده و به جای آن واژه commitment را که تعهد به معنای سیاسی است به کار برده اند به نظر من کاملاً روشن است که ما سندی سیاسی در دست داریم. از همه مهتر اینکه نقض یک معاهده همیشه تبعات حقوقی داد یعنی کشور نقض کننده مسئولیت حقوقی دارد و کشورهای طرف معاهده می‌توانند تقاضای جبران خسارت بکنند و در صورت لزوم موضوع را در یک مرجع حقوقی بین‌المللی مطرح کنند. در مورد برجام، که اساس آن عملکرد داوطلبانه کشورهای مربوط می‌باشد، نقض توافق هیچگونه مسئولیتی ایجاد نمی‌کند و

تنها منجر به توقف اجرای داوطلبانه از سوی سایرین و بازگشت همه چیز به حالت قبل از توافق می شود. پس برجام یک توافق سیاسی است و هر دو طرف اراده قوی سیاسی داشته اند که آنرا به انجام برسانند. اینکه نباید ایجاد سابقه کند دلیل دیگری برای سیاسی بودن توافق است. در واقع اگر از نظر حقوقی بخواهیم در مورد این موضوع صحبت کنیم، طرفین این دعوا ایران و آژانس بین المللی انرژی هسته ای هستند. این شش دولت به علاوه اتحادیه اروپا، مساعی جمیله کرده اند، نه از طرف شورای امنیت مأموریتی داشته اند و نه اجباری در کار بوده است. البته ایران در سال ۱۳۸۲ از سه کشور اروپایی خواست مذاکره کنند تا این مسئله حل شود و این پایه ای شد که بعداً از نظر سیاسی با شش کشور موثر و مهم دنیا مذاکره کند اما از نظر حقوقی آنها طرف معاهده محسوب نمی شوند. البته انجام این مذاکرات تا حد زیادی بستگی به شرایط مناسب سیاسی داشت. در امریکا رییس جمهور واقع بین تری سر کار است که استفاده از نیروی نظامی را بهترین راه حل نمی داند و در ایران هم تحولات طوری شد که گروهی که توانایی و صلاحیت انجام مذاکرات پیچیده در بالاترین سطح بین المللی را داشتند، سرکان را بدست گرفتند و کار به نتیجه رسید.

قبل از اشاره به چند نکته اصلی، ذکر کنم از تعدادی اسناد مهم بین المللی مربوط به فعالیت های هسته ای که ایران به آنها پیوسته و برای ایران الزام حقوقی دارند. اولین آنها پیمان منع اشاعه سلاح های هسته ای - NPT - است که در سال ۱۹۷۰ لازم الاجرا شد، همان سال هم ایران به آن پیوست و اکثر مطلق کشورها (به جز پاکستان، هند و اسرائیل) عضو آن هستند و البته کره شمالی که عضو بود و در سال ۲۰۰۳ (۱۳۸۲ شمسی) از آن خارج شد. همه این کشورها موظفند یک موافقتنامه دوجانبه با آژانس منعقد کنند که به موافقتنامه پادمان ها معروف است. این قرارداد دوجانبه نحوه نظارت آژانس در اجرای صحیح NPT در هر کشور را تعیین می کند. اما خود این سند پادمان ها هم کلی است، این نیز خود یک توافق دیگر حقوقی دارد که به آن قرارداد ترتیبات فرعی می گویند که ایران در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵ شمسی) به آن پیوست که دقایق عملکرد آژانس در ایران را مشخص کرده است. این سه سند اصلی هستند که همه کشورهای عضو NPT باید داشته باشند، علاوه بر این توافقنامه جدیدی هم در ۱۹۹۷ (۱۳۷۵ شمسی) به نام پروتکل الحاقی وضع شد. پروتکل الحاقی سند جدیدی است با خواسته های جدیدتر و بیشتر که امکان نظارت آژانس را بیشتر می کند. علت وجودی پروتکل الحاقی این است که در اوایل دهه ۱۹۹۰ معلوم شد کشورهای متعدد مثل عراق، آفریقای جنوبی، رومانی و ... پاره ای از برنامه های هسته ای خود را برخلاف الزام حقوقی به موقع به آژانس گزارش نداده اند. ایران هنوز رسماً به این پروتکل نیپیوسته اما طبق برجام تعهد کرده که سعی در پیوستن به آن بکند و از ابتدای سال میلادی آینده آنرا به صورت موقت اجرا کند. قبلاً هم دو سال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ - ۱۳۸۲) اجرا شد.

یکی دیگر از اسناد پادمانی‌ها نیز کد اصلاحی ۳،۱ است که در اواسط دهه ۱۹۹۰ (۱۳۷۰ شمسی) مورد تجدید نظر قرار گرفته است ولی ایران تا سال ۱۳۸۲ شمسی متن اصلاحی را نپذیرفته بود و نسخه اصلی را اجرا می‌کرد، اما در این سال به عنوان یکی از اولین اقدامات اعتماد سازی، ایران طی نامه‌ای به آژانس انرژی اتمی اعلام کرد متن تجدید نظر شده کد ۳،۱ را می‌پذیرد. در زمان آقای احمدی نژاد، ایران این پذیرش را پس گرفت، علت آن هم این بود که طبق این سند اصلاحی، لزوم اعلام تأسیسات جدید به آژانس که در نسخه اولیه ۱۸۰ روز پیش از تزریق گاز اکسید اورانیوم تعیین شده بود تبدیل به اعلام در زمان تصمیم به ساخت مرکز اتمی شد. البته پس گرفتن پذیرش از سوی ایران مورد قبول آژانس قرار نگرفت و آژانس با استدلال اینکه یک موافقتنامه دوجانبه تنها با رضایت هر دو طرف می‌تواند پایان یابد ایران را همچنان ملزم به رعایت کد ۳،۱ اصلاحی دانست.

من طول زمان مطرح بودن پرونده هسته‌ای ایران در سطح بین‌المللی (۱۳۸۱ تاکنون) را به سه دوره تقسیم می‌کنم. دوره اول که تا تابستان ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ شمسی) ادامه داشت، دوره‌ای بود که به دلیل اوضاعی که در منطقه جریان داشت انتظار می‌رفت دولت آمریکا به دنبال انتقام از همه کشورها باشد و بعد از عراق به ایران حمله نظامی کند. ایران این خطر را جدی می‌دید و متوجه بود که مسئله پرونده هسته‌ای می‌تواند بهانه خوبی باشد. به همین دلیل آن سه سال، سه سال‌هایی بود که ایران با نهایت جدیت سعی کرد همکاری کند و آژانس را قانع کند که برنامه‌اش نظامی نیست. در اواخر این دوره و بعد توافق که با آلمان، انگلیس و فرانسه شد و به موافقتنامه پاریس مشهور شد، ایران می‌خواست در مقابل تعلیق غنی‌سازی یک بسته قابل قبول از سه کشور اروپایی بگیرد، ولی بسته‌ای که سه دولت مزبور در تابستان ۱۳۸۴ به ایران پیشنهاد کردند، هم در داخل ایران انتقاد برانگیز بود هم افرادی مثل البرادعی - دبیرکل آژانس - آن را توهین آمیز می‌دانستند. یعنی این مشکلی که امروز بعد از ۱۲ سال حل شد، بعید نبود که اگر اروپا آنقدر از آمریکا حرف شنوی نداشت در آن سال قابل حل باشد.

دوره دوم با ریاست آقای احمدی نژاد آغاز شد و در اوایل این دوره حداقل یک بار کوشش جدی شد برای حل این موضوع. در سال ۲۰۰۷ ایران بر سر یک برنامه کاری جدید با آژانس به توافق رسید. اساس این برنامه کاری این بود که ایران ظرف سه ماه به سؤالات باقی مانده آژانس که جمعاً شش سؤال بود پاسخ دهد و پرونده بساع شود. ایران در مدت توافق شده به پنج سؤال جواب داد. سؤال آخر مربوط به مطالعات ادعایی بود که مبنای آن اطلاعاتی بود که آمریکا در اختیار آژانس گذاشته بود. این اسناد قسمت عمده‌اش کپی بود و آمریکا اصل مدارک را با این بهانه که باید منابع خود را حفظ کند نمی‌خواست در اختیار ایران بگذارد. ایران اتهامات را واهی می‌دانست و به ابهامات و سؤالات پاسخ دقیقی نداد. در نتیجه باز هم کار به نتیجه نرسید.

بعد از این جریان بود که ایران با توجه به نیاز به اورانیوم بیست درصد غنی شده برای تأسیسات تهران از آژانس درخواست کمک برای خرید این نوع اورانیوم را کرد و آژانس هم از امریکا و فرانسه درخواست کرد در این زمینه اقدام کنند. اما قبل از اینکه این کار به نتیجه ای برسد، شورای امنیت قطعنامه تحریمی جدیدی علیه ایران صادر کرد و ایران به این نتیجه رسید که طرف مقابل عزمش جزم است که تحریم‌ها را اضافه کند. آقای البرادعی در جا به جای کتاب خاطرات خود با عنوان سال‌های فریب می‌نویسد که در طرف امریکایی اصلاً اراده سیاسی برای حل موضوع وجود نداشت و هدف اصلی مسئله براندازی رژیم بود.

به هر حال پس از آنکه ایران تولید اورانیوم ۲۰٪ را شروع کرد، دوره سوم آغاز شد، دوره سوم با احتیاط از طرف اوپاما آغاز شد و بعد از ۲۰۱۳ (۱۳۹۲ شمسی) به خاطر تحولات سیاسی در داخل ایران و منطقه از جمله ظهور داعش شکلی جدی گرفت. حالا رسیده ایم به جایی که دو مدرک مهم داریم. یکی برجام و یکی قطعنامه شورای امنیت. من با توجه به اینکه فرصت این نیست که وارد جزئیات شویم، مختصر مطالبی را می‌گویم. به نظر من قطعنامه بسیار شتابزده است و از نظر ساختار و شکل اشکالاتی دارد که به احتمال زیاد دلیل بر شتاب زدگی زیاد است. دو مسئله است که لازم است به طور اخص به آنها بپردازم. یکی مسئله دسترسی آژانس به مناطق اعلام نشده است که مسئله مهمی است یعنی دسترسی در هر زمان و به هر جا برای مدتی مشخص که بخش مشخصی از برجام است. تا روزهای آخر قبل از توافق بین ایران و ۵+۱، بسیاری از ناظران، خواسته طرف مقابل را برای دسترسی به هر نقطه و در هر زمان را خواسته ای نامعقول و غیر علمی می‌دانستند. اما وقتی متن را می‌خوانیم، به نظر می‌رسد که برجام لاقلاً برای مدتی محدود این امکان را برای آژانس ایجاد کرده است.

البرادعی در کتاب خود نحوه اطلاع دادن کشورهای مختلف به آژانس در مورد ایران را می‌نویسد از جمله فرانسه و اسرائیل که مثلاً اسرائیل مدارکی به آژانس فرستاد که البرادعی به عنوان مدارک نامعتبر رد می‌کند اما آقای آمانو بعداً همه آنها را می‌پذیرد. علی‌الاصول هر کشوری به آژانس اطلاع دهد در فلان جای ایران برنامه ای هسته ای انجام می‌شود که رسماً اعلام نشده و پنهانی است، ایران و آژانس ۱۴ روز وقت دارند که توافق کنند بازرسان بیایند و بازدید به عمل آورند. البته ایران می‌تواند روش‌های دیگری جز بازدید پیشنهاد کند مثل اینکه خودش اطلاعاتی بدهد و ... ولی اگر ظرف دو هفته گفتگوها به نتیجه نرسید، مسئله به یک کمیسیون مشترک که ایران، نمایندگان ۵+۱ و نماینده اتحادیه اروپایی عضو آن هستند محول می‌شود و این کمیسیون ظرف ۷ روز با رأی اکثریت، پیشنهادی می‌دهد و ایران باید ظرف سه روز پس از پیشنهاد، آنرا اجرا کند که جمعاً از زمانی که آژانس موضوع را طرح کرده می‌شود ۲۴ روز. البته این یک توافق بی سابقه و داوطلبانه است ولی ترتیبات مربوط به دسترسی، شائبه یکجانبه بودن آن را ایجاد می‌کند. ولی قرائن متعدد

دیگری در برجام وجود دارد که حاکی از جایگاه برابر ایران در مذاکرات و پذیرفتن همه شرایط با اراده های آزاد و اراده مستقل سیاسی است.

با توجه به سابقه این پرونده و عملکرد امریکا و اسرائیل در برابر ایران در سال های گذشته و اتهاماتی که به خصوص این دو کشور به ایران زده اند و به عقیده البرادعی محکمه پسند نبوده اند، این خطر هست که اتهامات تازه و شاید بی پایه ای مجدداً به ایران زده شود و مشکلاتی ایجاد شود.

در مورد سازکار حل اختلافات آقای دکتر عبدالهی مطلب را خوب بیان کردند. این سازکار هم بی سابقه است و خوب است که ایجاد شده و به هر حال کنترلی هست که اتهامات واهی راه به جایی نبرد. کشورهای اروپایی هم در شرایط عادی معمولاً قضاوت مستقل می کنند، اما امکان بهانه جویی ها هم هست. با این وصف به نظر من سازکار حل اختلاف در برجام را باید قابل قبول بدانیم. اما چند نکته: یکی درباره ماده ۴۱ و ۲۵ منشور سازمان ملل متحد. گفته می شود که چون قطعنامه بر اساس ماده ۲۵ صادر شده، موضوع برنامه هسته ای ایران از فصل هفتم اساسنامه خارج شده است. به نظر من پرونده ایران بخاطر تصمیم مندرج در این قطعنامه بعد از ۱۰ سال از فصل هفت خارج می شود، البته مشروط بر اینکه طرفین برجام همه تعهدات پیش بینی شده را انجام دهند و هیچ طرفی نقض عهده نکند. از حالا می توان گفت تصمیم خروج پرونده ایران از شورای امنیت و عادی کردن وضعیت ایران به عنوان یک کشور هسته ای عادی گرفته شده اما نه بخاطر ماده ۲۵. ماده ۲۵ ناظر به تکالیف و صلاحیت های شورا است. مبنای تصمیم نیست. علی الاصول شورا نمیگوید بر مبنای چه ماده ای تصمیم گرفته مگر ماده ۴۱ باشد، چون ضامن اجرای آنها کاربرد زور است با تایید خود شورای امنیت. شورای امنیت تنها یک وظیفه داشته در قبال برجام و آن تایید آن بوده است و اینکه یک رسمیت به آن بدهد که این کشورها به صورت مساعی جمیله این کار را کرده اند. لزومی نداشته مبنای حقوقی تصمیمات خود را بگوید. آنجا که ماده ۴۱ ذکر شده لازم بوده چون آنچه با ماده ۴۱ تصویب شده تنها بر اساس ماده ۴۱ قابل حذف است. ولی کلاً لزومی نداشته به ماده ۲۵ رجوع کند و دلیل این ذکر ماده ۲۵ آن است که در قطعنامه مطالبی هست که به سایر کشورها هم مربوط است از جمله اینکه ایران می تواند با همه کشورها معامله کند و قطعنامه می خواهد این را بگوید که از این پس ایران یک بازیگر عادی خواهد بود.

یک مطلب قابل ذکر هم در مورد خود آقای آمانو است چرا که برجام به آژانس اختیارات زیادی داده است، اما گرفتاری در مورد آژانس این است که مانند سازمان ملل همه چیز به شخص مدیرکل بستگی دارد، چون نهایتاً متن نهایی را باید مدیرکل تهیه کند. در مرداد ۱۳۸۹، شش ماه بعد از انتخاب آمانو، گروه اول اسناد ویکی

لیکس در خصوص اینکه وی چند بار با مقامات امریکایی قبل از انتخاب شدنش ملاقات کرده و قول مساعدت در همه پرونده‌ها را داده است منتشر شد که البته این امری نامعمول نیست ولی مسائلی که در آن سند ویکی لیکس هست نشان دهنده این واقعیت است که آمانو شخصیتی مستقل مثل البرادعی، پتروس غالی و سایرین ندارد. مضافاً به اینکه مثل آقای البرادعی حقوقدان تیزهوشی نیست. تفاوت کار این دو نفر را در چند مثال می‌توان روشن کرد. آقای البرادعی از بار حقوقی «عدم پایبندی» در موافقتنامه پادمان‌ها کاملاً آگاه بود و می‌دانست بکار بردن این لغت در گزارش‌هایش دست شورای حکام را برای فرستادن پرونده به شورای امنیت باز می‌کند در حالیکه دلیل محکمی برای عدم پایبندی ایران در دست نبود. به همین دلیل تا پاییز سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴ شمسی) بجای عدم پایبندی از اصطلاحات دیگر همچون قصور یا نقض استفاده می‌کرد. همچنین به دلیل عدم اطمینان از صحت ادعاهای امریکا و اسرائیل در مورد مطالعات نظامی ایران، از این مطالعات به عنوان «مطالعات ادعائی» در گزارشات خود اسم می‌برد. اما آمانو در اولین گزارش خود در بهمن ۱۳۸۸ عنوان این مطالعات را عوض کرد و از آنها با عنوان «ابعاد احتمالی نظامی» یاد کرد. امید است حال که امریکا خود این توافق سیاسی را انجام داده، آمانو گوش به امریکا بدهد و وظیفه‌اش را بی طرفانه انجام دهد.

یک اصطلاح که در برجام به کار برده شده **Significant non performance** یعنی نقض آشکار یا مهم این سند است که سبب بازگشت تحریم‌ها می‌شود اما تعریفی از **significant** نشده، یعنی معلوم نیست ایران چه کاری بکند نقض آشکار محسوب می‌شود. به نظر من این می‌تواند مشکل‌زا باشد. باید در نظر داشت که کوتاهی‌های ایران در حد خلاف بوده است زیرا مثلاً اصل غنی‌سازی هیچ ممنوعیتی ندارد و جز امریکا که از ابتدا نظرش این بوده که غنی‌سازی جزو **NPT** نیست، هیچ کشوری این را نگفته و امریکا هم فقط شفاهاً آنرا بیان کرده است. ساخت سانتریفیوژ هم همینطور. ولی مسئله اطلاع دادن است و ایران وظیفه داشته اطلاع دهد اما مثل بسیاری کشورهای دیگر در این کار کوتاهی کرده است. اگرچه این نبود تعریف یک مشکل است اما در مذاکرات حسن نیت بوده و می‌توان انتظار داشت این باعث اختلاف نشود.

یک مشکل دیگر مسئله جو سازی بین المللی است که البته منحصر به پرونده هسته‌ای ایران نیست. مثلاً موسسه‌ای غیردولتی امریکایی بنام انستیتوی علم و امنیت بین المللی که در مورد ماهیت فعالیت‌ها، بودجه، وابستگی‌های دولتی و توانایی‌های علمی‌اش تردید بسیار وجود دارد هر از گاهی و معمولاً موقعی که وسائل ارتباط جمعی دنیا بر روی برنامه هسته‌ای ایران تمرکز کرده‌اند اطلاعاتی را به عنوان اطلاعات علمی و مستند در مورد ایران منتشر می‌کند که بازتابی وسیع دارد. در اکثر موارد هم این اطلاعات برای نخستین بار از سوی خبرنگار آسوشیتد پرس منتشر می‌شود. این اطلاعات را باید با احتیاط بسیار زیاد بررسی کرد. اطلاعات و

عکس‌هایی که دربارهٔ پارچین منشتر شده از سوی این موسسه بوده است.

اجازه بدهید سخنانم را با ذکر یک پرسش به پایان ببرم. اولاً چرا این مذاکره ممکن شد؟ به نظر من تحریم‌های بی‌سابقه یکی از دلایل این مذاکرات بود گرچه می‌دانم که دولت ایران اثر تحریم‌ها را بر روی این مذاکرات رسماً نمی‌پذیرد. هیچ کشوری بانک مرکزی‌اش تحریم نشده است. از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا شخصی بود که این بینش را داشته که باید با ایران مذاکره کرد. اینکه آمریکا در باتلاق عراق فرو رفت و در شرایط تهدید بیشتر نظامی نبود و ایران قابلیت‌های داخلی خودش را نشان داد، اینها در شرایطی ایجاد شد که امکان حمله نظامی به ایران مطرح بود. البته نقش ایران در سیاست‌های منطقه نیز قابل چشم‌پوشی نیست. محدودیتهایی که ایران پذیرفته، جدی است و ایران الزامی نداشته محدودیتهایی را که توافق کرده بپذیرد. این توافق سیاسی است و مبنای حقوقی ندارد. اینها را ایران داوطلبانه پذیرفته و البته این محدودیت‌ها، محدودیت زمانی دارد. برجام امری تازه است که نابرابر نیست و در سه‌جا به بیانیه ایران مبنی بر بازگشت به برنامه گسترده غنی‌سازی در صورت نقض توافقنامه از سوی طرف مقابل اشاره می‌شود که نشان‌دهنده برابری طرفین مذاکرات است. به نظر من مهمترین درسی که این مذاکرات برای کشورهای جهان سوم خواهد داشت آن است که نگاه بالا به پایین که کشورهای اروپایی به آن عادت دارند، تبدیل به یک نگاه افقی و مساوی شده است. ایران نیز با قابلیت کامل از این امکان استفاده کرده است.»

پس از سخنان دکتر محمودی، دکتر ضیایی بیگدلی (ریاست جلسه)، با اشاره به حضور دکتر سادات میدانی یکی از اعضای حقوقی تیم مذاکرات در جلسه، از ایشان دعوت کردند برای دقایقی دیدگاه‌های خویش را در قبال مسائل مطرح شده در نشست، بیان نمایند.

دکتر سادات میدانی پس از تشکر از فرصتی که در اختیارشان قرار گرفت به علاقه جناب آقای دکتر ظریف برای شرکت در این جلسه اشاره کردند و افزودند متأسفانه به علت جلسه مهم دیگری حضور ایشان مقدور نشد. ایشان در ادامه در پرتوی مباحث مطروحه توسط سایر سخنرانان، به چند نکته در خصوص برجام و قطعنامه‌اش اشاره داشتند.

در خصوص ماهیت برجام ایشان اظهار داشتند که می‌بایست به مجموعه‌ای از اسناد به منظور توصیف و تفسیر برجام توجه داشت و مشخصاً اینکه: «آنچه در قالب این اسناد مشاهده می‌کنیم ماحصل نوعی بده

بستان سیاسی است. در واقع طرف‌های مذاکره از موضعی که طی دوازده سال گذشته بر آن پای می‌فشرده‌اند، فاصله گرفتند. به عبارت دیگر این بده بستان باید در قالب یک فضای حقوقی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. این بده بستان سیاسی مجموعه‌ای از چند سند است. یک سند مشترک دارد که به عنوان برجام از آن یاد می‌شود که طرفین پذیرفتند و در کنار آن اسناد دیگری وجود دارد که تفسیر و اجرای این سند را می‌توانند متأثر کنند.» ایشان به بیانیه جمهوری اسلامی ایران که متعاقب تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در سازمان ملل متحد به ثبت رسیده است اشاره نمود و بر این نکته تأکید داشت که این بیانیه بیانگر چگونگی تفسیر و اجرای قطعنامه از سوی ایران است. به نظر ایشان این سند دارای ابعاد حقوقی مهمی نیز است، به خصوص بند ۱۳ آن. در این بند آمده است: «هیچ چیزی در برجام نباید به نحوی تعبیر و تفسیر شود که بطور مستقیم یا غیر مستقیم به معنای پذیرش یا مماشات جمهوری اسلامی ایران نسبت به مشروعیت، اعتبار یا قابل اجرا بودن تحریم‌ها و اقدامات محدودیت‌ساز تصویب شده توسط شورای امنیت، اتحادیه اروپا یا دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، ایالات متحده یا هر کشور دیگری علیه ایران باشد؛ همچنین نباید به معنای چشم‌پوشی یا محدودیت در اعمال هر گونه حقی که جمهوری اسلامی ایران وفق قوانین ملی، اسناد بین‌المللی یا اصول حقوقی مربوطه دارد، تعبیر و تفسیر شود.»

در ادامه ایشان به ابعاد هنجاری مذاکرات پرداختند و در این بیان داشتند: «سه بحث هنجاری در درون مذاکرات احساس می‌شد. بحث اول حقوق هسته‌ای بود که در این ۱۲ سال همواره به عنوان موضوع اختلافی مطرح بود. بحث دوم تعهدات پادمانی کشورها که بحث‌های زیادی در مورد آن مطرح است. به عبارتی روی دیگر استیفای حقوق چیست و دامنه تعهدات مربوطه تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد و بحث سوم، بحث نظام امنیت دست جمعی و قداست مصوبات شورای امنیت از طریق آنچه در نظام بین‌المللی به آن بعضاً شبه‌وحی گفته اند.»

در مورد قطعنامه ۲۲۳۱ و اینکه این قطعنامه چه میراث هنجاری را از خود برجای گذاشته است، با اشاره به بند ۲۳ قطعنامه ۲۲۳۱ ایشان به چند نکته اشاره داشتند: «نکته اول اینکه جدای از محمل قانونی صدور یک قطعنامه فضای آن قطعنامه بسیار حائز اهمیت است، من می‌خواهم نگاه همه را جلب کنم به مقدمه قطعنامه‌های قبلی، مانند مقدمه قطعنامه ۱۹۲۹. اتفاق بزرگی که اینجا افتاده تبدیل فضای اجباری سیستم امنیت جمعی به یک نظام رضایی است که در نوع خود بی‌سابقه بود و مورد توجه صاحب‌نظران هم بوده است، مباحث مطروحه در مقدمه قطعنامه میراثی است که بازگشت‌پذیری آن بسیار دشوار است و این تغییر فضا دست‌آورد بسیار مهمی است. بحث دوم تبدیل مخاطب قطعنامه‌های شورای امنیت است؛ در قطعنامه‌های قبلی مخاطب

اصلی دولت ایران بود، این قطعنامه نه تنها خود شورا را ملزم کرده بلکه دولت‌های طرف برجام و دولت‌های دیگر را نیز در بحث لغو تحریم‌ها هدف قرار داده است. ۱۰ بار به ماده ۴۱ منشور اشاره شده است، اما تنها یکبار مخاطبش جمهوری اسلامی ایران بوده است و نه بار دیگر مخاطب خود شورا است یا برای لغو و برداشتن تحریم‌ها یا اقداماتی که شورا باید انجام دهد یا واکنش‌های احتمالی. اما نکته سوم بحث عدم دارا بودن نظام نظارتی درون ملل متحدی است. ما شاهدیم در این قطعنامه به جز کمیسیون مشترک که رکن اجرایی برجام است، در درون ملل متحد برای نقض‌های غیر برجامی سازوکاری پیش‌بینی نشده است.»

درباره ماهیت حقوقی برجام نیز ایشان اشاره کردند که «موضع جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تا انتهای مذاکرات اعمال اصل توازن در تنظیم سند نهایی بود. و بحث این بود که اگر سند قابلیت توصیف به عنوان یک سند حقوقی را داشته باشد، طرفین آنرا مورد پذیرش قرار دهند. طرفین این آمادگی را نداشتند و اصل توازن ایجاب می‌کرد ما هم آن را به عنوان الزام حقوقی نپذیریم.» به این دلیل «یکی از کارهایی که در روزهای آخر انجام می‌شد پایش لحن و عبارت پردازی افعال و شرایط اجرای تعهدات ... بود. انتخاب واژگانی *significant non-performance* اتفاقی نبوده است و نهایتاً اینکه بر داوطلبانه بودن این تعهدات صراحتاً تأکید شده و این دلیلی است بر غیر الزام بودن برجام.»

پس از آنکه سخنان دکتر سادات میدانی پایان پذیرفت، دکتر عبدالهی چند سوال را که به صورت مکتوب ارائه شده بود قرائت کردند و سخنرانان به ترتیب به آنها مختصراً پاسخ دادند. در پایان جلسه نیز، دکتر ضیائی بیگدلی و دکتر زمانی به نمایندگی از انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، لوح یادبودی را به پاس همراهی و پشتیبانی دکتر سعید محمودی از انجمن به ایشان اهدا کردند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

نشست علمی «صلح؛ از آرمان تا واقعیت»

تهیه و تنظیم: ناصر سرگران

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی و با حضور دانشجویان و محققان علاقه مند به مطالعات ملل متحد نشست علمی «صلح از آرمان تا واقعیت» را به مناسبت روز بین المللی صلح در روز دو شنبه مورخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۹۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

در ابتدای نشست دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن) با یادآوری هفتادمین سالگرد آغاز به کار سازمان ملل متحد و پانزدهمین سالگرد تأسیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد به همایش سالانه انجمن که در ۳۰ آبان ماه و ۱ آذر ماه سال جاری با عنوان «هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد» برگزار خواهد شد، اشاره داشتند. ایشان ضمن اشاره به واقعیت‌های کنونی جامعه جهانی از جمله تهدید و نقض صلح از سوی گروه‌های تروریستی، به تلاش برای رسیدن به صلح پایدار به عنوان مطلوب بشریت تأکید داشتند.

در ادامه آقای محمد مقدم (نماینده دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران) پیام دبیرکل سازمان ملل متحد را در خصوص گرامی داشت روز بین‌المللی صلح قرائت به شرح ذیل قرائت کردند:

«امسال روز جهانی صلح با بحبوحه خشونت مرگبار و درگیری‌های بی‌ثبات‌کننده در سراسر جهان مصادف است. به جای تسلیم در برابر ناامیدی، مسئولیتی مشترک بر عهده داریم مبنی بر درخواست خاتمه وحشی‌گری و گریز از مجازات کینه‌مندی متداول شده است.

اینجانب همه جناح‌های درگیر را فرا می‌خوانم تا سلاح‌های خود را زمین گذاشته و آتش بس جهانی را رعایت کنند. به آنان می‌گویم: کشتار و تخریب را متوقف و فضایی برای صلح پایدار فراهم کنید.

اگرچه ممکن است این رویا دور از واقعیت به نظر رسد، اما رویای صلح در زندگی مردم در همه جا تداوم دارد.

برای تحقق این رویا هیچ گروهی مصمم‌تر از جوانان امروز نیستند. آنان بخشی از پرجمعیت‌ترین نسل جوانان تاریخ بوده که آگاه‌تر و بیش از هر زمان با هم در ارتباط هستند. اینجانب همه دولت‌ها را ترغیب می‌نمایم به منظور تحقق کمک‌های بالقوه وسیع جوانان صلح‌ساز جهان، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهند.

باید همه شرکایی که آرمان صلح را به اشتراک می‌گذارند به شکلی هم‌زمان بسیج کنیم. سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های اعتقادی و شرکت‌ها، همه در پرورش پیشرفت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و ایجاد جهانی منصفانه‌تر و صلح‌آمیز ترنقش دارند. ارزش این همکاری موضوع این روز است: «همکاری برای صلح - کرامت برای همه.»

ما در زمانی مخاطره‌آمیز زندگی می‌کنیم - اما این دوران عصر وعده بزرگ نیز هست. طی چند روز آتی، رهبران سراسر جهان در سازمان ملل متحد گردهم خواهند آمد تا دستور کار ۲۰۳۰ که برنامه ۱۵ ساله ما برای دسترسی به توسعه پایدار است را مورد پذیرش قرار دهند. این برای نوید یک زندگی شرافتمندانه برای همه ضروری است، در جایی که فقر به تاریخ می‌پیوندد و صلح در اولویت قرار می‌گیرد. اجازه دهید در این روز جهانی، در عین اینکه ما ۷۰ سالگی سازمان ملل متحد را جشن می‌گیریم، فرصت را برای دستیابی به هدف بنیادین این سازمان غنیمت‌شماییم: نسل‌های آتی را از بلای جنگ نجات دهیم.»



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در پایان و در بخش اصلی نشست دکتر محسن مجبی به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان صلح را از دیدگاه پدیدار شناسی در موازین حقوق بین الملل مورد بررسی قرار دادند. رئیس مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری با چند گزاره و پرسش‌های موضوع ورود پیدا کردند:

«مفهوم صلح چیست؟ آیا صلح یک توصیه است یا یک اصل ضروری است؟ یک امر اخلاقی است یا یک امر هنجاری؟ آیا صلح یک مفهوم انسان شناختی است یا یک مفهوم جامعه شناسی حقوقی؟ همچنین موانع صلح کدام اند؟»

با توجه به عنوان اصلی نشست این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که: آیا صلح را به عنوان یک واقعیت باید آرمانی کرد تا مستقر و پایدار بماند یا یک واقعیتی است که باید آرمانی گردد؟ تا محقق و مستقر بماند. به سخن دیگر آیا باید صلح را به عنوان یک آرمان که در دور دست مستقر است، پیشرو قرار داد و آرمانی کرد یا واقعیت موجود که غیر صلح آمیز است را تبدیل به یک آرمان نمود، تا چهاره دلنشین یابد؟

دکتر مجبی برای پدیدار شناسی مفهوم صلح در قامت حقوق بین الملل به منشاء حقوق بین الملل که از اروپا سرچشمه گرفته است، اشاره کرد. از این منظر تحولات اروپا تا انعقاد عهدنامه های و استقالتا را مد نظر قرار داد و آورده های این سند ذکر گردید. موازنه حاکمیت ها، پذیرش نظام حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و تعهد به حفظ صلح از جمله نتایج مهم

وستفالیایی است. بر این اساس حقوق بین الملل نوین که متولی حفظ صلح است از اینجا نشأت گرفته است.

در ادامه جهت تبیین نگاه پدیدار شناسانه به صلح، فلسفه سیاسی که به طور عمده منشاء اروپایی دارد مورد واکاوی قرار گرفت. بر این اساس تار و پود حقوق بین الملل بر فلسفه غرب بافته شده است. شاکله اصلی فلسفه سیاسی در غرب دو نظریه حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی است که هر دو نظریه ریشه در فلسفه رواقی و یونان باستان دارد. دکتر محبی با اشاره به پیوند نظریه قرارداد اجتماعی با حقوق بین الملل مبتنی بر اراده از یک سو به طرح دیدگاه‌های هابز و از سوی دیگر به بیان نظریات جان لاک و ژان ژاک روسو در تبیین این نظریه و مقایسه دیدگاه‌های آنان در این خصوص پرداخت. ایشان افزودند: از دیدگاه هابز طبیعت انسان بر اساس جنگ و ستیز است و چنانچه انگیزه قرارداد مشارکت وجود داشته باشد برای صیانت از خود انسان است. اما متفکران دیگری چون جان لاک و ژان ژاک روسو به طبیعت انسان و گرایش به همزیستی و تمایل به زندگی مشترک اشاره دارند که در این تعبیر انسان موجودی ذاتاً نیکوکار و تعالی جو است.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

یشان در ارتباط با دیدگاه دوم این ایراد را مطرح کردند که اگر چنین است پس چه نیازی به دولت، نهادهای سیاسی و قراردادهای اجتماعی است.

رئیس مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری در انتها با طرح نظریه کانت در خصوص صلح پایدار، به

لزوم وجود دولت‌ها و نه یک دولت جهانی البته با شرایطی که قدرت آنها را محدود سازد، اشاره کردند.

دکتر محبی در بیان ساختار کنونی حقوق بین الملل و در رأس آن سازمان ملل متحد اظهار داشتند: «ساختار موجود به رغم انتقادات وارده به آن که تا حد زیادی پذیرفته است، باید وجود آنرا مثبت ارزیابی کرد و در نتیجه به دنبال آن بود تا صلح را نه در زمین بلکه در افق جستجو کرد».

در پایان دکتر محبی با خواندن اشعاری از شاعران نامی در خصوص جنگ و صلح و همچنین بیم‌ها و امیدهای پیرامون عملکرد ساختار کنونی ملل متحد برای رسیدن به صلح، به راه بس دراز و ناهموار بشر برای تحقق این مطلوب اشاره نمودند.

نشست تخصصی «نقش کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد در تولید و ترویج علم»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

به مناسبت هفتادمین سال تاسیس سازمان ملل متحد و روز جهانی علم برای صلح و توسعه، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری انجمن ترویج علم ایران نشست تخصصی «نقش کارگزاری‌های تخصصی نظام ملل متحد در تولید و ترویج علم» را در روز چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۴ از ساعت ۱۳ تا ۱۷ در مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران برگزار کرد.

این جلسه با تلاوت قرآن کریم و سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.

در ابتدا و در بخش سخنان آغازین دکتر نسرین مصفا - رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - ضمن خیر مقدم این نکته را بیان نمودند که انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام وظایف مندرج در اساسنامه خود از بدو تاسیس تاکنون فعالیت‌های علمی متعددی را برگزار کرده است و امسال نیز در پانزدهمین سالگرد تاسیس انجمن و هفتادمین سالگرد آغاز به کار سازمان ملل متحد که با سال ۲۰۱۵ مصادف شده است، برنامه‌های مختلفی به این مناسبت تدارک دیده شده است که برنامه پیش رو با عنوان «نقش کارگزاری‌های تخصصی نظام ملل متحد در تولید و ترویج علم» یکی از برنامه‌های ویژه انجمن به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد است.



پس از دکتر مصفا، دکتر اکرم قدیمی - رئیس انجمن ترویج علم ایران - مطالب خود را ارائه نمودند. ایشان سخنان خود را با این مقدمه آغاز کردند: «به فعالیت‌هایی که به منظور آموزش علوم به مردم عادی، تقویت باور و اعتماد عمومی به علم و همگانی کردن علم انجام می‌شود، ترویج علم می‌گویند. ترویج و همگانی کردن علم کوتاه‌ترین راهی است که امکان دسترسی به نتایج علمی را میسر می‌سازد و در ضمن درک و فهم ما را نسبت به واقعیت‌های موجود بالا می‌برد. هدف ترویج علم، در اولین مرحله، برانگیختن توجه انسان به علم و نیز عرضه مهم‌ترین نتایج علمی به صورتی کاملاً ساده و در عین حال واقعی به انسان است. همگانی کردن علم و ترویج آن در صورت استمرار و بنیادی شدنش می‌تواند تفکر علمی و خردگرایی را در جامعه رواج دهد و راه را برای پیشبرد علوم و نهادینه شدن آن و در نهایت ترقی و رفاه جامعه هموار سازد. به طور کلی، می‌توان گفت ترویج علم تلاش برای انعکاس اندیشه‌های علمی به روشی است که تمام افراد بتوانند مفاهیم اساسی

یک علم را درک کنند، به زبان ساده، ترویج علم ابزاری است برای پیوند و برقراری ارتباط میان جامعه و جهان علم.»

ایشان همچنین بیان داشتند: «از حدود اوایل سال‌های دهه ۱۹۸۰، دولت‌های غربی به نحو جدی و همه‌جانبه توجه خود را به این پدیده معطوف ساختند، زمینه‌های مناسب برای رشد این فعالیت را فراهم آوردند و دیگر کنش‌گران اصلی در جامعه (یعنی جامعه علمی، بازار و جامعه مدنی) را به همراه خود در راستای تحقق اهداف این فعالیت بسیج کردند. این نکته به این معنا نیست که تا پیش از این زمان فعالیتی در حوزه ترویج علم در حیطه عمومی صورت نمی‌گرفت؛ به عکس شواهد مختلف حکایت از آن دارد که از زمان رشد علوم جدید، گام‌های مختلفی از سوی افراد یا نهادها برای حصول به این مقصود برداشته شده است. در قرون هفدهم و هجدهم و به خصوص در قرن نوزدهم میلادی با نمونه‌های مختلفی از کوشش‌های فردی یا جمعی برای ترویج علم روبه‌رو می‌شویم که از جمله آنها می‌توان به تأسیس آکادمی‌های علوم، انتشار نشریه‌های علمی، تألیف کتاب‌های درسی، برگزاری نمایشگاه‌ها و برپایی موزه‌ها با مضامین علمی و فناوریانه، ایراد سخنرانی‌های عامه‌فهم به وسیله دانشمندان صاحب‌نام و نیز اقبال رسانه‌های عمومی در خصوص انتشار مضامین و اخبار علمی اشاره کرد. ترویج علم که زمانی تنها به صورت چاپ آخرین دستاوردهای علمی در قرن هیجدهم و نوزدهم مطرح می‌شد، در حال حاضر اشکال جدیدی را به خود گرفته است. اشکالی همچون فروشگاه‌های علمی، رستوران‌ها و کافه‌های علمی، پارک‌ها و موزه‌های علمی و کنفرانس‌های عمومی علمی که همگی حاکی از ظهور مرحله جدیدی از این تکامل و تحول تاریخی است.»

ایشان در ادامه به بیان این موضوع پرداختند که: «فرآیند ترویج علم در ایران، فرآیند جدید و نوپایی است که شاید بتوان گفت رگه‌های آغازین آن به حدود نیم قرن گذشته یعنی آغاز به کار رادیو در ایران باز می‌گردد. فرآیند ترویج علم در ایران، همانند تمامی کشورها، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر نهاده است. فرآیند ترویج علم در ایران با فعالیت‌های داوطلبانه و پراکنده افراد آغاز شد و مراحل گوناگون آن از جمله مفهوم سازی، نهادسازی و ساختارسازی در ایران به سختی قابل تمایز است. تا چند سال گذشته ترویج علم در سطح محدودی از افراد و گروه‌ها قرار داشت. اما چند سال اخیر مفهوم ترویج علم و همگانی سازی علم به نوعی معنای واقعی تری به خود گرفته است. در سطوح سازمان‌های میانی، تعدد و تنوع فعالیت‌های ترویجی دیده

می‌شود. این تعدد، تنوع و گستره وسیع فعالیت‌ها، نشان از ظرفیت‌های فراوان برای توسعه فعالیت‌های ترویجی و همگانی سازی علم می‌دهد. البته ضعف فهم نظری از ترویج علم مشهود است. به نظر می‌رسد این ضعف نظری با اصلاح سیاست‌های میانی قابل رفع کردن باشد اما گسترش فرهنگ علمی در جامعه و همگانی کردن علم مورد اقبال کمتری قرار گرفته است.»

و درانتها اینگونه نتیجه‌گیری نمودند که عمومی سازی و ایجاد باور به نقش سازنده علم در دستیابی به توسعه پایدار نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پس از ایشان آقای محمد رجائی مقدم - معاون مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران - ضمن خوشامدگویی به استادان و حاضرین در جلسه به معرفی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران و نقش این مرکز در افزایش آگاهی‌های عمومی از فعالیت‌های سازمان ملل متحد پرداختند و به تشریح گوشه‌هایی از فعالیت‌های مرکز پرداختند.

در ادامه و در بخش تخصصی جلسه، ابتدا خانم دکتر مهین گرانی - رئیس اداره علوم کمیسیون ملی یونسکو در ایران - به ارائه سخنرانی با عنوان نقش سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) در تولید و ترویج علم پرداختند.

پس از ایشان خانم دکتر مهناز مهرین‌فر - استاد حقوق هوایی و متخصص در زمینه سازمان هوانوردی بین‌المللی - مطالب خود را با موضوع نقش سازمان هوانوردی بین‌المللی (ICAO) در تولید و ترویج علم ارائه نمودند.

در بخش پایانی نیز آقای سید علی موسوی - مشاور حقوقی و عضو هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان دریانوردی بین‌المللی (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵) - مطالب خود را با موضوع نقش سازمان دریانوردی بین‌المللی (IMO) در تولید و ترویج علم بیان کردند.

در انتها نیز خانم دکتر مصفا ضمن جمع‌بندی مطالب ارائه شده در نشست، مجدداً از حضور مهمانان ارجمند و شرکت‌کنندگان محترم سپاسگزاری نمودند.

این جلسه پس از طرح پرسش و پاسخ به پایان رسید.



میزگرد علمی « سازمان ملل متحد و جنگ‌های داخلی: کامیابی‌ها و ناکامی‌ها »

تهیه و تنظیم: ناصر سرگران

نشست تخصصی سازمان ملل متحد و جنگ‌های داخلی، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۸ به ابتکار شعبه غرب انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و با میزبانی و همکاری گروه علوم سیاسی و انجمن علمی علوم سیاسی دانشگاه رازی، گروه پژوهشی مطالعات عراق این دانشگاه با حضور جمع کثیری از دانشجویان و پژوهشگران علاقمند به فعالیتهای سازمان ملل متحد در دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه برگزار شد.

سخنرانان این مراسم، جناب آقای دکتر اسعد اردلان استاد دانشگاه و دیپلمات وزارت امور خارجه، دکتر ستار عزیزی دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه بوعلی سینا، دکتر قدرت احمدیان استادیار دانشگاه رازی و دکتر علیپوریانی دانشیار علوم سیاسی دانشگاه رازی بودند.

در ابتدای نشست، قدرت احمدیان، دکترای روابط بین الملل از دانشگاه رازی به بیان ساز و کارهای مدیریت بحران بین المللی در اندیشه رئالیسم و لیبرالیسم پرداخت.

وی گفت: بخشی از رویکردهای مدیریت بحران، مثل خلع سلاح، کنترل تسلیحات در اندیشه و رویکرد لیبرالیسم پایه‌هایی دارند و بخشی دیگر مثل موازنه قدرت و بازدارندگی پایه رئالیستی دارند هر دوی این نگاه‌ها، راه حل را واگذاری مدیریت به یک سازمان بین المللی می‌داند.

وی در ادامه درباره تغییر کارکرد سازمان ملل بعد از سقوط شوروی گفت: عملیات‌های صلح سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم، تابع تحولات بین المللی بود. در این مقطع سازمان ملل بین دو دولت مداخله و زمینه را برای کاهش درگیری و نزاع فراهم می‌کند تا نهایتاً به امضای پیمان صلح برسد نقش سامان ملل اینجا ایجاد منطقه حایل بین دو کشور است؛ اما بعد از سقوط شوروی در ۱۹۹۰ منازعات داخلی است که گسترش می‌یابد و سازمان ملل به اقتضای شرایط کارکرد خود را تغییر می‌دهد.

در ادامه علیپوریانی، عضو هیات علمی دانشگاه رازی به بررسی علل و عوامل خشونت پرداخت و جزمیت را متغیر مستقلی برای خشونت طلبی به عنوان متغیر وابسته دانست و ضمن طبیعی دانستن جنگ در غیاب نهادهای مدنی و آموزشی درباره جنگ‌های منطقه، درباره ریشه خشونت در جریان سلفی گفت: تمام پیشوایان مذهب سلفی خود را به احمد بن حنبل منتسب می‌کنند و مولفه‌ای که اینجا نادیده گرفته می‌شود، عقل است که در منابع حنبلی‌ها وجود ندارد. در این صورت یک منبع غیر قابل اعتماد در تاریخ موثق‌تر از عقل است.

در ادامه اسعد اردلان، دکترای حقوق بین الملل از دانشکده وزارت خارجه، ضمن توضیحاتی درباره تأسیس انجمن مطالعات سازمان ملل گفت: سازمان ملل به وجود آمد که جنگ اجتناب پذیر باشد. نه جنگ‌های محلی را بلکه جنگ‌های بزرگی که دنیا را در کام خود فرو می‌برد. تجربه جامعه ملل در ۱۹۱۸ به دلیل عدم حضور قدرت‌های بزرگ پس از جنگ اول، باعث شد کمک کند که، اگر قرار است بنیاد دیگری برای پیشگیری از جنگ ایجاد شود، حتماً الزام آور و دارای ضمانت اجرایی باشد؛ بنابراین ساختاری پدید آمد که دارای چون و چراهای زیادی است. سؤال‌های زیادی مطرح است. از جمله آنکه چرا سازمان ملل نتوانسته است از بسیاری از فجایع پیشگیری کند؟ ما بر این باوریم اگر سازمان ملل نبود، خیلی بدتر از این می‌شد. اگر دست کم سازمان ملل نمی‌تواند پیشگیری بکند، پس از بحران‌ها می‌تواند وارد عمل شود و آنها را به گونه‌ای سامان بدهد و بعد می‌آید وظایف دیگری، غیر از بازدارندگی نیروهای متخاصم به عهده می‌گیرد و به بازسازی، کنترل جامعه و سیر دموکراتیزه کردن جامعه برای کاهش تنش‌ها اقدام می‌کند.

در پایان این نشست آقای ستار عزیزی، دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه بوعلی سینا بر این امر تاکید کرد که سازمان ملل امروزه توجه بیشتری را متوجه جنگ‌های داخلی کرده است.



وی گفت: همواره میزان خشونت‌ها و جنگ‌های داخلی به مراتب بیشتر از اختلافات و جنگ‌های بین‌دولی بوده است و سازمان ملل پس از جنگ سرد تحرک بیشتری در مواجهه با جنگ‌های داخلی از طریق اعزام نیروهای حافظ صلح، هیات‌های سیاسی - شامل نیروی نظامی، پرسنل اداری و سیاسی - تشکیل دولت انتقالی یا اداره بین‌المللی و تشکیل محاکم کیفری جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی، داشته است.

نشست تخصصی «سازمان ملل متحد و حمایت از زنان؛ از آرمان منشور تا واقعیت جهانی»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

به مناسبت هفتادمین سال تأسیس سازمان ملل متحد انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری انجمن ایرانی مطالعات زنان نشست تخصصی با موضوع **سازمان ملل متحد و حمایت از زنان؛ از آرمان منشور تا واقعیت جهانی، ارزیابی هفتاد سال فعالیت ملل متحد درباره زنان** در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۴ در مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران برگزار کرد.

این نشست با تلاوت قرآن مجید و سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید.

نشست در دو بخش برگزار شد.

جلسه با سخنان آغازین خانم دکتر شکوه نوایی نژاد، ریاست انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد شروع به کار کرد و در ادامه خانم ماریا دوتسنکو، مسئول اطلاعات همگانی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران درباره گام‌های برداشته شده طی ۷۰ سال عمر سازمان ملل متحد در زمینه مسائل مربوط به زنان نکاتی ایراد و بر چهارمین کنفرانس جهانی زنان در پکن در ۱۹۹۵ و گرامیداشت بیستمین سالگرد آن تاکید کرد و به ۱۲ حوزه مهمی اشاره داشت که از سوی کنفرانس درباره ارتقای حقوق زنان مطرح شده است.



UNIC Tehran/Sepideh S. Asgari

سپس خانم دکتر مصفا- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد- در زمینه جویی این نشست تخصصی مطالبی را ارائه نمودند.

در پایان این بخش نیز آقای دکتر پوریا عسکری- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی^(۵) و مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ- به بررسی موضوع زنان؛ صلح و امنیت بین‌المللی پرداختند.



در بخش دوم این نشست ابتدا خانم دکتر حوریه شمشیری- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی- به سخنرانی پیرامون نظام ملل متحد و سلامت زنان پرداختند.



پس از ایشان نیز خانم نازنین قائم مقامی - کتابدار ارشد مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران-سخنان خود را با عنوان جایگاه اداری زنان در نظام ملل متحد بیان کردند. و بالاخره خانم نازنین قائم مقامی، کتابدار مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد با استفاده از وب سایت ملل متحد به جایگاه زنان در نظام ملل متحد و زنان در سطوح تصمیم گیری در این سازمان جهانی پرداخت.

نشست ویژه هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد: «شورای امنیت در برزخ میان ضرورت اقدام موثر و لزوم تعریف و رعایت حکومت قانون»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی سخنرانی ویژه ای را با عنوان «شورای امنیت در برزخ میان ضرورت اقدام موثر و لزوم تعریف و رعایت حکومت قانون» و سخنرانی دکتر هدایت الله فلسفی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) در روز دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۴ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

در ادامه می توانید گزارش کامل این نشست را مطالعه نمایید.

دکتر نسرين مصفا (رئیس انجمن)

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت تمام کسانی که دعوت انجمن ایرانی سازمان ملل متحد را برای حضور در این جلسه پذیرفته اند. خیرمقدم عرض می کنم خدمت استادان محترم و گرانمایه ای که در جلسه امروز حضور پیدا کرده اند و همچنین خیرمقدم ویژه دارم خدمت استاد محترم، استاد بزرگ حقوق بین الملل ایران، استاد گران سنگ، جناب آقای دکتر هدایت الله فلسفی که با حضورشان انجمن را مورد لطف قرار دادند و دعوت ما را پذیرفتند و ما امروز در خدمت این استاد ارجمند _____ د ه س _____ تیم.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام وظایف مندرج در اساسنامه خود از بدو تأسیس تاکنون فعالیت های علمی داشته و همانطور که مستحضر هستید امسال در پانزدهمین سالگرد تأسیس و تشکیل خودش قرار دارد و از طرفی هفتادمین سالگرد سازمان ملل متحد است، سازمانی که به نظر می آید دوران نوزادی، کودکی، نوجوانی و بلوغ و میانسالی خود را گذرانده است و اکنون در شرایطی قرار دارد که هفتاد سال از عمرش می گذرد. به همین مناسبت، انجمن از سال ۲۰۱۵ یک سلسله فعالیت هایی را برای توجه به ملل متحد در هفتادمین سالگردش دنبال کرده و کسانی که با فعالیت انجمن آشنا هستند یا در برخی از آنها شرکت داشته اند و یا از طریق سایت انجمن از برخی برنامه ها مطلع شده اند، در جریان این برنامه ها قرار دارند. برنامه امروز هم در همین راستا می باشد و ما خیلی خوشحال هستیم که سخنرانی ویژه هفتادمین سالگرد سازمان ملل متحد را در خدمت استاد ارجمند هستیم و فکر می کنم جمع هم می داند که سازمان ملل

متحد فعالیت‌های گسترده‌ای دارد که بخشی از آنها فراتر از صلح و امنیت بین‌المللی است ولی معمولاً ملل متحد را با شورای امنیت ارزیابی می‌کنند و فعالیت‌های دیگرش که شاید هشتاد درصد باشد کمتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد ولی باز هم کارنامه ملل متحد با فعالیت‌های شورای امنیت سنجیده می‌شود. بنابراین برای ما فرصتی است که به بخش مهم و قابل توجه ملل متحد که فلسفه اصلی‌اش همان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در چارچوب شورای امنیت است بپردازیم و دکتر فلسفی این مهم را با بزرگوارى پذیرفتند. سخن را کوتاه می‌کنم و از استاد بزرگ حقوق بین‌الملل استدعا می‌کنم که تشریف آورده و فرمایشات خود را بیان فرمایند.

دکتر هدایت الله فلسفی (استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)

بسیار خوش بخت هستم و افتخار می‌کنم که در این مجلس که از همکاران و دوستان من و علاقمندان به ملل متحد تشکیل شده است، حاضر شوم. بنده برای سخنرانی به اینجا نیامده‌ام؛ غرض من این است درباره نقاط ضعف و قوت موجودی که هفتاد ساله شده است، مسائلی را با شما در میان بگذارم. برای این کار می‌توانستم از اختیار توصیف شورای امنیت در توصیف وقایع و بحران‌ها، رویه شورا در مورد اجرای ماده ۳۹ منشور، مسائل مربوط به فلسطین، مبارزه علیه سوداگری غیرمجاز اسلحه، توسعه نیافتگی و تهدید علیه صلح، محیط زیست و توسعه پایدار، ملل متحد و حقوق دریاها، ملل متحد و دموکراسی، ملل متحد و حقوق بشر، ملل متحد و دادگستری بین‌المللی و ... یکی را انتخاب و در مورد آن صحبت کنم. اما موضوعی را برگزیدم که با تمامی این مسائل مرتبط است و آن تعریف و رعایت حکومت قانون است که تجلیات آن در مهمترین قسمت سازمان یعنی شورای امنیت بسیار مشهود است. نظام حقوقی مجموعه‌ای است منسجم از تمامی عناصری که در تأسیس حقوق حاکم بر حیات و کار هر جامعه انسانی سهم اساسی دارد. همانطور که از این تعریف استفاده می‌کنیم، نظام حقوقی بر جامعه انسانی حکومت دارد؛ با این حال، در آنجا که جامعه انسانی اشخاص را به طور مستقیم متشکل می‌سازد، نظام حقوقی نظامی دولتی است، و در آنجا که جامعه دولت‌ها اشخاص را به طور غیرمستقیم گردهم می‌آورد، نظام حقوقی نظامی بین‌المللی است. اما نظام، در سیستم سازماندهی شده است و این به این معناست که نظام سرجمع عناصر پراکنده نیست، بلکه مجموعه‌ای است از عناصر به هم پیوسته که در یک واحد یا یک کل معین تشخیص می‌یابد. نظام ملل متحد نیز سیستم یا دستگاهی است که با بهره‌گیری از ارگانیزم‌ها و آیین‌های معین حول محور ارزشی متعالی یعنی شأن و مرتبه انسانی که در صدر منشور به آن اشاره شده است و بشریت نماد آن است به چرخش درآمده تا گردش حیات و اجرای مقررات بین‌المللی تابع نظامی معین گردد. در این سیستم، اقدامات جمعی موثر تابع اصول حکومت قانون، استقرار و توسعه روابط دوستانه، تابع اصل برابری انسانی و تمهید هرگونه تدبیر در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی، تابعی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است. این سه اصل، اعتبار خود را از همان ارزش متعالی یا همان اصل وحدت‌دهنده نظام بین‌المللی یعنی بشریت بر می‌گیرد، بنابراین سازمان ملل متحد سیستمی است که در آن کلیت، ثبات و آمریت اصول و قواعد حقوق

بین الملل با نهادهای منظم و پیوسته حول محور اساسی یعنی بشریت انضباط یافته و در نتیجه یک کل پایدار به وجود آمده است. بحث امروز ما بر اصل نخست یعنی اصل حکومت قانون متمرکز است، یعنی در آنجا که اقدامات جمعی موثر باید بر اساس مقرراتی متناسب با اصل متعالی یعنی بشریت و در سیاق اصول هفت گانه به اجرا درآید. واژه حکومت قانون در اوایل قرن نوزدهم در آموزه های علمای آلمان پدیدار شد و در اواخر همان قرن بزرگان حقوق از جمله یلینک در آثار خود به این مفهوم اشاره کردند و آنگاه در فرانسه با مجاهدت کارنو مالبر رشد و گسترش یافت. حکومت قانون در برابر حکومت پلیسی قرار دارد و به معنای دولتی است که قدرتش تابع گروه باشد؛ در چنین مفهومی ارگان های دولت فقط بر اساس صلاحیتی که به آنها داده شده است یعنی صلاحیتی حقوقی عمل می کنند و در نتیجه اعمال قدرت فقط در شکل صلاحیتی نهادین و سازمان یافته و محدود میسر می شود.

در نظام های داخلی، حکومت قانون مستلزم وجود سلسله مراتب منظم در قواعد حقوقی است، حکومت قانون در این نظام ها آنگاه پیشرفته و توسعه یافته است که این وابستگی به بهترین شکل تضمین شده باشد، اصل متعارف نظریه حکومت قانون تبعیت سازمان های اداری از قانون است که البته دستگاه قضایی هم باید ضامن چنین تبعیتی باشد. علاوه بر این، از آنجا که قانون عادی هم باید تابع قانون اساسی باشد، مجلس قانون گذاری فقط در چارچوب قانون اساسی قانون وضع می کند و قاضی قانون اساسی بر آن نظارت می کند. در سیستم ملل متحد، حکومت قانون هنوز انسجام پیدا نکرده و در نتیجه همچنان در حال تکامل است. دستاورد این سازمان در حال حاضر فقط اصول و مفاهیمی است که در کل می توانند مبدأ حرکت جامعه بین المللی به سوی نظم و حکومت نسبی قانون در مفهوم خاص کلمه باشد. هرچند سازمان ملل متحد ظرف این هفتاد سال با پشت سر گذاشتن تحولات بی شمار به سبب یا علت یا به طور کلی موانع نظم پی برده است و تمام مساعی خود را در جهت ابتکار مفاهیم حقوقی متمرکز ساخته است. مسئولیت حمایت و حمایت مسئولانه از جمله این مفاهیم است که از جهات بسیار می تواند در تحول و تکامل حکومت قانون در سیستم ملل متحد تاثیر بسزایی داشته باشد.

از همین رو است که در اوایل این قرن شورای امنیت در مقام ارگان اجرایی ملل متحد در برزخ میان این دو مفهوم گرفتار می شود. علاوه بر این، این مسئله غربی های قائل به مداخله شورای امنیت در مسائل مرتبط با حقوق بشر را با چینی ها و روسی های مخالف این مداخلات رو در روی یکدیگر قرار داده است.

سوال این است که سازمان ملل متحد در آنجا که باید به زور متوسل شود چگونه قادر است میان ضرورت اقدام موثر از یک طرف و تعریف و رعایت موازین حکومت قانون تعادلی بایسته به وجود آورد. قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در ۲۰۱۱ درباره لیبی نقطه اوج مفهوم مسئولیت حمایت قلمدا شده است؛ البته پیش از صدور این قطعنامه نیز قطعنامه های دیگری صادر شده بود که به این مفهوم اشاره کرده بودند. در قطعنامه ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ درباره لیبی، شورای امنیت گفته است که مقامات لیبی مسئول حمایت از مردم لیبی هستند، در همین قطعنامه شورای امنیت تصمیم گرفته که این مسئله را به دادستان دیوان کیفری بین المللی ارجاع دهد. به هر روی، تفسیر موسعی که دولت های شرکت کننده در عملیات حامی واحد از قطعنامه ۱۹۷۳ در توسل به زور به عمل آوردند در سازمان ملل متحد با واکنش تند بسیاری از اعضا رو به رو شد. برزیل از جمله

اعضایی بود که با استفاده از این فرصت و در جهت تفسیر مفهوم مسئولیت حمایت، زیرکانه از حمایت مسئولانه سخن به میان آورد و مدعی شد با توجه به این معنا می‌توان هم دامنه مسئولیت حمایت را محدود ساخت و هم به نوعی آن را احیاء کرد.

در همین اوقات با پدیداری بحران سوریه، این مبحث دامنه گسترده‌ای پیدا کرد و این سوال به وجود آمد که به راستی سازمان ملل متحد در برخورد با این وقایع باید چه کند. با آنکه در حال حاضر کمتر از مفهوم مسئولیت حمایت یاد می‌شود علمای حقوق در بعضی از کشورهای انگلوساکسون هرچند وقت یک بار، بر سر حد و حدود واقعی این مفهوم با یکدیگر مجادله می‌کنند و از عملی بودن یا نبودن آن در عالم واقع سخن می‌گویند. به همین سبب، نمی‌توان حدی دقیق برای آن گذاشت و یا دامنه آن را مشخص کرد. به اعتقاد من، مسئولیت حمایت ابزاری خطایی است که اندیشه مشروعیت بخشیدن به بعضی از اقدامات را ترویج می‌کند و چنانچه ضرورت اقتضا کند، در پذیرش این یا آن استدلال حقوقی موثر واقع می‌شود. با پیروی از چنین اعتقادی، بسیاری از دولت‌ها از پذیرش قطعنامه ۱۹۷۳ درباره لیبی به وجد آمدند و از شأن اساسی آن سخن‌ها گفتند و آن را آغازی برای یک تحول اساسی به شمار آوردند. مهم‌تر از همه این نخستین باری بود که به دولت‌ها اجازه داده می‌شد که از طریق ائتلاف با یکدیگر به هر اقدامی دست بزنند تا از مردم و منافع غیرنظامی لیبی و از جمله بن قاضی در قبال هر تهدیدی حمایت کنند، ضمن آنکه استفاده از نیروی نظامی اشغالگر خارجی به هر شکل و صورتی و در هر منطقه از مناطق لیبی را منع کنند و ممنوعیت پرواز را رعایت کنند. اما دولت‌هایی که با استناد به این قطعنامه به عملیات موسوم به حامی واحد دست زدند، با تفسیر وسیعی که از مفاد این قطعنامه به عمل آوردند به جای آنکه از غیرنظامیان حمایت کنند، فقط رژیم لیبی را حمایت می‌کنند. در نتیجه گروهی از دولت‌ها در سازمان ملل متحد علیه این عملیات به پا خاستند و مدعی شدند که دولت‌های شرکت‌کننده در عملیات حامی واحد آشکارا از اختیاراتی که قطعنامه ۱۹۷۳ به آنها داده بوده است، تخطی کرده‌اند. آفریقای جنوبی به رغم مواضع اولیه خود در دفاع از این قطعنامه و دولت نروژ به رغم شرکت در عملیات علیه دولت لیبی از جمله این انتقاد کنندگان بودند. اما برزیل، با توجه به مداخلاتی که زیر حجاب مسئولیت حمایت در لیبی انجام گرفته بود، در نوامبر ۲۰۱۱ به یکباره مفهوم حمایت مسئولانه را مطرح کرد و این نخستین باری بود که یک دولت نوحسته صنعتی در سازمان ملل متحد در گفت‌وگو با تکامل ساختار امنیت جمعی مشارکت می‌کرد. در پیشنهاد برزیل سخن تازه‌ای دیده نمی‌شود البته به ظاهر، دقیقاً همان مطالبی را تکرار کرده است که در سال ۱۹۹۱ در سازمان ملل متحد گفته شده بود و قرار بود محدودیت‌هایی برای تدابیر شورای امنیت به وجود آید، منتهی در طرح برزیل تدابیری خردمندانه برای پاسخگویی دولت‌های شرکت‌کننده در عملیات حمایت‌اندیشیده شده است. پیشنهاد برزیل با آنکه منطقی قوی و روشن داشت با اقبال همه اعضای سازمان ملل متحد رو به رو نشد. هلند از این پیشنهاد استقبال نمی‌کرد زیرا گمان می‌کرد که پذیرش آن از اقتدار تصمیمات شورای امنیت می‌کاهد و ترلزی در کار صلح و امنیت جهانی پدید آمدن سی‌و‌هشت کشورهای غیر غربی وضعیت صورت دیگری داشت. در این کشورها ابتدا از مفهوم حمایت مسئولانه استقبال کردند اما

بعد از چندی، شماری از آنها به این مفهوم بد بین شدند و با آن به مخالفت برخاستند. دولت‌هایی که این مفهوم را آماج تیر انتقادات قرار می‌دادند، آنهایی بودند که حمایت مسئولانه را به اسب تروجان غرب تشبیه می‌کردند؛ چین و روسیه هم باکی نداشتند که بدبینی خود را نسبت به این مفهوم علناً ابراز دارند. به اعتقاد این دولت‌ها، حمایت مسئولانه با تنظیم یک سلسله مسائل مرتبط با نظارت متقابل و توازن قوا کوشیده است مبنایی برای مشروعیت بخشیدن مسئولیت حمایت بیابد و این طبعاً با طرح‌هایی که در این حیطه متضمن اقدامات نظامی می‌باشد، منافات دارد. در همین اوضاع و احوال بود که مباحثات مربوط به شورای امنیت در سوریه به نتیجه نرسید و به همین سبب مفهوم مسئولیت حمایت همچنان در پس پرده ابهام باقی ماند.



با گسترش جنبش‌های مخالف با رژیم بشار اسد در برخی از شهرهای سوریه در مارس ۲۰۱۱، جنگی داخلی سراسر این کشور را فرا گرفت و این درست مصادف با زمانی بود که قطعنامه ۱۹۷۳ درباره لیبی صادر شد. با شدت گرفتن این جنگ، دولت‌های غربی در اکتبر ۲۰۱۱ کوشیدند شورای امنیت را به صدور قطعنامه‌ای بر طنین که پژواک همان قطعنامه ۱۹۷۳ باشد ترغیب کنند، به گونه‌ای که ادامه اعمال مقامات سوریه در نقض شدید و منظم حقوق بشر و همچنین اقدامات زورمدارانه آنها را علیه غیرنظامیان آن کشور شدیداً محکوم کند و بر مسئولیتی که بیش از همه متوجه دولت سوریه بود، تاکید بورزند. با اینکه پیش‌نویس چنین قطعنامه‌ای هنوز از توسل به زور توسط سوریه سخن نگفته بود، این پیام را برای دولت بشار اسد همراه داشت که چنانچه رفتار او را تغییر ندهد احتمالاً با تنبیهات مقرر در ماده ۴۱ منشور ملل متحد رو به رو خواهد شد و این برای دولت سوریه بسیار گران تمام می‌شد. این پیش‌نویس در شورای امنیت با مخالفت جدی چین و روسیه و چهار عضو غیردائمی دیگر روبه رو شد. در اواخر اوت ۲۰۱۳ پس از اینکه سوریه از سلاح‌های شیمیایی به صورت

گسترده استفاده کرد، برخی از دولت‌های غربی تصمیم گرفتند که با جلب موافقت شورای امنیت در این کشور مداخله کنند، اما تهدید چین و روسیه به وتو در مقابل هر نوع تصمیم‌گیری مداخله‌جویانه در شورای امنیت آنچنان واضح بود که دولت‌های غربی از تهیه پیش‌نویس منصرف شدند. بنابراین مفهوم حمایت مسئولانه که می‌توانست مرهمی برای زخم‌هایی باشد که قضیه لیبی به تضمینات لازم علیه سوء استفاده از ماموریت‌های شورای امنیت وارد کرده بود به خاموشی گرایید و این فرصت را برای پکن و روسیه فراهم کرد که حمایت مسئولانه را توطئه غرب قلمداد کنند و این‌طور نتیجه بگیرند که حمایت مسئولانه دست‌آویز جدیدی است برای وادار ساختن دولت‌های تازه صنعتی شده به پذیرش مداخله قدرت‌های امپریالیستی. بنابراین ناتوانی شورای امنیت در مقابله با بحران سوریه برای چین و روسیه این نگرانی را به وجود آورده بود که مبادا غربی‌ها این شورا را دور بزنند و با استناد به قطعنامه ۳۷۷ سال ۱۹۵۰ به مجمع عمومی روی آورند یا آنکه از پیشنهاد دولت فرانسه مبنی بر اعراض کلیه اعضای دائم شورای امنیت از اعمال حق وتو در موارد مرتبط با جنایت جنگی تبعیت کنند. پیشنهاد برزیل که راه را برای چنین امکانی باز می‌کرد نیز بر سوءظن دولت‌های متوهم از جمله چین و روسیه می‌افزود. برزیل که از این مجادلات به تنگ آمده بود آرام آرام میدان مبارزه را ترک گفت و پیشنهاد خود را دنبال نکرد. با این حال، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که این مفهوم در سازمان ملل متحد و در حیطه مسائل مرتبط با نظارت بر عملیات توسط ————— به زور پژوهاکی گســـــــترده داشـــــــسته است.

دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش‌های سالانه خود به کرات از این مفهوم استفاده کرده و بر آن تاکید گذاشته است. صرف نظر از این مباحثات و مناقشات، این امر مسلم است که دولت‌ها در حال حاضر کاملاً متوجه شده‌اند که یکی از شروط استقرار هر چند نسبی حکومت قانون در سازمان ملل متحد، ایجاد چارچوبی حقوقی برای عملیات نظامی شورای امنیت و اعمال نظارت جدی بر کار دولت‌هایی است که کار اجرای این عملیات را بر عهده گرفتند. یقیناً از همین راه است که سیستم امنیت جمعی تقویت و اعتماد جهانی به این تشکیلات زیاده‌تر می‌شود. اما این چارچوب کدام است؟

:طرح برزیل متضمن چهار اصل است که به‌طور خلاصه آنها را بیان می‌کنم:

اولین اصل محدودیت عملیاتی و زمانی جواز توسل به زور است. به حکم منطق، فرمان شورای امنیت مبنی بر توسل به زور باید محدوده‌ای روشن و معین داشته باشد. این شورا از جهت آنکه غالباً احکامی مبهم و نامحدود صادر کرده، آماج تیر انتقاد بسیاری از دولت‌ها قرار گرفته است؛ از این رو، لازم می‌نماید احکام و فرمان‌های شورا مقصد و مقصودی روشن و مشخص و محدوده زمانی و عملیاتی معینی داشته باشند. قطعنامه ۶۷۸، سال ۱۹۹۰ هیچ‌گونه محدوده‌ای نداشت، شورای امنیت در این قطعنامه به دولت‌های ذینفع اجازه داده بود که از هر وسیله لازم برای اعاده صلح و امنیت استفاده کنند.

شورای امنیت قطعنامه‌ای که درباره لیبی در ۲۰۱۱ صادر کرد، در اینجا نیز متن حکم با آنکه دقیق و روشن بود خطر تنوع تفسیر از آن قطعنامه‌ای به وجود آورد که باز دست دولت‌ها را در عملیات باز گذاشته بود. زمانی که قطعنامه محدود به مدت زمان معین نباشد با خطر وتوی وارونه روبه‌رو است، به این صورت که وقتی مدت زمان معین برای قطعنامه مشخص نمی‌شود، دولت‌هایی می‌توانند همچنان در سرزمینی که برای عملیات وارد شده‌اند باقی بمانند. دولت‌های ایالات متحد

آمریکا و انگلستان که مصمم بودند در عراق مداخله کنند با استفاده از همین ابهام مدعی شدند که این قطعنامه همچنان معتبر است و در نتیجه با توسل به همین حيله توانستند در عراق مداخله نظامی کنند. مطابق با اصل دوم، مداخله نظامی باید بر اساس مفهوم و منطوق اجازه نامه باشد. دولت‌هایی که از شورای امنیت اجازه می‌یابند برای استقرار صلح و امنیت بین‌المللی به زور متوسل شوند، البته که باید در محدوده اجازه نامه عمل کنند و از حدود تعیین شده آن بیرون نروند. با آنکه این اصل از قاعده‌ای بدیهی سخن می‌گوید، اعمال آن مبهم است زیرا قبل از هر چیز باید معین گردد که تفسیر قطعنامه با کیست، یا کدام مرجع داور رسیدگی به خروج دولت شرکت‌کننده در عملیات از صلاحیت تعیین شده در قطعنامه است. در عملیات لیبی در ۲۰۱۱ در حالی که بعضی از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مثل اتحادیه آفریقایی از عملیات دولت‌های شرکت‌کننده انتقاد داشتند، آن دولت‌ها را متهم به خروج از صلاحیت‌های تعیین شده می‌کردند. در چنین حالتی شورای امنیت همچنان سکوت می‌کرد و واکنشی از خود نشان نداد. با آنکه خروج از حیطه اختیارات خود مسئله‌ای است که با ساختار کلی سازمان ملل متحد سروکار دارد، از این نکته نباید غافل ماند که هر اندازه دامنه قطعنامه بازتر باشد، فرصت برای خروج از حدود اختیارات بیشتر است. سومین اصل ضرورت و تناسب مداخله و رعایت آنها در چارچوب حقوق بین‌الملل است. برزیل در پیشنهاد خود بر این نکته تأکید گذاشته که مداخله باید منطقی و متناسب با علت مداخله باشد و تا آنجا که امکان دارد موجب بی‌ثباتی و خشونت نشود. البته صفات منطقی و متناسب که برزیل در پیشنهادات خود به کار برده است، دقیقاً همان اصول ضرورت و تناسب است، این دو اصل بی‌شک بر عملیات توسل به زور که شورای امنیت تجویز کرده باشد قابل اعمال است. واژه‌هایی که شورا برای توسل به زور به کار برده و بیان کرده است که دولت‌ها به هر اقدام لازم یا استفاده از هر وسیله ضروری برای اجرای مأموریت خود دست بزنند دقیقاً به اصل ضرورت بر می‌گردد. در این صورت دولت‌ها می‌توانند برای توفیق در مأموریت خود هرآنچه که ضرورت دارد انجام دهند. صرف نظر از واژه‌هایی که شورای امنیت در قطعنامه‌های خود به کار برده است، می‌توان گفت که اصولاً تحمیل این نوع محدودیت‌ها با حقوق بین‌الملل عام است. اصول تناسب و ضرورت دو اصلی هستند که در موارد تجویز توسل به زور فرض می‌شوند. اقرار به اینکه تناسب و ضرورت در حوزه مسائل مرتبط به توسل به زور که شورا مقرر کرده باشد به آن معنا نیست که در چنین حیطه‌ای مسئله‌ای وجود ندارد، در اینجا هم مثل مورد قبل مسئله تعیین مرجع صالح برای تشخیص رعایت این اصول توسط دولت‌های شرکت‌کننده در عملیات از اهمیت خاصی برخوردار است. اما نظارت بر مسائل ماهوی در حیطه اجرای عملیات نیز بسیار دشوار است. وقتی به دولت‌ها اجازه داده شود که از همه وسایل استفاده کنند، در واقع به آنها این امکان داده شده است که خود تشخیص دهند چه نوع وسیله نظامی برای تحقق مقاصد شورای امنیت لازم است. دولت‌هایی که به این ترتیب مجاز به استفاده از زور شده‌اند مایلند خود مهار عملیات را به دست گیرند و اوضاع و احوال را ارزیابی کنند؛ بدین سبب چنانچه بیش از حد به طبل ضرورت و تناسب کوبیده شود برای شورای امنیت این حق به وجود خواهد آمد که به طور مستمر بر عملیات نظامی نظارت کند، حال آنکه نظارت شورا بر عملیات نظامی نظارتی کم‌نقص است. اصولاً چنانچه هر ارگانی بخواهد بر اعمالی که در تعیین آنها از

اختیارات ارادی وسیعی برخوردار است، نظارت داشته باشد، نمی تواند در جزئیات امر داخل شود و آنها را زیر ذره بین خود قرار دهد. البته شورای امنیت می تواند و می باید بر ماهیت واقعاً غیر متناسب عملیات یعنی ناهماهنگی آشکار میان اقدام نظامی از یک طرف و واقعیات و هدف تعیین شده توسط شورای امنیت از سوی دیگر نظارت داشته باشد. برزیل در پیشنهاد خود آورده بود که مداخله مجاز باید با رعایت دقیق مقررات حقوق بین الملل خصوصاً حقوق بین الملل بشر دوستانه و حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه صورت بگیرد. با آنکه اعمال بعضی از مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه در چنین حوزه ای چندان آسان به نظر نمی رسد، می توان معتقد بود که حقوق مخاصمات مسلحانه بین المللی مبنا و اساس رژیم حقوقی . مربوط به اجرای عملیات مجاز است مشروط بر اینکه نبرد به آستانه اقلی از وخامت رسیده باشد . چهارمین و آخرین اصل، تقویت آیین های نظارت و بررسی اقدامات دولت های شرکت کننده در عملیات مجاز است. غرض از آخرین پیشنهاد برزیل که با پیشنهادهای سه گانه پیوندی نزدیک دارد، اطمینان از تسلط شورای امنیت بر وضعیت عملیات و طرز عمل دولت های شرکت کننده در عملیات و در نتیجه فراهم آمدن امکاناتی برای مسئولیت پاسخگویی است که سازمان ملل متحد همواره مدافع آن بوده است. در عمل برای آنکه شورا بتواند از کم و کیف عملیات مطلع شود باید اولاً توانایی نظارت بر عملیات را داشته باشد و ثانیاً دولت های شرکت کننده در عملیات مکلف به پس دادن حساب به شورای امنیت باشند. قطعنامه های شورای امنیت معمولاً مقرر می کنند که این قبیل دولت ها باید شورا را از اقدامات خود مطلع سازند. روش و انشای این قطعنامه ها آن است که از دولت ها خواسته شود و نه اینکه دعوت شوند که شورای امنیت را در جریان اقداماتشان بگذارند، در واقع خواستن به معنای مکلف دانستن است. آیینی که برای عرضه کردن اطلاعات وجود دارد یقیناً الزامی است؛ چنین الزامی از ماده ۵۴ منشور ملل متحد نتیجه گرفته می شود. در آنجا که به سازمان های منطقه ای اختیار اجرای عملیات داده می شود ولی از آنها خواسته می شود در هر موقع به طور کامل شورای امنیت را از نحوه کار خود مطلع سازند. منطق حکم می کند چنانچه دولت ها در چارچوب فعالیت های سازمان های منطقه ای ملزم به پاسخگویی باشند به طریق اولی آنگاه که منفرداً عمل می کنند نیز ملزم به پاسخگویی هستند. با این حال، چنین الزامی شکلی است. در واقع بر اساس اختیاراتی که به دولت های شرکت کننده در عملیات مجاز داده می شود، تکلیف آنها در اجرای ماموریت کم و بیش حد و حدودی معین پیدا می کند. با این حال، در غالب موارد حدود این نوع تکلیف مبهم و نامعین است. حتی اگر بپذیریم که در حال حاضر فضای روابط بین الملل به گونه ای در آمده است که اقتضا دارد شیوه های چنین نظارتی دقیق باشند، آزادی عمل دولت های فعال در چنین حیطه ای همچنان اهمیت خود را حفظ می کند و اصولاً نمی توان مطمئن بود که شورای امنیت از مجامع رسمی بتواند بر چگونگی اجراهای این قبیل ماموریت ها نظارت کند. مداخله ثالث بی طرف و مستقل در فرآیند اطلاع رسانی نیز نظم چندانی ندارد. با آنکه در بعضی وقایع مثل وقایع سومالی، رواندا، بوسنی و کوزوو، دبیرکل سازمان ملل متحد چنین ماموریتی را به عهده گرفته بود. بنابراین می توان گفت که در اکثر موارد نظارت بر عملیات بر مبنای اطلاعاتی صورت می گیرد که هر دولت تحت نظارت خود در اختیار شورا می گذارد، حتی اگر شورای امنیت گزارش هایی لازم برای ارزیابی امور دریافت کند باز همچنان از اراده و توانایی های لازم برای نشان دادن عکس العمل و

به طریق اولی تضمین پاسخگویی محروم است. بعضی صاحب نظران گفته اند که با تاسیس ارگانی به نام کمیته توسل به زور می توان به خوبی بر عملیات توسل به زور نظارت کرد. به گفته اینان، شورای امنیت با الهام گرفتن از رویه کمیته های تنبیهات و ایجاد یک کمیته فرعی به نام کمیته توسل به زور به صورتی موثر می تواند بر این اقدامات نظارت داشته باشد. چنین ارگانی، ارگان مستقل شبه قضایی خواهد بود که قاعداً باید از عهده تمام امور مربوط به نظارت از قبیل تفسیر قطعنامه، نظارت بر توازن میان عملیات و هدف های تعیین شده و نظارت بر ضرورت و تناسب برآید بنابر آنچه که در پیشنهاد این صاحب نظران آمده است، نتایجی که کمیته به شورای امنیت بدهد برای تمامی اعضای شورای امنیت لازم الاتباع خواهد بود مگر اینکه شورا با صدور قطعنامه ای به گونه ای دیگر عمل کند. از این رو، وتوی احتمالی فقط در جهت تقویت نتایج تحقیقات کمیته به عمل خواهد آمد حتی اگر بشود با پیشنهاد ایجاد یک مکانیزم نظارتی موافق بود، پیشنهاد این صاحب نظران با واقعیت سازگاری ندارد. این فکر که نتیجه تحقیقات، رسماً شورا را ملتزم کند، مستلزم آن است که این ارگان بر خالق خود یعنی شورا اولویت داشته باشد، حال آنکه از دو دهه پیش به آنطرف پرسش هستی شناسانه این بوده که آیا می شود بر تصمیمات شورای امنیت نظارت کرد. آموزه علمای حقوق و نظر دولت ها در این باره متفاوت است. هیچگاه نمی توان به این صورت سنگ بنای فکری و فلسفی حقوق بین الملل را جا به جا کرد، آن هم با تاسیس ارگانی فرعی به نام کمیته توسل به زور. علاوه بر این، از جهات عملی هم دشوار بتوان قبول کرد که اعضای شورای امنیت به خصوص اعضای دائم که در قالب موارد ماموریت توسل به زور به آنها محول می شود، قادر باشند از چنین راه حلی تمکین کنند. مقایسه کمیته پیشنهادی با کمیته تنبیهات نیز چندان درست به نظر نمی رسد زیرا این کمیته ها فقط در قبال افراد تصمیم می گیرند و حال آنکه کمیته توسل به زور صلاحیتش ارزیابی اقدامات دولت های مستقل شرکت کننده در عملیات است. در صورتی که این پیشنهادها پذیرفته شود، سیستم ملل متحد در صدور جواز توسل به زور با مشکل مواجه خواهد شد زیرا دولت هایی که پذیرفته باشند با حکم شورای امنیت عمل کنند هیچگاه مایل نخواهند بود از آزادی عمل در اجرای ماموریت خود صرف نظر کنند و البته این با منطق نیز سازگاری دارد زیرا همین دولت ها بودجه عملیات را تامین می کنند و جان سربازان خود را به خطر می اندازند. مسلم است که هیچ یک از این دولت ها حاضر نخواهد بود که تحت نظارت این کمیته ها قرار بگیرند و نتیجه آن خواهد شد که در صورت تاسیس این کمیته هیچ کشوری در عملیات توسل به زور شرکت نخواهد نکرد. این کمیته فقط به شرط آنکه اشتغالی مشورتی داشته باشد، می تواند مفید باشد. تمامی این پیشنهاداتی که به صورت خلاصه حضورتان عرض کردم این بود که حرکت در سازمان ملل متحد برای تقویت حکومت قانون به وجود آمده، هرچند که این پیشنهادها با ساختار ملل متحد سازگار نبوده و به ثمر نرسیده است. از آنچه گفتم به این نتیجه می رسم که سازمان ملل متحد طی این هفتاد سال با اینکه در قالب موارد ابزار اعمال نظر قدرت های جهانی بوده است، با تکیه بر اصول حکومت قانون، برابری و تساوی ملل و حقوق بشر و آزادی های اساسی، راه خود را پیدا کرده است. پدیداری چنین راهی مرهون کار سیستمی است که علی رغم نفوذ رابطه قدرت در آن، افتان و

خیزان اما در سایه منطقی استوار، راه حل‌های نو و فعالیت‌های نو و روابط حقوقی جدید ابداع کرده است که هریک می‌تواند زمینه اصلاحاتی بنیادین در اداره امور جهان باشد. اگر تحول را در رشد تدریجی معنا کنیم و بگوییم اصل درونی از حالت نهفتگی به حالت پیدایی انتقال پیدا می‌کند تا به اوج خویش برسد و یا به تعبیر هربرت اسپنسر فیلسوف انگلیسی آن را به معنای گذار از ساده به پیچیده یا از همگون به ناهمگون بگیریم، می‌توانیم معتقد باشیم که سازمان ملل متحد طی این هفتاد سال از حالت ناهمگونی نامعین و نامنسجم در آمده و به حالت ناهمگونی معین و منسجم رسیده است. از همین رو بوده که هریک از اصول حکومت قانون، برابری و تساوی ملل و حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سیر زمان و در حرکتی که داشته اند، پس از طی مراحل متوالی به سوی هدف‌های ثابت جهت‌گیری کرده و مبنای وضع مقرراتی شده اند که لازمه وجود آنها است. پدیداری مفاهیم مسئولیت حمایت و حمایت مسئولانه و اصول و قواعدی که می‌توانند منبعث از این مفاهیم باشند، شواهدی بر این ادعاست، اما حوادثی که ظرف این چندین سال در جهان اتفاق افتاده است این واقعیت را آشکار کرده است که امنیت در خلع ایجاد نمی‌شود و فراتر از اقدامات انتظامی است. سیستم ملل متحد با آنکه در مواردی حرکت رو به جلو داشته در مقایسه با اشکال جدید تروریسم و خصوصاً تروریسم دولتی، گسترش سلاح‌های غیر متعارف، رشد روز افزون شبکه‌های جهانی فراملی، بروز جنگ‌های داخلی در بخشهایی از کره ارض، متوقف ماندن برنامه توسعه در آفریقا و تجاوز بی‌امان به زنان و کودکان، بسیار کند و ناتوان بوده است. به نظر می‌رسد که این بار نیز با مردمان ملل متحد است که دولت‌های خود را مورد خطاب قرار بدهند و با نشان دادن قدرت نامرئی و شکست ناپذیر خود به آنها ثابت کنند که همچنان قدرت طبیعی حاکمیت هستند زیرا که شاهد آنند که برخی از دولت‌ها اساس تمدن‌های جهان را نشانه گرفته اند. اگر روزگاری جهان شاهد عملیات تروریستی علیه رهبران جهان و روسای دولت‌ها بود، امروز برخی رهبران و روسای دولت‌ها هستند که علیه ملت‌ها دست به اقدامات تروریستی می‌زنند یا آنکه به کنجی خزیده و قصد قلع و قمع شبکه‌های تروریستی را ندارند. به هر حال کدام قدرت جز مردمان می‌تواند بر توسن تیز پای دولت‌ها بتازد.

سخن خود را با کلام منصور حضرت مولانا به پایان می‌برم:
 هنوز ما را «اهلیت گفت» نیست «نیست
 کاشکی» «اهلیت شش نودن» بودی
 تمام گفتن می‌باید و تمام شش نودن
 بر دل‌ها مهر است بر زبان‌ها مهر است و بر گوش‌ها مهر است
 در انتها نیز دکتر مصفا بار دیگر از حضور استاد فرهیخته دکتر فلسفی و شرکت کنندگان علاقه‌مند به مباحث حقوق بین‌الملل سپاسگزاری کردند. این جلسه پس از پرسش و پاسخ به پایان رسید.

همایش بین‌المللی «هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه در روزهای شنبه و یکشنبه مورخ ۳۰ آبان و ۰۱ آذر ماه، به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، همایش بین‌المللی «هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد» را در سالن مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار کرد.

سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت قرآن کریم آغازگر این همایش بین‌المللی بود.

مراسم افتتاحیه

دکتر شیخ الاسلامی - رئیس دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه - به عنوان اولین سخنران به ایراد سخنرانی پرداختند.



پس از ایشان، دکتر نسرین مصفا - رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد - مطالب را پیرامون انجمن و همایش پیش رو که با پانزدهمین سال فعالیت انجمن نیز مقارن شده بود، بیان داشتند.

ایشان ضمن عرض خیرمقدم به تمامی حضار شرکت کننده، صحبت خود را اینگونه آغاز کردند که برای انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد مایه مباهات است که در هفتادمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد، همایش پیش رو را با همکاری ثمربخش دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه و با همکاری سایر نهادهای دولتی و بین المللی برگزار می کند.

رئیس انجمن در ادامه اشاره کردند که انجمن همواره مناسبت های بین المللی مختلف را فرصت مغتنمی برای ادای رسالت خود بر مبنای اهداف و وظایف مندرج در اساسنامه دانسته است و برگزاری همایش حاضر را نیز در همین راستا قلمداد کردند.

دکتر مصفا به بیان این موضوع پرداختند که امسال که هفتاد سال از برآمدن نهال سازمان ملل متحد در یکی از تاریک ترین دوران حیات بشریت یعنی جنگ جهانی دوم، با هدف مصون داشتن بشریت و نسل های آتی از بلایای جنگ می گذرد، از این سازمان انتظار می رود نقشی اصلی در امور بین الملل داشته باشد و به عنوان یک پیش شرط حیاتی، سازمان ملل متحد باید در درجه اول کارائی و موثر بودن خود را افزایش دهد، زیرا مواجهه با چالش های امروزی، ترویج یک حکمرانی موثر جهانی را طلب می کند.

ایشان اشاره کردند که نگاهی به عملکرد هفتاد سال گذشته سازمان ملل متحد در محیط بین الملل در حال تغییر مداوم، با اذعان به نقش و سهم سازمان در انجام این تغییرات در کنار گسترش دامنه فعالیت های آن نتایجی چون دگرگونی های رسمی و عملی در محتوی و در برخی موارد مغایر با روح حاکم بر منشور را داشته است که رابطه اثرگذاری و اثرپذیری بین آنها آشکار است و بازتاب آن به طور برجسته در مفهوم صلح و امنیت بین المللی و پدیدار شدن مسئولیت بین المللی سازمان، نمود می یابد.

دکتر مصفا همچنین اضافه کردند که همایش حاضر با عنایت به دگرگونی های عملی در اصول مندرج در ماده ۲ منشور و حاکم بر فعالیت های سازمان با تاکید بر محورهای دوگانه گسترش دامنه مفهوم صلح و امنیت بین المللی و اثر آن بر عدم مداخله در امور داخلی کشورها و مسئولیت بین المللی سازمان ملل متحد، برگزار می شود.

ایشان در انتها ضمن یادآوری پیروی از الگوی ایرانی - اسلامی و روح حاکم بر منشور، هدف انجمن را تنها انجام فعالیت های علمی صرف ندانسته و خاطرنشان کردند که همواره تحکیم روابط انسانی میان اعضای جامعه علمی و همبستگی آنها از وظایف ذاتی انجمن است.

در پایان نیز دکتر مصفا ضمن ابراز خرسندی از حضور وزیر محترم امور خارجه جناب آقای دکتر ظریف، از ایشان به خاطر حضور در این همایش و با وجود مشغله های فراوان سپاسگزاری نمودند. همچنین ایشان از همکاری تمامی نهادهای ملی و بین المللی و همکاران آنها در برگزاری همایش تقدیر و تشکر نموده و از همکاری و همدلی اعضای کمیته علمی و دبیر همایش جناب آقای دکتر مستقیمی، سپاسگزاری ویژه به عمل آوردند.



دکتر محمد جواد ظریف - وزیر محترم امور خارجه - سخنران بعدی این همایش بین المللی بودند. دکتر محمد جواد ظریف سخنان خود را در این همایش با نقد صدور قطعنامه های ضد ایرانی کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد آغاز کرد: «دو قطعنامه ای که روز گذشته (جمعه) کمیته سوم مجمع عمومی ملل متحد در حوزه حقوق بشر تصویب کرد شاید یکی از طنزهای تلخ روزگار باشد. کشورهایی که نه از قانون اساسی و نه از انتخابات خبر دارند از انتخابات آزاد در سوریه صحبت می کنند. کسانی که داعش را پرورده اند نسبت به کسانی که با داعش مبارزه می کنند خرده می گیرند و متأسفانه به دلیل برخی ملاحظات رای می آورند. اینها نگرانی های عمده ای است که در برخورد با ملل متحد و در رسیدگی به سازکارهای ملل متحد باید مورد توجه قرار گیرد.»

رئیس دستگاه دیپلماسی کشور سخنان خود را اینگونه ادامه داد: «مطمئنأ هفتادمین سالگرد ملل متحد باید فرصتی را فراهم کند که تلاش های ملل متحد را در حوزه مختلف ارج نهیم و معمولاً در محیط هایی که دیدگاه سیاسی - امنیتی بر سایر اقدامات ملل متحد حاکم می شود زحمات ملل متحد کمتر مورد بررسی قرار می گیرد و ما در تاریخچه هفتادساله ملل متحد همه چیز را با هم بررسی می کنیم. هفتادمین سالگرد ملل متحد فرصتی را فراهم می کند تا نگاهی به توفیق ها و ناکامی

های ملل متحد در همه موضوع ها، از همکاری های بین المللی برای پیشبرد توسعه و ارتقای حقوق بشر که در منشور ملل متحد آمده تا جلوگیری از جنگ که هدف اصلی ملل متحد است و پایه گذاران ملل متحد برای آن گرد هم جمع شده اند، پیردازیم. ما باید این تحلیل را در قالب آرمانگرایی واقع گرایانه ببینیم یعنی اگر این سازمان نبود چه اتفاق هایی می افتاد، نه اینکه این سازمان چگونه در قالب دیدگاه های ما عمل می کرد. البته توجه به این موضوع مانع از این نمی شود که کاستی های ملل متحد را در نظر نداشته باشیم، من قصد اشاره به کاستی ها ندارم اما کاستی ها نیز فراوان است همچون سیاسی شدن برخوردهای ملل متحد؛ البته نه اینکه سازمان غیرسیاسی است بلکه این به معنای حاکم شدن ملاحظات سیاسی بر نگرانی های واقعی است.»

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با توجه به اصول مندرج در ماده ۲ منشور ملل متحد و چگونگی جمع کردن آن با مسولیت های سازمان ملل متحد بیان داشت: «آیا تحول در مفهوم حاکمیت با اهدافی که سازمان ملل در مدیریت تحول و دوران گذار دارد باعث می شود که اصول مندرج در ماده ۲ به فراموشی سپرده شود و در اجرای اصولی مانند عدم استفاده از زور در امور داخلی و عدم رعایت برابری حاکمیت کشورها کوتاهی شود. باید پذیرفته شود که یا باید این اصول اجرا شود و یا آینده ملل متحد به عنوان سازکار مدیریت تحول و گذار در شرایط کنونی تنها در صورتی می تواند به نتایج مورد نظر برسد که در قالب همین اهداف مواد یک و دو منشور عمل شود. آیا امکان دارد امروز در شرایط بین المللی از وضعیتی صحبت کنیم که سازمان ملل متحد بتواند نقش مثبتی در پیگیری اهداف داشته باشند و مسوولیت های خود را در رسیدن به جهان پایدارتر و عبور از این دوران انجام دهد و در عین حال اصولی که سازمان ملل متحد بر اساس آن پایه گذاری شده، مانند اصل برابری حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی و عدم توسل به زور را زیر پا بگذارد.»

وزیر امور خارجه در ادامه بیان داشت: «علت ماندگاری سازمان ملل متحد توان منشور ملل متحد برای تطبیق با شرایط بدون زیر پا گذاشتن اصول است و وقتی این اصول زیر پا گذاشته شود دیگر ما نمی توانیم برای سازمان ملل متحد صحبت کنیم و در شرایط نوین بین المللی نقش جدی برای آن قائل شویم. ما در دوران سیال انتقالی به سر می بریم و در این دوران انتقالی را به وضوح می بینیم، شرایطی که یک سازمان تروریستی می تواند در حوزه جهانی امنیت زدایی کرده و اقداماتی انجام دهد که برای بزرگترین قدرت های جهانی نگرانی حیاتی امنیتی ایجاد کند.»

وی با اشاره به شرایط ویژه ای که ایجاد شده اظهار داشت: «ما در فهم شرایط انتقالی به این توجه داشته ایم که بازیگران بین المللی متکثر شده اند و دیدند سازمان ملل نمی تواند بدون توجه به کنشگران جدید اقدام کند و زمانی ممکن بود ما نیز کنشگران را دو ابرقدرت و برخی کشورهای وابسته به آنها تعریف کنیم، بعد از آن، این مفهوم در شرایط انتقال به سایر دولت ها ارتقا یافت و امروز هر فردی یک کنشگر است و سازمان ملل باید بتواند با حفظ چارچوب های خود با این واقعیت کنار بیاید و مدیریت تحول را در روابط بین الملل رقم بزند. تنها راهی که ما می توانیم این مسیر را با موفقیت پشت سر بگذاریم نه تغییر اصول، بلکه تغییر نگرش های ما است. اصول ملل متحد، مورد توافق همه کشورها قرار گرفته است و اگر

امروز اصول دیگری را جایگزین آن کنیم چنین امری علی‌القاعده امکانپذیر نخواهد بود. من سال هاست که در اجلاس مربوط به عدم توسل به زور شرکت کرده‌ام. نهایتاً کشورها باز هم ناگزیر می‌شوند که به همان مفاهیم و لغات و عبارات بند چهار در مواد ۲ و ۵۱ برگردند و این اصول می‌تواند اجماع جهانی را برای حل معضلات دربر داشته باشد. مهم، تغییر در نگرش‌های جامعه جهانی است؛ اینکه رهبر یک کشور قدرتمند عضو سازمان ملل متحد مبارزه با تروریسم را مشروط به تحقق یک شرایط سیاسی بداند نشان دهنده گرفتار شدن در تفکر قدیمی زنگ زده جنگ سرد است که امروز دیگر کارآمدی ندارد. ما نیاز داریم بپذیریم همانگونه که تغییرات آب و هوایی مرز نمی‌شناسد و نمی‌توان آن را در چارچوب مرزهای یک کشور منحصر کرد، نمی‌توان امنیت را هم به قیمت ناامنی دیگران خرید و یا باور کرد مبارزه با داعش می‌تواند مشروط به شرایطی باشد. احساس می‌کنم امروز دولت و مردم فرانسه به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با داعش یک اولویت اساسی است. روزگاری به دوستان می‌گفتم که باید پذیرفت خطر تفکر تکفیری خطری نیست که محدود به یک کشور، منطقه، دین و یا آیین باشد، خطر تفکر تکفیری افراط و خشونت، همه دنیا را تهدید می‌کند. شما نمی‌توانید با این خطر بر اساس انگاره‌های قدیمی و دشمن‌انگاری یک یا گروه دیگر برخورد کنید، روشی که متأسفانه هنوز در برخورد کشورهای غربی آن را مشاهده می‌کنیم. باید خطر سیالیت شرایط و مهمتر از همه با توجه به خطرات اشتباه محاسبه، جدی گرفته شود. در این دوران یک اشتباه محاسبه می‌تواند باعث نابودی ملت و یا ملت‌هایی شود. متأسفانه چند کشور این توان را دارند که نه تنها خود بلکه بسیاری از کشورها را نابود کنند و شرایط اجازه اشتباه محاسباتی را نمی‌دهد که شما بتوانید از دشمن واقعی ابزار موقت بسازید.

وی گفت: بنابراین آنچه که به آن نیاز داریم تغییر اصول نیست. اگر بخواهیم این اصول را تغییر دهیم بعد از مدتی تلاش و مذاکره باز به همان اصول برمی‌گردیم و بعید است جامعه بین‌الملل بتواند مفاهیمی مندرج در مواد ۵۱ و بندهای چهار، هفت و یا یک ماده دو را نقض کند و بنابر این باید نگرش به مشکلاتی جهانی را عوض کنیم. باید بفهمیم که این خطرات و فرصت‌ها همگانی است. فقر در کنار رفاه، امنیت در کنار ناامنی و محیط زیست سالم در کنار آلاینده‌ها در جهان کنونی ممکن نیست. شاید اگر پدران ما ۷۰ سال قبل چنین سازمانی را ایجاد نکرده بودند ما ناگزیر بودیم با همه کمبودهایش این سازمان را پایه‌گذاری کنیم.»

وی در پایان سخنان خود را اینگونه به پایان رساند: «نیاز است که یکبار بپذیریم برای همه شعارها، دنیای ما دنیای به هم پیوسته‌ای است. یا همه امنیت دارند یا هیچ کس امنیت ندارد یا همه در رفاه هستند و یا هیچ کس نمی‌تواند مفهوم رفاه کامل را درک کند.»

خانم ماریا دوتسنکو - مسئول اطلاعات همگانی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران - به عنوان یکی دیگر از سخنرانان بخش افتتاحیه این همایش پیام دبیر کل را برای حضار قرائت کردند.

سخنران بعدی مراسم افتتاحیه جناب آقای اولیویه مارتین - رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران - به ارائه سخنان خود در بخش آغازین همایش پرداختند. ایشان در ابتدای سخنان خود اظهار داشتند: «باعث خشنودی و افتخار بنده و همکارانم از دفاتر تهران، ژنو و بیروت است که امروز در این همایش در خدمت شما هستیم. اجازه می‌خواهم در ابتدا به انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد به مناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیسش تبریک عرض کنم. این انجمن هم به دلیل اینکه محفل برترین استادان حوزه حقوق بین الملل و روابط بین الملل است و هم به دلیل نقش آن در توسعه و ترویج حقوق بین الملل، برجسته و ممتاز می‌باشد. کمیته بین المللی صلیب سرخ همکاری خود با انجمن را ارج می‌نهد و مفتخر است که در برنامه‌های مختلف این انجمن در طی این سالیان مشارکت داشته است.»

ایشان در ادامه اشاره کردند «سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد تا صلح و امنیت بین المللی را برقرار کند. اصل انسان‌دوستی به صورت توأمان در بطن منشور سازمان ملل متحد و ماموریت و رسالت کمیته بین المللی صلیب سرخ قرار دارد. هر دو سازمان بدین منظور تأسیس شدند تا به رنج بشری پاسخ دهند. لزوم نجات مردم از بلای جنگ، موتور محرک تأسیس سازمان ملل متحد در هفتاد سال پیش بود و در طول این سال‌ها جان بسیاری از انسان‌ها را نجات داده است. بیش از صد و پنجاه سال پیش، نهضت بین المللی صلیب سرخ و هلال احمر تأسیس شد تا از رنج غیرنظامیان در جریان مخاصمات بکاهد و برای مخاصمات محدودیت‌هایی قرار دهد. نهضت به طور کلی متمایز از سازمان ملل متحد است و نظام بسیار پیشرفته و واکنش دارد که مرکب از ظرفیت‌های ملی و بین المللی در راستای اصول بنیادین است. اصول بنیادینی که امسال پنجاهمین سالگرد آن را جشن می‌گیریم. تنوع نظام‌های پاسخ‌دهی بشردوستانه باید ارج گذاشته و محترم شمرده شود تا فعالیت موثر بشردوستانه تضمین گردد. کمیته بین المللی صلیب سرخ رویکردی بشردوستانه، بی‌طرف، بی‌غرض و مستقل دارد و بر حمایت و کمک‌رسانی به افرادی که متأثر از مخاصمه مسلحانه هستند، تمرکز دارد. به رغم تمایزی که میان کمیته بین المللی صلیب سرخ و سازمان ملل متحد وجود دارد، این کمیته در مواردی در تکمیل سازمان ملل متحد کار می‌کند؛ همچنان که با بسیاری از کنشگران دیگر فعال در عرصه بشردوستانه.»

آقای اولیویه مارتین سپس به این موضوع پرداختند که در تاریخ ۹ آبان ۹۴، ریاست کمیته بین المللی صلیب سرخ، آقای پیترو مائورو و دبیر کل سازمان ملل متحد، آقای بان کی مون هشدار مشترک بی‌سابقه‌ای را در رابطه با اثر مخاصمات امروزی بر غیرنظامیان صادر و درخواست عملکردی فوری و جامع جهت پاسخ‌دهی به رنج بشری و ناامنی را مطرح کردند. آقای مائورو در بسیاری از موارد نگرانی خود در خصوص وضعیت وخیم در بسیاری از مخاصمات و افزایش رنج بشری را مطرح کرده‌اند. این نخستین بار است که این دو مقام بلند پایه، جهان را در یک نقطه عطف تاریخی می‌بینند و از جامعه بین المللی می‌خواهند تا نهضت بین المللی صلیب سرخ و منشور ملل متحد را مورد تأیید مجدد قرار دهند. در این بیانیه به حقوق بین المللی بشردوستانه به منظور ریشه کن کردن این بحران تأکید شده است.

ایشان پس از اشاره به موارد این بیانیه، دلیل اینکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با وجود دغدغه بی‌طرف بودن، پذیرفته است که بیانیه مشترکی را صادر کند را در خطر بودن انسانیت مشترک و پیامدهای مربوط به این درگیری‌ها به خاطر ورود به عصری که مملو از مخاصمات مسلحانه است بیان کردند.

در پایان آقای اولیویه مارتین ضمن بیان این نکته که برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ افتخار است که آیین کاری خود با سازمان ملل متحد را، هم در سطح دیپلماتیک و هم در سطح عملیاتی با شما در میان می‌گذارد، برای ادامه همایش آرزوی موفقیت نموده و ابراز امیدواری نمودند که دستاوردهای این همایش اثر مثبتی بر یافتن فرآیندهایی بهتر جهت پاسخ‌دهی به نیازهای بشردوستانه از مجرای نظام ملل متحد باشد.

جناب آقای اشراقی - رئیس دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه - سخنران پایانی مراسم افتتاحیه بودند.

در طول دو روز برگزاری این همایش بین‌المللی، تعداد ۱۸ سخنرانی پیرامون هفتاد سالگی سازمان ملل متحد از سوی استادان و پژوهشگران ارائه گردید. برنامه همایش در سایت انجمن قابل مشاهده است.

همچنین ۴۳ چکیده مقاله از سوی هیئت داوران برای این همایش مورد پذیرش قرار گرفت که مجموعه چکیده مقالات از سایت قابل دریافت است. همچنین مجموعه مقالات همایش نیز در اسرع وقت از سوی مرکز نشر وزارت امور خارجه منتشر خواهد شد.



شایان ذکر است در نشست چهارم روز دوم، خانم دکتر آن ماری لارژا - مشاور ارشد در بخش دیپلماسی چندجانبهٔ بشردوستانه در ژنو - و جناب آقای فابریزیو کاربنی - ریاست دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در لبنان - به ریاست دکتر علیرضا دیهیم به ارائه مباحث خود پرداختند.

دکتر لارژا در سخنرانی خود، به روش کاری کمیته با سازمان ملل متحد از منظر حقوقی و بشردوستانه پرداختند. وی تشریح کرد که کمیته بین المللی صلیب سرخ چگونه از ظرفیت‌های خود استفاده می‌کند تا در فضای دیپلماسی بشردوستانه رسالت و مأموریتش را انجام دهد و آسیب‌پذیری قربانیان مخاصمات مسلحانه را محور مباحثات قرار دهد.

ایشان همچنین به این پرسش پاسخ دادند که چرا کمیته بین المللی صلیب سرخ با سازمان ملل متحد ارتباط کاری دارد. در حقیقت، به بسیاری از موقعیت‌هایی که کمیته بین المللی صلیب سرخ در آن فعالیت دارد در گزارش‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد پرداخته می‌شود. به علاوه، ضرورت اعمال حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر در جریان مخاصمات مسلحانه و لزوم تضمین رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و سایر شاخه‌های مرتبط حقوق بین‌الملل از دیگر دلایل این ارتباط است. کمیته بین المللی صلیب سرخ به عنوان عضو ناظر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد حضور دارد و نیز در خصوص مسائل حقوقی و بشردوستانه با سازمان ملل متحد (به ویژه شورای امنیت، مجمع عمومی، و شورای حقوق بشر) به تبادل نظر می‌پردازد.

آقای فابریزو کارینی نیز در موضوع کمیته بین المللی صلیب سرخ در مخاصمات در تعارض های مدرن به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان با نگاهی عملیاتی، نحوه همکاری در مخاصمات با سازمان ملل متحد را بررسی کردند. محور بحث وی بر رویکرد بی طرف، مستقل، بی غرض، و بشردوستانه کمیته بین المللی صلیب سرخ تمرکز داشت. آقای کارینی با ارائه مثال از موقعیت های مختلف در آسیا و خاورمیانه، این رویکرد سازمانی را توضیح دادند. در این راستا، تفاوت کاری کمیته و سازمان ملل متحد مشخص و نحوه همکاری، تاثیرگذاری، چالش ها و دستاوردها بررسی شد.

در بخش پایانی و اختتامیه این همایش ابتدا دکتر محسن محبی - رئیس مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری - سخنان خود را ارائه نمودند. ایشان پس از بحث مقدماتی که در رابطه با مقدمه منشور بیان داشتند، به بررسی چگونگی ارتباط سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل پرداختند و بیان کردند که بدون تردید بسیاری از تصمیمات شورای امنیت آثار حقوق بین المللی دارد؛ شامل مواردی مانند ماموریت های شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت، تحریم هایی که وضع می کند و تحت عنوان قطعنامه های شورای امنیت تصویب می شود و سایر موارد دیگر.

ایشان همچنین اضافه کردند که مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم از طریق توسعه و تدوین حقوق بین الملل و کمیته ششم که مهمترین وظیفه اش بررسی مسائل حقوقی و گزارش به مجمع است و کمیسیون حقوق بین الملل و نهایتاً آنسیترال به حقوق بین الملل نیرو می رساند و به توسعه و پیشرفت آن کمک می کند؛ بنابراین پیوندی دوطرفه بین سازمان ملل متحد به عنوان مهم ترین نماد روابط بین الملل و حقوق بین الملل برقرار است که رابطه ای بسیار پیچیده و بدون مرز می باشد که در بسیاری از بخش ها وظایف مشترک داشته و در برخی قسمت ها وظایفی متفاوت از هم دارند.

دکتر محبی در ادامه به طرح این سوال پرداختند که آیا شاکله اصلی در روابط بین الملل که قدرت است توانسته به حقوق بین الملل کمکی برساند یا خیر؟ و پس از پاسخ به این سوال در ادامه به تشریح این مسئله پرداختند که آیا سازمان ملل متحد توانسته است در طول این هفتاد سال خود را به آرمان شهری که حقوق بین الملل ترسیم کرده است یعنی زندگی سرشار از صلح برساند یا خیر و در این باب چند نکته را بیان کردند.

ایشان در پایان مباحث خود مسئله داعش و نحوه برخورد حقوق بین الملل با آن را مطرح کردند و افزودند حقوق بین الملل این را تجاوز و خلاف اصول بین الملل و حاکمیت دولت ها می داند و از هر جهت معتقد است که باید با آن مبارزه کرد اما حقوق بین الملل ابزاری برای رسیدن به این خواست خودش را ندارد مگر اینکه از طریق ابزارهای سازمان ملل متحد به هدف خود دست یابد. سازمان ملل متحد بعد از ۵ سال که داعش در عراق و سوریه مشغول خونریزی است، دیروز یک قطعنامه ای را در شورای امنیت به تصویب رساند، آن هم با پنج سال تأخیر و این امر نشان می دهد که حقوق بین الملل

آنگونه که ظرفیتش اقتضاء می‌کند نتوانسته به اهداف خود برسد؛ البته این موضوع به این معنا نیست که سازمان ملل متحد نتوانسته است به وظایفش عمل کند.

دکتر محبی در انتها ضمن یادآوری این نکته که نباید در انتقاد از سازمان ملل متحد یا حقوق بین‌الملل دچار خطایی همچون مقایسه حقوق داخلی با رژیم روابط بین‌المللی شویم، بیان کردند «با وجود انتقاداتی که به سازمان ملل متحد وارد می‌شود اما به نظر من سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل در طول این هفتاد سال با اینکه لنگان لنگان جلو آمدند ولی راهی طولانی را پیموده و چشم انداز امیدبخشی را برای جامعه بشری ترسیم کرده‌اند.» ایشان در پایان از خانم دکتر مصفا به خاطر ترتیب دادن این همایش و مدیریت آن تشکر کرده و از حضور تمامی استادان، دانشجویان و علاقمندان قدردانی کردند.

دومین سخنران این بخش دکتر ابراهیم بیگ زاده - استاد دانشگاه شهید بهشتی - بودند که به ارائه شمایی کلی و جمع بندی از مطالب مطرح شده در دو روز برگزاری همایش پرداختند. ایشان نکات مهم را در چندین مورد خلاصه نموده و اینگونه بیان کردند.

در این همایش به مباحثی شامل این نکات پرداخته شد: توجه به منشور و عدم نیاز به بازنویسی آن و قابلیت تطبیق منشور با وضعیت جدید، طرح تحول مفهوم حاکمیت و لزوم حرکت از یک سازمان دولت محور به یک سازمان انسان محور، طرح نقش بازیگران غیردولتی به اشکال مختلف تجمعات غیردولتی فردی یا جمعی، استفاده از تکنیک حقوق نرم که می‌تواند به تصمیم گیری و کارایی بیشتر سازمان ملل متحد کمک کند، توجه به حق توسعه پایدار، توجه به تفاسیر منشور که توسط ارکان مختلف انجام می‌شود و تأثیر آن بر روی عملکرد سازمان ملل متحد، لزوم توجه به مشکلات مدیریتی و پیشگیری از تخلفات، و آخرین نکته که مورد توجه قرار گرفت و شاید یکی از انسانی ترین بخش های حقوق بین‌الملل است، حقوق بشردوستانه می‌باشد که به طور مشخص در آخرین پنل مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

ایشان در پایان به ضرورت مطالعه هر چه بیشتر درمورد سازمان ملل متحد تأکید نموده و این مهم را در شرایط پیچیده دنیای امروز متوجه خود سازمان ها دانستند و اشاره کردند «در این میان نقش نهادهای علمی از جمله انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و نهادهای مشابه در خارج از ایران می‌تواند تعیین کننده باشد و در این نهادها قشر جوان باید با گسترش مطالعات خود، این نهال را آبیاری کنند، چرا که تحولات جهان دائمی است، مطالعه آنها هم باید دائمی باشد و ملل متحد نیاز به این مطالعه و راهنمایی دارد.»

در پایان، خانم دکتر مصفا به نمایندگی از انجمن و سایر برگزارکنندگان که در این همایش انجمن را یاری رساندند، سپاسگزاری نموده و بر این نکته تأکید کردند که «در طول همایش همواره بر ارزش همکاری تأکید داشته و آن را ارج می‌نهیم.» ایشان همچنین از دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری،

دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تشکر نمودند.

رئیس انجمن اینگونه ادامه دادند که «انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد هیچ‌گونه امکانات و تشریفات خاصی ندارد اما به هرجایی که مراجعه کند، می‌تواند در آنجا فعالیت داشته باشد و این به خاطر فعالیت است که دوستان و همکاران بزرگوار من در مقاطع مختلف در انجمن داشته‌اند.» ایشان همچنین افزودند «ما معتقد هستیم تمامی فعالیت‌های انجمن با مشارکت دوستان و عزیزان علاقه‌مند صورت گرفته و ما همیشه مایل هستیم که فعال باشیم و برنامه برگزار کنیم چرا که به جامعه احساس دین می‌کنیم و مایل به ظرفیت‌سازی هستیم.»

ایشان در پایان بیان کردند که «در انجمن همیشه به روی علاقه‌مندان باز است. ما همایش را مناسبتی برای تعمیق به ارزش‌های انسانی تلقی می‌کنیم و چیزی که امروزه کمیاب شده است ارتباطات انسانی است و برای ما موفقیتی است که در ساعت ۷ شب یکشنبه در خدمت شما هستیم. دل ما برایتان تنگ می‌شود و در انتها از حضور همه شما عزیزان تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.»

نشست تخصصی حمایت از حقوق معلولان

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد

در روز یکشنبه مورخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۴ از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۷ کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد با همکاری موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نشست تخصصی حمایت از حقوق معلولان را به مناسبت گرامیداشت روز جهانی معلولان در مرکز موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران با حضور محققان و پژوهشگران علاقمند برگزار کرد.

در ابتدای قسمت اول این نشست دکتر نسرین مصفا (ریاست انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) بر ضرورت توجه به مسئله معلولان و حمایت‌های حقوقی از آنها تأکید نمودند. ایشان با یادآوری آنکه افراد دارای معلولیت بزرگترین اقلیت جهان را تشکیل می‌دهند بر استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این عزیزان تأکید کردند. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران ضمن اشاره به اسناد و مقررات داخلی و بین‌المللی به بیان محورهای نشست پرداختند.

سپس آقای سهیل معینی (ریاست تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان کشور) سخنان خود را با موضوع چالش‌های اجرای کنوانسیون حقوق معلولان در ایران ارائه کردند. فعال حوزه حقوق معلولان، ضمن اشاره به تاریخچه کنوانسیون حمایت از افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد و تصویب آن در سال ۲۰۰۶ به الزام آور بودن معاهده مذکور برای کشورمان تأکید

کردند. ایشان با بیان اینکه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ کنوانسیون را به تصویب رسانده است و در حکم قانون داخلی است، افزودند: برخی از موانع اجرایی موجبات عدم اعمال مفاد این معاهده بین المللی را در کشور فراهم کرده است. ریاست تشکل‌های نابینایان و کم بینایان کشور از ظرفیت‌های سازنده کنوانسیون، از جمله الزام دولت‌ها به ارائه گزارش‌های دوره‌ای در خصوص اجرای مفاد کنوانسیون را برشمردند که البته متأسفانه این ظرفیت در ارائه برخی از گزارش‌های ایران به کمیته نظارتی میثاق، خود به یک چالش تبدیل شده است به نحوی که در تهیه این گزارش‌ها دیدگاه‌های تشکل‌های فعال در حوزه معلولان نادیده گرفته می‌شود و از آنها نظرخواهی نمی‌شود.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

سخنران بعدی نشست جناب آقای دکتر علی صابری (وکیل دادگستری و عضو شورای شهر تهران) بود که در ابتدای صحبت‌های خود مشارکت خود معلولان در برگزاری نشست را نکته مثبتی دانستند که خود نمایانگر توانمندی‌های خاص معلولان است. ایشان موضوع خود را با بررسی لایحه اصلاحی قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ارائه دادند. این وکیل دادگستری ضمن اشاره به ضرورت اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ۱۳۸۳ مصوب مجلس شورای اسلامی مهمترین ضرورت اصلاح قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را بحث ناسخ و منسوخ‌ها دانستند که البته فقط گریبان‌گیر قوانین مربوط به معلولان نیست بلکه در سایر قوانین کشور نیز با این چالش مواجه هستیم. عضو شورای شهر تهران تفکیک متن پیشنهادی جهت اصلاح قانون سال ۱۳۸۳ از سوی دولت به متن لایحه و مصوبه اجرایی دولت را یک ایراد

اساسی دانست چرا که برخی از مفاد مصوبه اجرایی بایستی در لایحه قرار می گرفت تا از حیث مرتبه قانون گذاری با مشکلات اجرایی مواجه نشود.

آقای سید محمد موسوی (بنیان گذار قانون معلولان توانا) به عنوان آخرین سخنران قسمت اول نشست، به نقش تشکل های فعال در عرصه معلولان در ارتقای آگاهی جامعه و حمایت از خود معلولان تأکید داشتند. ایشان با بیان آنکه باید کار معلولان را به خود معلولان واگذار کرد، بر این نکته تأکید داشتند که افراد دارای معلولیت خود بایستی در جهت اصلاح امور بکوشند و نه آنکه منتظر دیگران باشند تا برای آنها کاری انجام دهند.

در قسمت دوم نشست آقای دکتر کمالی (عضو هیئت علمی دانشکده توانبخشی دانشگاه علوم پزشکی ایران) در خصوص مشارکت سیاسی معلولان و اجرای آن به ایراد سخنرانی پرداختند. معاونت سابق توانبخشی کشور در ابتدای صحبت های خود به بیان آمارهایی از تعداد معلولان در سطح کشور و جهان اشاره کردند. ایشان به این نکته اشاره کردند که معیارهای متفاوتی برای شناخت معلولیت وجود دارد، لذا آمارهای متناقضی از هفت درصد تا پانزده درصد از تعداد افراد دارای معلولیت تخمین زده می شود.

جناب آقای دکتر کمالی در ادامه با مروری بر حقوق شناخته شده در قانون اساسی و کنوانسیون حمایت از حقوق معلولان سازمان ملل متحد بر رفع همه اشکال تبعیض علیه معلولان تأکید کردند. وی همچنین با بیان شرایط انتخاب شوندگان در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که افراد ناشنوا و نابینا را از شرکت در انتخابات محروم می کند، این مقرر را مصداق تبعیض آشکار علیه افراد دارای معلولیت دانستند که همین امر ضرورت اصلاح این مقرر از قانون انتخابات را توجیه می کند.

در ادامه خانم دکتر الهام یوسفیان (وکیل دادگستری) مطالب خود را در خصوص حمایت از زنان معلول ارائه دادند ایشان با ایراد به عدم توجه به مسئله زنان معلول و عدم مشارکت آنان در تهیه، تصویب و اجرای قوانین مربوط به معلولان بر مشکلات تشدید یافته زنان معلول نسبت به سایر اقشار جامعه تأکید کردند. خانم دکتر یوسفیان سه عامل زن بودن، معلول بودن و زندگی در جامعه ایران با رویکردهای خاص مردم به زنان و معلولان را از مشکلات تشدید یافته زنان معلول دانستند. ایشان در ادامه ضمن بیان تجربیات شخصی خود دو مقوله تبعیض و خشونت علیه زنان معلول را مورد بررسی قرار دادند و افزودند متأسفانه مسائل مربوط به خشونت علیه معلولان در کشور ما مورد غفلت قرار گرفته است.

در ادامه نشست سرکار خانم شعبانی (دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه تهران) نقش توسعه پایدار در ارتقای حقوق اجتماعی معلولان را مورد بررسی قرار دادند. ایشان به تغییر رویکرد از توسعه اقتصادی صرف به توسعه انسانی در مفهوم توسعه پایدار اشاره کردند و بخشی از اهداف توسعه پایدار مرتبط با مقوله افراد دارای معلولیت را مورد واکاوی قرار

دادند؛ از جمله ایشان بر دسترس پذیری محیط و مناسب سازی همه بخش های جامعه جهت ارتقای سطح رفاه و تحقق حقوق معلولان اشاره داشتند.



در پایان نشست آقای ناصر سرگران (دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه تهران و رئیس کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) موضوع خود را با عنوان «در آرزوی پرواز: بازخوانی انشای یک کودک معلول ذهنی» ارائه کردند.

ایشان به این نکته اشاره کردند که با توجه به آنکه معلولان ذهنی بر خلاف سایر معلولان زبان نقد و قدرت حمایت از خود را ندارند، توجه به معلولان ذهنی و حمایت از آنها به عنوان یک تعهد اخلاقی و وظیفه فعالان حوزه معلولان است. رئیس کمیته دانشجویی انجمن در ابتدای صحبت های خود انشایی از دوران دبستان خود که از زبان یک کودک معلول ذهنی آمل و آرزوهای کودک معلول ذهنی و نگرش جامعه به آنها را بیان می کرد قرائت نمود؛ سپس با اشاره به خبرهایی که از شکنجه معلولان ذهنی در یک مرکز نگهداری معلولان ذهنی منتشر شد به ضرورت حمایت های دو چندان و کاربرد تبعیض مثبت مکرر نسبت به این عزیزان جهت برابری کامل با سایر احاد جامعه تأکید کردند و پیشگیری از بروز معلولیت و نگاه ویژه در قوانین و مقررات به معلولان ذهنی را مورد توجه قرار دادند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

* متن کامل سخنرانی آقای سرگران را می‌توانید از اینجا مطالعه بفرمایید.

نشست تخصصی «کارایی سازمان ملل متحد در پرتو نظریه‌های روابط بین الملل»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و پانزدهمین سال فعالیت انجمن، نشست علمی «کارایی سازمان ملل متحد در پرتو نظریه‌های روابط بین الملل» را با سخنرانی دکتر حمیرا مشیرزاده (دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) در روز چهارشنبه ۱۸ آذر ماه ۱۳۹۴ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار کرد.

دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن) در ابتدای جلسه با عنایت به اهمیت توجه به سازمان ملل متحد از هر دو منظر حقوق و روابط بین الملل، این سخنرانی را از باب عنایت به انجام وظیفه انجمن در هر دو زمینه، گام مهمی در گسترش ادبیات سازمان ملل متحد در حوزه روابط بین الملل در ایران دانست؛ بویژه آنکه این کار توسط استاد برجسته و کم نظیر نظریات

روابط بین الملل جامعه علمی و دانشگاهی، سرکار خانم دکتر حمیرا مشیرزاده، صاحب کتاب ماندگار نظریات روابط بین الملل ارائه می‌شود. وی نقش دکتر مشیرزاده را در تبیین و آموزش نظریات روابط بین الملل در ایران مورد تحسین قرار داد.

در این نشست علمی، دکتر مشیرزاده ضمن طرح مسئله، محور اصلی نشست علمی را پاسخ به این پرسش که «از نگاه نظریه‌های روابط بین الملل چه برداشتی می‌توان از کارایی سازمان / نظام ملل متحد داشت؟» عنوان نمودند و در طول نشست سعی در پاسخ دادن به این پرسش در پرتو مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین الملل (واقع‌گرایی، لیبرالیسم، نظریه انتقادی، سازه‌انگاری و فمینیسم) کردند.

ایشان ضمن معرفی اجمالی هر یک از نظریه‌های مذکور، به بررسی کارایی سازمان / نظام ملل متحد و ارکان این سازمان از جمله مجمع عمومی، شورای امنیت، دبیرخانه، دیوان بین‌المللی دادگستری و ... پرداختند و تحولات این نهاد بین‌المللی را از منظر این نظریات مورد بررسی قرار دادند.



برای دریافت فایل پاورپوینت این نشست علمی که توسط دکتر مشیرزاده تهیه و ارائه گردید، لطفاً به سایت انجمن مراجعه نمایید.

نشست تخصصی «مسیر آینده نظام کپی رایت»

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری موسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، روز یکشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۳۹۴ به مناسبت بزرگداشت شادروان استاد مسعود طارم سری از اعضای هیئت موسس انجمن و استاد دانشگاه تهران، نشست «مسیر آینده نظام کپی رایت» را در موسسه حقوق تطبیقی با حضور جمعی از پژوهشگران و دانشجویان علاقه مند به مباحث مالکیت فکری برگزار کرد.

در این نشست تخصصی، دکتر زهرا شاکری عضو هیئت علمی موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران به ایراد سخنرانی پرداختند.

سخنرانی با نگاهی بر نظام سنتی کپی رایت و بررسی تغییرات تدریجی آن و طرح برخی دعاوی مهم در این زمینه آغاز شد. در ادامه چشم انداز آینده و نکات مربوطه مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان نیز بخش عمده ای از نشست به پرسش و پاسخ اختصاص یافت.



نشست تخصصی «تحول در مفهوم اصل عدم مداخله»

تهیه و تدوین: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم، سخنرانی سالانه بزرگداشت شادروان "استاد محمود صور اسرافیل" را با حضور سرکار خانم دیدخت صادقی حقیقی -عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی- در روز سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۴ برگزار نمود. این جلسه با سخنان خانم دکتر مصفا-رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد- آغاز شد. «عرض ادب و سلام و احترام دارم خدمت سروران عزیز که دعوت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد را پذیرفتند و تشریف آورده اند. همچنین عرض ارادت و سلام ویژه دارم خدمت خانواده محترم استاد محمود صوراسرافیل که در اینجاست حضور پیدا کردند».

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای انجام وظایف مندرج در اساسنامه خود همواره بزرگداشت استادان بزرگ را در دستور کار داشته است و در چند سال اخیر هم سخنرانی هایی را به مناسبت سالیاد استاد بزرگوار و یگانه حقوق بین الملل ایران جناب آقای دکتر محمود صوراسرافیل برگزار کرده است. جلسه امروز هم به همین مناسبت تشکیل شده است، در سال اول این بزرگداشت جناب آقای طاهری شمیرانی صحبت کردند، سال گذشته در خدمت آقای دکتر بهرام مستقیمی بودیم که از شاگردان استاد صور بودند، امسال نیز همین رویه را دنبال کردیم و از یکی دیگر از شاگردان استاد صور اسرافیل یعنی سرکار خانم دیدخت صادقی حقیقی هستیم. خانم صادقی عضو محترم هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هستند که از شخصیت‌های برجسته و شناخته شده در امر آموزش حقوق بین الملل در ایران می باشند، ایشان سالهاست که کار تدریس انجام می دهند، رساله ایشان با عنوان پرچم های مصلحتی و با راهنمایی استاد ممتاز تدوین شده و به چاپ رسیده است، همچنین ایشان دارای مقالات متعددی در نشریات می باشند و همواره به عنوان یکی از اعضای موثر و صمیمی و همراه انجمن ما در خدمتشان بوده ایم و من از ایشان استعفا نموده ام که جلسه امروز را برگزار کنند و ایشان یک موضوع مهمی را نیز با عنوان «تحول در اصل عدم مداخله» انتخاب کرده اند که در زمینه تقریراتی نیز دارند. البته همه ما می دانیم که این اصل در طول سالها به خصوص در سالهای گذشته در عرصه بین المللی به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان ملل متحد مورد چالش قرار گرفته است.

مجددا تشکر میکنم از دوستانی که در اینجا حضور پیدا کرده اند و همچنین سپاسگزاری ویژه دارم از خانواده دکتر صوراسرافیل و از خانم صادقی استعدا میکنم به بیان صحبت‌های خود پردازند.»

پس از ایشان سرکار خانم صادقی حقیقی ضمن عرض سلام و خیر مقدم به طرح موضوع اصلی نشست پرداختند. «در انتخاب موضوع صحبت من فکر کردم که الان یکی از معضلاتی که جامعه جهانی با آن روبه رو است بحث مداخله یا تحولی است که در اصل عدم مداخله به وجود آمده است. کما اینکه پطروس غالی عنوان می کند که بحث مداخله بزرگترین معضلی است که در جامعه جهانی وجود دارد. بنابراین من فکر کردم که شاید آنچه را که در اینجا آموختم بتوانم در موردش صحبت کنم.

در مورد بحث مداخله چالش‌های زیادی مطرح شده است به خصوص در آن قسمتی که مربوط به بحث مداخلات بشردوستانه می شود، زیرا این مداخلات بشردوستانه موجب شده است که اصل عدم مداخله دیگر آن صلابت و قاطعیت گذشته را نداشته باشد. در این مورد ما با ایده های مختلفی روبه رو هستیم و بعضی نسبت به آن انتقادهایی می کنند و می گویند مداخلات بشردوستانه ممکن است پوششی باشد برای اینکه کشورهای بزرگ ورود پیدا کنند به کشورهای کوچک، بعضی دیگر معتقدند که مداخلات بشردوستانه ممکن است به جنبشهای جدایی طلب کمک بکند که حکومتها را تحریک کنند به ارتکاب نقض فاحش حقوق بشر و از این طریق این جنبشها از کمکهای خارجی برخوردار باشند. عده ای دیگر معتقدند که که کمکهای مداخلات بشر دوستانه باید تابع منافع ملی هر کشوری باشد ولی آنچه که به نظر من مهم می آید و کوفی عنان هم به آن اشاره می کند این است که اینجا یک نکته انسانی مطرح است و فقط مداخله نیست در واقع بحث این است که انسانهایی که در معرض خطر قرار می گیرند و تراژدی انسانی به وجود می آید و در این حالت ما باید چه کنیم. به طور کل می توانیم بگوییم که مداخلات بشردوستانه به ویژه تعارضی است بین اصل حاکمیت و اصل انسانی من فکر میکنم که این بحث را در دو قسمت ارائه بدهم.

در قسمت اول که بیس مداخلات و یک سری واژه هایی است که می خواهیم راجع به آن و شرایط اعمال مداخله تعریف کنیم، در قسمت دوم در مورد مداخله در دوران مختلف و همچنین تغییراتی که اصل عدم مداخله داشته است صحبت می کنیم. در قسمت اول یک پیشینه تاریخی ارائه می دهیم که اصل عدم مداخله از کی وارد ادبیات حقوق بین الملل یا روابط بین الملل شد، در این مورد به معاهده وستفالی ۱۹۶۴ رجوع می کنیم در آن معاهده با ارائه مفهوم کشور و عناصر سازنده و تشکیل دهنده کشور به حاکمیت و استقلال کشورها تاکید شد. در همان معاهده اصل مهمی که پیش آمد بحث تساوی حاکمیتها بود، نتیجه تساوی حاکمیتها یعنی اینکه هیچ کشوری بر کشور دیگر برتری ندارد و نتیجه مهمش اصل عدم

مداخله است یعنی هیچ کشوری نمی تواند در امور داخلی کشور دیگر مداخله کند، این اصل به عنوان یک اصل سیاسی مطرح شد، اما مفهوم حقوقی اصل عدم مداخله را ما برای اولین بار می توانیم در قانون اساسی فرانسه در سال ۱۷۹۶ ببینیم. درباره اصل عدم مداخله تا تدوین میثاق جامعه ملل ۱۹۱۹ هیچ اقدام قانون مندی که این اصل را به رسمیت بشناسد صورت نگرفت. این اصل برای اولین بار در معاهده مونته ویدئو در بند ۸ مورد استناد قرار گرفت و در آنجا برای اولین بار اعلام شد که مداخله در امور داخلی و یا خارجی یک کشور ممنوع است. در تدوین منشور که در مقدمه آن در مورد حاکمیت دولتها در بند یک ماده دو صحبت می کند و در بند ۴ ماده ۲ راجع به اصل عدم توسل به زور صحبت می کند، در همین ماده ۲ در بند ۷ بر اصل عدم مداخله تاکید می شود، منتها منشور این استثنا را محفوظ می دارد که این اصل عدم مداخله به تدابیر قهری که در فصل هفتم و برای تامین امنیت دسته جمعی شورای امنیت لازم است برای اینکه صلح به خطر می افتد لطمه ای وارد نمی کند. این مقرری منشور یک ملاحظات دارد که باید راجع به آن یک مقداری دقت شود. اول اینکه این مقرر ناظر است بر مداخله سازمان ملل متحد در امور کشورها و به هیچ وجه از مداخله کشورها در امور یکدیگر صحبت نمی کند و الزاماتی را در مورد کشورها نمی گوید، دوم اینکه صلاحیت داخلی کشورها یک مفهومی است که نسبی و مبهم است و صدرصد تابع حقوق بین الملل است و با تغییر حقوق بین الملل این هم تغییر خواهد کرد، کما اینکه الان هم شاهد این تغییرات هستیم. من باب مثال حقوق بشر یک امر داخلی و مربوط به دولت و اتباعش بود الان دیگر مفهوم داخلی ندارد و در صلاحیت داخلی نیست. دوم اگر اصل عدم مداخله را بخواهیم در اسناد بین المللی ببینیم علاوه بر منشور می توانیم در معاهدات آن را ببینیم اگر چه هیچ معاهده ای نداریم که به طور اخص به این امر پرداخته باشد اما در تعدادی از معاهدات یا اسناد بین المللی است که راجع به این اصل صحبت شده است. از جمله دو کنوانسیون ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ حقوق معاهدات، منشور کنفرانس اسلامی، کنوانسیون اروپایی حل و فصل اختلافات، منشور آسه آن، مقدمه اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و همچنین اساسنامه اتحادیه آفریقا در ۲۰۰۳ راجع به این اصل صحبت کرده است. در اعلامیه ها و قطعنامه هایی که مجمع عمومی داده است نیز راجع به این اصل صحبت شده است که میتوان به اعلامیه ۲۱۳۱ که به حق کشورها جهت اداره امور خودشان بدون دخالت خارجی ها تاکید می کند، یا اعلامیه ۲۵۲۶ مجمع عمومی که راجع به اصول حقوق بین الملل و در مورد روابط دوستانه است که به اجماع تصویب شده است و مداخله در امور یکدیگر را منع می کند و بالاخره قطعنامه ۳۲۸۱ که راجع به منع مداخله در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. همانطور که مشخص است درست است که در منشور به مداخله هر کشور به کشور دیگر اشاره ای نشده است ولی در حقوق موضوعه و در بحث قطعنامه ها و عهدنامه ها راجع به آن صحبت شده است. در رویه قضایی هم دیوان در قضایای چندی از قبیل قضیه کانال کورفو، دعوای آلبانی علیه انگلیس ۱۹۴۸، قضیه نیکاراگوا علیه آمریکا ۱۹۸۴، دعوای بوسنی و هرزگوین ۱۹۹۳ و دعوای کنگو علیه اوگاندا ۲۰۰۵، به طور دقیق و شفاف بر منع مداخله صراحت دارد. از نظر عرف بین الملل اصل عدم مداخله یک قاعده عرفی است یعنی یک ارگامنس است و در زمره تعهدات عام شمول است. اما در مورد جایگاه اصل عدم مداخله و اینکه در میان سلسله مراتب قواعد حقوقی در حقوق بین الملل این اصل در کجا قرار می گیرد محل اختلاف است، عده ای آن را یک قاعده آمره می دانند از این نظر که این اصل در ارتباط بسیار نزدیکی با اصل حاکمیت با اصل استقلال سیاسی

است، بنابراین چون حاکمیت و عدم توسل به زور و استقلال و تمامیت ارضی از اصول آمره حقوق بین الملل هستند اینها عقیده دارند که اصل عدم مداخله هم از اصول آمره است و اگر نباشد به آن اصول هم خدشه وارد می شود. عده ای دیگر بر این باورند که در گذشته ای نه چندان دور این اصل یک اصل آمره بوده است ولی با استثنائات زیادی که به آن وارد شده دیگر این اصل از حالت آمره بودن خارج شده است، اما نظر کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد در طرح مسئولیت بین المللی دولتها در سال ۲۰۰۱، آنجا که راجع به مصادیق قواعد آمره صحبت می کند به اصل عدم مداخله اشاره ای ندارد. دیوان در رأی نیکاراگوئه این اصل را یک قاعده عرفی مفروض می داند بنابراین شاید ما بتوانیم بگوییم که اصل عدم مداخله یک قاعده آمره نیست ولی یک تعهد عام شمول است که ریشه در قواعد معاهده ای، عرفی، رویه قضایی و رویه دولتها و سازمانهای بین المللی داریم. اما مفهوم عدم مداخله، اگر بخواهیم در رابطه با این اصل نکاتی را بیان کنیم شاید بهتر باشد که ابتدا از مداخله صحبت کنیم و آن را تعریف کنیم. دایره المعارف حقوق بین الملل مداخله را فشار یک کشور در امور داخلی یا خارجی یک کشور دیگر می داند، به گونه ای که این نفوذ و فشار باعث شود که اراده حاکم بر آن کشور مورد مداخله نقض شود و وادار به یک رفتار خاصی شود. اگر چارچوب این تعریف را در نظر بگیریم تهدید علیه حاکمیت و استقلال یک کشور، اقدام از سوی یک کشور جهت اجبار و ارعاب و تصمیم گیری به جای یک کشور می تواند در چارچوب مداخله قرار بگیرد. اما نکته ای که باید در نظر گرفت این است که عمل مداخله با زور و اجبار توأم است و این زور می تواند به صورت خشونت باشد، می تواند به صورت به اصطلاح اقتصادی و سیاسی خودش را نشان دهد. ولی جنگ و تجاوز مسلحانه، قصد و نیت به مداخله و دفاع مشروع اساسا در چارچوب مداخله نمی گنجد. در مورد مفهوم عدم مداخله باید به دو بعد توجه کرد، عدم مداخله بحث حق و تعهدات است یعنی یک کشور از یک طرف حق دارد که امور خودش را بدون دخالت خارجی اداره و مدیریت کند، از طرف دیگر هم این کشور متعهد است که از مداخله مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی و خارجی سایر کشورها بر اساس موازین بین المللی خودداری کند. در واقع باید این را نیز خاطر نشان کرد که سازمانهای بین المللی اعم از دولتی یا غیر دولتی هم متعهد و ملزم به عدم مداخله در امور یکدیگر و در امور کشورها هستند. در مورد اصل عدم مداخله ما با یک معضلی روبه رو هستیم این است که به مرور و با تحول و توسعه حقوق بین الملل استثنائات زیادی بر این اصل وارد شده است. اصل عدم مداخله در ابتدا یک اصل بود و با قاطعیت بود و استثنائات بسیار محدودی بر آن قائل بود ولی به مرور زمان این استثنائات زیاد شد و به اصطلاح عرصه عدم مداخله را تنگ تر کرد. در اینجا باید به دو نکته که باعث این اختلاف شده است اشاره کرد یکی اینکه حدود و ثغور اصل عدم مداخله و مرز بین عدم مداخله و مداخله مشروع واقعا خیلی شفاف نیست و این یک واقعیت است که هر دولتی می خواهد که هیچ کس در امور آن دخالت نکند و واقعیت این است که دخالتهای خودش را هم محق و تابع منافع ملی اش می داند ولی به هر حال یک سری مصادیق مداخلات مشروع یا استثنائات بر اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل شناسایی شده است که می توان راجع به آنها با قاطعیت صحبت کرد. یکی مداخله ای که با دعوت و درخواست قانونی یک کشور صورت می گیرد یعنی یک کشور با اراده خودش و رضایت کامل از کشور دیگری دعوت می کند برای مداخله و حضور نیروهای نظامی برای کمک به آن کشور و کمک به تمامیت ارضی یا سرکوب شورشیان، این نوع مداخله که به دعوت صورت می گیرد مداخله مشروع محسوب می شود و در

اینجا چند نکته را باید در نظر گرفت، اول اینکه مداخله برای اموری که با موازین حقوق بین الملل مغایر است نمی تواند صورت بگیرد یعنی مثلا نمی توانیم برای نسل زدایی شورشیان دعوت به مداخله کنیم، یا کشوری نمی تواند از کشور دیگری برای مبارزه با جنبشهای رهایی بخش ملی و یا با شورشیانی که کنترل موثره بر قسمتی از سرزمین را دارند دعوت به مداخله کند. چون کسانی که کنترل موثره دارند یعنی اینکه تلویحا یک دولت را در یک قسمتی دارند اداره می کنند. نمونه مداخلات بر دعوت را می توانیم در سال ۲۰۱۱ در بحرین ببینیم که در پی ناتوانی دولت بحرین در اداره شورش داخلی در کشورش از شورای همکاری های خلیج فارس برای مداخله دعوت کرد و در پی آن نیروهای عربستانی و بعضا امارات آمدند و به سرکوب شورشیان پرداختند. در مورد دولتهایی که به اصطلاح دولتهای ناتوانند اگرچه با اختلاف نظر روبه رو هستیم اما در این مورد هم می گویند اگر چنانچه دولتی در پروسه شورشهای داخلی خود نتواند پیروز شود در واقع نمی تواند خواستار کمکهای خارجی باشد. دومین نوع مداخله مشروع مداخله در چارچوب یک معاهده یا یک انعقاد قرارداد بین دو کشور است در این حالت ممکن است دو کشور در حالت عادی که اصلا مشکلی هم ندارند قرار دادی را باهم منعقد کنند که اگر یک کشوری دچار بحرانی شد و این بحران به آستانه بالایی رسید آن کشور به او کمک کند. مانند پیمان ورشو در چک اسلواکی ۱۹۶۸ یا پیمان امنیتی که اخیرا بین آمریکا و عراق منعقد شد دقیقا آمریکا حق مداخله در امور عراق را در موارد حاد خواهد داشت. سومین نوع مداخله مشروع مداخله سازمانهای بین المللی و منطقه ای است که این بر اساس شرایطی که در اساسنامه این سازمانها درج شده صورت می گیرد مثل مداخله شورای امنیت در کشورهای عضو سازمان ملل متحد و بالاخره سازمانهای منطقه ای بر اساس ترتیبات و موازین فصل هشتم منشور می توانند با شرایطی از صلاحیت مداخله در امور داخلی کشورها برخوردار باشند مثل مداخله ناتو در لیبی در سال ۲۰۱۱. نوع دیگر مداخله، مداخله انسان دوستانه است که بر اساس اهداف صلیب سرخ جهانی عمل می کند و به نظر می آید که این مداخله امروز و در شرایط اضطراری باید برای جامعه جهانی تکلیف باشد. تفاوت این مداخله با مداخلات بشردوستانه در این است که مداخلات انسان دوستانه حالت زورمدارانه ندارد. در این مورد دیوان و رأی نیکاراگوئه در سال ۱۹۸۶ اعلام مواضع می کند و می گوید دقیقا تدارک مداخلات انسان دوستانه به اشخاص و نیروهایی که در کشورهای دیگر هستند مداخله نامشروع تلقی نمی شود. این به این مفهوم است که اگر کشوری در معرض مسائل اضطراری و حوادث غیرطبیعی قرار گرفت بایستی درها را باز کنیم تا مداخلات انسان دوستانه صورت بگیرد. نوع دیگری از مداخلات که بسیار مشروع است و اخیرا روی آن بسیار تاکید می شود مداخله در مورد اعمال حق ملتها برای تعیین سرنوشت است به خصوص اگر ملتی بخواهد به حقوق حق خودش برسد اگر تقاضا کند بسیار مشروع است منتها حق تعیین سرنوشت یک شرایطی دارد که برخی از شرایط اعمال آن این است کشوری که در آن آپارتاید اعمال شده است، کشورهایی که اشغال شده اند و یا در مبارزه با استعمار هستند. بالاخره مداخله ای که بر اساس دکرترین مسئولیت حمایت صورت می گیرد. به طور کل اعمال مداخلات بشر دوستانه یک چارچوب و شرایطی دارد که باید در نظر گرفته شده و رعایت شود و برای هر نقض حقوق بشری این مداخله صورت نمی گیرد، نقض حقوق بشر باید نقض بنیادین و اساسی بشر به صورت گسترده و فاحش باشد، دوم اینکه این نقض باید به حدی باشد که برای جامعه جهانی ایجاد دغدغه کند یعنی وجدان جامعه جهانی جریحه دار شود، تشخیص این امر هم با شورای امنیت است، یعنی به اصطلاح ما هیچ

آستانه ای نداریم به همین دلیل است که ما بعضاً می بینیم که شورای امنیت به صورت گزینشی عمل می کند. مداخله به هیچ وجه نباید با انگیزه جدایی طلبی صورت بگیرد و مداخله باید حالت موقت داشته باشد، اینکه نیروهای مداخله گر سالها در کشوری باقی بمانند مشروعیت ندارد. در تمام پروسه مداخله بشر دوستانه نظارت شورای امنیت باید وجود داشته باشد و بهتر این است که مداخله با نظامی گری شروع نشود و با تحریم های اقتصادی و دیپلماتیک شروع شود و اگر موثر واقع نشد مداخله نظامی محدود به صورت ایجاد منطقه پرواز ممنوع همانطور که در عراق و لیبی ایجاد شد شکل بگیرد و گزینه نظامی گزینه آخر باشد. نوع دیگر مداخله هم مداخله دموکراتیک است. این بحث اساسی بود که در چارچوب مفاهیم و شرایط مداخله مطرح کردیم.



اما در بحث تحول در اصل عدم مداخله می خواهیم صحبت کنیم و می خواهیم دورانی را در نظر بگیریم و ببینیم که منحنی تغییر اصل عدم مداخله چگونه است. در این مورد دوره ای را که می توانیم تصور کنیم دوره قبل از تصویب منشور ملل متحد است، گرچه در میثاق جامعه ملل مداخلات نظامی تا حدی محدود شده بود ولی واقعیت این است که تا قبل از تشکیل سازمان ملل متحد بحث دخالت یا عدم دخالت در امور داخلی کشورها تابع قدرت، منافع و اراده کشورهای بزرگ بود و به خصوص اینکه کشورهایی که قدرت داشتند مداخله می کردند. نوع انتخاب سیستم سیاسی هم باز تابع اراده سیاسی کشورها بود مثلاً اینکه یک کشوری سیستمش استبدادی باشد یا دموکراسی. بنابراین دولتها به بهانه ضرورت یا حمایت از خودشان و یا اتباع خودشان در توسل به جنگ یا مداخله آزاد بودند یعنی تقریباً بحثی راجع به عدم مداخله وجود نداشت اما

عدم مداخله بعد از تدوین منشور ملل متحد را شاید بتوان به دو بخش تقسیم کرد یکی در دوران جنگ سرد ببینیم که چگونه بوده است و یکی بعد از آن یعنی با فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰ به بعد چگونه به آن عمل شده است. در دوره جنگ سرد اصولاً روابط بین الملل دولت محور بوده است یعنی شخص در حقوق بین الملل یا روابط بین الملل و یا حقوق مربوط به شخص جایگاه زیادی نداشته است. منشور ملل متحد یا اعضای شورای امنیت در این دوره سعی می کردند که با تفسیر محدودی که از مفهوم صلح و امنیت دارند بحث صلح و امنیت جهان را حفظ کنند و دقیقاً شورای امنیت در این دوره معطوف به جنگهای بین دولتها بوده است یعنی به جنگهای داخلی توجهی نداشته است. علیرغم اسناد حقوق بشری که در این دوره وجود داشت مثل میثاقین یا اعلامیه جهانی حقوق بشر یا ایجاد نهادهایی مثل کمیسیون حقوق بشر، اما در مورد فرد و حقوق فرد در حقوق بین الملل جز در اسناد، از نظر اجرایی مطلب جدی واقعاً وجود ندارد. رابطه ای که اتباع یک کشور با حکومت و دولت خودشان دارند یک رابطه داخلی است یعنی هیچ کس نمی تواند مسئولین یک کشور را بازخواست کند که چرا با اتباع خود رفتار غیرانسانی دارند. در این مورد منشور ملل متحد در حوزه حقوق بشری خود در بحث تبعیض نژادی، خودمختاری و نفی استعمار را به سازمان ملل واگذار می کند. در دو قضیه شورای امنیت وضعیتهای را نقض صلح و امنیت بین الملل تلقی می کند یکی در سال ۱۹۶۵ در مورد رژیم نژادپرست رودزیای جنوبی است که بدون توجه به حق سیاهپوستان اعلام استقلال می کند و شورا آن را تحریم اقتصادی می کند. مورد بعدی در رابطه با تبعیض نژادی آفریقای جنوبی است که شورای امنیت سیاست آپارتاید را مغایر با صلح و امنیت تلقی می کند. بنابراین در دوره جنگ سرد ما با این مسئله روبه رو هستیم که در پوشش دو ابرقدرت به اصل عدم مداخله عمل می شود و استثنائات وارده بر آن به لحاظ عملی بسیار محدود و ضعیف است.

بعد از جنگ سرد یعنی از دهه ۱۹۹۰ به بعد با فروپاشی شوروی وقایعی در روابط بین الملل اتفاق می افتد که اصل عدم مداخله تعدیل می شود. یکی از این اتفاقات فرآیند جهانی شدن است. جهانی شدن از ۱۹۶۰ وارد ادبیات سیاست و روابط بین الملل می شود و بعد از جنگ سرد در ابعاد وسیع و متنوعی به کار گرفته می شود. جهانی شدن باعث می شود که روابط انسانها و تعامل انسانی همراه با پیشرفت تکنولوژی به خصوص در زمینه ارتباطات بیشتر شود، به همین دلیل است که افراد از حقوقی که به واسطه انسان بودن از آن برخوردار هستند به این حقوق واقف می شوند و این همان موضوعی است که از آن به عنوان حقوق بشر بین الملل یاد می شود و این همان مسئله ای است که بعدها زمینه مداخلات بشر دوستانه و دکنترین مسئولیت حمایت را فراهم میکند. بد نیست در این مورد نظر پطروس گالی را بدانیم، پطروس گالی در سال ۱۹۹۲ در گزارش خود می گوید که اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها و حاکمیت دیگر نمی تواند توجیه کننده این باشد که شهروندان توسط دولتهای خودشان سرکوب شوند و حاکمیت مانعی نیست که در پناه آن حکومتها بتوانند به نقض حقوق بشر ادامه دهند. پس یکی از چالشها بحث نقض حقوق بشر می شود که از این دوره شورای امنیت سعی می کند به اسناد و مدارکی که در زمینه حقوق بشر موجود بوده است توجه کند و می خواهد دولتها را به رعایت آن ملزم کند و برای خودش هم این مسئولیت را حس می کند که بر کار دولتها نظارت داشته باشد. دومین مسئله بحث فروپاشی شوروی است که همه

می‌دانند این موضوع باعث می‌شود که حداقل برای دهه ۱۹۹۰ شورای امنیت بتواند راحت‌تر تصمیم‌گیری کند چرا که بحث حق و تو در اینجا مقداری تعدیل می‌شود و اگر شما منحنی مداخلات را هم نگاه کنید این منحنی در دهه ۱۹۹۰ سیر صعودی دارد. سومین عاملی که می‌توان راجع به آن صحبت کرد تحول در مفهوم صلح است. شورای امنیت بعد از دهه نود با تفسیر خیلی گسترده و موسع از صلح و امنیت، نقض حقوق بشر را نقض صلح و امنیت تلقی می‌کند و می‌گوید که حقوق بشر قواعد آمره است و اگر این قواعد آمره نقض شوند صلح و امنیت هم تهدید می‌شود. عامل چهارمی که می‌شود به آن توجه کرد افزایش جنگ‌های داخلی در دهه ۱۹۹۰ است، که این جنگ‌ها و منازعات داخلی که ناشی از تعارضات قومی، نژادی و مذهبی است با خشونت بسیار گسترده و وسیعی توأم بوده است. در اینجا است که شورای امنیت در تفسیر موسعی که از نقض صلح می‌کند به مداخلات داخلی هم توجه می‌کند و این مداخلات داخلی را تهدید جدی برای صلح و امنیت می‌داند و آن را در حوزه مسئولیت خودش احساس می‌کند، به این ترتیب این چهار عامل باعث می‌شود که نظم نوینی شکل بگیرد که در این نظم نوین اصل عدم مداخله آن قاطعیت گذشته را از دست می‌دهد و ما با مجموعه‌ای از مداخلات در اینجا روبه‌رو هستیم. یک واقعه دیگر هم بعد از یازده سپتامبر اتفاق می‌افتد که بد نیست راجع به آن هم صحبت شود که یک تغییر بزرگی در اصل عدم مداخله است. در سال ۲۰۰۵ دکترین مسئولیت حمایت متولد می‌شود، این دکترین به طور خلاصه این را می‌گوید که اگر دولتی نخواهد یا نتواند در حفظ حقوق بنیادین شهروندان خود اقدام کند مسئولیت از دولت سلب شده و به جامعه بین‌المللی واگذار می‌شود. اثری که این دکترین دارد این است که اولاً حاکمیت را دیگر قدرت محض نمی‌بیند حاکمیت به مثابه مسئولیتی است که به دست متولیان آن است. به نظر می‌رسد که این دکترین به تدریج جایگزین مداخله بشر دوستانه نیز خواهد شد. در مورد اعمال و اجرای دکترین مسئولیت بین‌المللی چند نکته حائز اهمیت است، اولاً اینکه هنوز به صورت کامل وارد حقوق موضوعه نشده است، دوم اینکه این دکترین مربوط به جرائم بین‌المللی و جنایت بین‌المللی و نسل‌کشی است و در مورد همه جرائم به کار نمی‌رود، سوم اینکه این دکترین یک مسئولیت تکمیلی است، یعنی در وهله اول مسئولیت حفاظت از شهروندان به عهده خود دولتهاشان است و اگر قصوری بود یا ناتوانی وجود داشت به این دکترین می‌رسیم. مورد بعدی اینکه این دکترین صرفاً به عهده شورای امنیت خواهد بود، یعنی این شورای امنیت است که باید تشخیص دهد از این دکترین استفاده شود، کما اینکه در لیبی در ۲۰۱۱ استفاده شد، اما با توجه به بحث و تو که در شورای امنیت وجود دارد اینکه این دکترین بتواند در تمام مواردی که نقض فاحش حقوق بشر صورت می‌گیرد اجرایی شود جای سوال وجود دارد. دکترین مسئولیت حمایت سه مرحله دارد یعنی فقط بحث مداخله نظامی نیست، مرحله اول آن پیشگیری است یعنی دکترین از ساز و کارهای مختلف مثل کمیته حقیقت‌یاب، مذاکره، میانجی‌گری و... باید برای حل معضل و تراژدی انسانی که در یک کشور وجود دارد استفاده کند. اگر به اصطلاح موثر واقع نشد می‌تواند واکنش یا مداخله نظامی انجام بدهد و مداخله نظامی هم مرحله سومی دارد یعنی مرحله بازسازی، یعنی به این مفهوم نیست که این اتفاق بیفتد و بعد بیایند و مداخله نظامی انجام دهند و بروند. به هر حال به نظر می‌رسد که مهم‌ترین اثری که دکترین مسئولیت حمایت داشته این است که مداخله بشر دوستانه که تا به حال برای همگان سوال بود که آیا حق است یا نه به صورت تکلیف مطرح کرده است. مداخله بشر دوستانه برای کشورهایی که نیاز به مداخله دارند و در آنها معضل انسانی وجود دارد

حق است اما برای کشور هایی که می خواهند مداخله کنند حق نیست، اما بحث بر سر این است که با دکرترین مسئولیت حمایت بین المللی وقتی که شورای امنیت در فصل هفتم منشور نقض صلح و امنیت را تشخیص بدهد می توانیم بگوییم که یک تکلیف است که به جامعه جهانی محول شده است. به هر حال اصل عدم مداخله مبتنی بر حاکمیت کامل دولتها برای مدتی طولانی بر حقوق بین الملل مسلط بود، در زمان تدوین منشور برای اصل عدم مداخله استثنائات کمی گذاشتند، در دوره پس از جنگ سرد استثنائات بسیار وسیعی برای این اصل قرار دادند که دیگر مانند گذشته قاطعیت خود را نداشت. در مقدمه گفتم که اصل عدم مداخله یا مداخله بشر دوستانه تعارضی است بین انسانیت و حاکمیت که بعضی از کشورها یا بعضی از حقوقدانان معتقدند که باید حاکمیت و صلح و امنیت را حفظ کرد نه اینکه توجه به بشر فدای این قضیه کرد. بعضی ها مداخله بشر دوستانه را تایید می کنند من می گویم که شاید بتوان گفت به جای تعارض از همکاری و مکمل بودن انسانیت و حاکمیت نام برده شود برای اینکه به نظر می رسد همانگونه که ما در اصول منشور یک استثنا داریم یعنی اصل عدم توسل به زور را داریم ولی منشور می گوید که این اصل عدم توسل به زور به اقدامات و تدابیر پیش بینی شده ای که در فصل هفتم تحت سیستم امنیت دسته جمعی توسط شورای امنیت می خواهد اعمال شود صدمه یا لطمه ای وارد نمی کند به اصطلاح آن را محدود نمی کند و یک استثنا بر قاعده است. شاید ما بتوانیم بگوییم که مداخلات بشر دوستانه هم بتواند یک استثنایی شود بر اصل عدم مداخله.»

پایان این نشست با پرسش و پاسخ از سوی شرکت کنندگان همراه بود.

نشست تخصصی پیرامون توافق نامه پاریس ۲۰۱۵ تغییرات اقلیم

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی نشست تخصصی «توافق نامه پاریس ۲۰۱۵ تغییرات اقلیم» را در روز چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ با حضور استادان و کارشناسان برجسته در تالار عدالت دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی برگزار نمود. در ادامه می توانید شرح کامل گزارش این نشست را مطالعه نمایید.

دکتر نسرین مصفا

رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت تمامی کسانی که دعوت انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد را پذیرفته و در این جلسه شرکت کردند. از طرف انجمن به همه شما خوش آمد می گویم. انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای تحقق وظایف مندرج در اساسنامه خود همواره به موضوعات در دستور کار بین المللی توجه داشته و این سومین نشستی است که با موضوع محیط زیست و تغییرات اقلیم در انجمن برگزار می کنیم. از استادان ارجمند آقای دکتر

عبداللهی، آقای دکتر فریادی، آقای دکتر مشهدی و آقای امین منصور، دیپلمات برجسته وزارت امور خارجه، تشکر می‌کنم که امروز دعوت انجمن را برای برگزاری این نشست پذیرفته‌اند و در خدمتشان هستیم.

در رابطه با موضوع این نشست باید بگویم که نتیجه دو هفته مذاکرات بی‌امان در پاریس، یک شگفتی بزرگ اما قدمی کوچک بود که در ۳۱ صفحه تحت عنوان «توافق تغییرات اقلیم پاریس» مستند گردید. این توافق، راه حل گرمایش زمین و راه حفظ کره خاکی نیست بلکه تلاشی است برای ایجاد ساختار و تحرک برای کاهش گازهای گلخانه‌ای. این توافق، مجموعه از ابزارهای دیپلماتیک را در نظر گرفته تا با استفاده از آنها، کشورها انتشار گازهای گلخانه‌ای را به شدت کاهش دهند.

پاراگراف اولیه سند توافق، آینه امیدهای جهانیان برای اقدامات بیشتر جهت جلوگیری از گرمایش زمین است؛ چرا که ابراز امیدواری کرده تا «در سریع‌ترین فرصت ممکن» روند انتشار گازهای گلخانه‌ای معکوس و گرمایش زمین در کمتر از دو درجه سانتی‌گراد (یا یک و نیم درجه سانتی‌گراد) محدود گردد. این در حالی است که زمین یک درجه گرم‌تر شده است.

در عین حال، توافق تدابیری برای شفاف‌سازی جهت حصول اطمینان از کاهش گازهای گلخانه‌ای در نظر گرفته است. کشورها هر پنج سال یک بار گردهم خواهند آمد تا در وعده‌های خود در سطح گازهای گلخانه‌ای تجدیدنظر نمایند. هدف کشورهای ثروتمند نیز ارائه سالیانه بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار (از طریق دولت‌ها یا بخش خصوصی) به کشورهای فقیرتر جهت کمک به سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک و مواجهه با افزایش سطح آب دریاها، خشکی، سیل و دیگر اثرات مخرب تغییرات اقلیم است.

شاید توافق پاریس، آسان‌ترین قدم در رویارویی با تغییرات اقلیم به شمار آید لیکن بی‌شک، مهم‌ترین دستاورد سال‌های اخیر بعد از بن‌بستی طولانی مدت بود. کشورها متعهد شده‌اند تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند، سیاست‌های جدید را پی‌گیرند، فناوری‌های جدید به کار بندند و فراتر از قول‌های فعلی گام بردانند.

این توافق، یک هدف برآیند برای دمای زمین دارد، یک هدف برآیند برای انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۳۰ و هدف دیگری تا نیمه دوم قرن دارند.

با وجود مباحث فراوان برای پیگیری خسارت‌ها و غرامت‌ناشی از تغییرات اقلیم، این موضوع به ایجاد کمیته‌ای برای بررسی جابجایی‌ها و موضوعات مرتبط ناشی از تغییرات اقلیم ختم شد.

توافق پاریس، سازکار گزارشی و نظارتی در نظر گرفته است. گرچه این سازکار هنوز به طور کامل مشخص نشده است، لیکن بدلیل مخالفت چین و هند، تصریح شده است که این نظارت‌ها «چارچوب شفاف‌سازی» ست که «تسهیل‌گر، غیرمداخله‌جویانه، و غیرتنبیهی و در عین حال ضامن حاکمیت ملی دولت‌ها و فشار مضاعف به آنان است.»

جایگاه حقوقی این توافق، منعکس‌کننده واقعیات تغییرات اقلیم است. وعده‌های کاهش گازها و امثالهم اجباری نیست و تنبیهی در نظر گرفته نشده است لیکن بسیاری از سازکارهای حمایتی همچون گردهمایی پنج ساله یا شفاف‌سازی، اجباری است.

محتوای توافق پاریس زمانی اجرایی می‌شود که ۵۵ کشوری که مسبب ۵۵ درصد آلاینده‌گی جهانی هستند، به آن بپیوندند (یعنی چین، اروپا، آمریکا، هند و روسیه). اجلاس بعدی در سال ۲۰۱۶ در مراکش برگزار خواهد شد.

می‌بایست در انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد از دست دادن دبیرکل سابق سازمان ملل پطروس پطروس غالی را نیز یادآوری کنیم. ایشان در سال ۱۹۹۲ دبیرکل ملل متحد شدند و در همان سال ما کنفرانس ریو را داشتیم که کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیم هم در همان ماه‌های اول دبیرکلی پطروس غالی تدوین و تصویب شد و مبنایی برای توجه بین المللی و حمایت از این موضوع مهم در عرصه بین المللی شد. فکر می‌کنم که پطروس غالی نقش مهمی در سازمان ملل متحد داشت. او به ادبیات ملل متحد کمک کرد، پس از پایان جنگ سرد دبیرکلی بود که با فضای جدیدی در ملل متحد کار را آغاز کرد، البته دبیر کلی بود که به دلایل مختلف که کم و بیش مستحضر هستید نتوانست در هر دو دوره دبیرکل ملل متحد باشد. ایشان دبیرکلی از آفریقا بود که دستورکار برای صلح، برای توسعه و اسناد وابسته به آن را تصویب کرد. فکر می‌کنم که هیچ دبیر کلی مانند پطروس غالی در آن زمان به حال مردم کشورهای در حال توسعه، نسبت به کاهش شکاف بین فقیر و غنی و موضوعات انسانی نگاه نکرده بود. در زمان او ملل متحد مصائبی را تحمل کرد، فاجعه رواندا، فاجعه سومالی، قضیه تائیتی و در پی آن مشکلاتی که در عرصه بین المللی وجود داشت و پطروس غالی با یک دنیا از مشکلات در ملل متحد رو به رو شد، یادش گرامی باد.

به هر حال دبیرکل‌های ملل متحد علی‌رغم تمام انتقادهایی که به آنها می‌شود کار سختی را انجام می‌دهند. امسال هم ما انتخاب دبیر کل جدید ملل متحد را خواهیم داشت و اگر مصوب بشود انجمن سعی می‌کند که یک جلسه‌ای را به پطروس غالی و کارهایی که در ملل متحد انجام داد برگزار نماید.

در پایان، از استادان محترم و جناب آقای دکتر شاملو و همکاران ایشان در دانشگاه شهید بهشتی که امکان برگزاری جلسه در این دانشگاه را فراهم کردند عمیقاً سپاسگزاری می‌کنم و از جناب آقای دکتر عبداللہی استدعا می‌کنم تشریف بیاورند و جلسه را ادامه بدهند.

دکتر محسن عبداللہی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیئت مدیره انجمن

خدمت اساتید محترم و سروران گرامی عرض سلام و خیر مقدم دارم. از سرکار خانم دکتر مصفا ریاست محترم انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، از دانشکده حقوق و مشخصا از جناب آقای دکتر شاملو معاون محترم دانشکده برای برگزاری این جلسه سپاسگزاری میکنم.

عرائضم را با جمله پایانی کلیپی که در رابطه با موضوع امروز پخش شد آغاز میکنم، آنها تسلیم خواهند شد در صورتی که ما تسلیم شویم. این جمله به این معنی است که بشر نباید در برابر بلایای زیست محیطی تسلیم شود. عمر حقوق محیط زیست و حقوق بین الملل محیط زیست به نسبت سایر گرایشهای حقوق بین الملل کوتاه است شاید حداکثر بتوان صحبت از چهل یا پنجاه سال کرد، اما در همین مدت کوتاه هم جامعه بین المللی نشان داده اند که در حوزه هایی به طرز قابل ستایشی در مبارزه با بلایای طبیعی موفق بوده اند، نمونه چنین توفیقی را شما می توانید در رژیم حقوقی مبارزه با مواد کاهنده لایه ازن مشاهده بفرمایید. هنگامی که در دهه هفتاد میلادی هشدارها در مورد سوراخ شدن یا نازک شدن لایه ازن در قطب شمال به صدا درآمد کسی فکر نمی کرد که دولتها موفق بشوند تا پایان هزاره بخش قابل توجهی از این مشکل را مرتفع کنند. با تصویب کنوانسیون چارچوبی سال ۱۹۸۵ و سپس پروتکل مون رتال و اصلاحات پنج گانه آن، آمارها نشان دهنده ترمیم لایه ازن است بنابراین باید مثبت بود باید مثبت نگاه کرد تلاش کرد نا امید نشد و تسلیم نشد. ما صدای سایر جانوران دیگر هستیم آنها قربانی خاموش بلایای انسان ساز محیط زیست هستند.

قبل از اینکه پنل را آغاز کنیم لازم است که از همکاران بسیار محترم که دعوت انجمن را پذیرفتند و در این پنل اقدام به سخنرانی خواهند کرد تشکر کرده و البته این نکته را هم ذکر کنم که در جامعه حقوقی ایران افراد معدودی هستند که به این حوزه علاقه دارند و اقدام به تولید علم در این زمینه کرده اند.

از همکاران عزیز جناب آقای دکتر مشهدی استاد محترم دانشگاه مفید قم، دکتر فریادی استاد محترم دانشگاه مازندران و از جناب آقای امین منصور استدعا میکنم که تشریف بیاورند.

بنابر ترتیبی که با رهنمود و مشورت سرکار خانم دکتر مصفا مشخص گردیده و به دلیل طرح چهارچوب مفهومی و حقوقی لاجرم آغازگر نشست خواهم بود. عنوانی که بنده در این چهارچوب انتخاب کردم «رژیم حقوقی مقابله با تغییرات اقلیم: دستاوردهای موافقت نامه پاریس» خواهد بود. مطالب را در دو محور ارائه خواهم داد. ابتدا رژیم حقوقی و سپس موافقت نامه پاریس.

در محور اول باید از تعریف تغییرات آب و هوایی آغاز کرد. تعاریف علمی و تعاریف حقوقی بسیار تحت تاثیر هم هستند یعنی تعاریف حقوقی از تعاریف علمی ریشه گرفته اند و برخلاف سایر رشته های حقوق، حقوق محیط زیست بسیار تحت تاثیر و پیرو یافته های علمی است. تعریفی که کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ارائه می کند این است: تغییرات قابل انتساب به فعالیتهای انسانی است که در ترکیبات گازی اتمسفر رخ می دهد و در حال حاضر و این بازه زمانی منتهی به گرمایش کره زمین شده است. البته سروران عزیز مستحضرنند که تغییرات اقلیمی در تاریخ بارها اتفاق افتاده است اما این تغییرات به طور طبیعی بوده و طبیعت توانسته خودش را با آن سازگار کند. مشکل تغییرات انسان ساز سرعت این نوع تغییرات است که امکان سازگاری با آنها را دشوار می کند. همچنین باید به تعریفی از گازهای گلخانه ای و پدیده گلخانه ای اشاره کرد، شاید

عبارت پدیده گلخانه ای به ما در فهم این مطلب کمک کند. در گرداگرد زمین سیستم یا سامانه آب و هوایی وجود دارد که از ترکیبات گازی مشخصی تشکیل شده است این ترکیبات به طور طبیعی دمای کره زمین را تنظیم می کنند و این دمای قابل سکونت را برای بشر فراهم می کند. گازهایی وجود دارند که این ترکیبات با ترکیبات گازهای گرداگرد کره زمین را غلیظ یا رقیق می کنند. مهم ترین این گازها گازهای گلخانه ای، گاز دی اکسید کربن است البته بخار آب سهم اصلی را دارد برای همین شما پدیده گلخانه ای را در سواحل بیشتر مشاهده می کنید. توضیح کوتاهش این است که گرما وارد زمین می شود ولی پرتوهای گرما از امکان خروج از زمین را پیدا نمی کنند و به همین دلیل احساس گلخانه ای به انسان دست می دهد. در گلخانه ها نیز همینطور است نور از شیشه یا نایلون وارد گلخانه می شود اما گرما باز تابانده نمی شود بنابراین گازهای گلخانه ای ایجاد می شود و افزایش گازهای گلخانه ای باعث گرم شدن کره زمین شده است. نکته سوم تاریخچه ای که منتهی به موافقت نامه پاریس شده است را می خواهم خدمتان عرض کنم. جالب است که آقای به نام «اوسوانت آرنیوس» که یک فیزیکدان و فیلسوف هستند در سال ۱۸۹۶ یعنی تقریباً ۱۲۰ سال قبل مقاله ای را می نویسند و در آن سال در آن مقاله گرم شدن زمین را هشدار می دهد و این مقاله در دسترس وجود دارد و می توانید آن را ببینید. در آن زمان کسی حرف ایشان را جدی نمی گیرد تا ده های ۶۰ و ۷۰ که دانشمندان یکصدا می شوند و این هشدار را به صورت جدی مطرح می کنند. از آن سال تا سال ۱۹۹۲ که ما شاهد تصویب کنوانسیون تغییرات آب و هوایی هستیم نزدیک به ده کنفرانس برگزار می شود، در خلال این ده کنفرانس به تدریج نظر دولتها به این پدیده جلب می شود. در کلیپی که پخش شد مشاهده کردید که ۱۹۵ کشور در آن لحظه تاریخی ای که آقای فابیوس چکش را می کوبد و اعلام می کند که هیچ مخالف جدی وجود ندارد همه مشارکت داشتند. این ۱۹۵ کشور از لحاظ سطح علم و آگاهی نسبت به تغییرات آب و هوایی به هیچ وجه در یک سطح نیستند و حتی بعضی از کشورها از فهم این پدیده عاجز اند، بعضی از آنها در آن سالها این موضوع را یک توطئه شمال و جنوب می دانستند، توطئه کشورهای توسعه یافته علیه کشورهای در حال توسعه. بنابراین نیاز به یک سلسله نشست هایی بوده است که کشورها نسبت به پدیده تغییرات آب و هوایی آگاه و تشویق شوند. اولین کنفرانس در سال ۱۹۱۰ در ژنوبوده و آخرین آن منتهی به کنوانسیون ۱۹۹۲ می شود. اما سند الزام آور کنوانسیون چارچوبی است، هدف کنوانسیون در ماده ۲ تثبیت انتشار گازهای گلخانه ای است، یعنی می خواهند وضعیت را همانطور که هست نگه دارند. این کنوانسیون بسیار عجیب است، طولانی ترین مقدمه را ما در این کنوانسیون می بینیم. یک معامله بزرگ بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است، به این معامله خواهیم گشت. هدف دوم کنوانسیون سازگاری با پیامدهای تغییرات آب و هوایی است. ماهیت کنوانسیون چارچوبی و نرم است. حقوق نرم تقریباً تا یک دهه پیش در ایران ناشناخته بود ولی امروز خوشبختانه روز به روز دانشجویان بیشتر با این مفهوم آشنا می شوند. کنوانسیون یک سند سخت محسوب می شود یعنی الزام آور است. حقوق محیط زیست به طرز عجیبی مبدع این نظریه است که می شود در یک سند سخت تعهدات منعطف و نرمی را طراحی کرد، به عبارتی دیگر صحبت از نرمی در حقوق (softness in law) می شود. هدف اصلی کنوانسیون جلب مشارکت کشورها بوده است. چند اصل راهنما بر کنوانسیون حاکم است که در نوشته ها کمتر دیده می شود، اینها اصولی هستند که در اجرا باید نصب العین مجری قواعد قرار بگیرند، بیشتر راهنمایی می کنند و خودشان تعهد به همراه ندارند. مانند اصل انصاف درون نسلی و بین نسلی، ما باید به فکر نسلهای بعدی هم باشیم. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصل سوم اصل توسعه پایدار است اینکه مبارزه با تغییرات آب و هوایی نباید به توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه لطمه وارد کند و در نهایت اصل احتیاط قرار می گیرد. تعهدات اعضا در کنوانسیون چهارچوبی چیست. در کنوانسیون چهارچوبی اصل عهد مورد توافق قرار می گیرد، یعنی همه تعهد می کنند که انتشار گازهای گلخانه ای را کاهش دهند اما حد تعهد را به اسناد

بعدی و پروتکلها واگذار می‌کنند. اینکه چه چیزی را چه کسی و به چه میزانی کاهش بدهد، اینکه چه دولتهایی کاهش بدهند، هر دولت چه سهمیه‌ای را به عهده بگیرد، کدام کشورها این را تعهد کنند در حال توسعه‌ها یا کشورهای توسعه یافته، کنوانسیون چارچوبی زیرکانه از این دعوا فرار می‌کند و این را به مراحل بعدی واگذار می‌کند و همین اتفاق به نوعی در پاریس هم افتاده است. تعهدات کلی و چارچوبی در این کنوانسیون سه دسته هستند، ابتدا تعهد همه اعضا اعم از توسعه یافته و در حال توسعه این تعهدات را دارند. مثل سیاست گذاری در حوزه تغییرات آب و هوایی، برنامه‌های خط مشی تهیه کردن، آمادگی برای سازگار شدن با پیامدهای تغییرات آب و هوایی، گزارش دادن، آموزش دادن، همکاریهای فنی و... در این نوع تعهدات دولتها با هم برابرند و هیچ تفاوتی میان آنها وجود ندارد. تعهدات اعضای ضمیمه اول و ضمیمه دوم، این کنوانسیون دو ضمیمه دارد ضمیمه نخست آن شامل دولتهای توسعه یافته و دولتهایی که اقتصاد آنها در حال گذار است، آن زمان شوروی تازه فروپاشیده بود و دولتهای آزاد شده از اتحاد جماهیر شوروی در این مجموعه قرار می‌گرفتند. ضمیمه دوم دولتهای بسیار توسعه یافته بودند که بیشتر اعضای سازمان (oecd) یا سازمان همکاریهای اقتصادی هستند. دولتهای ضمیمه اول مشخصا تعهد کردند که گازهای گلخانه را کاهش بدهند اما دولتهای ضمیمه دوم علاوه بر کاهش گازهای گلخانه‌ای تعهد کردند که منابع مالی، فنی، تکنولوژیکی و... در اختیار کشورهای در حال توسعه هم قرار بدهند یعنی تعهدات بیشتری را قبول کردند. جالب است ملاحظه می‌فرمایید که در یک کنوانسیون بین المللی شاهد تنوع و گوناگونی تعهدات بین المللی هستیم برای مثال در کنوانسیون های حقوق بشری شما چنین چیزی را نمی‌بینید که در یک متن علیرغم برابری اعضا تعهدات متفاوتی پیش بینی شود و این محصول اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است. همه در حفظ محیط زیست مسئولیت مشترک داریم اما میزان مسئولیت و تعهدات ما حسب توسعه اقتصادی، توانایی های مالی، حسب دست پاکی ما در گذشته اینکه ما چقدر مسئول وضع کنونی زمین هستیم، ما چه سهمی در تخریب کره زمین و در تولید گازهای گلخانه‌ای داشتیم و... متفاوت است. به هر حال کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ تصویب و در ۱۹۹۵ لازم الاجرا می‌شود. سال بعد تلاش می‌کنند پروتکل را تصویب کنند اما موفق نمی‌شوند اما در سال ۱۹۹۷ پروتکل کیوتو که در واقع الحاقی به کنوانسیون است به تصویب می‌رسد و سند اجرایی کنوانسیون محسوب می‌شود. در سال ۲۰۰۵ پروتکل با عضویت روسیه فدراتیو لازم الاجرا می‌شود و در حال حاضر ۱۷۶ دولت عضو پروتکل کیوتو هستند ولی همانطور که می‌دانید الات متحده عضو نیست. هدف پروتکل کاهش پنج درصدی گازهای گلخانه‌ای بر اساس سطحی است که در سال ۱۹۹۰ منتشر می‌شد. پروتکل پیش بینی می‌کند که در یک دوره زمانی پنج ساله از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ این هدف محقق شود. تعهدات اعضای پروتکل نیز مانند کنوانسیون سه دسته می‌شوند: تعهدات کلیه اعضا که شامل همان دادن گزارشها، همکاریها، تهیه برنامه های ملی سازگاری با تغییرات آب و هوایی و به طور کلی تعهداتی که فشاری را بر کشورهای در حال توسعه وارد نمی‌کند. دسته دوم تعهدات ضمیمه یک هستند که متعهد می‌شوند که پنج درصد را کاهش دهند، در سهمیه بندی که برای دولتها می‌کنند تقریبا هر دولتی ۹۰ تا ۹۲ درصد را بر عهده می‌گیرد به استثنای چند کشور مانند ایسلند که ۱۱۰ درصد تقبل کرده است یا اکراین و نیوزلند که ۱۰۰ درصد تقبل کرده اند. اعضای ضمیمه دوم علاوه بر کاهش گازهای گلخانه‌ای متعهد به ارائه کمکهای مالی، فنی و تکنولوژیکی هم می‌شوند. پروتکل برای اجرای این تعهدات سه سازوکار ابداع می‌کند: ساز و کار اجرای مشترک، تجارت انتشار و توسعه پاک، جالب است که فقط در محیط زیست چنین سازوکاری به وجود می‌آید، نگاه جهانی است و می‌گویند مهم کره زمین است که باید گازهای گلخانه‌ای آن کم شود فرقی ندارد در آمریکا کم شود یا در آفریقا یا اروپا، مهم این است که پنج درصد کاهش یابد، لذا تکنیکهای اجرای جمعی به وجود می‌آید یعنی یک دولت با دولتی دیگر با هم پروژه مشترک تعریف می‌کنند. اگر دولتی بیش از تعهدش کار انجام دهد یعنی اگر تعهدش ۹۰ درصد

است و دولت ۱۴۰ درصد گاز را کاهش دهد می تواند آن درصد را به کشوری که نمی تواند کاهش بدهد این سهم را بفروشد و این یک تکنیک است که به تجارت انتشار موسوم شده است و سازوکار توسعه پاک، رابطه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، که متاسفانه ما در دوره تحریم ها از این سازوکار محروم شدیم. کشور چین به تنهایی ۴۵۰۰ پروژه توسعه پاک دریافت کرده است. اینها پروژه هایی هستند که یک دولت توسعه یافته برای اجرای تعهدات کاهشی خود در یک دولت در حال توسعه انجام می دهد. مانند پروژه تصفیه گاز ترشی که در جنوب ایران در مخازن سوزانده می شود، همانطور که می دانید همه گازها قابل استفاده نیستند و باید سوزانده و در طبیعت رها شوند اما اگر ما تکنولوژی داشته باشیم می توانیم این گازها را به گاز مصرفی تبدیل کنیم اما متاسفانه ما این تکنولوژی را نداشتیم. ما توانستیم چهارده پروژه تعریف کنیم که تنها چهارتای آن موفق و عملیاتی شد، این را با چند هزار پروژه هند و چین، برزیل و... مقایسه کنید، متاسفانه به خاطر تحریم ها شرکتها حاضر به همکاری و حضور در ایران نبودند.

چالشهای پروتکل که بسیار هم مهم هستند به این دلیل که در موافقت نامه پاریس سعی شده است که به این چالشها پاسخ داده شود. یکی هدف گذاری محدود است، آن سالها خیلی سخت بود که دولتها را به سهمیه ای بالاتر راضی کنند و دولتها در سال ۱۹۹۰ تنها به پنج درصد رضایت دادند اما دیدند که نمی شود چرا که اگر به همین ترتیب پیش برود تا چهل سال دیگر کره زمین از بین خواهد رفت. چالش دوم ادواری بودن پروتکل است. یعنی پروتکل باید بعد از پنج سال تمدید می شده است و یا باید یک سند دیگر به عنوان جایگزین آن به تصویب می رسید. حال آنکه برای تصویب همین سند دشواری های بسیاری وجود داشته و چند بار هم شکست خورده است تا اینکه نهایتا در پاریس توانست به توافق برسد. چالش سوم تقسیم بندی خشک بین دولت های در حال توسعه و توسعه یافته است که مشکلاتی را به وجود آورد؛ گفته بودند که دولتهای در حال توسعه تعهدی نسبت به کاهش گازها ندارند، مثلا ایران مسئول یک درصد از گازهای گلخانه ای جهان است ولی برای کاهش آن تعهدی ندارد یا کشورهای هند و چین مسئول یک چهارم گازهای گلخانه ای جهان هستند اما تعهدی ندارند، یعنی کشورهای در حال توسعه ای هستند که آلاینده اصلی محسوب می شوند ولی تعهدی ندارند، همینطور کشورهای در حال توسعه ای هستند که پول دارند ولی هیچ سهمی در کمکهای مالی و تامین منابع مالی ندارند مانند کشورهای قطر و سنگاپور و مهم ترین موضوع عدم عضویت ایالات متحده آمریکا است، ایالات متحده به تنهایی مسئول ۲۵ درصد انتشار گازهای گلخانه ای جهان است. در دولت بوش صراحتا اعلام شد که ما هیچ گاه عضو پروتکل کیوتو نخواهیم شد دلیل آن هم هند و چین اعلام شد چرا که یک بحث رقابت اقتصادی میان این کشورها مطرح بود. چالش بعدی سهمیه بندی است، در خلال مذاکراتی که منتهی به توافق نامه پاریس شد اتحادیه اروپا حتی از ۵۰ درصد کاهش صحبت می کرد که بعدا آن را به ۲۵ درصد رساندند. اما مسئله این است که شاید کشوری بتواند بیشتر از سهم تعیین شده کاهش بدهد چرا سهمیه بندی کرده اند. به دلیل این چالشها بود که پروتکل کیوتو نتوانست در آن مدت جانشین خودش را تصویب کند، لذا در سال ۲۰۱۲ به مدت پنج سال یک دوره پنج ساله دیگر یعنی تا سال ۲۰۲۰ تمدید شد که بعد بتوانند یک سند دیگر تصویب کنند. پی در پی اجلاس تشکیل شد، اجلاس بالی ۲۰۰۷، کنپنهاگ ۲۰۰۹، دوربان ۲۰۱۱، دوحه ۲۰۱۲، نیو مکزیکو و اجلاسهای متعدد دیگری که یکی پس از دیگری شکست خوردند. هیچکدام نتوانستند به توافق برسند و مهم ترین مشکل آنها نیز اصطلاحا (chaina wall) بود. یعنی دیواری که چین بین توسعه یافته ها و دولتهای در حال توسعه ایجاد کرده بود.

در بخش بعدی مطالب موافقت نامه پاریس را در چهار بند مختصراً خدمتتان عرض می‌کنم. ابتدا ماهیت سند، درست مانند برجام در حقوق داخلی ایران و حقوق بین الملل موافقت نامه پاریس هم یک سلسله بحثهایی را به وجود آورد دلیلش هم این بود که آقای جان کری بلافاصله بعد از تصویب این موافقت نامه در مصاحبه ای اعلام کرد که این سند الزام آور نیست که البته بعد حقوقدانان گفتند که این حرفی که ایشان زدند حرف دقیقی نیست. صراحتاً این یک کنوانسیون بین المللی است و لازم الاجرا می باشد و سند سخت است. موافقت نامه پاریس تنها بر روی دولتهای عضو کنوانسیون (UFC) ۱۹۹۲ باز است یعنی جزء لاینفک کنوانسیون ۱۹۹۲ و یا الحاقی به آن است و بسیاری از مقرراتش را هم به همان کنوانسیون ارجاع می دهد. این سند سی روز پس از تودیع پنجاه و پنجمین سند تصویب که شامل دولتهای مسئول برای انتشار ۵۵ درصد از گازهای گلخانه ای هستند لازم الاجرا خواهد شد. درست مانند پروتکل کیوتو ۱۹۹۷ که همین وضع را داشت. اگر یک دولت از کنوانسیون خارج شود به صورت خودکار عضویتش در موافقت نامه پاریس هم لغو خواهد شد بنابراین این حرف که سند الزام آور نیست حرف صحیحی نیست منتهی این بحث داغی که کمی بعدتر می‌خواهم مطرح کنم دلیل ادعای آقای جان کری است. اما بند دوم محتوای موافقت نامه پاریس است، همانطور که عرض کردم ماهیت این یک سند سخت است چون کنوانسیون الزام آور است اما محتوای این سند از انعطاف خارق العاده ای برخوردار است به دلیل اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، در واقع رویکرد را در نوشتن کنوانسیون ها تغییر داده اند. به دانشجویان حقوق بین الملل عرض میکنم ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری دچار یک تحول اساسی شده است نه با این سند بلکه به تدریج، کنوانسیونها دیگر مانند کنوانسیون های سابق نوشته نمی شوند و از یک هنجاریت نسبی برخوردار شده اند. جالب است در ماده چهار آورده شده که از کلیه دولتها اعم از در حال توسعه و توسعه یافته درخواست می شود که با اعلام سهمیه معین ملی یعنی اینکه خودشان بگویند چقدر می توانند کاهش داشته باشند، در همکاری جهانی برای حفظ دمای مطلوب کره زمین همکاری کنند. این کاملاً نشان دهنده نرمی سند است و در واقع نرمی در سختی است و سختی در نرمی هم وجود دارد به این معنا که دولتها را جلب می کنند وارد سیستم می کنند و سیستم آنها را تا به آخر خواهد کشید و آنها را محدود می کند. در اینجا تکنیک خیلی جالب است، اصولی را بر پایه سهمیه معین ملی بیان کرده اند: اولین اصل، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است که خود این اصل مولفه هایی دارد مانند میزان توسعه یافتگی، سهم ما در تخریب محیط زیست و انتشار گازهای گلخانه ای، میزان درآمد سرانه ملی، اصل انصاف و از همه مهمتر اصل عدم واپس گرایی است و این نیز یک تکنیک است که به نظر من در حقوق بین الملل آتی شاهد آن خواهیم بود. یعنی گفته اند که یک دولت حق ندارد قهقراپی حرکت کند. اگر دولتی تعهد داد که ۱۵ درصد کاهش داشته باشد در مرحله بعدی نمی تواند آن را به ۱۴ درصد کاهش دهد و باید آن را بالاتر ببرد و به نظر من این موضوع در حال تبدیل به یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست می باشد. اصل دیگر ادواری بودن است یعنی هر پنج سال یکبار دولت باید آن را روزآمد کند. می توان گفت که موافقت نامه پاریس از یک تکنیک به نام سیاست شرمنده سازی بین المللی استفاده می کند. این سهمیه ها باید در کنفرانس و اعضا به تصویب برسد و مورد نظارت قرار بگیرد و این کمک می کند که ما شاهد آینده بهتری باشیم در واقع یک رویکرد تدریجی و توسعه ای را شاهد هستیم. اهداف سند پاریس در ماده ۲ آن دیده می شود، به سه هدف اشاره شده است: حفظ افزایش متوسط دمای جهانی به میزان زیر دو درجه بالاتر از عصر پیشا صنعتی، یعنی ببینیم قبل از صنعتی شدن یعنی در قرن نوزدهم حدوداً از ۱۸۸۴ در نظر بگیریم که دما در چه درجه ای بوده و بیش از دو درجه بالاتر از آن دما نشود و آن را حفظ کنیم. البته به دو درجه نیز بسنده نکرده اند، پیگیری مجدانه تلاشها برای رسیدن به عدد یک و نیم درجه در آن مقیاسی که عرض کردم و برخی نویسنده ها معتقدند که یک و نیم درجه غیرواقع بینانه است و قابل حصول نخواهد بود. هدف سوم افزایش قابلیت سازگاری با پیامدهای

زیست محیطی و تغییرات اقلیمی است، سازگاری را می‌توان به یک راهبرد پیشگیرانه به منظور اجتناب در حد ممکن از آثار منفی تغییرات آب و هوایی تعریف کرد و باید آثار آن را به حداقل رساند مانند کوچاندن مردم، خانه‌های مرتفع در سواحل و سایر تکنیک‌های دیگر باید در جای خودش بحث شود. آخرین عرض من نیز دستاوردهای این سند می‌باشد. اولین دستاورد تصویب یک سند باز و نامحدود است، پروتکل کیوتو محدود بود یعنی پنج ساله بود، اما برای این سند دوره زمانی در نظر نگرفته‌اند و هر پنج سال سهمیه‌ها توسط کنفرانس اعضا روزآمد می‌شود و دولتها خودشان بر اساس اصولی که عرض کردم این کار را انجام می‌دهند و دیگر لازم نیست سند تصویب شود بلکه سند ثابت است و تا پنجاه سال هم می‌شود این سند را ادامه داد. دستاورد دوم به نسبت هدف تثبیت در (UNFCC) کنوانسیون ۱۹۹۲ توسعه دیده می‌شود و گام بلندی برداشته شده است، دو درجه یا یک و نیم درجه هدف‌های خوبی هستند به این معنا که ما به طرف کاستن در حال حرکت هستیم، کنوانسیون ۱۹۹۲ حالت تسلیمی داشت اما در این سند می‌گویند که باید وضع را به دو قرن پیش بازگرداند. هدف سوم از میان برداشتن تفکیک خشک میان دولتهای در حال توسعه و توسعه یافته که نتیجه آن جذب آمریکا، هند و چین است. چهارم وضع تعهدات کاهش برای دولتهای در حال توسعه، بالاخره در این سیستم دولتهای در حال توسعه نیز ادغام شده‌اند و این بحث را در ایران ایجاد خواهد کرد که آیا ما نیز باید وارد این سیستم بشویم یا خیر و دیگر اینگونه نیست که بگوییم چون دولت در حال توسعه هستیم تعهد کاهش نداریم و نهایتاً تشویق دولتهای در حال توسعه بزرگ و ثروتمند به ارائه کمک‌های مالی، فنی و تکنولوژی که در ماده ۹ به آن اشاره شده است.

دکتر مسعود فریادی

استادیار دانشگاه مازندران

عرض سلام و ادب دارم خدمت سروران گرامی و بسیار خوشحال هستم که در خدمت شما بزرگواران هستم و همچنین خوشحالم که دوباره زنگ محیط زیست در دانشکده حقوق طنین انداز می‌شود.

مسائل تغییرات اقلیمی مسائلی بسیار پیچیده و پرچالشی چه به لحاظ سیاسی و چه از نظر مطالب علمی هستند اما همانطور که استاد بزرگوار جناب آقای دکتر عبداللہی نیز اشاره فرمودند ما می‌توانیم با اتخاذ رویکردهای همدلانه و همگرایانه این مسائل را حل کنیم و اجازه ندهیم این پیچیدگی‌های علمی و عدم قطعیت‌های زیادی که در این زمینه وجود دارد ما را از رسیدن به هدفمان منع کند. موضوعی که بنده بنا بر پیشنهاد آقای دکتر عبداللہی انتخاب کردم ملاحظات علمی در توافق پاریس است و اینکه اساساً چرا یک سندی آمده و بر یک راهبرد آماری تأکید کرده است اینطور که ما بیایم و اجازه ندهیم کنج دمای هوا بیش از دو درجه افزایش پیدا کند. شاید برای برخی از ما این مسئله باعث تعجب و یا سوال باشد که این دو درجه چه مسئله‌ای دارد. در واقع مسئله این است که در ابعاد کلان یک درجه و حتی یک دهم درجه در کره زمین می‌تواند آثار گسترده‌ای داشته باشد به همین دلیل است که بحث به اینجا رسیده که اجازه ندهیم دمای کره زمین بیش از دو درجه افزایش پیدا کند. دگرگونی اقلیمی یا تغییرات آب و هوایی به طور کلی با اینکه مشکلات زیادی برای جوامع بشری ایجاد کرده است اما حداقل سه ارمغان خوب را نیز برای ما داشته است. نخست اینکه به لحاظ سیاسی باعث شده است که کشورها

بیش از پیش و بیشتر از سایر موضوعات به همگرایی و همدلی نزدیک شوند و شاید در کمترین موضوع بین المللی است که ما این میزان همدلی و همفکری را با وجود برخی اختلافات دارا هستیم. دستاورد مهم تر ارمغانهای اقتصادی و فنی تغییرات اقلیمی بوده است به این نحو که نگرانی از تغییرات اقلیمی باعث شده است که نظامهای فنی و اقتصادی به سمت راهبردهای جدیدتری مانند اقتصاد سبز و فناوری های پاک حرکت کنند که فی نفسه بسیار مهم بوده است. اما موضوع سوم که در واقع به لحاظ علمی برای ما اهمیت دارد این است که چطور عدم قطعیت های علمی، پرسشهای علمی و موضوعاتی که ما به آنها یقین علمی کامل نداریم به مباحث حقوقی رسیده اند. همانگونه که مستحضر هستید حقوق همواره خودش را متکی بر حقایق علمی قطعیت یافته می داند و تلاش می کند به نرم هایی استناد کند که آنها در طی زمان به لحاظ اخلاقی یا علمی یا هر مبنای دیگری قطعیت پیدا کرده اند. حال آن که ما در مسئله تغییرات اقلیمی می بینیم که هر چقدر هم که شواهد علمی افزایش پیدا می کنند باز هم یک سری عدم قطعیت های علمی وجود دارد که حقوقدانان را از اتخاذ تصمیم های سخت منع می کند. ولی خوشبختانه ما می بینیم که حقوق بین الملل محیط زیست با توسل به مکانیزم هایی که دارد توانسته این چالشها را مدیریت کند و اجازه ندهد این موارد عدم قطعیت اختلاف بین کشور ها را بیشتر کند و همگرایی و ایجاد یک هنجار بین المللی عام الشمول و مورد توافق عام را باز بدارد. بحث عدم قطعیت علمی از اینجا اهمیت دارد که یکی از مهمترین چالشهای تصویب و اجرای توافقنامه های بین المللی در زمینه دگرگونی اقلیمی این بوده است که مخالفان همواره استناد میکردند که اساسا دگرگونی اقلیمی آن طور که لازم است اتفاق نیفتاده و این در واقع چرخه طبیعی زمین است نه اینکه فعالیتهای انسانی در آن تاثیر داشته باشد. استناد می کنم به اینکه به عنوان مثال ما چرخه آب و هوایی زمین را از چند میلیارد سال پیش که در نظر می گیریم می بینیم که آب و هوای زمین به صورت متناوبی و تناوبی حرکت کرده است و از سی هزار سال پیش تاکنون که آخرین یخبندان اتفاق افتاده است دمای زمین به طور طبیعی در حال افزایش است و این در واقع ناشی از فعالیتهای انسانی می باشد. اما موافقان افزایش دما به دلیل فعالیتهای انسانی نیز همواره به این موضوع استناد می کنند که درست است که تغییرات اقلیمی به صورت طبیعی اتفاق افتاده است و الان هم دارد اتفاق می افتد منتها مسئله اساسی این است که از سال ۱۸۸۰ تاکنون یعنی حدود ۱۲۰ سال تغییرات اقلیمی روند کاملاً غیر نرمال و غیر متعارفی داشته است که دلیل آن مشخص نیست. شما اگر شیب تحولات دما را در ادوار مختلف ملاحظه بفرمایید، همانطور که کانون های علمی مانند سازمان آب و هوا شناسی جهانی هم آن را منتشر کرده است، می بینیم که شیب دما همواره به صورت نرمال بوده است. شاید تحولات دوره ای اتفاق افتاده باشد مثلاً شاید یک آشفشانی رخ داده که دمای زمین را کم یا بیشتر کرده است، همانطور که آشفشانی در سال ۱۸۵۱ در اندونزی اتفاق می افتد که دمای زمین را یک درجه سرد می کند یا آشفشان متوسطی که حدود پنج سال پیش در ایسلند اتفاق افتاد به صورت غیرقطعی گفتند که به دلیل انتشار گرد و غبار تاثیراتی در کاهش دمای زمین داشته است. با این وجود دیاگرام های ما نشان می دهند که از سال ۱۸۸۰ تا به حال به ویژه از سال ۱۹۵۰ تاکنون ما می بینیم که سیر افزایش دمای زمین کاملاً غیرنرمال بوده و هیچ دلیل منطقی هم بر آن استوار نبوده جز اینکه می توانیم بگوییم از هشتصد هزار سال پیش تاکنون در واقع تراکم دی اکسید کربن در این صد سال اخیر به اندازه هشتصد هزار سال گذشته بوده است، دلیلی هم نداشته است که این میزان بسیار زیاد از دی اکسید کربن در جو منتشر شود جز اینکه ما فعالیتهای انسانی را مقصر این کار بدانیم. دانشمندان می گویند که دگرگونی اقلیمی که در این صد سال اخیر اتفاق افتاده از سایر دگرگونی ها متمایز است. نخستین بحث آنها این است که در تحولاتی که اتفاق می افتد تغییرات بیش از حد نرمال و طبیعی بوده است، به عنوان مثال افزایش دما در طول صد سال در طی ۱۴۰۰ سال گذشته کاملاً بی سابقه بوده است. همانگونه که مستحضر هستید دو سال پیش بود که دانشمندان توانستند به

اعماق بیش از یک کیلومتری قطب برسند و یخهایی که طی هزاران سال پیش آنجا ایجاد شده بودند بررسی کنند و ببینند که میزان دی اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای در آن زمان بسیار کم بوده و این نشان می‌دهد تغییراتی که ما در طی صد سال داشتیم نرمال نبوده است. تغییرات اقلیمی بسیار سریعتر از دوران گذشته و پیش بینی‌ها اتفاق می‌افتد به عنوان مثال می‌گویند که تا ده سال پیش آب دریاهاى زمین تا ۲۱۰۰ یک متر بالا خواهد آمد اما الان می‌گویند که این مسئله شاید در ۲۰۸۰ یا ۲۰۷۰ هم اتفاق بیفتد. تغییراتی که ما در زمینه اقلیم داریم ممکن است تغییرات کوچکی باشد اما آثار بزرگی دارد؛ این تغییرات همواره به صورت چرخه‌ای و در هم تنیده عمل می‌کنند و باعث ایجاد تغییرات بیشتر می‌شوند. به عنوان مثال کاهش سطح یخهای قطبی باعث این می‌شود که در واقع گرمای بیشتری به بستر دریاها برسد و دوباره فرآیند گرما را بیشتر کند. هنگامی که ما دمای قطبی را بررسی می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که هر یک درجه افزایش دمای کره زمین می‌تواند ده تا بیست درجه یخهای قطبی را کاهش دهد، الان که تقریباً دما حدود ۱/۶ درجه افزایش پیدا کرده است کاهش ۲۰ درصدی یخهای قطبی را به دنبال دارد که بسیار فاجعه بزرگی است. توجه به این نکته ضروری است که به عنوان مثال اقیانوس منجمد شمالی که حدود ۱۴ میلیون متر مکعب است و معمولاً ۱۰ کیلومتر آن در طی زمستان یخ می‌بندد اگر ۲۰ درصد از آن کاهش پیدا کند مساحتی به اندازه ایران و یا دو برابر ایران می‌شود و یا اینکه گرولند که هفت میلیون مکعب است اگر یخ‌های آن کاهش پیدا کند آب دریا بیشتر از دومترا افزایش پیدا خواهند کرد. یکی دیگر از ویژگی‌های دگرگونی اقلیمی این است که کنترل تغییرات اقلیمی با روند کنونی بسیار سخت خواهد بود، هر یک درجه دمایی که افزایش پیدا می‌کند و هر میلیمتر آبی که در دریاها بالا می‌آید منجر به تغییرات بسیار گسترده‌ای می‌شود که ما آمادگی لازم را برای هماهنگ شدن با این تغییرات نداریم. به طور کلی طی دو دهه گذشته شواهد علمی ما در زمینه تغییرات اقلیمی بسیار افزایش پیدا کرده است به ویژه در طی پنج شش سال اخیر و همانطور که استاد عبداللّهی فرمودند در زمینه توافق کنینهاگ که متأسفانه این توافق نتوانست انتظارات لازم را برآورده کند به همین دلیل از سال ۲۰۰۹ شواهد علمی به صورت بسیار زیاد و سرسام‌آوری افزایش پیدا کرد چرا که دانشمندان بسیار نگران این مسئله بودند و اینکه سیاست‌مداران نمی‌خواهند کاری انجام بدهند و سعی در روشن کردن آنها داشتند که خوشبختانه نتیجه این تلاشها در توافق نامه پاریس به ثمر نشست و سیاستمداران از در آشتی با دانشمندان درآمدند و تصویب کردند که دمای زمین را تا دو درجه کنترل کنند. در این زمینه ما نقش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی را نباید نادیده بگیریم که طی پنج گزارش از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ تمامی اسناد بین‌المللی را ساپورت علمی کرده است به ویژه گزارش پنجم آن که با اطمینان ۹۵ درصد اعلام کرد که انسانها عامل تغییرات اقلیمی هستند و با اطمینان علمی بالایی گفته است که دمای زمین با ادامه روند کنونی به ۲/۷ افزایش پیدا خواهد کرد که آثار آن کاملاً غیر قابل بازگشت خواهد بود و ما نخواهیم توانست آنها را کنترل کنیم. به صورت خلاصه محتوای این گزارشها این بوده است که افزایش دما کاملاً به صورت غیر نرمال بوده و هر سالی که می‌گذرد به خصوص از سال ۱۹۹۰ تا الان هر سال، سال گرمتری را تجربه می‌کنیم. در سال ۲۰۰۷ گفتند که ما در طی صد سال اخیر هفتاد و چهار درجه افزایش دما داشتیم؛ در سال ۲۰۱۳ گفتند که هشتاد و چهار درجه افزایش داشته‌ایم که البته آب دریاها و دمای قطب شمال یک چیزی بالاتر از یک درجه افزایش پیدا کرده است که تمام اینها طی ۱۴۰۰ سال گذشته کاملاً بی‌سابقه بوده است. هیئت بین‌الدولی و آژانس بین‌المللی انرژی سه سناریو برای بررسی افزایش دمای زمین مطرح می‌کنند و عنوان می‌کنند با ادامه روند کنونی در خصوص انتشار دی اکسید کربن تا سال ۲۰۵۰ ما قطعاً ۱/۵ درجه افزایش دما خواهیم داشت و پس از آن تا سال ۲۱۰۰ یک چیزی بین حدود ۴ تا ۴ درجه افزایش دما خواهیم داشت. این هیئت همچنین گفته است در حال حاضر شانس ما برای کنترل گرمایش جهانی با ادامه روند کنونی اگر کشورها همه تعهدات خودشان را انجام بدهند تنها ۶۶

درصد است و تنها راهی که ما برای مقابله با افزایش بیش از دو درجه دما داریم این است که تا سال ۲۰۵۰ بتوانیم ۴۰ تا ۷۰ درصد انتشار دی اکسید کربن را متوقف کنیم و تا سال ۲۱۰۰ به اقتصاد بدون کربن نزدیک شویم. شواهد بعدی در خصوص افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای بوده است که یک بار اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ گفته است طی ۴۵۰ هزار سال گذشته میزان تراکم دی اکسید کربن کاملاً بی سابقه بوده است و بعد از آن در سال ۲۰۱۱ اعلام می‌کند که تمرکز دی اکسید کربن از سال ۲۰۰۰ به بعد به بالاترین حد خودش طی یک میلیون سال گذشته رسیده و آثار آن واقعاً غیر قابل پیش بینی می‌باشد. تمرکز دی اکسید کربن پس از دوران صنعتی شدن یعنی در سال ۱۸۸۰ به بیش از ۴۰ درصد رسیده است که طبق آماری که داده اند گفته می‌شود انتشار هزار گیگا تن دی اکسید کربن می‌تواند به افزایش بیش از دو درجه دما بیانجامد ما در سال ۲۰۱۰ پانصد گیگا تن دی اکسید کربن منتشر کرده بودیم و پس از آن هم در هر سال ۵۰ گیگا تن اضافه کرده ایم یعنی تا ده سال دیگر به ۱۰۰۰ گیگا تن خواهیم رسید و این باعث خواهد شد که حتی پیش از ۲۰۵۰ آن مرز دو درجه را پشت سر بگذاریم، همچنین لازم به ذکر است که طبق برآوردهای ناسا دمایی که هرروز در جو زمین منتشر می‌شود برابر است با بیست هزار بمب اتمی هیروشیما، همانطور که اطلاع دارید بمب اتمی هیروشیما دوهزار درجه گرما ایجاد کرد و اگر بیست بمب اتم هرروز در کره زمین منتشر شود طبیعتاً خیلی ناگوار خواهد بود. یکی دیگر از مشکلات ما که بیشتر از دی اکسید کربن ایجاد مشکل می‌کند انتشار گاز متان است که متاسفانه صدسال ماندگاری در طبیعت دارد و بسیار دیر جذب می‌شود، فرآیند بسیار خطرناکی که دارد این است که با افزایش دمای دریاها و کاهش یخها متانی که در بستر دریاها و یخهای قطبی به دام افتاده بودند آزاد می‌شوند و همانطور هم که میدانید متان قابلیت اشتعال بالایی دارد و گرمای زیادی را می‌تواند در خودش جذب کند. کاهش یخهای قطبی یکی از مشکلات عدیده ما بوده است. بنابر دلایل ناشناخته‌ای دمای قطب شمال بیشتر از سایر جاها افزایش پیدا کرده و حدود ۱/۳ افزایش داشته است که آن هم در طی صد سال گذشته بی سابقه بوده است. تقریباً در هر دهه ما چیزی حدود سیزده درصد از یخهای قطب شمال را از دست می‌دهیم. آثار ذوب شدن آثار بسیار وخیمی است چون یخهای قطبی به عنوان کلاهک عمل کرده و در تعدیل آب و هوای زمین بسیار نقش دارند، ۸۰ درصد از گرمای خورشید توسط خود قطبها باز تابانده می‌شود، یعنی هنگامی که قطبها کاهش پیدا کنند این گرما وارد اقیانوس‌ها شده و دوباره همان چرخه ادامه پیدا می‌کند. اهمیت قطب شمال و این کلاهک‌های یخی را با ذکر یک مثال بیشتر توضیح خواهم داد. هنگامی که در چرخه‌های اقیانوسی افزایش دما داریم، مسیر چرخه تغییر پیدا میکند، یک مسیر بسیار مهم برای نیم کره شمالی جریان آب گرم گلف استریم است، اگر به نقشه‌های آب و هوا شناسی توجه داشته باشید همواره جریان‌های باران‌زا در کشور ما از سمت شمال غربی و شمال وارد می‌شوند دلیل آن هم اینست که گلف استریم یک جریان آبی است که از آمریکای مرکزی به سمت شمال اروپا و شمال اسکاندیناوی در جریان است و هنگامی که به آبهای سرد قطبی می‌رسد جبهه‌های باران‌زا را تشکیل می‌دهد که به سمت شرق یعنی اروپا و آسیا حرکت می‌کند. هنگامی که به اروپا و آسیا می‌رسند با جبهه‌های سرد قطب شمال تشکیل کانون‌های بارندگی می‌دهند، طبیعتاً کاهش سرمای قطبی و تغییر در جریان گلف استریم می‌تواند نیم کره شمالی را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد و اگر می‌بینید که اتحادیه اروپا تأکید بسیار زیادی برای مقابله با تغییرات اقلیمی دارد و حتی بعضی از کشورهای عضو آن تعهداتی بیشتر از ظرفیت خودشان قبول می‌کنند به این دلیل است که در واقع گلف استریم شاهراه حیاتی آنهاست، چنانچه این جریان آبی تغییراتی داشته باشد که طی این ده سال گذشته نیز این تغییرات احساس شده کاملاً این قاره سبز اروپا جای خودش را با شمال آفریقا عوض خواهد کرد.

در قسمت بعد به این موضوع می‌پردازیم که به طور کل بحث دو درجه تغییر دما از کجا شکل گرفته است. ما می‌بینیم که طی ده سال گذشته به ویژه با انتشار شواهد علمی بیشتر، قطعیت‌های علمی در ادبیات حقوق بین الملل افزایش پیدا کرده است و اسناد علمی در این خصوص روز به روز قاطعانه تر و دقیق تر نوشته می‌شود. ابتدا از کشورها خواسته می‌شد که تغییرات اقلیمی را به عنوان یک تهدید در نظر بگیرند ولی امروز توافق نامه پاریس می‌گوید که یکی از خطرناک ترین تهدیدهای علمی است و با تغییرات اقلیمی باید مقابله شود. برای نخستین بار در سال ۱۹۷۷ یک اقتصاددان محیط زیستی به نام "ویلیام نورد هابز" گفت که افزایش بیش از دو درجه ای دما به دلیل انتشار گازهای گلخانه ای آثار بازگشت ناپذیری خواهد داشت که بعدا این یک ادبیات ایجاد کرد که خوشبختانه وارد اسناد حقوقی هم شد. ما در ابلاغیه های اتحادیه اروپا و دستور العمل‌های آن و به ویژه در اعلامیه سال ۲۰۰۷ گروه ۸۹ می‌بینیم که برای مقابله با تغییرات اقلیمی ما ناچار هستیم که این حد نصاب دو درجه ای را در نظر بگیریم و مهمترین سندی که در این زمینه مطرح شد، گزارش چهارم هیئت بین الدولی در زمینه تغییرات اقلیمی در سال ۲۰۰۷ بود که با داده های علمی نشان داد که گرمایش بیش از دو درجه ای آثار بازگشت ناپذیری خواهد داشت. بنابراین لازم بود ما یک حد نصابی داشته باشیم که سطح فعالیت‌های ما را مشخص بکند. دلایل انتخاب این دو درجه را ما می‌توانیم از دو لحاظ در نظر بگیریم، از لحاظ سیاسی و هنجاری و از لحاظ علمی، چرا که کشورها رویکردهای متفاوتی داشتند برخی ادعا داشتند که ما باید کاهش بیشتری انجام دهیم، در برخی کشورها هم مانند چین باید به سطحی از توسعه برسیم و پس از آن انتشار دی اکسید کربن را متوقف کنیم، به همین دلیل توافقنامه آمد و یک رویکرد بینابین و متوازی را بین منافع مختلف ایجاد کرد و گفت که حداقل این دو درجه را در نظر بگیریم چرا که اگر ما بخواهیم حدنصاب یک درجه ای را در نظر بگیریم این یک درجه بسیار زیاد خواهد بود برای اینکه ما اگر بخواهیم تا سال ۲۰۵۰ بیشتر از یک درجه کاهش پیدا نکند همین الان بایستی چهل تا هفتاد درصد از انتشارات خودمان را کاهش دهیم که این خیلی سخت خواهد بود. طبیعتا اگر هم می‌خواستیم سه یا چهار درجه کاهش داشته باشیم این هم عملا بی فایده بود چون همین الان هم احتمال دارد طی ده یا بیست سال آینده دما بیشتر از دو درجه گرم شود. از لحاظ علمی هم همانطور که عرض کردم سه سناریو مطرح ود که نهایتا ما آمدم سناریوی قابل عمل که سناریوی دو درجه بود انتخاب کردیم. در واقع نگرانی برای گرمایش بیش از دو درجه بیشتر به این دلیل است که ما قاطعانه نمی‌دانیم پس از افزایش دو درجه چه اتفاقی خواهد افتاد، همانطور که ما نمی‌دانیم استعمال چه میزان سیگار منجر به ابتلا به سرطان می‌شود در حال حاضر هم دقیقا نمی‌دانیم افزایش بیش از دو درجه ای دما چه عواقبی خواهد داشت. ولی اگر شما الان را در نظر بگیرید دمای کره زمین یک درجه افزایش پیدا کرده است و با این میزان تغییرات اقلیمی محسوس به وجود آمده است و طبیعتا اگر دو درجه شود این میزان بسیار سخت و غیرقابل کنترل خواهد بود. سازمان ملل یک مثالی را اعلام کرده است، اداره سازمان کاهش بحران های طبیعی مبنی بر اینکه طی بیست سال گذشته نود درصد از بحرانهای طبیعی مانند سیل و طوفان به دلیل تغییرات اقلیمی بوده که ۴۷ درصد آن فقط سیل بوده است و طی دو دهه اخیر آمار فاجعه های ما دوبرابر شده و طبیعتا در سال های آینده هم افزایش خواهد داشت. با ادامه روند کنونی ما بیست تا سی درصد گیاهان و جانوران را از دست خواهیم داد و دچار مشکل خواهیم شد. اما سوال این است که چالشهای این حد نصاب دو درجه ای چیست، آیا توافق پاریس پایان راه است و اگر ما دما را به اندازه همان دو درجه نگه داریم مشکلات حل خواهند شد یا خیر، متأسفانه باید بگوییم که در حال حاضر این دودرجه به صورت خوشبینانه است و مشکلات زیادی وجود دارد از جمله اینکه گازهای گلخانه ای که قبل از این منتشر شده اند همچنان هستند به دلیل اینکه ما چاهک ها را دچار تغییرات اساسی کرده ایم، جنگلها کاهش های بسیار زیادی داشتند، پلانکتون ها به دلیل آلودگی دریاها از بین رفته اند، سطح تخریب خاک بسیار افزایش پیدا کرده

است، بنابراین حتی اگر ما امروز به انتشار صفر درصدی دی اکسید کربن برسیم میزان دی اکسید کربن و گازهای دیگر باز هم مشکلاتی را ایجاد خواهند کرد. مشکلات اقتصادی ما همچنان خواهد بود و نگران این هستیم که کشورها تعهداتی را که پذیرفته اند اجرا نکنند.

نکته پایانی اینکه تغییرات اقلیمی به دلیل فعالیتهای انسانی یک توهم و یک اغراق است. اجازه دهید که اینطور تصور کنیم که این شرکتهای فناوری های سبز و انرژی های سبز هستند که چنین توهماتی را ایجاد کرده اند و گفته اند که فعالیتهای انسانی باعث ایجاد تغییرات اقلیمی شده است. حتی اگر این را هم بپذیریم ما ناچار هستیم به سمت کاهش مصرف سوخت فسیلی و انتشار دی اکسید کربن حرکت کنیم نخست به این دلیل که تولید و مصرف انرژی های فسیلی همواره آلودگی و هزینه های بسیاری داشته است که شما نمونه آخر آن را در فاجعه خلیج مکزیک ملاحظه می فرمایید، درحالی که انرژی های نو عموماً یا حداقل نظراً کم هزینه تر و با آلودگی کمتری هستند. دلیل دوم این است که ما در هر شرایطی باید حفاظت از خاکها و جنگلها را مد نظر قرار دهیم چرا که اینها منبع جذب دی اکسید کربن هستند و منافع زیاد دیگری هم دارند. بنابراین اگر ما بخواهیم دی اکسید کربن را کاهش دهیم و حفاظت از خاک و آب داشته باشیم و جنگلها را توسعه دهیم خود اینها فی نفسه ارزشهای مطلوبی هستند که کاری به افزایش دما و انتشار گازهای گلخانه ای نخواهند داشت.



دکتر علی مشهدی

استادیار دانشگاه قم

سلام و عرض ادب دارم خدمت حضار و اساتید بزرگوار و همچنین از انجمن ایرانی ملل متحد و رئیس ارجمند آن خانم دکتر مصفا تشکر میکنم.

موضوع بحثی که به آن خواهیم پرداخت ایران و توافقنامه ۲۰۱۵ پاریس است. سختم را با این مطلب آغاز میکنم که توسعه در اجلاس ریو به اضافه بیست گفته بود برای کشورها یک انتخاب نیست بلکه تنها راه "شوز آکانگ" پایدار همانطور که حل ما در آینده است. به نظر می‌رسد شاخص‌ترین مسئله، مسئله تغییرات آب و هوایی باشد. از مقدمات بحث می‌گذرم و در دو قسمت متمایز بحثم را ارائه خواهم کرد. یکی نگاه به گذشته است و نقطه عطف ماهم سال ۲۰۱۵ می‌باشد. نگاه به گذشته در واقع کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو است. یکی به دنبال تثبیت انتشار گازهای گلخانه‌ای است و کیوتو به دنبال کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و در نهایت توافقنامه پاریس که به دنبال کاهش شدت و سرعت افزایش دما است. تعهدات اقلیم را و کشورهایی که به نوعی درگیر این مسئله هستند در سه دسته متفاوت جای می‌دهم و فکر میکنم با این تقسیم بندی بتوانیم جایگاه ایران را مشخص کنیم. بعضی از دولتها اساسا این مسئله را قبول ندارند، یعنی زیر بار تعهدات تثبیت و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نمی‌روند، این کشورها کاملا واقع گرایانه در روابط بین الملل بازی می‌کنند مانند چین و هند و البته آمریکا با زیرکی صراحتا این موضوع را رد نمی‌کند اما می‌گوید به شرطی که چین و هند هم کاهش بدهند، بنابراین برخی از دولتها اساسا این مسئله را نمی‌پذیرند و این به ماهیت مدرنیته بر می‌گردد که اساسا دولتها باید با چشمان باز آن ویژگی و استقلالایی دولت در روابط بین الملل عمل کند. دسته دوم دولتهایی هستند که این مشکل را می‌پذیرند و زیر بار تعهدات اقلیم می‌روند و توانایی آن یعنی امکانات فنی، مالی و تکنولوژیکی را دارند. خیلی از کشورهایی که در ضمیمه یک و ضمیمه دو کنوانسیون ذکر شده تقریبا در این دسته جای می‌گیرند با این تفاوت که سطح تعهداتشان بایکدیگر متفاوت است، کشورهای ضمیمه یک باید کاهش بدهند و کشورهای ضمیمه دو علاوه بر کاهش باید کمک مالی هم بکنند. اینها معمولا حسن نیت هم دارند یعنی مسئله را درک کرده اند و پذیرفته اند که تعهدات اقلیم در زمره تعهدات متقابل نیست، تعهدات زیست محیطی را نمیشود در قالب روسیب روسته تحلیل کرد. این دولتها نمی‌خواهند تعهدات زیست محیطی را از منظر واقع گرایی حقوقی تحلیل کنند و عمل کنند و واقعا یک نگرانی مشترک را احساس کرده اند. تعهدی که هر کشور در مقابل جامعه بین المللی دارد علاوه بر تعهدی که یک کشور در مقابل کشور دیگر می‌پذیرد. در اجلاس ریو همچنین این مسئله چندین بار ذکر شده است که این قبیل بازی یعنی پذیرش و اجرای تعهدات یک فرصت برد برد است، اینطور نیست که یک کشوری بخواهد واقع گرایانه عمل کند و پذیرش تعهد زیست محیط را به معنای از کار افتادن توسعه اقتصادی بداند، در واقع همان چالشی که ما همواره در حقوق محیط زیست با آن روبه رو هستیم چالش توسعه اقتصادی و حفظ محیط زیست که من شخصا معتقد هستم که چالش محیط زیست چالش مدرنیته و جامعه سرمایه داری

است و تا زمانی که دولتها به این آگاهی نرسند که این مسئله ای است که نه در درون سیستم بلکه بیرون از سیستم می تواند عمل کند. خوشبختانه در توافقنامه ۲۰۱۵ دولتها تا حدودی به این آگاهی اکولوژیک دست پیدا کرده اند. دسته سوم کشورهایی هستند که دوست دارند تعهد را بپذیرند یا می پذیرند اما نمی توانند تعهدات کاهش یا تثبیت گازهای گلخانه ای را اجرا کنند، البته برخی حسن نیت ندارند یعنی فقط می خواهند خودشان را گرین نشان بدهند، برخی دیگر از کشورها حسن نیت در پذیرش و اجرای تعهد را دارند اما توانایی مالی، فنی و تکنولوژیکی ندارند که البته در پروتکل کیوتو کنوانسیون چارچوب کمک مالی کشورهای توسعه یافته به کشورهایی که توانایی بالایی ندارند پیش بینی شده است. چالش و دعوی اصلی در مذاکرات بر سر همین نکته است چون آن دو گروه از کشورها تکلیفشان مشخص است و تقریباً می دانند که چکار می کنند ولی چالش اصلی و بسیاری از بحثهایی که در کوپ های مختلف صورت می گرفت بر سر این نکته بود که چگونه باید مشکل این قبیل کشورها را که تعدادشان کم هم نیست حل کرد. به نظر شما کشور ایران در کدام یک از این دسته ها قرار می گیرد. من شخصاً معتقد هستم که ایران در دسته سوم است، یعنی تعهد را پذیرفته، ما هم کنوانسیون ۱۹۹۲ را در سال ۱۳۷۵ عضو شده ایم و هم در سال ۱۳۸۴ عضو پروتکل کیوتو شده ایم، اما واقعیت این است که ایران علاقه مند به کاهش می باشد اما این امر در توانایی دولت نیست و متأسفانه مجریان امر هم کوتاهی کرده اند. مکانیزم های مالی متعددی وجود دارد که برای ما هم فرصت محسوب می شود و هم تهدید که به آن خواهیم پرداخت اما دکتر عبداللہی نیز اشاره فرمودند مکانیزم توسعه پاک فرصت خوبی بود اما خیلی جدی گرفته نشد، مکانیزم های مالی دیگر مانند مکانیزم صندوق سبز اقلیم، مکانیزم جی اف و سایر مکانیزم ها که ما کمتر از آنها بهره گرفته ایم. من می خواستم در این چارچوب گزارشی از ایران بدهم و گزارش مفصلی هم آماده کرده بودم که به دلیل محدودیت زمان خیلی مختصر به آن اشاره می کنم. یک سری تکالیف برای سازمانهای درگیر با بحث انتشار در آیین نامه اجرایی کنوانسیون پیش بینی شده است که به تصویب وزیران رسیده و وزارت خانه های متعددی تکالیف متعددی را در این زمینه دارند از وزارت نیرو گرفته تا وزارت نفت، صنایع و معادن و... درمورد همکاریهای بین المللی و منطقه ای نیز سازمانهای متعددی باید نقش ایفا کنند از جمله وزارت خارجه در ارتباط با جف و تسهیلات جهانی محیط زیست، سازمان هواشناسی با هیئت بین الدولی تغییرات آب و هوایی، سازمان جهاد کشاورزی با فائو، همه اینها در آن چارچوب تعهد همکاری بین المللی می گنجد. ما همچنین به موجب کنوانسیون تعهدات دیگری را پذیرفته ایم که مفصل هستند، از جمله تشکیل کارگروه ملی تغییرات آب و هوایی، ارائه گزارش سالیانه، آموزش و تحقیقات، اطلاع رسانی، ارتقاء دانش فنی و جذب مکانیزم های توسعه پاک که به دلیل محدودیت زمان از آنها می گذرم. به طور کل ایران از لحاظ تکنیکی نیازمند به کمک در مورد مسئله تغییرات آب و هوایی و کاهش انتشار می باشد و این موضوع تقریباً چیزی شبیه به آلودگی شهر تهران است که گرفتار آن هستیم و یک مشکل چند بعدی است.

آخرین بحثی که می خواهم به آن بپردازم توافقنامه ۲۰۱۵ پاریس است. چند نکته در رابطه با این توافق نامه بیان میکنم، یکی ماهیت این توافقنامه است دکتر عبداللہی فرمودند این سند در چارچوب کنوانسیون است اما من شخصاً معتقد هستم اگر بخواهیم در چارچوب کنوانسیون حقوق معاهدات این سند را تحلیل کنیم فعلاً برای ما تعهدی ندارد چون هنوز مسیر

امضاء، تصویب و الحاق این سند سپری نشده است و قرار است که امسال ۲۰۱۶ در نیویورک به امضا برسد اما این منافعی آنچه که دکتر عبداللّهی نیز فرمودند نیست. اما چرا کوپ ۲۱، در واقع کوپ ۲۱ به همان اختلاف دیدگاهها برمی گردد، سه مسئله مهم در مذاکرات وجود داشت، چه کشورهایی، به چه میزانی باید کاهش داشته باشند و مرجع نظارت و ساختار نظارتی کنوانسیون باید چگونه تعریف بشود. اگر به اهداف توافق نامه از منظر واقع گرایی نگاه کنیم برای ایران هم تهدید است و هم فرصت، اولین فرصت برای ایران در صورت عضویت بهره مندی از مکانیزم های مالی پیش بینی شده در توافقنامه و صندوق سبز اقلیم مکانیزم هایی هستند که در نشستهای nmas و cdm،gef البته اسناد قبلی است، مکانیزم های مالی طراحی و تصویب شده اند اینها برای ایران فرصت های خوبی است و اگر بخواهیم توصیه ای کنیم از سازمانهای ذی ربط می خواهیم که یک تلاشی برای جذب این مکانیزم ها انجام دهند. مانند چین که حدود ۴۵ درصد را جذب کرده است. فرصت دوم انرژی های نو و پاک است، رها شدن اقتصاد و کلا ساختار دولت از نفت و البته گاز که نسبت به نفت از لحاظ انتشار آلاینده کمتری برای ما دارد و می توانیم از طریق فروش آن کسری فروش نفت را جبران کنیم. فرصت سوم برای ایران در چارچوب این توافقنامه تحریم ها هستند. خانم ابتکار در مذاکرات اعلام کردند که ۶ درصد را از طرف ایران تعهد می کنند اما اگر جامعه بین المللی کلیه تحریمها را حذف کند می توانیم تا ۱۲ درصد هم تعهدمان را کاهش دهیم در واقع مهمترین یا بخشی از مشکل ایران در زمینه مشکلات تکنولوژیکی کاهش آلاینده ها به تحریم برمی گردد و آخرین بحث که بحث تهدید است. دو مشکل در رابطه با ایران اگر تعهد را بپذیرد وجود دارد، یکی کاهش فروش نفت است، واقعیت این است که کشورها به سمت اقتصاد کم کربن حرکت کرده اند و بخش عمده ای از آلاینده ها به صنعت نفت برمی گردد و لذا احتمالا ما در آینده این مشکل را داشته باشیم و آخرین تهدید این است که ایران در زمره دولتهایی است که بیشترین آلاینده و میزان انتشار دارد و در رنکینگ نهمین کشور است و جزء کشورهایی است که میزان انتشارش مطلوب نیست و این موضوع از طریق فشار بر این ایران برای کاهش میزان انتشار در آینده چالش ایجاد می کند و احتمالا طبق گزارش های فنی در منطقه خاورمیانه میزان افزایش دما تا دوازده درجه هم خواهد بود به همین دلیل باید به سمت انرژی های سبز و انرژی هایی که دارای منطق اقتصادی هستند باید حرکت کنیم. ایرانی ها به اندازه کل اتحادیه اروپا گاز مصرف می کنند و این یک مسئله جدی است. در نهایت سختم را با این مطلب پایان می دهم که تغییرات آب و هوایی می تواند فرصتی برای همه باشد در عین حال تهدیدی برای هیچ کس.

آقای جواد امین منصور

دیپلمات (وزارت امور خارجه)

عرض سلام دارم خدمت اساتید عزیز و دانشجویان محترم و امیدوارم بتوانم آنچه که در ذهنم است را به خوبی بیان کنم.

با توجه به اینکه بیشتر دوستانی که در این جلسه حضور دارند رشته حقوق هستند من در ابتدا پلی می زنم بین تغییر آب و هوا و مسئله حقوق البته که دوستان مستحضر هستند و بیشتر هم متوجه شوند دلیل اینکه این جلسه در این دانشکده برگزار شده است چیست، همانطور که فرمودند یکی از پیامدهای تغییر آب و هوا بالا رفتن آب دریا است، حتما می دانید وقتی که آب دریا بالا رود یک سری از جزایر که ارتفاعشان پست است یا مناطق ساحلی کم ارتفاع زیر آب خواهند رفت، یعنی در پی بروز یکی از آثار تغییرات آب و هوا نابودی یک سری از کشورها مانند مالدیو، فیجی در اقیانوس آرام، کشورهای کارائیب و... را به دنبال دارد و این دسته از کشورها این مسائل را با حساسیت زیاد دنبال می کنند و خواهان اقدام بین المللی هستند همچنین قطعا مساحت ایران تحت تاثیر قرار خواهد گرفت مخصوصا مناطق ساحلی در جنوب کشور که ارتفاع پست دارد آب آنها را فرا خواهد گرفت و به این ترتیب مساحت کشور کم خواهد شد، کشوری مانند بحرین جزء کشورهایی است که ممکن است زیر آب برود و این از مسائلی است که در روابط بین الملل باید به آن توجه داشت. از جمله مسائل دیگر از بلایای طبیعی که ذکر کرده اند و به لحاظ شدت و تکرار افزایش پیدا کرده است، الگوهای کشاورزی در حال تغییر است و باید خودش را با شرایط جدید تطبیق بدهد و این روی امنیت غذایی اثر منفی خواهد گذاشت در نتیجه همه این اتفاقات مسئله کمبود آب شیرین مطرح است و در نتیجه تمامی این مسائل موجب شکل گیری منازعات میان کشورها، افزایش مهاجرت‌های زیست محیطی و جا به جایی جمعیت مانند کسانی که از استان سیستان و بلوچستان به استان گلستان رفته اند می شود، تاثیر بر روی امنیت، افزایش منازعه بین استانها، اختلافات حقوقی و... خواهد شد. فایل مربوط به پاورپوینتی که آقای جواد امین منصور در این جلسه تهیه و ارائه نموده اند را می توانید از سایت انجمن مطالعه نمایید.

نشست تخصصی پیرامون موافقت نامه پاریس ۲۰۱۵ در خصوص تغییرات اقلیم؛ محیط زیست و توسعه پایدار

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در روز یکشنبه ۱۶ اسفند ماه ۱۳۹۴، نشست تخصصی «تغییرات اقلیم از منظر قوانین و سیاست های ایالات متحد امریکا و موافقتنامه تغییرات اقلیم پاریس ۲۰۱۵ و رابطه بین آنها» را با سخنرانی دکتر ریچارد لازاروس (استاد دانشگاه هاروارد و متخصص حقوق محیط زیست و حقوق منابع طبیعی) برگزار کرد.

در این نشست دکتر لازاروس پیرامون سه موضوع اصلی مطالب خود را ارائه کردند که عبارت بودند از:

۱. چالش های قانونگذاری برای تغییرات آب و هوا

۲. چالش های قانونگذاری برای محیط زیست در ایالات متحد آمریکا

۳. طرح نیروی پاک ایالات متحد آمریکا

دکتر لازاروس ضمن طرح مطالبی پیرامون این سه موضوع، ارتباط مسائل مطروحه با موافقتنامه تغییرات اقلیم پاریس ۲۰۱۵ را نیز بیان نمودند.

پایان جلسه نیز به پرسش و پاسخ بین شرکت کنندگان و دکتر لازاروس اختصاص داده شد.



جلسه معرفی و دوباره خوانی کتاب حقوق بین الملل عمومی تألیف شادروان دکتر هوشنگ مقتدر

تهیه و تنظیم: مهدی قاسمی

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز مطالعات عالی بین المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به مناسبت سالیاد شادروان دکتر هوشنگ مقتدر، جلسه «معرفی و دوباره خوانی کتاب حقوق بین الملل عمومی» تألیف این استاد حقوق و سیاست بین الملل را در چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۴ (سالروز وفات دکتر مقتدر) برگزار کرد.

در ابتدای این نشست که در سالن اجتماعات مرکز مطالعات عالی بین المللی برگزار شد، دکتر نسرين مصفا، رئیس انجمن

ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، در خصوص اهمیت پاس داشت جایگاه اندیشمندان و ضرورت توجه به این مسئله به خصوص در دانشگاه‌ها و محافل علمی اشاره کردند و سابقه انجمن در این زمینه را برشمردند. شایان ذکر است، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در سال‌های اخیر با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم، سخنرانی‌های سالیانه‌ای را برای استادان صوراسرافیل، طارم‌سری و مقتدر برگزار می‌کند تا یاد و خاطره این بزرگان در اذهان بماند.

دکتر مصفا این نکته را نیز خاطر نشان کردند که شادوران هوشنگ مقتدر از اولین افرادی بود که عضویت در هیئت موسس را پذیرفت و لیکن در اسفند ماه ۱۳۷۸ چشم از جهان فروبست و انجمن از خدمات و حضور وی محروم گردید. ایشان همچنین دقایقی را به توضیح سجایای علمی و اخلاقی دکتر مقتدر اختصاص دادند. وی دکتر مقتدر را انسانی صادق، مهربان، اخلاق‌محور و عالم دانست که به علت بیماری، بسیار زود راهی دیار باقی شد. ایشان در پایان سخنانشان، ضمن تشکر از دکتر علی سادات اخوی، ریاست مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، به جهت همکاری با انجمن در برگزاری این نشست و آقای مهدی قاسمی به دلیل قبول ارائه سخنرانی، سخنان خود را با قطعه شعر زیر به پایان بردند:

هنگام بهار است گل‌لاله و نسوهرین
از خاک درآیند و تو در خاک چرای می؟

دکتر علی سادات اخوی، ریاست مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، سخنران بعدی این نشست بودند. ایشان به دلیل اینکه در سال ۱۳۶۸ در مقطع فوق لیسانس حقوق بین‌الملل، شاگرد دکتر مقتدر در دانشگاه تهران بودند، به مرور بعضی از خاطرات آن روزها را پرداختند:

دکتر سادات اخوی، استاد مقتدر را استادی دقیق که مطالب پر مغز را خلاصه و ساده بیان می‌کردند توصیف کردند. ایشان همچنین به این موضوع اشاره کردند که در آن زمان که هنوز «حقوق بشر» مطرح نشده بود، دکتر مقتدر تحقیق در مورد کمیسیون حقوق بشر را به ایشان سپردند و از اینجا بود که با مفهوم حقوق بشر آشنا شدند. از این رو، دکتر سادات اخوی اعتقاد داشتند که ایشان جزو اولین کسانی بودند که مطالعه علمی حقوق بشر در دانشگاه‌ها را در کشور مطرح کردند. ذوالجنبین بودن، ویژگی دیگر استاد مقتدر از منظر دکتر سادات اخوی بود. دکتر سادات اخوی، استاد مقتدر را استادی قلمداد کردند که بر مباحث سیاست بین‌الملل و حقوق بین‌الملل مسلط بود. اگرچه بدون شک استاد حقوق بین‌الملل به حساب می‌آمد اما نگاه وی به حقوق بین‌الملل از دریچه سیاست بین‌الملل بود و از این رو دیدگاه‌های جدیدی را در آن زمان مطرح می‌کردند.



پس از سخنان دکتر سادات اخوی، آقای مهدی قاسمی، دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران، به ارائه مطالب خود در خصوص یکی از آخرین تألیفات استاد مقتدر یعنی کتاب حقوق بین الملل پرداختند که متن کامل سخنرانی ایشان در ادامه قابل مطالعه است:

مهدی قاسمی
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

رویکرد استاد هوشنگ مقتدر به حقوق بین الملل رویکردی واقع گرایانه بود. ایشان یک پاسخ هشدار دهنده درباره ضرورت یادگیری حقوق بین الملل داشتند و به خوبی تخصصی شدن جنبه های مختلف و متعدد زندگی بین المللی را درک کرده بودند و همیشه در سخنان خود به آن تأکید داشتند. از دیگر مزایای نحوه نگرش و رویکرد ایشان این بود که ایشان از معدود اساتیدی بودند که اعتقاد خود را مبنی بر دشوارتر بودن حقوق بین الملل نسبت به دیگر رشته های حقوق به صراحت مطرح و آن را تکرار می کردند. این جمله از ایشان است: « ممکن است برخی این تصور را داشته باشند که حقوق بین الملل از رشته های آسان حقوق است، ولی این امر

اشتباهی بیش نیست. گرچه ابتدا مباحث حقوق بین الملل شیرین و آسان جلوه می کند ولی با مطالعه بیشتر این رشته، مشکلات و سختی ها خود را نشان می دهند.»

ایشان آثار متعددی داشتند از جمله تحولات سازمان ملل متحد و حقوق بین الملل عمومی و همچنین مقالات تخصصی در حوزه حقوق و روابط بین الملل.

بنده تمرکز خود را بر کتاب حقوق بین الملل عمومی ایشان می گذارم. ایشان به تدریس درس حقوق بین الملل در دانشگاه تهران اشتغال داشتند. در دوره ایشان در ایران حقوق بین الملل بیشتر در مرحله کارشناسی مورد توجه بود و مراکزی که در دوره کارشناسی ارشد به حقوق بین الملل می پرداختند بسیار اندک بودند و بیشتر نیاز به منابع در سطح کارشناسی بود و ایشان مترصد نگارش کتابی با محوریت دوره کارشناسی بودند. در سال ۱۳۷۱ برای فرصت مطالعاتی به لندن رفتند و از کتابخانه های دانشگاه لندن و مؤسسه مطالعات عالی حقوقی بازدید و استفاده نمودند و یکی از دستاوردهای آن سفر و مطالعات ایشان، تألیف کتاب حقوق بین الملل عمومی در سال ۱۳۷۲ شد.

انتشار کتاب با موضوع حقوق بین الملل عمومی توسط ایشان در آن شرایط که متن های بسیار اندکی در خصوص موضوع حقوق بین الملل عمومی به فارسی وجود داشت با آن ویژگی هایی که اثر ایشان داشتند گام مثبتی در حقوق بین الملل ایران محسوب می گردید. عمده متون موجود متعلق به جناب آقایان دکتر بیگدلی و جزوات دکتر بیگ زاده و همچنین دکتر هنجنی و ترجمه حقوق بین الملل مالکم شاو بودند. کتاب ایشان در مدت زمان اندکی به چاپ های دوم و سوم رسید و دانشگاه های محدود آن زمان از این متن به عنوان یکی از متون اصلی آموزشی استفاده می کردند.

از ویژگی های کتاب حقوق بین الملل عمومی این بود که به سبکی تقریباً متفاوت نگارش شده بود و جدیدترین مطالب آن روزها به طور مختصر و مفید مورد اشاره قرار گرفته بود. مرحوم مقتدر در کتاب از رویه قضایی یا آرای محاکم به ویژه رویه قضایی دیوان بین المللی دادگستری و داوری های بین المللی برای تبیین و آموزش مطالب به خوبی استفاده کردند به نحوی که یادگیری و آموزش مطالب حقوق بین الملل را آسان تر می کرد.

به طور کلی سه نکته در درک اثر ایشان حائز اهمیت است. اول اینکه در آن سال ها نظام بین الملل در حال دگرگونی بود و سال های فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد بود. دوم اینکه، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها تدوین شده بود ولی هنوز لازم الاجرا نشده بود و سوم اینکه در آن زمان هنوز کمیسیون حقوق بین الملل پیش نویس طرح مسئولیت دولت را نهایی نکرده بود اما نتایج کار کمیسیون حقوق بین الملل در حوزه مسئولیت بین المللی دولت در سالنامه های آن منعکس می گردید. طبیعتاً نگارش کتاب درباره موضوعات بغرنج حقوق بین الملل عرفی مانند صلح و امنیت بین المللی، حقوق دریاها و همچنین مبانی مسئولیت دولتی تقریباً دشوار بود.

کتاب ایشان از دوازده فصل تشکیل می شد و تقریباً اکثر موضوعات مهم یا اصلی حقوق بین الملل مانند منابع حقوق بین الملل، وضعیت دولت ها، سازمان های بین الملل و افراد در حقوق بین الملل، مبحث شناسایی دولت، صلاحیت دولت، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، مبحث توسل به زور، مسئولیت بین المللی دولت، حقوق دریاها، هوا و فضا، توسط

ایشان مورد توجه قرار گرفتند و نظر ایشان را در خصوص نیازهای دانشجوی دوره کارشناسی تأمین می کرد چیزی که از قلم ایشان و نحوه تدوین و تلخیص مطالب به سبک بیسیک و پایه به خوبی مشهود است.

نکته ای که در خصوص فصل مربوط به مسئولیت بین المللی دولت وجود دارد این است که در آن زمان هنوز ماده ۱۹ طرح مسئولیت از پیش نویس حذف نشده بود. به همین دلیل شما مباحث ماده ۱۹ سابق را در کتاب مشاهده می کنیم یعنی تقسیم بندی اعمال متخلفانه دولت به جرایم بین المللی و شبه جرم های بین المللی. نکته جالب در اثر ایشان این است که ایشان به انتقادات و مخالفت های شدید آن زمان در خصوص تفکیک اعمال متخلفانه بین المللی به جرایم و شبه جرایم توجه داشتند و آن را مد نظر خود قرار دادند. ایشان سعی و تلاش خوبی را برای منعکس نمودن دستاوردهای کمیسیون حقوق بین الملل در خصوص تدوین طرح مسئولیت دولت در این کتاب انجام دادند با توجه به اینکه هنوز پیش نویس طرح کمیسیون هفتم نهایی و منتشر نشده بود.

ویژگی و نکته مثبت دیگر اثر ایشان که در آن زمان باعث تمایز اثر ایشان شد بخش مربوط به حقوق دریاها بود که دستاوردهای کنوانسیون های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ را به خوبی منعکس می کرد. به ویژه تحلیل ها و مقایسه های مفیدی در تبیین مطالب میان دو کنوانسیون ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ داشتند یعنی مدام به تمایزات و شباهت های این دو کنوانسیون در آموزش مطالب، مثلاً در رژیم حقوق فلات قاره، دریای سرزمینی و غیره استناد و اشاره داشتند. اصلی ترین و بیشترین بخش کتاب ایشان مبحث حقوق دریاها بود که چیزی در حدود ۱۰۰ صفحه از کتاب را در بر می گرفت.

تفاوت دیگر اثر ایشان این بود که در آن زمان تنها اثری بود که در آن از نقشه و گراف برای مسایل حقوق دریاها استفاده شده بود. ایشان از حدود ۲۰ طرح و نقشه برای تشریح و تبیین موضوعات حقوق دریاها استفاده کردند.

از سوی دیگر در همان سال قانون مناطق دریایی ج.ا.ا. در خلیج فارس و دریای عمان در ۱۳۷۲/۱/۳۱ به تصویب رسیده بود و ایشان این قانون را در کتاب خود منعکس و موقعیت آن را نسبت به کنوانسیون ۱۹۸۲ که هنوز لازم الاجرا نشده بود بررسی کردند. کاری که اثر را متمایز و جالب می کرد.

ایشان مطالب مناسبی را هم به مبحث حقوق معاهدات داشتند و مباحث ایشان در خصوص قالب و همچنین محتوای اسناد معاهدات به عنوان یکی از مهمترین منابع حقوق بین الملل و تأثیر و تعامل آن ها بر روی یکدیگر در کتاب حقوق بین الملل عمومی قابل توجه است.

بخش دوم:

کارگاه یاد دوره‌های

آموزشی

سلسله کارگاه‌های آموزشی آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، از سلسله کارگاه‌های آموزشی «آشنایی با سازمان ملل متحد و اسناد و مدارک آن از طریق سایت سازمان ملل متحد»، چهار کارگاه آموزشی را در ۰۵ خرداد، ۱۴ آبان و ۲۵ بهمن و ۱۳ اسفند ۱۳۹۴ با تدریس سرکار خانم نازنین قائم مقامی (کتابدار محترم مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران) برگزار کرد.

در این سلسله از کارگاه‌ها ضمن آشنایی با سازمان ملل متحد، در هر یک از آنها به طور جداگانه به «آشنایی با اسناد سازمان ملل متحد در زمینه موسسات تخصصی»، «آشنایی با اسناد سازمان ملل متحد در زمینه حقوق معاهدات»، «آشنایی با اسناد سازمان ملل متحد در زمینه سازمانهای غیر دولتی» و «آشنایی با اسناد حقوق بین‌الملل با تأکید توسعه پایدار» پرداخته شد.

در پایان هر یک از این کارگاه‌ها، شرکت کنندگان از کتابخانه تخصصی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران بازدید به عمل آوردند و خانم قائم مقامی توضیحاتی را پیرامون کتابخانه و منابع موجود در آن ارائه کردند.

کارگاه آموزشی - «آشنایی با اهداف توسعه پایدار»

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

سال ۲۰۱۵ حداقل از دو جهت نقطه عطفی در فعالیت‌های سازمان ملل متحد به حساب می‌آید. از یک سو، در این سال شاهد هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان هستیم که خود دستاوردی بزرگ به حساب می‌آید و از سوی دیگر، مهلت پانزده ساله‌ای که برای دستیابی به اهداف توسعه هزاره در نظر گرفته شده بود، به پایان خواهید رسید. فارغ از اینکه جامعه بین‌المللی در دستیابی به اهداف توسعه هزاره موفق بوده است یا خیر، باید اعلامیه اهداف توسعه هزاره را یک گام مثبت به حساب آورد که حکایت از اراده مشترک جامعه بین‌المللی در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی کشورهای در حال توسعه و توجه جهانی به مسائل زیست محیطی و اقلیمی دارد. با این حال، با پایان رسیدن مهلت مقرر در اعلامیه و فرصتی که دولت‌ها در راستای تحقق اهداف آن داشتند، این پرسش اساسی در اذهان شکل می‌گیرد که سرنوشت اهداف مورد نظر اعلامیه چه خواهد شد؟ و آیا برای روندی که بوسیله این اعلامیه آغاز شده است، می‌توان ادامه‌ای متصور شد و یا باید پایان مهلت مقرر را نقطه پایانی بر مسیر اهداف توسعه هزاره به حساب آورد؟ برای پاسخ به این پرسش باید به سال ۲۰۱۲ بازگشت یعنی زمانی که کنفرانس ریو با عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» با محوریت «توسعه پایدار» برگزار شد و از قصد دولت‌ها به منظور ادامه روند ایجاد شده توسط اهداف توسعه هزاره در قالب «اهداف توسعه پایدار» در سه محور اصلی «اقتصادی»، «اجتماعی» و «محیط زیستی» و در چارچوبی گسترده‌تر خبر داد.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با اذعان بر نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در کمک به شکل‌گیری توسعه پایدار به خصوص در بُعد آموزشی و پژوهشی که در بند ۵۳ سند «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» نیز مورد توجه قرار گرفته است، با همکاری برنامه توسعه ملل متحد و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، در روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۹۴، اقدام به برگزاری کارگاه آموزشی «اهداف توسعه پایدار» نمود تا ضمن آشنایی دانش‌پژوهان با این اهداف، زمینه تسریع و تسهیل توسعه پایدار را در کشور فراهم آورد.

در ابتدا دکتر نسرین مصفا (رئیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) ضمن خوش آمدگویی به شرکت‌کنندگان در کارگاه، مختصراً به ضرورت برگزاری این کارگاه و شرح ابعاد مختلف اهداف توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) پرداختند و ابراز امیدواری کردند که در سال ۲۰۱۵ که هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و پانزدهمین سالگرد تأسیس انجمن می‌باشد، انجمن توجه ویژه‌ای به رویدادهای مهم و روزهای بین‌المللی خواهد داشت و سعی خواهد شد تا نشست‌ها و دوره‌های آموزشی متناسب با آنها، برگزار شود.

وی در ادامه از دکتر محمد علی فرزین (دکتری توسعه اقتصاد از دانشگاه وست مینستر انگلستان و مدیر طرح‌های توسعه

در برنامه عمران ملل متحد) به دلیل همراهی همیشگی ایشان با انجمن قدردانی کردند و یادآور شدند که پیش از این در سال ۱۳۸۴ نیز انجمن کارگاه مشابهی را با تدریس دکتر فرزین با موضوع اهداف توسعه هزاره برگزار کرد و در سال‌های اخیر نیز در کارگاه‌های مختلفی که آخرین آنها «مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و ارکان فرعی در زمینه اجتماعی و فرهنگی» بود، از وجود ایشان بهره‌برده ایم.

دکتر فرزین در ابتدای دوره در مورد اهداف توسعه پایدار که در ۶ زمینه، ۱۷ هدف و ۱۶۹ شاخص تدوین شده‌اند، مطالبی را ارائه نمودند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در ادامه دوره، شرکت‌کنندگان به سه کارگروه ۷ نفره تقسیم شدند تا با تمرکز بر شاخص‌های یکی از اهداف توسعه پایدار نسبت به تهیه یک سند پیشنهادی تمرکز کنند. در پایان این مرحله، دبیر هر یک از کارگروه‌ها سند پیشنهادی خود را قرائت کرد و پس از آن دیگر کارگروه‌ها نقطه نظرات و پیشنهادات خود را مطرح کردند.

در انتهای کارگاه، دکتر فرزین با توجه به پیش نویس سندهای تهیه شده دو چالش را در پیش روی دو کارگروه مجزای دیگر گذاشتند تا در کارگاه بعدی گزارش خود را آماده نمایند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

شایان ذکر است این کارگاه، دارای دو مرحله دیگر نیز می باشد که نتایج به دست آمده از آنها در صورت رسیدن به استانداردهای لازم، در قالب یک گزارش پیشنهادی برای سازمان ملل متحد و دولت جمهوری اسلامی ایران فرستاده خواهد شد.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در پایان دوره، دکتر نسرین مصفا به نظرها و پیشنهادهای شرکت کنندگان پاسخ دادند و اظهار امیدواری کردند که انجمن با بازتابی که از این دوره ها دریافت می کند نسبت به اصلاح و تقویت این دوره ها تلاش خود را به کار خواهد گرفت. ایشان در پایان این نوید را دادند که در آینده نیز نشست ها و دوره هایی در این زمینه و در حوزه های دیگر توسط انجمن برگزار خواهد شد. همچنین به پاس قدردانی از همراهی و پشتیبانی های دکتر فرزین، تقدیرنامه و لوح یادبودی از سوی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد به ایشان تقدیم شد.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

کارگاه آموزشی «آشنایی با سازمان ملل متحد و فعالیت‌های آن»

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، به مناسبت هفتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد و پانزدهمین سال فعالیت انجمن، کارگاه آموزشی «آشنایی با سازمان ملل متحد و فعالیت‌های آن» را در روز دوشنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۹۴ از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۸ در مؤسسه مطالعات حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار کرد.

این کارگاه آموزشی با صحبت‌های دکتر نسرین مصفا (ریاست انجمن) آغاز شد. وی نکاتی را در خصوص برنامه‌های آتی انجمن و هفتمین سال تأسیس سازمان ملل متحد و پانزدهمین سال تأسیس انجمن بیان کردند. ایشان با یادآوری همایش هفتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد که در روزهای ۳۰ آبان ماه و ۱ آذر ماه برگزار خواهد شد، اظهار امیدواری کردند که کارگاه امروز و برنامه‌های آتی انجمن بتواند در پیشبرد مطالعات ملل متحد و آشنایی دانشجویان، مؤثر واقع گردد.

پس از صحبت‌های دکتر مصفا، دکتر امیرحسین رنجبریان (استادیار دانشگاه تهران) به عنوان سرپرست کارگاه نکاتی را در خصوص اهداف برگزاری کارگاه و معرفی مدرسان دوره بیان داشتند.

در ادامه کارگاه در قالب دو پنل تخصصی پیگیری شد.

در پنل اول، ناصر سرگران (دانشجوی مقطع دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران) با ارائه سخنرانی خود با عنوان «ضرورت آشنایی با سازمان ملل متحد برای ما مردمان ملل متحد» کارگاه را آغاز کردند. ایشان در دو قسمت، ضرورت آشنایی با سازمان ملل متحد و ضرورت آشنایی با سازمان ملل متحد در زندگی شخصی ما مردمان ملل متحد، نکاتی را یادآور شدند. مطابق با صحبت‌های وی، جهانی بودن سازمان ملل متحد، صلاحیت عام سازمان، اهمیت ماده ۱۰۳ منشور و ایجاد تعهد برای کشور-های غیر عضو سازمان در جایی که مسأله به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باز می‌گردد، از ویژگی‌های اساسی منشور است که بدان جایگاهی شبه قانون اساسی می‌دهد. رئیس کمیته دانشجویی انجمن در قسمت دوم صحبت‌های خود با بیان تحول در کارکردهای سازمان ملل متحد و پرداختن به مقوله-هایی همچون مقابله با خشونت و افراطی‌گری، مبارزه با مواد مخدر و پدیده‌های مخرب زیست محیطی که امروزه نه تنها دولت‌ها را درگیر ساخته است بلکه بر روی زندگی تک‌تک ما ساکنان کره زمین تأثیر مستقیم می‌گذارد، لذا اولین گام، آشنایی با ساختار، اقدامات و تصمیمات ملل متحد است تا آرمان مندرج در مقدمه منشور برای ما مردمان ملل متحد با نقش و همکاری تک‌تک ما انسان‌ها جامه عمل پوشاند. آقای سرگران در پایان با یادآوری این مطلب که بسیاری از واقعیت‌های امروز، زمانی آرمانی بیش برای بشر عصر خود نبوده است اظهار امیدواری کرد که کارگاه آشنایی با سازمان ملل و فعالیت‌های آن گامی در جهت آشنایی با این ابزار مشترک مردمان جهان برای تحقق صلح پایدار باشد.

در پنل اول کارگاه آقای مهدی قاسمی، دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه تهران، خانم آرزو به پیک، دانشجوی دکترای حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی و خانم بهاره احمد پور، دانشجوی دوره دکترای حقوق بین الملل دانشگاه تهران مطالب خود را در خصوص دبیرخانه سازمان ملل متحد، شورای امنیت و فصل هشتم منشور بیان داشتند.

آقای مهدی قاسمی در خصوص دبیرخانه و فعالیت‌های آن اظهار داشتند که:

فصل ۱۵ منشور سازمان ملل متحد به مبحث دبیرخانه اختصاص دارد. ساختار دبیرخانه مرکب از دبیرکل و کارمندان و همچنین ادوات و وسایل مورد نیاز آن‌ها می‌باشد. کارمندان در حدود ۹۸ درصد کارگزاران ملل متحد را تشکیل می‌دهند اما در کنار آن‌ها طبقات گوناگون دیگری از کارگزاران نیز وجود دارد.

فصل ۱۵ منشور به دو ویژگی مهم کارمندان تحت عنوان ویژگی بین‌المللی و استقلال اشاره می‌نماید. منظور از ویژگی بین‌المللی، وظایف و کارکردهای وراملی است که مربوط به اهداف مشترک بیش از دو دولت می‌باشد. از سوی دیگر ویژگی بین‌المللی در تقابل با ویژگی ملی می‌باشد. در این معنا دبیرکل و کارمندان اولاً باید درک و فهم مشخصی از

اهداف و مأموریت بین‌المللی و نه ملی سازمان داشته باشند و ثانیاً وفاداری‌های ملی آن‌ها تبدیل به وفاداری‌های اداری بین‌المللی گردد.

اصل استقلال دبیرخانه سه اثر حقوقی دارد. اول اینکه دولت‌ها باید آن را محترم بشمارند یعنی در کارها و جریان‌ات آن دخالت نکنند. مثلاً برای استخدام اتباع خود یا دیگر مسایل دبیرخانه را تحت نفوذ و فشار قرار ندهند، مزایا و مصونیت‌های سازمان و کارمندان را نقض نکنند. خود کارمند نیز باید به استقلال سازمان احترام بگذارد و آن را رعایت کند. اثر حقوقی سوم اصل استقلال این است که سازمان خود نیز آن را محترم بشمارد.

دامنه و قلمرو دبیرخانه سازمان ملل متحد به مقرهای آن در نیویورک، ژنو، وین و نایروبی محدود نمی‌شود بلکه کلیه ارکان سازمان ملل متحد، از جمله مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، کلیه برنامه‌ها، صندوق‌ها و دفاتر سازمان ملل را به استثنای ۱۸ مؤسسه تخصصی و دو سازمان مرتبط یعنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سازمان تجارت جهانی را در بر می‌گیرد. در نتیجه هر چند منشور به طور خلاصه به وظایف و اختیارات دبیرخانه اشاره نموده است گستره برنامه و صندوق‌ها و دفاتر متنوع سازمان ملل متحد نشان دهنده این است که تا چه وظایف و کارکردهای دبیرخانه ملل متحد وسیع است. در حال حاضر دبیرکل دارای حدود ۲۵۰ معاون و دستیار در سرتاسر جهان می‌باشد. که عمق گستردگی وظایف دبیرخانه را نشان می‌دهد.

مطالعه دبیرخانه سازمان ملل متحد از دو جنبه اهمیت دارد. اول جایگاه آن در میان دیگر دبیرخانه‌های بین‌المللی مانند دبیرخانه مؤسسات تخصصی ملل متحد، دبیرخانه اتحادیه اروپا، ناتو، آسه آن و غیره و دوم اهمیت و جایگاه کارکردهای متحول آن در چارچوب سازمان ملل متحد. در حال حاضر دبیرخانه سازمان ملل متحد چهره متحولی از کارکردهای اداری، اجرایی، تقنینی، قضایی، شبه قضایی و امنیتی از خود نشان داده است.

در ادامه پنل اول خانم آرزو به پیک به بیان نکاتی در خصوص «شورای امنیت: صلح و امنیت بین‌المللی و تحریم» پرداختند. ایشان بیان داشتند که:

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان پاسبان اصلی صلح و امنیت بین‌المللی، مطابق ماده ۲۴ منشور ملل متحد، مأموریت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد. بر اساس فصل هفتم منشور، این رکن ملل متحد در راستای انجام مسئولیت خود در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از صلاحدید نسبتاً گسترده‌ای به ویژه در احراز مصادیق تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز برخوردار است و در هر مورد واجد اختیارات گسترده‌ای در اتخاذ تدابیر لازم از جمله اختیار تصویب قطعنامه‌های متضمن تحریم مطابق ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه دولت‌ها، بازیگران غیردولتی، و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی است. اما بایستی توجه داشت که هرچند شورای امنیت دارای صلاحدید نسبتاً گسترده‌ای در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است اما این رکن فراقانونی نبوده و به عبارتی دارای

اختیارات نامحدود نیست. با توجه به اینکه شورای امنیت یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد و از تابعان حقوق بین الملل است، اختیارات این رکن معاهداتی باید از یک سو مطابق مقررات منشور به عنوان معاهده موسس سازمان و از سوی دیگر و به طور کلی مطابق قواعد و مقررات حقوق بین الملل اعمال شود، به بیان دیگر این موازین و مقررات معیار قانونمندی تصمیمات شورای امنیت محسوب می شوند. از این رو، خانم به پیک در این بخش پس از بررسی اختیارات شورای امنیت به موجب منشور، محدودیت های وارده بر اختیارات شورا را در دو قسمت مورد بررسی قرار دادند. در قسمت اول محدودیت های مقرر در منشور ملل متحد را تشریح نمودند که شورای امنیت در راستای مسئولیت خود در حفظ صلح و امنیت بین المللی ملزم به رعایت آن می باشد، که از جمله این محدودیت ها می توان به مقدمه منشور ملل متحد، بند ۱، ۲، و ۳ ماده ۱، بند ۲ ماده ۲، بند ۲ ماده ۲۴، ماده ۲۵ و ماده ۵۵ منشور اشاره نمود. سپس به بررسی دیگر محدودیت هایی پرداختند که در قالب قواعد و منابع حقوق بین الملل تجلی یافته اند که از آن جمله می توان به حقوق بین الملل عرفی، اصول کلی حقوق بین الملل، قواعد آمره و اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره نمود.

سپس افزودند که مسئله غیر قابل انکار در خصوص قطعنامه های شورای امنیت که متضمن وضع تحریم علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند، نقض حقوق بنیادین اشخاص مشمول تحریم ها و مغایرت تحریم های شورای امنیت با مقررات مندرج در منشور و قواعد عام حقوق بین الملل و بالاخص موازین حقوق بشری است.

گفته شد مطابق با ماده ۲۵ منشور، دول عضو ملل متحد زمانی ملتزم به اجرای تصمیمات شورای امنیت می باشند که آن تصمیمات مطابق مقررات منشور خصوصاً اهداف و اصول آن از جمله پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی و نیز قواعد و مقررات کلی حقوق بین الملل تصویب شده باشند. اما نظر به آنکه در حال حاضر یک مرجع قضایی بین المللی مستقل و بی طرف با صلاحیت شخصی و ذاتی جهت احراز انطباق یا عدم انطباق قطعنامه های متضمن تحریم شورای امنیت با مقررات حقوق بشر موجود نیست، محاکم منطقه ای چون دیوان دادگستری اروپایی توانسته اند نقشی نسبتاً متمرکز ایفا نمایند. دیوان دادگستری اروپایی ضمن انطباق مصوباتی که مبتنی بر تحریم های ملل متحد بوده اند و احراز مغایرت این مصوبات با حقوق بنیادین اشخاص مشمول تحریم ها، به صورت غیر مستقیم در اصلاح رژیم تحریم های ملل متحد و اتخاذ گام هایی هرچند ناکافی از سوی کمیته های تحریم های شورای امنیت در راستای مطابقت بیشتر با هنجارهای حقوق بشری پذیرفته شده در سطح جهانی اثرگذار بوده است.

در ادامه خانم بهاره احمد پور سخنان خود را با عنوان «همکاری سازمان ملل متحد با نهادها و ترتیبات منطقه ای برای حفظ صلح و امنیت بر پایه فصل هشتم منشور» ایراد کردند و اظهار داشتند:

در زمان تدوین منشور ملل متحد در ۱۹۴۵، علاوه بر شورای امنیت، مکانیزم دیگری نیز برای حفظ صلح و امنیت پیش بینی گردید که آن مکانیزم استفاده از ترتیبات منطقه ای بود. چارچوب ارتباطی سازمان ملل متحد (به طور خاص شورای امنیت) با سازمان ها و ترتیبات منطقه ای در فصل هشتم منشور یعنی مواد ۵۲، ۵۳ و ۵۴ پیش بینی شده است. اما متأسفانه از زمان تأسیس سازمان ملل متحد تا حدود ۴۵ سال، به دلیل تقابل میان شرق و غرب، امکان شرکت سازکارهای منطقه ای در حفظ صلح و امنیت بین المللی وجود نداشت. این تقابل تا پایان دوران جنگ سرد وجود داشت؛ تا اینکه در ۱۹۹۲ آقای پطرس غالی - دبیرکل وقت سازمان ملل متحد - در بخشی از گزارش معروف خود تحت عنوان «دستور کاری برای صلح»، پیشنهاد افزایش همکاری سازمان ملل متحد یا ترتیبات منطقه ای و تغییر رویکرد تقابل به پارادایم همکاری را داد. پس از آن، شورای امنیت به عنوان متولّی اصلی این حوزه، در اوایل ۱۹۹۰ مسائل گوناگونی را صراحتاً به سازمان های منطقه ای ارجاع داد. در سال های اخیر تأکید ملل متحد بر این نوع همکاری ها بیشتر شده است؛ به گونه ای که شورای امنیت در قطعنامه ۲۱۶۷ (۲۸ جولای ۲۰۱۴) از عبارت *Critical Role of Regional Cooperation in International Peacekeeping, Security* استفاده نموده است.

علی رغم اینکه در منشور قواعد مربوط به این همکاری ها مشخص شده است، اما در عمل رویه متفاوتی را نسبت به مقررات منشور، از سوی سازمان های منطقه ای و حتی خود شورای امنیت شاهد بوده ایم. اصولاً سازمان های منطقه ای که در حوزه حفظ صلح و امنیت دارای مکانیزم های لازم می باشند، خود را نه به کسب مجوز از شورای امنیت برای انجام عملیات قهرآمیز (بند یک ماده ۵۳ منشور)، و نه به ارائه گزارش از عملکرد و تصمیمات خود در این حوزه (ماده ۵۴ منشور) ملتزم می دانند. این مسئله سبب ایجاد چالش هایی جدی در این حوزه شده است. شاید بتوان یکی از دلایل عدم تمایل سازمان های منطقه ای را به کسب مجوز از شورای امنیت، انفعال خود شورا و رویکرد *Double Standard* آن در نمونه های متعدّد، و بویژه عدم کارایی لازم و مؤثر در موارد وقوع نقض فاحش حقوق بشر و بشردوستانه دانست. فاصله گرفتن شورا از اهداف اولیه و اساسی خود در حوزه حفظ صلح و امنیت و نیز سیاسی کاری ها و رویکرد گزینشی این نهاد، یکی از مهم ترین دلایل نیاز مبرم امروزین ملل متحد برای همکاری با نهادهای منطقه ای است.

پایان پنل اول با پرسش و پاسخ و طرح دیدگاه های شرکت کنندگان در خصوص مباحث مطرح شده همراه شد.

آقای بهروز بقایی به عنوان سخنران اول پنل دوم در خصوص (مجمع عمومی و کمیته های اصلی آن) به ایراد سخنرانی پرداختند و اظهار داشتند:

مجمع عمومی به عنوان رکن اصلی سازمان ملل متحد تا اوایل دهه نود میلادی نقش مؤثری را ایفا می کرد اما از این زمان به بعد شورای امنیت دیگر رکن سازمان ملل متحد توانست قدرت را از مجمع عمومی برباید و کارکردهای بیشتری در پیشبرد منشور ملل متحد از خود نشان دهد. آقای بقایی ضمن اشاره به ساختار مجمع، کمیته های اصلی آن را در چارچوب کمیته های شش گانه مورد بررسی قرار دادند. ایشان ضمن اشاره به کمیته های خلع سلاح، اقتصادی، اجتماعی، استعمار

زدایی و بودجه، به تفصیل مورد به معرفی کمیته حقوقی پرداختند. آقای بقایی عملکرد کمیته ششم مجمع را در زمینه تصویب معاهدات بین‌المللی به خصوص در سال‌های اخیر چندان مثبت ارزیابی نکردند. ایشان برای نمونه به مسئله تروریسم که سال‌هاست در کمیته حقوقی مجمع برای تدوین یک کنوانسیون جامع در خصوص موضوع مبارزه با تروریسم مطرح است اما هنوز نتوانسته است موفقیتی در این زمینه به دست آورد، اشاره کردند.

در ادامه خانم شمین اصغری (دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی) به بیان دیدگاه‌های خود در زمینه سازکارهای حقوق بشری در نظام ملل متحد پرداخت و بیان داشت:

با توجه به اهمیت ترویج و توسعه حقوق بشر در منشور، سازمان ملل متحد نه معاهده حقوق بشری را به تصویب رسانده است که هر کدام دارای سازکارهای اجرایی مستقلی هستند. معاهدات حقوق بشری مصوب سازمان ملل متحد حاوی موضوعات عام حقوق بشر در چارچوب میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی و همچنین حمایت از افراد خاص چون زنان، کودکان و معلولان هستند.

خانم اصغری در ادامه شورای حقوق بشر را به عنوان سازکار نظارت بر حقوق بشر که از سال ۲۰۰۶ جایگزین کمیسیون حقوق بشر شد و زیر نظر مجمع عمومی فعالیت می‌کند، مورد بررسی قرار دادند.

آخرین سخنرانی با عنوان «بررسی عملکرد و دستاوردهای ملل متحد در زمینه تغییر اقلیم» توسط خانم نفیسه ارغنده پور (دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران) ارائه گردید.

سخنران جلسه در مقدمه به طرح نظریه گرمایش جهانی در سال ۱۸۹۶ به عنوان یک چالش علمی اشاره کرد و سپس به مساله ضرورت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح بین‌المللی هم‌راستا با نگرانی و دغدغه دولت‌ها از حدود دهه ۱۹۸۰ میلادی در حوزه مسائل زیست‌محیطی در سطح بین‌المللی پرداخت. در ادامه، مبانی علمی موضوع تغییر اقلیم و تاثیر گازهای گلخانه‌ای بر اقلیم جهانی بررسی گردید و آثار زیانبار تغییر اقلیم بر کره زمین و ساکنان آن که در نواحی مختلف جهان یکسان ولی در نوع آثار متفاوت است و نیز ابعاد گوناگون پیامدهای ناشی از تغییر اقلیم بر حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بشر، حقوق پناهندگان و مهاجران، حقوق اقتصادی و نیز آثار تغییر اقلیم بر صلح و امنیت بین‌المللی و واکنش‌های مراجع بین‌المللی و در راس آن سازمان ملل متحد در مقابل این آثار زیانبار برشمرده شد.

سپس، اقدامات سازمان ملل متحد در چارچوب مساله تغییر اقلیم با تاکید بر دو سند مهم مصوب سازمان ملل متحد در این زمینه - کنوانسیون چارچوب ملل متحد در زمینه تغییر اقلیم و پروتکل کیوتو - تشریح گردید و سازکار تعهدات دولت‌ها در کنوانسیون و پروتکل برشمرده شد. در همین راستا اقدامات سازمان ملل متحد در جهت ایجاد رژیم حقوقی تغییر اقلیم پس از سال ۲۰۱۲ (بعد از پایان دوره اول تعهد دولت‌های مندرج در پروتکل کیوتو برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای) در قالب کنفرانس‌های اعضای کنوانسیون چارچوب و پروتکل کیوتو مورد اشاره قرار گرفت و در همین راستا به مهمترین

تصمیمات اتخاذ شده از سوی دولت‌ها از جمله در قالب کنفرانس‌های اعضا و در نهایت دستاوردهای بیستمین (آخرین) کنفرانس اعضای کنوانسیون چارچوب در سال ۲۰۱۴ بررسی شد و افق‌ها و چالش‌های پیش روی کنفرانس آتی اعضا که در پایان نوامبر و ابتدای دسامبر ۲۰۱۵ در پاریس برگزار خواهد شد مورد بحث قرار گرفت.

در پایان نیز به آخرین تحولات و تلاش‌های بین‌المللی در حوزه تغییر اقلیم از جمله اجلاس اقلیم (۲۰۱۴) که به ابتکار دبیر کل ملل متحد در جهت همگرایی بیشتر جامعه بین‌المللی در مسیر دستیابی به توافق در حوزه تغییر اقلیم اشاره شد و توجه به مساله تغییر اقلیم (به عنوان هدف سیزدهم) در چارچوب اهداف توسعه پایدار که اخیراً در سپتامبر ۲۰۱۵ به تصویب ۱۹۳ دولت رسید مهم ارزیابی شد.

در نهایت بر این نکته تأکید گردید که مساله تغییر اقلیم که به عنوان «نگرانی مشترک بشریت» شناخته می‌شود به عنوان یک موضوع جهان‌شمول نیازمند همکاری و پای‌بندی کلیه دولت‌ها با توجه به نقش آفرینی آنها در تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای و پیامدهای منفی ناشی از تغییر اقلیم و پذیرش مسئولیت و اقدام مقتضی و مسئولانه در پرتو اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است که نقش مهمی در تعیین تعهدات دولت‌ها در مواجهه با مساله جهانی تغییر اقلیم ایفا می‌کند.

در پایان، پنل دوم نیز با طرح پرسش و پاسخ همراه شد همچنین جناب آقای دکتر رنجبریان سرپرست کارگاه جمع‌بندی خود را از کارگاه ایراد فرمودند.

کارگاه آموزشی «آشنایی با سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان جهانی تجارت»

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس سازمان ملل و پانزدهمین سال تأسیس انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، کمیته دانشجویی انجمن، کارگاه «آشنایی با سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان جهانی تجارت» را در روز یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۴ در مؤسسه حقوق تطبیقی با حضور پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات ملل متحد برگزار کرد.

کارگاه در دو قسمت آشنایی با سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی مالکیت فکری با ارائه دکتر محسن صادقی (عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) برگزار شد.

در ابتدای کارگاه دکتر صادقی به ضرورت‌های عملی و تئوری آشنایی با این دو سازمان تخصصی پرداخت و در ادامه و در قالب دو بخش، سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی مالکیت فکری را مورد بررسی قرار دادند.

در بخش اول مسائل مربوط به تعریف، چرایی شکل‌گیری، اهداف، اصول، مفاهیم جدید همچون WTO+، قلمرو اجرا و

رابطه میان ایران و سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار گرفت. در بخش دوم نشست نیز اهداف، ساختار، مزایای عضویت در سازمان جهانی مالکیت فکری و همچنین برخی از تحولات اخیر سازمان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر محسن صادقی (مدرس کارگاه)، آشنایی با سایت دو سازمان مذکور را نیز همزمان با طرح مباحث مربوط به این دو نهاد تخصصی در برنامه کارگاه گنجانده.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

کارگاه آموزشی «حقوق ورزش و سازمان ملل متحد»

تهیه و تنظیم: پریناز توفیقی

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد و موسسه مطالعات حقوق عمومی در عصر سه شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۴ با حضور استادان، کارشناسان و جمعی از علاقه مندان، کارگاه حقوق ورزش و سازمان ملل متحد را از ساعت ۱۳ تا ۱۷ در قالب دو پنل برگزار نمود. طبق برنامه، بعد از آغاز کارگاه با تلاوت آیاتی از قرآن کریم، جناب آقای دکتر کدخدایی ریاست محترم موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران ضمن خیر مقدم به حضار و تشکر از انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد جهت

همکاری برای تشکیل این کارگاه به عنوان ضرورتی که امروزه در مسائل داخلی و بین‌المللی از اهمیت بر خوردار است، تأکید کردند. ایشان به این نکته اشاره کردند که ورزش در جامعه ما تا چند دهه قبل فقط یک سرگرمی بود اما امروزه ورزش یک صنعت، یک سیاست و علم و هنر است و از حالت صرف سرگرمی خارج شده است که ابعاد آن همه جامعه را درگیر می‌کند. دکتر کدخدایی در پایان به دلیل اهمیت روز افزون این مقوله بر ضرورت آشنایی با حقوق ورزش تأکید نمودند و از تمامی دست‌اندرکاران این کارگاه مجدداً قدردانی کردند.

کارگاه در دو بخش مجزا ادامه یافت. بخش اول را خانم رسولی و خانم دکتر عزیزی و آقای اسکندری بر عهده داشتند و بخش دوم به سخنرانی آقای دکتر وکیل و آقای دکتر طباطبایی اختصاص یافت.

خانم رسولی در خصوص کارکردهای ورزش در کارگزاری‌های تخصصی ملل متحد نکاتی را بیان کردند. ایشان در خصوص چرایی ورزش و ارتباط آن با سازمان ملل متحد بیان کردند که سازمان ملل نهادی بین‌دولت‌ها است و ورزش به ذات خود نقش مهمی در جوامع داشته و حتی بخشی از حقوق بشر است، به همین دلیل از تأثیرگذاری بالایی برخوردار است. ایشان ارتباط ورزش با سه کارگزاری سازمان ملل متحد (سازمان جهانی کار و سازمان بهداشت جهانی و همچنین برنامه توسعه ملل متحد) را در اولویت بحث‌های خود قرار دادند. خانم رسولی همچنین از تاریخچه این بحث‌بیاناتی ارائه نموده و عنوان کردند که به دلیل وجود یونسکو، سازمان ملل متحد توجهی به همکاری با کمیته بین‌المللی المپیک نداشت اما با توجه به اهمیت آن در سال ۲۰۰۹ به عنوان عضو ناظر پذیرفته شد. همکاری این دو نهاد دارای اهمیت بسیاری است؛ زیرا طبق قواعد بازی‌های المپیک ۷ روز قبل و بعد بازی‌ها و حین آن آتش بس میان کشورهای درگیر اعلام می‌شود.

پس از پایان سخنرانی خانم رسولی، خانم دکتر عزیزی در خصوص ورزش، جامعه و حقوق بحث خود را آغاز نمودند. ایشان ضمن معرفی خود به عنوان یک ورزشکار و تحصیل‌کرده در رشته حقوق، یکی از موارد حقوق بشر را حفظ حیات عنوان کردند که به همین دلیل توجه به قاعده مند شدن آن را برای امنیت جامعه بین‌المللی ضروری دانستند. برای قانونمند شدن این عرصه، دادگاه حکمیت ورزشی معروف CAS به وجود آمده است تا به عنوان یک مرکز داوری تصمیم‌هایی در جهت قانونمند شدن روابط در این حوزه اتخاذ نماید. اصول مهم این دادگاه عبارتند از: اصل آزادی اراده‌ها، فورس ماژور، وفای به عهد، حسن نیت، قانونی بودن جرم و مجازات و ایشان در پایان به بررسی چهارچوب‌های حقوقی در سه حوزه دولتی، نیمه دولتی و خصوصی پرداختند. در قسمت پایانی بخش اول آقای اسکندری دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران به معرفی دادگاه حکمیت ورزشی پرداختند که این دادگاه بنا بر ضرورتی که باید نهادی خاص برای این فعالیت‌ها باشد در سال ۱۹۸۴ توسط کمیته بین‌المللی المپیک تأسیس شد. در آغاز استقلال نداشت اما در سال ۱۹۹۴ به استقلال دست یافت. این دادگاه در زمینه ورزش از اهمیت فراوانی برخوردار است. ایشان بعد از معرفی دادگاه، کلیپی از بازی‌های المپیک پخش کردند و حضار را برای تصمیمی که دادگاه گرفته بود به چالش کشیدند.

در پایان بخش اول پرسش و پاسخ میان سخنرانان و حضار انجام شد و بعد بخش دوم را آقای دکتر وکیل در خصوص خدمات متقابل ورزش و سازمان ملل متحد آغاز نمودند. سوال ایشان این بود که آیا ورزش مدیون سازمان ملل متحد است یا سازمان ملل متحد مدیون ورزش؟ در پاسخ به این سوال چهار فرایند را مورد بررسی قرار دادند از جمله: سیاسی شدن ورزش، دموکراتیزه شدن ورزش، انسانی شدن ورزش و اخلاقی شدن آن و همچنین به بررسی گام‌هایی که حقوق بین الملل ورزش در قالب تصویب معاهدات و صدور قطعنامه‌های حمایتی از ورزش برداشته است از جمله پیمان شورای اروپا علیه دوپینگ ۱۹۶۰، کنوانسیون ضد دوپینگ ۱۹۸۹، قطعنامه ۱۹۲۵ شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۸۸، قطعنامه ۱۳ مجمع عمومی در سال ۱۹۹۵ در خصوص همکاری دولت‌ها برای مبارزه با دوپینگ و ... اشاره کردند. مؤلف کتاب حقوق بین الملل ورزش و فوتبال در پایان صحبت‌های خود سیر تحول حق بر ورزش از مرحله نسل دوم حقوق بشر به نسل سوم حقوق بشر یعنی از یک حق فردی به یک حق جمعی را مورد بحث و بررسی قرار دادند.



دکتر طباطبایی به عنوان سخنران آخر کارگاه در خصوص قوانین و مسئولیت‌های سازمان مبارزه با دوپینگ نکاتی را بیان نمودند. ایشان با اشاره به این نکته که ورزش قدرتمند است و گاهی تعیین کننده مسائل روز دنیا می باشد، به همین دلیل در این رقابت سنگین استفاده از مواد نیروزا افزایش می یابد. کمیته بین المللی المپیک بعد از رسوایی مسابقات دوچرخه سواری تور دو فرانس در سال ۱۹۴۸ تصمیم به ایجاد آژانسی برای مبارزه با دوپینگ در سال ۱۹۹۹ گرفت. این آژانس

خدمات گسترده‌ای ارائه کرده است که موجب طرح دعاوی بسیاری از جانب ورزشکاران شده است، از این جهت دانش حقوقی می‌تواند در احیای حقوق به آنها کمک نماید. ایشان در ادامه در خصوص این نهاد به صورت گسترده بیاناتی ارائه نمودند.

در اختتام کارگاه، خانم دکتر نسرین مصفا ریاست محترم انجمن ایرانی مطالعات ملل متحد ضمن تشکر از موسسه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران و دکتر کدخدایی و سخنرانان و همچنین دست اندرکاران برنامه از جذابیت این کارگاه و اهمیت آن در عرصه بین‌المللی بیاناتی ارائه نمودند و از ضرورت این کارگاه و برگزاری آن ابراز خرسندی نمودند.



کارگاه آموزشی «سازمان‌های غیردولتی و صلح جهانی»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران و موزه صلح تهران، کارگاه آموزشی «سازمان‌های غیردولتی و صلح جهانی» را در تاریخ ۲۵ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۹۴ برگزار نمود.

در روز ۲۵ بهمن خانم دکتر هنگامه غضنفری مدرس کارگاه بودند که در دو بخش کارگاه را برگزار کردند.

ابتدا بحث "سازمان‌های غیردولتی و مبانی حضور آنها در صلح جهانی" مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا ابتدا تعریف و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی و بعد گونه‌شناسی سازمان‌های غیردولتی و در نهایت مشروعیت فعالیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه صلح تجزیه و تحلیل گردید.

بخش دوم تحت عنوان "اشتغالات سازمان‌های غیردولتی در تحکیم صلح"، برگزار شد که در پنج عنوان حفاظت، نظارت و هشدار زود هنگام، یاری‌رسانی و ارتباطات همگانی، اجتماعی کردن، میانجی‌گری و تسهیل‌گری ارایه گردید.

در ادامه شرکت‌کنندگان به سه گروه مجزا تقسیم شده و پس از طرح و توزیع سه پرسش ذیل هر کدام در خصوص یکی از سوالات، ۳۰ دقیقه گفتگو و شور نموده، نظرات و سوالات خود را در جمع مطرح نمودند.

سوالات مطروحه:

۱- سازوکارهای پیشنهادی شما برای ارتقاء جایگاه حقوقی سازمان‌های غیردولتی و پذیرش آنها به عنوان یکی از تابعان حقوق بین‌الملل چیست؟

۲- با توجه به اوضاع و احوال منطقه خاورمیانه و فضای سیاسی-اجتماعی موجود، کدام یک از اشتغالات سازمان‌های غیردولتی را در ایجاد و تحکیم صلح منطقه، موثرتر می‌دانید؟

۳- به نظر شما مهمترین موانع و چالش‌های رشد و تاثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی در کشور ما کدام است؟



بعد از اتمام این قسمت خانم قائم مقامی - کتابدار مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد - به ارائه مباحث خود در زمینه بازیابی اسناد سازمان ملل متحد با تاکید بر سازمانهای غیر دولتی پرداختند.



در روز ۲۷ بهمن ماه شرکت کنندگان در موزه صلح حضور یافتند و پس از بازدید از این موزه در کارگاهی که خانم خسروی برگزار کردند شرکت نمودند.



دوره آموزشی «مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با مؤسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی»

تهیه و تنظیم: سارا میری

بند ۳ از ماده ۱ منشور ملل متحد یکی از اهداف ملل متحد را «حصول همکاری جهانی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ... است» قلمداد می‌کند. این همکاری‌ها متشکل از مجموعه سازکارهایی هستند که به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در چارچوب‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نمود پیدا می‌کنند و به عنوان سازکارهای حفظ صلح در مفهوم مثبت که در واقع دستیابی به صلح از طریق رفع دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است مورد توجه قرار می‌گیرند.

بنابراین، توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به منظور دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای در نظام ملل متحد برخوردار است.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، با آگاهی از اهمیت این مسائل، دوره آموزشی «مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی» را در روز پنج شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ به همراه کارگاه آموزشی «بازیابی اسناد و اطلاعات موسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی» در روز سه شنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۹۴ و با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد برگزار نمود.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در روز اول دوره (پنج شنبه ۳۱ اردیبهشت) در این دوره که به طور خاص به موسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی ملل متحد اختصاص داشت، دکتر محمود باقری (دکترای حقوق اقتصادی از دانشگاه لندن و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) در خصوص کلیات حقوق اقتصادی با تمرکز بر موسسات تخصصی و دیگر ترتیبات اقتصادی ملل متحد، دکتر سید امیر حسین طیبی فرد (دکترای حقوق بین الملل و مدیر گروه طرح ها و لوایح بانک مرکزی) در خصوص صندوق بین المللی پول، دکتر بیتا شایگانی (دکتری اقتصاد و رئیس شورای تخصصی اقتصاد دانشگاه پیام نور و رئیس مرکز علمی و کاربردی بانک تجارت) در خصوص بانک جهانی و دکتر محمد جعفر قنبری جهرمی (دکتری حقوق بین الملل از انگلستان و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) در خصوص سازمان جهانی تجارت، دروس خود را پیرامون اهداف، ساختار، برنامه ها و ... این نهادها ارائه نمودند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

در روز دوم دوره (سه شنبه ۵ خرداد) نیز خانم نازنین قائم مقامی (کتابدار مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در ایران) ضمن آشنا ساختن شرکت کنندگان با سایت سازمان ملل متحد و قسمت‌های مختلف آن از جمله کتابخانه دگ هم‌شولد، به تدریس روش‌ها و شیوه‌های بازیابی اسناد و اطلاعات سازمان ملل متحد با تمرکز بر اسناد اقتصادی پرداختند. پیش از ایشان، خانم ماریا دوتسنکو (مسئول اطلاعات همگانی ملل متحد در ایران) پیام دبیرکل سازمان را در خصوص هفتادمین سال تأسیس ملل متحد قرائت کردند.



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

شایان ذکر است که پیش از این انجمن در اسفند ۱۳۹۳ با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، دوره آموزشی «مطالعات نظام ملل متحد: آشنایی با موسسات تخصصی و ارکان فرعی در زمینه اجتماعی و فرهنگی» را برگزار کرده بود که گزارش آن را از سایت انجمن می‌توانید مطالعه نمایید.

دوره آموزشی روش تحقیق

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

یکی از فلسفه‌های شکل‌گیری مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری در هر نظام آموزشی، کاشتن بذر درست اندیشیدن در ذهن دانشجویان این دو مقطع و آموختن روش صحیح پژوهش به ایشان است.

پژوهش محور بودن مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نسبت به استاد محور بودن دوره کارشناسی، خود گواهی بر این ادعا است و بر اهمیت تحقیق در این دو مقطع دلالت دارد. از این‌رو، توجه به درس «روش تحقیق» که اصول، موازین و ابزارهای انجام یک تحقیق علمی خوب را به دانشجوی می‌آموزد، برای دانشجویان مقاطع فوق بسیار برجسته است. با وجود این، اغلب دیده می‌شود که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری با وجود آنکه ملزم به گذراندن و ارائه



پایان‌نامه و رساله هستند اما با اصول نگارش صحیح و علمی که مستلزم آشنایی با روش تحقیق است، ناآشنا می‌باشند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با اذعان بر نقش و جایگاه درس «روش تحقیق» به عنوان یک درس پایه در میان سایر درس‌های مقاطع مذکور از یک سو، و ارائه پاسخی شایسته به درخواست‌های مکرر دانشجویان و پژوهشگران مبنی بر راه‌اندازی دوره آموزشی «روش تحقیق»، اقدام به برگزاری این دوره نموده است که در این مسیر از تجربه گران‌بهای دکتر حسین شریفی طراز‌کوهی در امر تحقیق، ترجمه و تدریس بهره‌مند گردید.

دوره آموزشی «حقوق معاهدات؛ موضوعات منتخب»

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران دوره آموزشی «حقوق معاهدات، موضوعات منتخب» به همراه کارگاه آموزشی آشنایی با اسناد و مدارک سازمان ملل متحد با تأکید بر مجموعه معاهدات ملل متحد را در روزهای ۱۴ و ۲۱ آبان در مرکز سازمان ملل متحد در تهران برگزار نمود.



UNIC Tehran/Sepideh S. Asgari

دوره آموزشی «اقتصاد توسعه پایدار»

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

در مجمع عمومی سپتامبر سال ۲۰۱۵، سران کشورهای عضو سازمان ملل متحد «دستور کار دگرگونی جهان» تا سال ۲۰۳۰ میلادی را با محوریت «اهداف توسعه پایدار» به تصویب رسانند. مقصود، پایان فقر و گرسنگی برای تکریم یکایک افراد در فضایی سالم؛ حفاظت از کره خاکی و منابع طبیعی آن؛ و کامیابی بشریت در پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و فناوری همسازان با طبیعت است. هفده هدف مندرج در دستور کار مصوب، «عصر جدید توسعه پایدار» را رقم زده است. گرچه این عصر ابعاد امنیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی نیز دارد، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در راستای اهداف اساسنامه خود و با عنایت

به اهمیت موضوعات اقتصادی در دستور کار ملی در دوران پساتحریم، دوره آموزشی توسعه پایدار را با تمرکز بر ابعاد اقتصادی آن، در تاریخ ۱۱، ۱۲ و ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۴ را برگزار نمود. در این دوره استادان، صاحب‌نظران و مدیران برجسته ملی و بین‌المللی مطرح در این حوزه، ضمن تبیین زمینه‌های پیدایی و اهداف توسعه پایدار، موضوعات «اقتصاد توسعه پایدار» را تدریس نمودند. همچنین برای مشارکت کنندگان، در کارگاه‌های آن‌آشنایی با اسناد و مدارک ملل متحد در این زمینه و تمرین تهیه سند با بهره‌مندی از تجارب بین‌المللی تدارک دیده شده بود.



بخش سوم:

بازدید

بازدید علمی از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه

تهیه و تنظیم: پریا دانایی

برنامه بازدید از کمیته ملی حقوق بشردوستانه و دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران، روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ از ساعت ۱۰ تا ۱۶ برگزار گردید.

در بخش اول برنامه که به بازدید از دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اختصاص داشت، دکتر پوریا عسکری (مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) ضمن خوش آمدگویی و استقبال از حضور دانشجویان، به معرفی مختصر دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران و شرح وظایف این دفتر پرداختند. ایشان اذعان داشتند که یکی از وظایف اصلی دفتر تهران، امداد رسانی است؛ البته با وجود فعالیت‌های برجسته هلال احمر ایران، فعالیت‌های دفتر در زمینه امداد رسانی در ایران بسیار کم رنگ است ولی دفتر از خاک ایران برای امداد رسانی به سایر کشورها بسیار بهره می‌برد. ایشان در ادامه خاطر نشان ساختند که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هر سال (یا هر چند سال یک بار) موضوعات خاصی را در دستور کار خود قرار می‌دهد که دستور کار این روزهای صلیب سرخ «حمله به پرسنل امدادی» است.

پس از صحبت‌های دکتر عسکری، کلیپی در خصوص معرفی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، اهداف، اصول و فعالیت‌های آن در سطح جهان پخش گردید.

پس از پخش کلیپ، آقای اولیویه مارتین (رئیس دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) به این موضوع اشاره کردند که این سومین بار است که شاهد حضور دانشجویان و پژوهشگران در دفتر کمیته هستیم و این بار تعداد شرکت کنندگان نسبت به گذشته بیشتر است و این امر را مایه خوشحالی دانستند.

پس از این مقدمه کوتاه، آقای مارتین به مرور خاطرات خود از حدود بیست سال تجربه کاری در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پرداختند و سخنان خود را با آغاز فعالیت خود در سال ۱۹۹۲ شروع کردند و سعی کردند که به این پرسش پاسخ دهند که چرا من به عنوان یک سوئیسی و اروپایی، کار کردن در کیلومترها دور تر از خانه و در کشورهای دور افتاده (اوگاندا، رواندا، بروندي) را پذیرفتم؟

آقای مارتین پس از پاسخ به این پرسش (که عامل اصلی آن را علایق و گرایش‌های شخصی تلقی کردند)، به مسائل سخت و چالش‌های پیش‌روی خود در سال‌های خدمت در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پرداختند که مهم‌ترین آنها را می‌توان نسل‌کشی در رواندا (که باعث ترک خدمت و شروع فعالیت در بانک به مدت سه سال گردید) قلمداد کردند. پس از پایان سخنان ایشان، شرکت‌کنندگان پرسش‌هایی را در ارتباط با فعالیت‌های ایشان و برخی از فعالیت‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطرح نمودند.



در پایان این بخش، دکتر عسکری نکاتی را در راستای تکمیل سخنان آقای مارتین بیان داشتند که از آن جمله می‌توان به مسائل کودک سرباز، مین زدایی، مبانی حضور صلیب سرخ در قلمرو کشورها و ... اشاره کرد.

در ادامه، خانم تیوا کامران (دستیار ارشد ارتباطات و مسئول انتشارات دفتر) به بیان توضیحاتی در خصوص نحوه شکل‌گیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که شامل معرفی هانری دونان - مؤسس کمیته - و نشان کمیته می‌شد، پرداختند. بنا بر توضیحات ایشان، نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر متشکل از سه نهاد است: ۱. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ ۲. جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر؛ و ۳. فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر که هر کدام از این ارکان دارای وظایف مشخص و اساسنامه‌ای متمایز هستند.

در زمان مخاصمات بین‌المللی و غیر بین‌المللی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مسئول هماهنگی میان نهادهای مذکور است در حالیکه جمعیت‌های ملی یاری‌رسان دولت‌ها به حساب می‌آیند. فدراسیون جهانی هم بعد از جنگ جهانی اول و برای ایجاد هماهنگی میان جمعیت‌های ملی شکل گرفت.

ایشان هم چنین در خصوص نشان‌های حمایتی این نهضت نکاتی را به این نحو بیان نمودند که در متن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، سه نشان صلیب سرخ، هلال احمر و شیر و خورشید سرخ بطور رسمی شناسایی شده‌اند اما بر اساس پروتکل سوم الحاقی به این کنوانسیون‌ها در ۱۹۷۷، نشان کریستال سرخ نیز مورد شناسایی قرار گرفت.

پس از سخنان خانم کامران، فیلم‌های دوم (انیمیشنی بر اساس کتاب خاطرات سولفورینو تألیف هانری دونان که به ریشه‌های شکل‌گیری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌پردازد) و سوم (شامل توضیحاتی پیرامون کمیته، جمعیت‌های ملی و فدراسیون) نیز پخش شدند.

خانم اوا پوهار (هماهنگ‌کننده امور حمایتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران) سخنران بعدی بودند که به شرح مفهوم حمایت در فعالیت‌های کمیته پرداختند و ابراز داشتند که منظور از «حمایت»، کسب اطمینان از انجام تعهدات طرف‌های درگیر و همچنین جلوگیری یا پایان دادن به نقض حقوق بشردوستانه و تمرکز بر شرایط و دلایل نقض و عواقب این خشونت‌ها است. ایشان مبارزان زخمی و بیمار، زندانیان و غیرنظامیان (شامل زنان و کودکان) را از افراد مورد حمایت، و اعمال حمایتی را شامل باز پیوند خانوادگی، بازدید از بازداشتگاه‌ها و بهبود شرایط آنها و حمایت از غیر نظامیان دانستند.

در ادامه خانم مژگان محمد (مسئول روابط عمومی و سخنگوی دفتر) پروژه و کمپین «مراقبت‌های درمانی در معرض خطر» را که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است، معرفی نمودند. این پروژه در ارتباط با نگرانی روزافزون حمله به مراکز و نیروهای درمانی در حین مخاصمات مسلحانه است.

سخنران پایانی این بخش آقای دهقان (ریاست بخش پشتیبانی و خدمات) بودند که به شرح وظایف این واحد که تأمین کالا و خدمات به رایگان می‌باشد پرداختند و بزرگترین عملیات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حال حاضر را سوریه و عراق دانستند.

در پایان بخش اول، حضار از کتابخانه دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بازدید و مورد پذیرایی قرار گرفتند و خانم کامران شرایط به امانت گرفتن کتاب از کتابخانه دفتر را برای حاضرین بر شمردند. همچنین بسته‌هایی حاوی کتاب‌های مرتبط با حقوق بین‌الملل بشردوستانه در میان شرکت‌کنندگان توزیع شد.

برنامه دوم به بازدید از دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه اختصاص داشت که با بازدید از موزه صلح آغاز شد. در پایان بازدید از موزه، آقای روزبهان و خانم کوشا از کارشناسان این کمیته در خصوص شکل‌گیری و اعضای این کمیته توضیحاتی را ارائه دادند: کمیته ملی حقوق بشردوستانه در سال ۱۳۷۷ و در پی درخواست رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مبنی بر تأسیس مراجع ملی برای گسترش حقوق بشردوستانه راه اندازی شد و پنج وزارتخانه دفاع، بهداشت، امور

خارج، دادگستری و کشور در این کمیته نماینده دارند. جلسات کمیته، هر سه ماه یک بار تشکیل شده و فعالیت‌های آن به تصویب می‌رسد.



در انتهای برنامه نیز بازدیدکنندگان از کتابخانه دبیرخانه کمیته که یکی از کامل‌ترین کتابخانه‌های موجود در زمینه حقوق بشردوستانه است، دیدن کردند که تعدادی کتاب که مورد نظر بعضی از شرکت کنندگان بود به ایشان اهداء و تعدادی کتاب نیز به امانت گرفته شد. این بازدید علمی با صرف ناهار به پایان رسید.

این برنامه که منجر به آشنایی دانش‌پژوهان با دو کتابخانه غنی در زمینه حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردید، با استقبال خوبی از سوی دانشجویان مواجه شد و به همین دلیل کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد در نظر دارد بازدیدهای مشابهی را برگزار نماید. اطلاعات مربوط به این بازدیدها از طریق پایگاه انجمن به اطلاع علاقمندان خواهد رسید.

بخش چهارم:

مشارکت

مشارکت در برگزاری مرحله مقدماتی مسابقات موت کورت در سال ۲۰۱۴

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

قق عدالت و مبارزه با بی کیفری (Impunity) مهمترین هدف حقوق بین الملل کیفری است که برای دست یابی به آن تلاش‌های مستمر و فراوانی در سطح جامعه بین المللی صورت گرفته است. برگزاری مسابقه‌های شبیه سازی دیوان بین المللی کیفری و آشنا کردن دانشجویان حقوق با چگونگی رسیدگی در دیوان به صورت عملی (Clinical)، اقدامی است در راستای رسیدن به این هدف.

امسال نیز دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران با همکاری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه و موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، هفتمین دوره مسابقات ملی شبیه سازی جلسات محاکمه دیوان بین المللی کیفری (موت کورت) یادواره هانری دونان را در روز پنجشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۴ در محل سالن اجتماعات مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر در تهران برگزار کردند.

مراسم با قرائت آیاتی از قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران شروع شد. پس از آن دکتر پوریا عسکری (مشاور حقوقی کمیته بین المللی صلیب سرخ) ضمن سلام و خوش آمدگویی و ابراز خوشحالی نسبت به سطح علمی بالای شرکت کنندگان، در ارتباط با شیوه برگزاری مسابقات توضیحاتی ارائه دادند و افزودند در این مسابقات، یک پرونده فرضی مربوط به حقوق بین المللی کیفری در اختیار تیم‌های شرکت کننده قرار گرفته است. این تیم‌ها در مقابل تیم قضات که از استادان برجسته حقوق کشور هستند، یک بار در مقام دادستانی و یک بار دیگر در مقام وکیل مدافع متهمان فرضی قرار می‌گیرند. دانش و معلومات حقوقی در کنار نحوه ارائه و نیز نوآوری‌ها و مسائل روان شناختی چون اعتماد به نفس و نیز مهارت بر زبان انگلیسی برای موفقیت در چنین شبیه سازی ضروری است و هر کدام از این موارد دارای نمره هستند. مسابقات این دوره با حضور ۱۱ تیم متشکل از گروه‌های سه نفره از دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، دانشگاه تهران، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، دانشگاه بوعلی سینا، دانشگاه امام صادق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی و دانشگاه آزاد واحد دامغان، برگزار شد. این تیم‌ها در مقابل دو محکمه، یکی در محل سالن همایش و دیگری در سالن موزه مجتمع توانبخشی جمعیت هلال احمر به رقابت پرداختند.

دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر باقرشاملو (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر علیرضا کاظمی (معاون بین الملل وزارت دادگستری) و دکتر سیاه رستمی (استاد دانشکده هلال احمر) به عنوان هیات قضات دادگاه اول حضور داشتند. دکتر علی خالقی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر سید حسین سادات میدانی (استاد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه)، دکتر فاطمه کیهانلو (استاد دانشگاه آزاد واحد کرج) و دکتر صادق سلیمی (عضو هیات علمی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی) نیز ترکیب هیات قضات دادگاه دوم را شکل می‌دادند.

این مسابقات با معرفی ۴ تیم برتر با اهدای جوایز و دریافت گواهی شرکت در این مسابقات به شرکت‌کنندگان به پایان رسید. تیم اول از دانشگاه شهید بهشتی، تیم دوم از دانشگاه علامه طباطبائی و تیم سوم و چهارم نیز از دانشگاه شهید بهشتی بودند.

آقای محمد علی عبداللہی به عنوان بهترین ارائه‌کننده (Mooter) و خانم نیکزاد به عنوان بهترین پژوهشگر (Researcher) انتخاب شدند. همچنین یک تیم نیز به عنوان بهترین ارائه‌دهنده لایحه و کیفرخواست (Memorial) که با نظارت دکتر سید قاسم زمانی و دکتر هیبت اله نژندی منش صورت می‌گرفت، انتخاب شد.

در ادامه می‌توانید تصاویر منتخب مربوط به این دور از مسابقات را مشاهده فرمایید





www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد



www.iauns.org



انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

مشارکت در هفته ترویج علم

انجمن ترویج علم ایران، انجمنی علمی است که تحت پوشش کمیسیون انجمن‌های علمی کشور فعالیت می‌کند. این انجمن مفتخر است که در سال ۱۳۹۴ برای شانزدهمین دوره متوالی «جایزه ترویج علم ایران» را به بهترین و خلاقانه‌ترین کوشش‌هایی که از سوی معلمان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان، مترجمان، پژوهشگران، مروجان علم، برنامه‌سازان و فعالان رسانه‌ای، فعالان زیست‌محیطی، دانشجویان، استادان دانشگاه، سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و حامیان مالی، رسانه‌ها، مدارس، نهادها، ناشران، مراکز علمی، سایت‌ها، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، انجمن‌های علمی، فرهنگ‌سراها، نشریات، سازمان‌های مردم‌نهاد و همه افراد حقیقی و حقوقی دیگر، اعم از انتفاعی، غیرانتفاعی، دولتی و غیر دولتی، در راه ترویج علم صورت گرفته، اهداء کند.

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد یکی از همکاران انجمن ترویج علم ایران در برگزاری هفته ترویج علم بود.

حامیان هفته ترویج علم



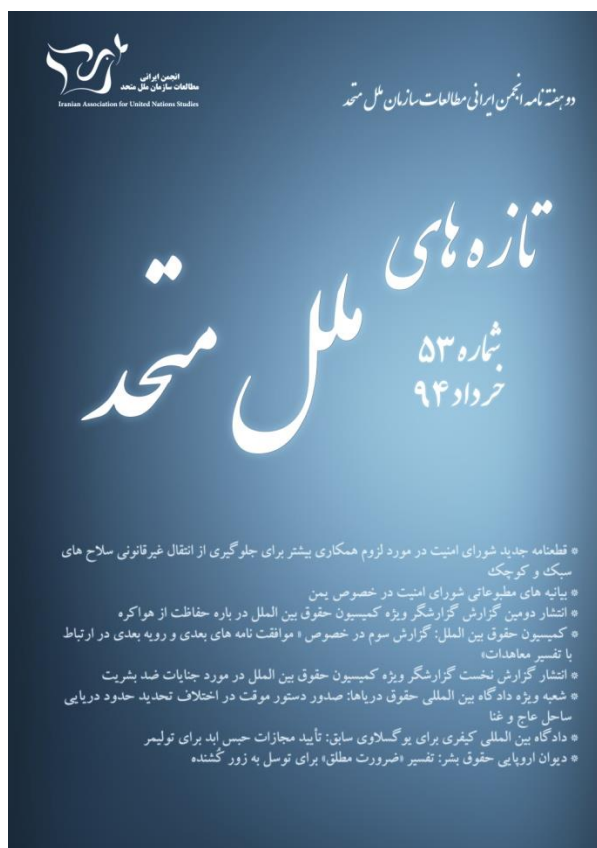
بخش پنجم:

امکانات

انتشار دوهفته نامه تازہ های ملل متحد

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

با توجه به لزوم بازتاب فعالیت‌های سازمان ملل متحد که علی‌رغم اهمیت نظام ملل متحد، توجه چندانی به آن در برنامه‌های دانشگاهی، نشریه‌های علمی و کتاب‌های تألیفی صورت نپذیرفته است و مشکلاتی را در این زمینه برای دانشجویان، محققان و پژوهشگران ایجاد کرده است؛



با اذعان بر اینکه تحت پوشش قرار دادن اخبار ملل متحد از یک سو به دلیل گسترش حوزه فعالیت‌ها و از سوی دیگر به دلیل پویایی نظام ملل متحد در قالب یک فصل‌نامه و یا دو ماهنامه امکان پذیر نیست.

و با عنایت به بند ۶ ماده ۵ اساسنامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد که انتشار کتب و نشریات علمی را در زمره اقداماتی قرار داده است که انجمن به منظور گسترش و پیشبرد و ارتقای علم و توسعه کیفی نیروهای متخصص و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های مرتبط با نظام ملل متحد می‌تواند به آنها متوسل شود؛

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد تصمیم به انتشار نشریه‌ای با عنوان «تازه‌های ملل متحد» گرفت که هر دو هفته یکبار منتشر شده و در آن به شکل تحلیلی به بررسی

آخرین اخبار مهم و مرتبط با ملل متحد پرداخته می‌شود تا از این طریق خلاء ناشی از عدم توجه به نظام ملل متحد به شکلی مناسب بر طرف گردد.

تازه‌های ملل متحد که اولین شماره آن در آبان ۹۱ و به ابتکار و همت جناب آقای حسن کمالی‌نژاد منتشر شد و تاکنون ۵۳ شماره از آن بر روی پایگاه اینترنتی انجمن قرار گرفته است دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از سایر نشریه‌های مشابه متمایز می‌کند:

۱. این نشریه یک نشریه محض خبری نیست بلکه ضمن بازتاب اخبار ملل متحد و آژانس‌های تخصصی و سازمان‌های وابسته به آن، در پی ارائه تحلیلی شفاف و دقیق از این اخبار است که بر پایه دانش حقوقی هیأت تحریریه که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ممتاز گرایش‌های مختلف حقوق بین‌الملل، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌باشند، استوار است. ضمن اینکه بازبینی و تأیید محتوای این نشریه بر عهده یکی از استادان مطرح حقوق بین‌الملل است تا بدین طریق کیفیت مطالب ارائه شده و تحلیل‌های صورت گرفته کنترل شود. از این‌رو، تازه‌های ملل متحد ضمن داشتن جنبه خبری، دارای جنبه علمی و تحلیلی نیز است.

۲. با توجه به دغدغه‌های انجمن در خصوص ارائه راهبردهایی در رفع چالش‌ها و مسائل کشور، در هر شماره از تازه‌های ملل متحد سعی می‌شود تا حد امکان به آن دسته از مسائل نظام ملل متحد که با ایران نیز در ارتباط است پرداخته شود.

۳. با توجه به اینکه یکی از مشکلات دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله و در ادامه پیدا کردن منابع معتبر می‌باشد، تازه‌های ملل متحد به دلیل بررسی موضوعات روز و مبتلا به جامعه بین‌المللی بطور عام و مسائل مرتبط با ایران بطور خاص و همچنین درج لینک مستقیم به منابعی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مرجع مناسبی برای انتخاب موضوع پایان‌نامه و رساله و گردآوری منابع معتبر می‌باشد. تقدیر و تشکر از عوامل تازه‌های ملل متحد که در رویدادهای مختلف از سوی دانشجویان و پژوهشگران صورت می‌گیرد و همچنین آمار بازدید از صفحات مرتبط با تازه‌ها در پایگاه اینترنتی انجمن، گواهی بر این ادعا می‌باشد.

۴. یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد تازه‌های ملل متحد، نظم در انتشار این نشریه است که فرآیندی پیچیده به حساب می‌آید. علت این پیچیدگی بدین خاطر است که این فرآیند شامل گزینش اخبار، ترجمه اخبار و اسناد، تحقیق و تحلیل مطالب، بازنگری نهایی توسط یکی از استادان مطرح و ویرایش متن نهایی می‌شود و تمام این فرآیند در مدت کمتر از ۱۵ روز صورت می‌گیرد تا نشریه در زمان مقرر که پانزدهم و سی‌ام هر ماه می‌باشد، بر روی پایگاه اینترنتی انجمن قرار گیرد.

بخش ششم:

بزرگداشت یادبود

بزرگداشت یاد و خاطره استاد مسعود طارم‌سری

تهیه و تنظیم: کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری موسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در راستای تکریم اصالت اخلاق و علم و این بار به یاد شادروان استاد مسعود طارم‌سری، نشستی با سخنرانی خانم دکتر زهرا شاکری –عضو هیئت علمی موسسه حقوق تطبیقی– برگزار نمود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت یاد و خاطره استاد محمود صور اسرافیل

تهیه و تنظیم: اعظم پازدار

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی با هدف تکریم اصالت اخلاق و علم، سخنرانی سالانه بزرگداشت شادروان «استاد محمود صور اسرافیل» را با حضور سرکار خانم دیدخت صادقی حقیقی – عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی – و با عنوان «تحول در اصل عدم مداخله» در روز سه شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۴ برگزار نمود.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بزرگداشت سالیاد شادروان دکتر هوشنگ مقتدر

تهیه و تنظیم: علیرضا رنجبر

کمیته دانشجویی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به مناسبت سالیاد شادروان دکتر هوشنگ مقتدر، جلسه «معرفی و دوباره خوانی کتاب حقوق بین‌الملل عمومی» تألیف این استاد حقوق و سیاست بین‌الملل را در چهارشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۴ (سالروز وفات دکتر مقتدر) برگزار کرد.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه بفرمایید.

بخش، مضموم:

تقدیر و تسکیر

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

بدون شک برگزاری طیف وسیعی از برنامه‌های انجمن بدون همکاری و همیاری نهادهای مختلف و مسئولین ارجمند آنها و همکاران محترم ایشان میسر و مقدور نبود. از این‌رو، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد وظیفه خود می‌داند که از نهادهایی که در طول سال ۱۳۹۴ در برگزاری برنامه‌های انجمن، همکار و همیار ما بودند، صمیمانه تشکر و قدردانی نماید.

همچنین سپاسگزار همکاران و همیاران انجمن هستیم که در طول سال ۱۳۹۴ بدون ذره‌ای چشمداشت، همواره یار و یاور انجمن در برنامه‌های مختلف بوده‌اند و از درگاه خداوند متعال برای ایشان آرزوی توفیق روزافزون داریم.

نهادهای همکار در سال ۱۳۹۳ (به ترتیب حروف الفبا)

		
خانه اندیشمندان علوم انسانی	دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه	انجمن ترویج علم ایران
		
دفتر نمایندگی کمیته بین المللی صلیب سرخ در تهران	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز عالی مطالعات بین المللی	دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه
		
مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری	مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران	دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق

مراسم سپاس از نهادها و همیاران انجمن به مناسبت هفته معلم

تهیه و تنظیم: فاطمه یآوری

انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، نشست تخصصی شناسایی حقوق بین الملل عرفی از دیدگاه کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد را همراه با مراسم سپاس از نهادها و همیاران انجمن در هفته بزرگداشت مقام معلم، در روز چهارشنبه ۰۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ برگزار کرد.

گزارش کامل این نشست را می‌توانید از قسمت رویدادهای عمومی مطالعه فرمایید.

یاوران همراه انجمن در سال ۱۳۹۴

اعظم پازدار

کارشناس علوم سیاسی دانشگاه تهران

- مسئول دفتر انجمن

- مسئول روابط عمومی

- گزارشگر انجمن



علیرضا رنجبر

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

- همکار انجمن

- مدیر سایت انجمن

- گزارشگر انجمن



حسن کمالی نژاد

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

- نویسنده و ویراستار تازه‌های ملل متحد



نسیم زرگری نژاد

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

- نویسنده و ویراستار تازه‌های ملل متحد



علی گرشاسبی

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

– نویسنده و ویراستار تازه های ملل متحد

نسیم ارغنده پور

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

– نویسنده و ویراستار تازه های ملل متحد



ناصر سرگران

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه تهران

– رئیس کمیته دانشجویی انجمن

– گزارشگر انجمن

– نویسنده تازه های ملل متحد



پریا دانایی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

- عضو کمیته دانشجویی انجمن

- گزارشگر انجمن



فاطمه یآوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

- عضو کمیته دانشجویی انجمن

- گزارشگر انجمن



پریناز توفیقی

دانشجو کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران

- عضو کمیته دانشجویی انجمن

- گزارشگر انجمن



خدایار سعید وزیری

کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

- گزارشگر انجمن



سنا عزیززاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی^(ه)

- همیار انجمن



مهدی قاسمی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

- همیار انجمن

- گزارشگر انجمن



سحر تفرشی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

- همیار انجمن

- گزارشگر انجمن